

به نام خدا
فصلنامه پژوهش حسابداری
سال هشتم، شماره ۴ (پیاپی ۳۱)، زمستان ۱۳۹۷

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سردبیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

هیأت تحریریه:

پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سید علی حسینی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

حمید حقیقت، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

ولی خدادادی، دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

سید احمد خلیفه سلطانی، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

محمد کاشانی پور، دانشیار دانشگاه تهران

غلامرضا کردستانی، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

بیبا مشایخی، دانشیار دانشگاه تهران

مهناز ملا نظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

کاوه مهرانی، دانشیار دانشگاه تهران

اعظم ولی‌زاده لاریجانی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه‌آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نامبر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

تحقیق‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که تحقیق‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم تحقیق به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل تحقیق

تحقیق در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان تحقیق ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی تحقیق ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی تحقیق و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت تحقیق‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن تحقیق از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار تحقیق

۲-۱. صفحه جلد تحقیق: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل تحقیق؛
- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۲-۲. **صفحه اول تحقیق:** عنوان و چکیده تحقیق به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف تحقیق، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای تحقیق:** این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً تحقیق‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای تحقیق را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های تحقیق؛
- روش تحقیق (شامل: روش تحقیق، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های تحقیق (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های تحقیق‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با تحقیق‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای تحقیق‌های آتی با توجه به محدودیت‌های تحقیق یا چگونگی توسعه تحقیق حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن تحقیق از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن تحقیق به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **تحقیق:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا تحقیقی که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره) ۱ () تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها است با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

عناوین معادل انگلیسی

BSc.	کارشناس
MSc. Student	دانشجوی کارشناسی ارشد
MSc.	کارشناسی ارشد
Ph. D. Student	دانشجوی دکترا
Ph. D.	دکترا
Assistant Prof.	استادیار
Associate Prof.	دانشیار
Prof.	استاد

* تحقیق‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش تحقیق‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش تحقیق‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و تحقیق‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب تحقیق به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال تحقیق باشد. ۱۳۹۱ تحقیق‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ تحقیق، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال تحقیق از ویرایش فنی و ادبی تحقیق و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* تحقیق‌های تحقیقی به تحقیق‌هایی گفته می‌شود که از پروژه تحقیقاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

- اهمیت و اثرات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری چیست؟..... ۱
غلامرضا سلیمانی امیری، ماندانا طاهری، یاسین امینی
- مروری بر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری: کاربردها و نقاط ضعف و قوت ۳۵
بهمن بنی مهد، مهدی عربی، شیوا حسن پور، شاهرخ بزرگمهریان
- بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها ۶۸
کاوه قادری، صلاح‌الدین قادری
- بررسی چسبندگی هزینه‌های تعهدی در مقابل هزینه‌های نقدی ۹۰
مجید آذرپور، ثریا ویسی حصار
- بررسی تأثیر کیفیت کمیته حسابداری بر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت ۱۱۲
زهره حاجیها، حسین رجب‌دُری
- بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۱۳۲
مهرداد قنبری، کاوه پرندین
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها: مفاهیم، ابعاد، نظریه‌ها و مروری بر مدل‌های آن ۱۵۲
نظام‌الدین رحیمیان، مرتضی کاظم‌پور
- بررسی واکنش سود در شرکت‌هایی با راهبردهای کسب و کار ناهمگون.. ۱۷۶
وحید بخردی نسب، فاطمه ژولانژاد

اهمیت و اثرات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری چیست؟

غلامرضا سلیمانی امیری^۱، ماندانا طاهری^۲، یاسین امینی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۳۰

چکیده

چالش جهانی محیط‌های تجاری، نیاز به حسابداران و مدیرانی را ضروری نموده است که از مسائل پیچیده مالی بین‌المللی مطلع باشند و دانش و اطلاعات مرتبط با حل مسائل روبه‌رشد تجارت، مباحث مالی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی را داشته باشند. در حال حاضر مطالعه حسابداری بین‌المللی، چالش‌ها و مزایای آن مسئله قابل توجهی محسوب می‌شود و حسابداران برای ایجاد مجموعه یکسانی از استانداردهای بین‌المللی حسابداری قابل استفاده برای تمام شرکت‌ها و سازمان‌ها، اقدامات قابل توجهی را انجام داده‌اند، اما سوال این است که تا چه میزان باید به سمت همگرایی و یکسان‌سازی بین‌المللی پیش رفت و هزینه‌های این انتخاب چیست. در این مقاله با بررسی ادبیات مالی و حسابداری حول محور پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری یا تغییر استانداردهای ملی به استانداردهای بین‌المللی به بررسی اثرات شناخته و ناشناخته این رویداد پرداخته و هدف از ارائه آن، توسعه و ارتقا دانش نسبت به اثرات همگرایی و یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری است.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی حسابداری، همگرایی و یکسان‌سازی، اثرات شناخته و اثرات ناشناخته.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.19713.1387

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، (gh_soleimani@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (taherim66@yahoo.com)

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران، تهران، ایران، (yasin.amini@gmail.com)

مقدمه

رشد تجارت و پیچیدگی‌های محیط اطلاعاتی اقتصاد کلان، تقاضا برای اطلاعات قابل فهم و قابل مقایسه را به ضرورتی جدا نشدنی از توسعه بازارهای مالی تبدیل کرده است. در حال حاضر، هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری با ایفای نقش قانون‌گذار به تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی می‌پردازد که مورد پذیرش بین‌المللی است. پذیرش بین‌المللی به توسعه و کاربرد استانداردهای بین‌المللی کمک بسزایی داشته است و بر همین اساس هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری هدف غایی خود را افزایش شفافیت، پاسخگویی و کارایی بازارهای مالی در سراسر جهان بیان نموده است. در ایران نیز همسو با سایر کشورها برای برقراری تعاملات بین‌المللی تجاری و مالی، نیاز به بستر مناسب است که این مهم با پیاده‌سازی و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخصوص در صنعت بانکی در حال فراگیر شدن می‌باشد که بخش عمده تامین مالی و بازارهای مالی در ایران را در اختیار دارد. در این ارتباط بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار، همسو با تغییرات جهانی، الزاماتی را برای انتشار صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی برای بانک‌ها و بیمه‌ها قائل شده‌اند. در حال حاضر، هدف اصلی از این اقدام، پیاده‌سازی چارچوب و ادبیات گزارشگری مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری و ارتقای رتبه شفافیت گزارشگری بخصوص در مباحثی چون ابزارهای مالی، افشای ریسک و اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی‌های مالی بانک‌ها است. در این ارتباط گام اول انتشار صورت عملکرد سپرده سرمایه‌گذاری به منظور ارائه عملیات مشاع بانک و پاسخگویی بانک به سپرده‌گذاران بود و گام دوم که در حال حاضر در حال اجرا می‌باشد تهیه و تنظیم صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری است که حاوی تغییرات خاص و گسترده‌ای در راستای ارتقای شفافیت و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی است و از مهمترین این تغییرات می‌توان به افشای اطلاعات و گزارش مباحثی چون افشای اطلاعات ارزش منصفانه دارایی‌های مالی و افشا و گزارش ریسک در بانک‌ها اشاره نمود که تا پیش از این امری بی‌سابقه بوده است. همگام با این تغییر و تحولات و الزامات بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در مطالعه تطبیقی بین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و استانداردهای ملی، وجوه افتراق را در چهار طبقه دسته‌بندی نموده‌اند که شامل: (۱) استانداردهای بین‌المللی که تقریباً با استانداردهای ملی مطابقت دارند. (۲) استانداردهای بین‌المللی که معادل ملی ندارند. (۳) استانداردهای بین‌المللی که تجدیدنظر شده‌اند و (۴)

استانداردهای ملی که معادل بین‌المللی ندارند، می‌شود. بررسی استانداردهای هر دسته نشان می‌دهد که عمده تغییرات در تهیه و تنظیم صورت‌های مالی بانک‌ها منطبق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری در دسته دوم قرار دارند که مباحثی چون قراردادهای بیمه، ابزارهای مالی: موارد افشا، نحوه ارائه و شناسایی و اندازه‌گیری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه را شامل می‌شوند که تا قبل از این نیز افشا نشده و یا به عبارتی معادل ملی ندارند. بنابراین با توجه به حجم تغییر و تحولات در افشا و گزارشگری در صنعت بانکی بررسی مزایا و چالش‌های افشا و گزارشگری منطبق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری قابل توجه خواهد بود.

پیشینه تحقیق

ژانگ و ین (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان چارچوب‌های تئوریک برای اثرات غیرمنتظره اطلاع استانداردهای حسابداری، با بیان آنکه اصلاح و تغییر استانداردهای ملی به بین‌المللی بر گزارشگری مالی و بازار سرمایه اثرات مشخص مورد انتظار و غیر انتظاری دارد به تبیین و ارائه چارچوبی برای پوشش این اثرات منطبق با آنچه که در تحقیقات انجام شده است می‌پردازد. نکته قابل توجه آن است که شناسایی چارچوب دقیق اثرات بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری در یک کشور و تغییر و اصلاح استانداردهای مالی به اندازه‌ای حائز اهمیت است که تا کنون تحقیقات زیادی با هدف ارائه چارچوب و شناسایی این اثرات انجام شده است.

برخی از تحقیقات همچون سان و لیو (۲۰۱۳)، چن و همکاران (۲۰۱۱) هایل و همکاران (۲۰۱۰) نتایج بکارگیری و اثرات اقتصادی بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورها را مورد توجه قرار داده و البته در این تحقیقات بر اثرات مشخص و مورد انتظار تاکید شده و تقریباً اکثر این تحقیقات اثرات نامشخص اقتباس و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی را نادیده گرفته‌اند که این مساله خود دلیلی بر ایجاد شکاف در تدوین و طراحی چارچوب نظری به‌منظور درک اثرات متنوع و متفاوت اصلاحات و تغییرات استانداردهای بین‌المللی حسابداری بوده است.

از سوی دیگر بیوندی و سوزوکی (۲۰۰۷)، اولین نقشه یا تصویر ممکن اکتشافی اثرات نامشخص و غیرمنتظره از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری را ارائه دادند که این نقشه اثرات اقتصادی پس از اعمال و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و تغییر

استانداردهای داخلی نامیده شد. در این تحقیق، آنها اثرات اقتباس استانداردها را بر سهامداران و وضعیت اقتصادی - اجتماعی مورد کنکاش و بررسی قرار داده‌اند. در این بررسی، آنها به دنبال درک بهتر و بیشتر اثرات ناشناخته بوده، اما در نهایت تعریف یا تمایز گذاری مشخص و دقیقی بین اثرات مشخص و نامشخص اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری به گونه‌ای که منجر به چارچوب حسابداری برای تبیین اثرات ناشناخته باشد، ارائه نشده است.

بروگمان و همکاران (۲۰۱۳)، شکاف بین نتایج شناخته و ناشناخته، بکارگیری استانداردها را از نگاه مقررات گذاران مورد بررسی قرار داده است. آنها نیز دریافتند که ادبیات تحقیقی در حوزه اثرات ناشناخته استانداردها هنوز مبتدی و در اول راه است. تعریف آنها از اثرات شناخته و ناشناخته بر اساس ایجاد فاصله بین اطلاعات (یا ارزشگذاری) و قراردادهای (یا نقش مقررات گذاری و نظارت) در نظریه‌های حسابداری بوده است.

کریم جمال و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان پتانسیل استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای شرکت‌های آمریکایی، ۵ مورد را جهت پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در آمریکا طرح نمودند. اول آنکه حق انتخاب استفاده از استانداردهای ملی یا بین‌المللی با هدف ایجاد همگرایی بین‌المللی باید به شرکت‌ها واگذار شود. دوم آنکه قوه درک حساب‌رسان برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی باید افزایش یابد. سوم آنکه باید پذیرفت که همگرایی بین سازوکارهای مالی و استانداردهای بین‌المللی و تمام مقررات موجود در یک کشور امکان‌پذیر نیست. چهارم آنکه جهت ایجاد همگرایی باید یادداشت‌های توضیحی مطابق با استانداردهای ملی به یادداشت‌های توضیحی مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری برای برقراری همگرایی تغییر و تعدیل نماید. در نهایت آنکه نظرات کارشناسان، متخصصین و افراد حرفه‌ای در خصوص پیامدهای مطلوب و یا نامطلوب این تغییر باید بررسی شود.

در ایران تحقیقات کمی در خصوص اثرات بکارگیری و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و گزارشگری مالی انجام شده است که در همین تحقیقات عموماً به نظرسنجی از خبرگان دانشگاهی و حسابرسی جهت پوشش اثرات، چالش‌ها، مزایا و معایب پیاده‌سازی اکتفا شده است.

رحمانی و علیپور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان موانع پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران با استفاده از ابزار پرسشنامه و بین دو گروه افراد حرفه‌ای و خبره حسابداری و اعضای دانشگاهی به شناسایی موانع پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران پرداخت. نتایج این بررسی حاکی از شناسایی ۱۰ عامل شامل عدم آموزش استانداردهای بین‌المللی در دانشگاه‌ها، عدم حضور موثر در جوامع حرفه‌ای حسابداری و بازارهای مالی، عدم گسترش بازار سرمایه به‌عنوان یک بورس بین‌المللی و موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، سیستم و قوانین مالیاتی کشور، پایین بودن سطح مبادلات بین‌المللی به خصوص از لحاظ تامین منابع مالی، نگرانی از عدم درک کامل ذینفعان ناشی از تغییرات، فقدان زیرساخت‌های اقتصاد توسعه‌یافته، ساختار سرمایه و مالکیت در کشور، فقدان آشنایی حسابداران، استفاده‌کنندگان و حسابرسان با استانداردهای بین‌المللی حسابداری، نفوذ شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها در کشور را شناسایی نمودند.

مهام و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان بررسی مزایا و معایب پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌عنوان استانداردهای حسابداری ایران به بررسی مزایا و معایب پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری پرداخته‌اند. جامعه آماری این بررسی حسابداران رسمی شاغل در موسسات حسابرسی معتمد سشازمان بورس اوراق بهادار تهران و اعضای هیات علمی دانشگاه‌های تهران و ابزار بررسی پرسشنامه بوده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مزایای استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری از معایب آن در ایران بیشتر است.

حجازی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان اثرات پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی در بعد اقتصادی بر محیط ایران، با روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری نظرات دانشگاهیان، حسابرسان و حسابداران در رابطه با اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری پرداختند. برای این منظور آنها برای اثرات اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران ۱۸ قلم را شناسایی نمودند که در این مقاله مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اثر اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بر محیط ایران تایید می‌شود و علاوه بر آن به استثنای حسابداران و حسابرسان تفاوت معناداری بین اظهارنظر پاسخ‌دهندگان در این خصوص وجود ندارد.

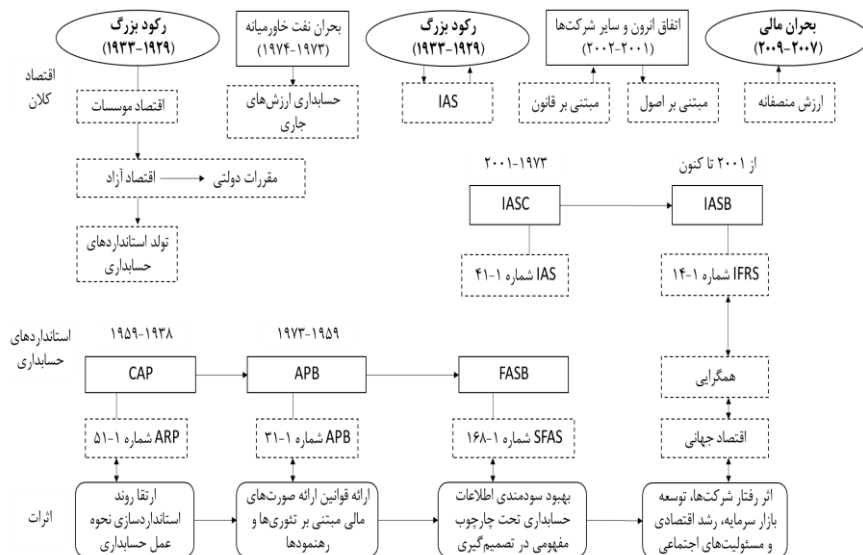
گراوند (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان همگرایی بین‌المللی و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به بررسی پذیرش و چالش‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هماهنگ‌سازی با استانداردهای ملی حسابداری پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موجب تسهیل سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی شده است و پذیرش استانداردهای بین‌المللی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، شفافیت و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی را افزایش داده است. همچنین پذیرش استانداردهای بین‌المللی توان کاهش هزینه‌های تطبیق، هزینه دسترسی به اطلاعات بازارهای سرمایه و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را دارد. از سوی دیگر استفاده از ارزش منصفانه و بکارگیری آن در تهیه صورت‌های مالی منطبق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، شرایط اقتصادی و سیاسی نامشابه و عدم حفظ منافع همه گروه‌های ذی‌نفع از مهمترین چالش‌های پیاده‌سازی این استانداردها می‌باشد.

هدایتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی نیازهای آموزشی جامعه حسابداران رسمی ایران در ارتباط با پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران با استفاده از ابزار پرسشنامه، ۲۵۳ پرسشنامه از حسابداران رسمی ایران با هدف بررسی نیازهای آموزشی آنها جمع‌آوری نمودند. نتایج این بررسی نشان داد که نیازهای آموزشی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بر اساس سطح تحصیلات، آموزش و تجربه پیشین کار کردن با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بین افراد پاسخ‌دهنده متفاوت است. علاوه بر آن سرفصل‌های مورد نیاز جهت آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و تفاوت در نیازهای آموزشی در میان زیرمجموعه‌های حرفه‌ای به منظور ایجاد و توسعه سیستم آموزشی هدفمند شناسایی شد.

اهمیت ارائه استانداردهای بین‌المللی حسابداری

هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری از توافق ۱۶ هیات تدوین استاندارد از ۹ کشور (استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، مکزیک، هلند، انگلستان و آمریکا) تشکیل شده است و اولین هدف آن ارتقا و بهبود همگرایی استانداردهای حسابداری در کشورهای مختلف بوده است. در این مسیر، سه روش شامل استانداردهای حسابداری مقایسه‌ای یا توافقی بین کشورهای مختلف طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸، توسعه استانداردهای اصلی و بکارگیری آنها در بازار سرمایه بین‌المللی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ و توسعه استانداردهای بین‌المللی از ۲۰۰۱

تا کنون را پشت سر گذرانده است. تاکید استانداردها در حال حاضر، روش مبتنی بر اصول است که منجر به همگرایی و سازگاری مقررات در سطح بین‌المللی می‌شود و در این ارتباط مفهوم همگرایی را به‌منظور رسیدن به مفهوم توافق جامع توسعه و هدف قرار داده است. دستیابی به این هدف ارزشمند است، اما با بحران‌های مالی بین‌المللی رخ داده و آخرین آن در سال ۲۰۰۷ که کل سیستم اقتصادی آمریکا و سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داد، تدوین استانداردهای بین‌المللی و بکارگیری آن به چالش تبدیل شده است. برای رفع این چالش، هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری برخی استانداردهای جدید را با محتوایی چون نقصان‌داری‌ها، اندازه‌گیری ارزش منصفانه و ابزارهای مالی ارائه نموده است که نقش مثبتی در برقراری ثبات در بازارهای مالی، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش بحران‌های مالی بعدی خواهند داشت، تا زمانی که در بحران خود را نشان دهند. نمودار ۱ بررسی اجمالی بر اصلاحات استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد.



منبع: زانگ و ین (۲۰۱۶)

نمودار (۱): مروری بر اصلاحات و تغییرات تدوین استاندارد (از اولین بحران تا کنون)

نمودار ۱ نشان می‌دهد در زمان رخ دادن بحران مالی و اقتصادی، اصلاحات به‌منظور رفع نواقص انجام شده است. به عبارتی خود استانداردهای موجود بازدارنده بحران نبوده و پس از

رخداد بحران خود نیاز به اصلاح و بازنگری داشته‌اند. از مهمترین اصلاحات انجام گرفته می‌توان به سقوط بزرگ بازار آمریکا طی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ اشاره نمود که در نتیجه آن استانداردهای حسابداری ایجاد شد. همچنین طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ و بحران نفت منطقه خاورمیانه نیز قابل توجه است که در نتیجه آن روش اندازه‌گیری حسابداری ارزش‌های جاری ارائه و بحران مالی آسیا (۱۹۹۷-۱۹۹۸) که ضرورت ارائه استانداردهای بین‌المللی حسابداری با کیفیت احساس شد. علاوه بر آن بحران اخیر بین‌المللی که نگاه خبرگان مالی و اقتصادی را به سمت اثرات حسابداری بر چشم‌انداز آتی متغیرهای کلان اقتصادی متوجه ساخت، نیز قابل توجه است.

اصلاح و بازنگری استانداردها حاکی از آن است که هدف اولیه تدوین استانداردها و مقررات‌گذاری حسابداری تامین نشده است که ارائه اطلاعات مفید حسابداری برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اطلاعات است. به عبارتی، توسعه بازارهای مالی و همگرایی بین‌المللی میان گروه‌های ذینفع مانع و کاهنده بحران‌های مالی و اقتصادی و اثرات بعدی آن نبوده‌اند، بلکه اصلاح و بازنگری استاندارد معمولاً پس از رخداد بحران انجام شده است. بنابراین این سوال مطرح است که استانداردهای بین‌المللی که در حال اصلاح، تعدیل، بازنگری و انتشار مجدد هستند چه اثرات با اهمیتی برای ارائه دارند؟

پیامدهای اقتصادی

گزارشگری مالی دارای اثرات اقتصادی بسیاری است و پشتوانه این اثرات شواهد تجربی است که آن را تایید می‌کنند. بهترین دلیل برای اثرات اقتصادی، اثری است که گزارشگری مالی بر نقدینگی بازار سرمایه دارد و تحقیقات زیادی به آن پرداخته‌اند. از مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی و در دسترس نبودن اطلاعات در بازار گزینش نادرست است که در نتیجه آن هزینه تجهیز منابع افزایش و یا آنکه سرمایه‌گذاران تمایلی به سرمایه‌گذاری در بازار نخواهند داشت. بنابراین بنگاه‌های مالی و غیرمالی عضو بورس اوراق بهادار با افشا اطلاعات مالی (داوطلبانه یا اجباری) گزینش نادرست را کاهش و موجب افزایش نقدینگی بازار می‌گردند (لوتز و ورچیا، ۲۰۰۰). همچنین افشا و گزارشگری بهتر توان تغییر هزینه سرمایه بنگاه‌ها را دارد. علاوه بر آن افشای بهتر اطلاعات موجب برآورد بهتر ریسک و سهولت برآورد جریان نقدی توسط سرمایه‌گذاران می‌شود. هر اندازه برآورد ریسک بهتر گردد، احتمال کاهش سطح ریسک و به

تبع کاهش بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران، کاهش صرف ریسک و کاهش هزینه تجهیز منابع بیشتر است (لمبرت و همکاران، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸).

تصمیم‌گیری یا تایید و تعدیل تصمیمات اقتصادی

از انگیزه‌های اصلی گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری اقتصادی و تخصیص بهینه منابع توسط سرمایه‌گذاران است. برای اتخاذ تصمیم و تخصیص ضرورت دارد اطلاعات مالی بنگاه‌ها با یکدیگر مقایسه گردد. دی فرانکو و همکاران (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که انگیزه اصلی گزارشگری مالی مقایسه بین بنگاه‌ها است. برای این کار، مجموعه‌ای رویدادهای اقتصادی و مالی بنگاه در صورت‌های مالی ارائه می‌شود. بنابراین از نظر هزینه و سهولت، استفاده از صورت‌های مالی و اطلاعاتی در قالب یکسان و همگرا، فرآیند مقایسه را برای سرمایه‌گذاران ساده‌تر نموده و اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری در اختیار آنها قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه، شیوه یکسان محاسبه سود امکان مقایسه کم یا زیاد بودن سود، ریسک بالا یا پایین و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. مقایسه مناسب و دقیق، نقدینگی بازار را افزایش و هزینه‌های تامین مالی و تجهیز منابع را کاهش می‌دهد.

توسعه سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مشابه با این استدلال مقایسه گزارشگری مالی بین بنگاه‌ها از کشورهای مختلف، سهولت سرمایه‌گذاری و توسعه و ادغام بازارهای سرمایه است (لوئز و شرند، ۲۰۰۹). توسعه بازارهای مالی، سهولت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار خارجی در بهبود نقدینگی بازار سرمایه و بزرگ شدن اندازه سرمایه‌گذاران و در نهایت بر توزیع و تسهیم ریسک و کاهش هزینه‌های تامین مالی اثر مثبت دارد (استولز، ۱۹۸۱). علاوه بر آن، بهبود مقایسه بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد و بر شرایط بنگاه‌ها و نحوه عمل کارا تر و اثربخش تر آنها بخصوص در جذب منابع و مشتری موثرتر است و به بنگاه‌های سرمایه‌گذار در کشور دیگر اجازه استفاده از کمک‌های دولتی کشور را می‌دهد. این مساله بر توسعه ارتباطات و شبکه‌های ارتباطات از طریق صورت‌های مالی موثر است و تحت گزارشگری مالی بین‌المللی امکان برقراری ارتباطات بین‌المللی و ایجاد ارزش برای بنگاه و سرمایه‌گذار می‌گردد. همچنین ایجاد شبکه‌های ارتباط گسترده بر اقتصاد و بهبود متغیرهای اقتصادی، اثر مثبت دارد (میک و سوآن، ۲۰۰۹). با توجه به

این مفروضات تنظیم استانداردهای بین‌المللی حسابداری یکپارچه که امکان ارائه صورت‌های مالی یکسان را به تمام بنگاه‌ها در تمام کشورها بدهد از اصول اولیه برپایی چنین نظم مالی با قابلیت مقایسه است.

توسعه منافع عمومی

اهداف کلی استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسعه منافع عمومی، تنظیم مجموعه‌ای از استانداردها با حداکثر کیفیت، قابل درک و استانداردهایی با بالاترین سطح کیفیت و قابلیت اجرایی در سطح بین‌المللی، شفاف و با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در بازارهای مالی مختلف در سراسر جهان و در نهایت قابل استفاده و مفید در تصمیم‌گیری اقتصادی برای استفاده‌کننده از اطلاعاتی است که بر اساس صورت‌های مالی، تصمیمات سرمایه‌گذاری را اتخاذ می‌نمایند. فراگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری اولین بار از طریق اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد و هدف کلی اتحادیه اروپا همگرایی در ارائه اطلاعات مالی بین بنگاه‌ها و افزایش درجه شفافیت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و در نهایت کارایی و اثربخشی بازار سرمایه و بازارهای داخلی بود. در حال حاضر نیز اطمینان از کیفیت اطلاعات مالی در صورت‌های مالی، از اهداف اصلی هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری است و در این ارتباط بر شفافیت و قابلیت مقایسه اطلاعات تاکید می‌شود. واکنش مستقیم بازار سرمایه نیز به چنین اطلاعاتی بهبود کارایی، اثر بخشی، نقدپذیری بازار، کاهش هزینه سرمایه، افزایش سرمایه‌گذاری و... است و این موارد بر متغیرهای کلان اقتصادی و نرخ بیکاری موثر است. علاوه بر این بهبود اطلاعات اثرات جانبی دیگری بخصوص در بازار پول و بخش بانکی دارد که شامل کارایی قراردادهای بدهی، قرارداد جبران خسارت، بهبود حاکمیت شرکتی و کنترل‌های مدیریتی، ارتقای شفافیت الگوهای عملیاتی بنگاه، هدایت سرمایه‌گذاری‌های بنگاه بر اساس ارزش و در نهایت، ارتقا و بهبود ساختار سرمایه‌گذاری‌های کلان و توسعه الگوی اقتصادی می‌شود (زانگ و ین، ۲۰۱۶).

تدوین الگوهای مالکیتی و مالی

استانداردهای حسابداری هر کشوری انعکاس‌دهنده الگوی مالی و مالکیتی در آن کشور است. همچنین این استانداردها، توان اثرگذاری بر قراردادهای مالی را دارند. در طراحی و انتشار

استانداردهای حسابداری هر کشور، شرایط اقتصادی و بازارهای سرمایه لحاظ شده و با توجه به زیرساخت‌های مالی و میزان توسعه‌یافتگی آن اقدام به تدوین استانداردهای حسابداری مورد نیاز می‌شود. سیستم مالی کشورها متشکل از دو سیستم بازار سرمایه و بازار پول است که بسته به اینکه سیستم مالی چیست، نیازهای مشخص مقرراتی و استانداردگذاری لازم است. در بازار سرمایه، ارائه اطلاعات و شفافیت مالی برای سهامداران بسیار حائز اهمیت است و اگر بازار پول بر اقتصاد حاکم باشد، پیش‌نیازهایی چون اصول حاکمیت شرکتی، شفافیت، عدم‌تقارن اطلاعاتی و پاسخگویی حائز اهمیت است (زانگ و ین، ۲۰۱۶). با توجه به مسائل مطرح شده، سوالی که مطرح می‌شود آن است که اگر در کشوری استانداردهای بین‌المللی حسابداری با شکل و قالبی همگرا و یکسان با سایر کشورها فراگیر شوند (مانند ایران که استانداردهای بین‌المللی حسابداری در حال پیاده‌سازی در سیستم بانکی و بیمه‌ای کشور است) تا چه اندازه این استانداردها، پاسخگوی نیاز همه بنگاه‌ها در همه کشورها است؟ و تا چه میزان این استانداردها اطلاعات مفید ارائه می‌دهند؟ و تا چه اندازه باید به سمت همگرایی و مقررات بیشتر رفت؟

اثرات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

بر اساس گزارش گروه مشاوران تحلیل اثر^۱ در سال ۲۰۱۴ هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری اولین بار واژه اثر را در سال ۲۰۰۹ و به‌عنوان جایگزین هزینه و منفعت بکار برده است. به‌عبارتی منظور از واژه اثر بررسی اثرات متعاقب یا بعدی و واکنش‌ها نسبت به اقتباس و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری است. اثراتی که در نتیجه واکنش به اقتباس استاندارد قابل شناخت یا غیرقابل شناخت است. اثرات شناخته شده به اثرات مورد انتظار در ارتباط با اهداف بکارگیری و اقتباس استانداردها قبل از رخداد، در حین رخداد و پس از آن اشاره دارد. چنین اثراتی نتایج مورد انتظاری هستند که حامیان پیاده‌سازی انتظار چنین واکنش مستقیمی به اقتباس و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری را دارند. اثرات ناشناخته واکنش و نتایجی است که شامل (۱) اهداف تحقق نیافته استانداردهای حسابداری و واکنش آنها، (۲) نتایج متعاقب و واکنش غیرمستقیم پس از دستیابی به اهداف استاندارد، (۳) واکنش و نتایج بعدی که مطابق با اهداف استاندارد مورد انتظار بودند و (۴) واکنش گذشته قبل از دستیابی به اهداف استانداردهای حسابداری است (زانگ و ین، ۲۰۱۶).

تغییر استانداردهای حسابداری ملی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی، نه تنها آثار مشخصی بر گزارشگری مالی و بازار سرمایه دارد، بلکه اثرات دیگری نیز بر قراردادهای بنگاه‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه‌گذاری و وضعیت اقتصادی و جامعه نیز دارد. بر اساس مفاهیمی چون اقتصاد جهانی الزامی برای تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی ایجاد گردید (گائو، ۲۰۱۳). استانداردهای بین‌المللی بر همگرایی بین‌المللی در بیش از ۱۲۰ کشور اثرگذار بوده است که این استانداردها را اقتباس نموده‌اند. نکته قابل توجه آن است که استانداردهای حسابداری دارای نتایج اقتصادی بعدی یا اثرات شناخته و ناشناخته متعاقب است (زف، ۱۹۷۸). به عبارتی تغییر و اصلاح استانداردهای حسابداری اثر مشخصی بر بنگاه‌ها، بازار سرمایه، اقتصاد و منافع گروه‌های ذینفع در کشورها دارد. بنابراین شناخت و درک توسعه استانداردهای بین‌المللی حسابداری حائز اهمیت است. در حال حاضر ادبیات تحقیقی و تجربی بسیاری در رابطه با اثرات بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری و اثرات آن ارائه شده است که در دو دسته تحقیقات خرد و کلان شامل بررسی اثرات مشخص و نامشخص اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورها می‌باشد. با وجود آنکه اکثر این تحقیقات چشم‌انداز و نتایج گاه پراکنده و متفاوت یا کاملاً منطقی را ارائه نموده‌اند، اما در حال حاضر چارچوب نظری منسجم و دقیقی در خصوص اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری و اثرات آن وجود ندارد.

اثرات شناخته شده

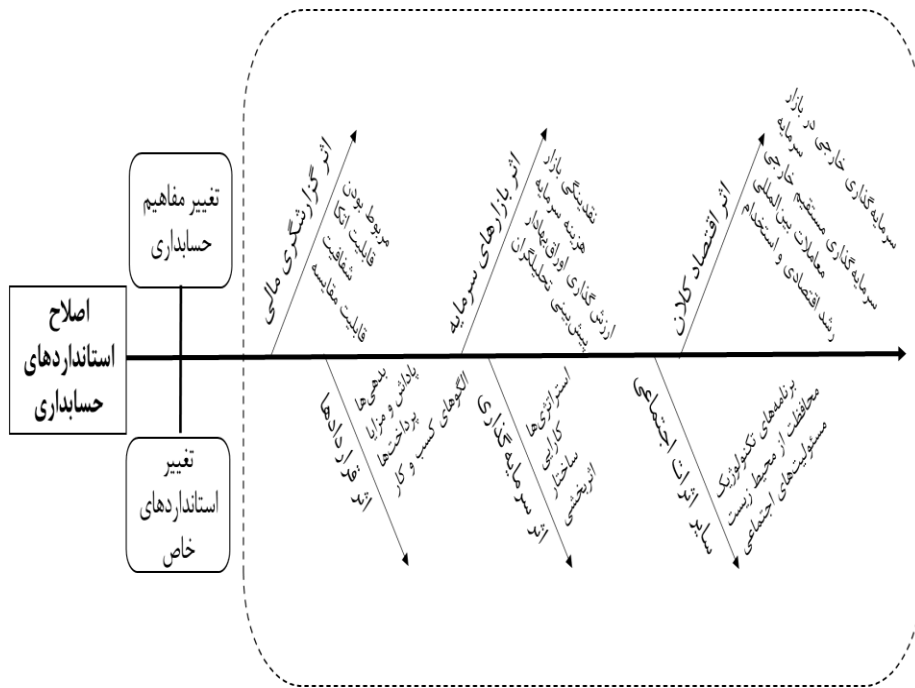
اثرات شناخته شده به اثرات متعاقب مورد انتظار ناشی از گزارشگری مالی، بازار سرمایه و سایر واکنش‌های مستقیم تغییر استانداردهای حسابداری اشاره دارد. بر این اساس تحقیقات بسیاری انجام شده است که تحت مفاهیمی همچون ارزش‌های مربوط (هورتون و سرافیم ۲۰۱۰) و لاندسمن و همکاران (۲۰۱۲)، بهبود قابلیت مقایسه (کازینو و گاسن ۲۰۱۵)، فانگ و همکاران (۲۰۱۵)، بهبود کیفیت یا ضابطه‌مند شدن مدیریت سود (بارس ۲۰۰۸)، اوانس و همکاران (۲۰۱۵)، افزایش توانایی بازار سرمایه در پیش‌بینی بازدهی و سود (هسو و پورجلالی ۲۰۱۵)، بهبود نقدپذیری و نقدینگی بازار سرمایه (گائو و فو ۲۰۱۲)، داسک و همکاران (۲۰۰۸)، کاهش هزینه سرمایه (وانگ و یی ۲۰۱۱)، لی (۲۰۱۰)، داسک و همکاران (۲۰۰۸)،

بهبود دقت پیش‌بینی تحلیلگران و ارزش‌گذاری اوراق‌بهادار (تان و همکاران (۲۰۱۱)، هورتون و همکاران (۲۰۱۳)) و سایر مفاهیم قابل طرح است.

اثرات ناشناخته

اثرات ناشناخته غیرواقعی تحت مفاهیم محافظه‌کاری یا بهنگام بودن زیان شناسایی شده (لیو و زو (۲۰۱۰)، احمد و همکاران (۲۰۱۳)، افزایش مدیریت سود (یی و همکاران (۲۰۰۹) و مائو و دایی (۲۰۰۹))، کاهش دقت پیش‌بینی تحلیلگران (هت و همکاران، ۲۰۱۲)، کاهش مفید بودن اطلاعات حسابداری بخصوص در قراردادهای (کی و همکاران، ۲۰۱۲) و قرارداد بدهی (بال و همکاران (۲۰۱۵)، بیان و همکاران (۲۰۱۳)) است.

ژانگ و یان (۲۰۱۶) با بررسی حجم وسیعی از تحقیقات انجام گرفته در خصوص پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و اثرات آن در کشورهای مختلف، اثر تغییر استانداردهای ملی به بین‌المللی را در قالب موضوعات حسابداری به چند دسته شامل اثرات گزارشگری مالی، اثرات بازارهای سرمایه، اثرات بر قراردادهای، اثرات بر سرمایه‌گذاری‌ها، اثرات کلان اقتصادی و سایر اثرات اجتماعی دسته‌بندی نمودند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت هر اثر دارای نتایج متعاقب یا بعدی مورد انتظاری است که در نتیجه واکنش مستقیم به تغییر استانداردها ایجاد شده است. در این گستره نتایج مورد انتظار و بعدی اصلی ناشی از گزارشگری مالی و بازار سرمایه و بخشی از اثرات قراردادهای و سرمایه‌گذاری‌ها، واکنش مستقیم و سایر موارد اثرات ناشناخته تغییر استانداردها می‌باشند. نمودار ۲ طبقه‌بندی از اثرات شناخته و ناشناخته منطبق با ادبیات تجربی در این حوزه را ارائه می‌دهد.



منبع: زانگ و یین (۲۰۱۶)

نمودار (۲): طبقه بندی اثرات ناشناخته بکارگیری استانداردهای بین المللی حسابداری

اثرات شناخته و ناشناخته بر اساس اهداف استانداردهای حسابداری تقسیم شده اند که این دسته بندی دارای مزایایی به شرح زیر است:

۱. این تفکیک مطابق با خواست مقررات گذار داخلی به او این امکان را می دهد تا دستاوردهای تغییر استانداردهای حسابداری را بر اساس اهداف و سایر جنبه های فرعی مورد انتظار ارزیابی نماید.
۲. به شناخت بهتر هزینه و منفعت تغییر استانداردها از طریق تراز نمودن هر دو طرف اثرات شناخته و ناشناخته کمک می کند.
۳. این تفکیک به شناخت دقیق اهداف استاندارد با توجه به اثرات گسترده بعدی آن کمک می کند.

بیوندی و سوزوکی (۲۰۰۷)، اولین نقشه یا تصویر ممکن اکتشافی اثرات نامشخص و غیرمنتظره از بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری را ارائه دادند که این نقشه اثرات اقتصادی پس از اعمال و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و تغییر استانداردهای داخلی نامیده شد. در این تحقیق از ادبیات تحقیقی موجود برای تبیین بیشتر استفاده نمودند. آنها بیان می‌کنند که اثرات ناشناخته به‌عنوان اثرات متعاقب که از توسعه تغییر استانداردهای داخلی و تبدیل آن به استانداردهای بین‌المللی بوده باشد، نبوده و این تغییر کمترین اثر را داشته است.

بروگمان و همکاران (۲۰۱۳)، شکاف بین نتایج شناخته و ناشناخته، بکارگیری استانداردها را از نگاه مقررات‌گذاران مورد بررسی قرار داده است. آنها نیز دریافتند که ادبیات تحقیقی در حوزه اثرات ناشناخته استانداردها هنوز مبتدی و در اول راه است. تعریف آنها از اثرات شناخته و ناشناخته بر اساس ایجاد فاصله بین اطلاعات (یا ارزشگذاری) و قراردادهای (یا نقش مقررات‌گذاری و نظارت) در نظریه‌های حسابداری بوده است. در این بررسی، آنها سه محدودیت را شناسایی نمودند. محدودیت اول نگاه قانون‌گذار و تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری به استانداردهای بین‌المللی در اتحادیه اروپا و استرالیا در مقایسه با سایر کشورها و کشورهای در حال توسعه است که بسیاری از دستورالعمل‌ها را نادیده می‌انگارند. محدودیت دوم تفاوت و تفکیک نقش اطلاعاتی از قراردادی در حسابداری است که کاملاً و به‌طور مستقیم به اثرات شناخته و ناشناخته بکارگیری استانداردها مرتبط است. هر چند که این رابطه بین ارزش‌ها و نظارت مفید حسابداری مالی پیچیده‌تر است. برخی از تحقیقات در بررسی استانداردهای بین‌المللی حسابداری از استقلال در تدوین استاندارد حمایت می‌کنند (پائول، ۱۹۹۲)، در حالی که برخی شواهد از تناقض بالا در استقلال و ضرورت تدوین مقررات به دلیل اثرات مثبت آن و قابلیت مقایسه به‌عنوان یک جایگزین مناسب حمایت می‌کنند (بنکر و همکاران ۲۰۰۹) و بوشمن و همکاران (۲۰۰۶). در کشورهای در حال توسعه بخصوص در چین نظارت مفید و مناسب بر گزارشگری مالی بسیار اهمیت دارد، زیرا دقیقاً با کاهش اثربخشی بازار سرمایه مرتبط است. سومین محدودیت برخی رهنمودها است که برای جبران اثرات ناشناخته از جنبه‌های متفاوت و تحت نظریه قراردادهای حسابداری و در صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری قابل طرح است.

اواخر دهه ۱۹۷۰، برخی از تحقیقات به دنبال جنبه‌های محتوایی حسابداری بوده‌اند. سوزوکی (۲۰۰۳) بیان می‌کند که حسابداری به‌عنوان روشی برای قابل مشاهده نمودن عملکرد و وضعیت سازمان است که چون آینده‌ای و با رعایت انصاف و حقیقت واقعیت اقتصادی سازمان و سازوکار اقتصاد واقعی در سازمان و اثرات اجتماعی آن را در دوره‌های مدیریتی مختلف انعکاس می‌دهد و یا توصیفی از واقعیت‌های اقتصادی است.

پیامدهای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

درک اثرات ناشناخته استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای گروه‌های مختلف ذینفع حائز اهمیت است. شناخت این اثرات برای سازمان تدوین‌کننده استانداردهای یک کشور حائز اهمیت است، زیرا موجب می‌شود از جنبه‌های منفی آگاه باشد که بر توسعه استانداردهای بین‌المللی موثر است. تا قبل از استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استانداردهای حسابداری آمریکا برای بسیاری از کشورها راه‌گشا بوده است هر چند که این ارتباط موجب اثرپذیری از بحران و برخی از تقلب‌های مالی شده است، اما قطعاً در دهه‌های گذشته استانداردهای حسابداری ایالت متحده وظیفه رهبری تدوین و توسعه استانداردهای بین‌المللی را به‌واسطه تجربیات سابق داشته است. در حال حاضر، برای درک اثرات شناخته و ناشناخته استانداردهای حسابداری ضرورت دارد اهداف استانداردها را درک کنیم. تدوین و انتشار استانداردهای بین‌المللی حسابداری در قالب اهداف کلی، اهداف مشخص، اهداف مستقیم و اهداف غیرمستقیم قابل ارائه است و اهداف مختلف در سطوح مختلف در حال توسعه و گسترش است. پس از رسیدن به اهداف تغییر استانداردها، معمولاً اثرات غیرمستقیم بعدی وجود دارد که در بررسی مفید بودن پیاده‌سازی استانداردها راه‌گشا هستند. شواهد مرتبط را می‌توان به‌صورت گسترده در سطح بازار سرمایه و در سطح ساختار درونی سازمان مشاهده نمود.

در ایران طبق رویه به‌کار رفته در تدوین استانداردهای ملی، مبنای اولیه تدوین استانداردهای ملی، استانداردهای بین‌المللی است و پس از آن متناسب با شرایط اقتصادی و زیرساخت‌های مالی کشور تعدیلاتی بر حسب نظر کمیته تدوین استانداردها اعمال می‌شود و در پایان بندی با عنوان «مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری» درج می‌گردد. بنابراین فرض اولیه قبل از فراگیر شدن استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران از سال ۱۳۹۴ این بوده است که استانداردها هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی حسابداری است و وجوه افتراق زیادی ندارند،

اما بررسی دقیق استانداردهای بین‌المللی و مقایسه تطبیقی آنها با استانداردهای ملی تفاوت‌های بسیاری وجود داشته که این تفاوت‌ها و اثرات شناخته و ناشناخته آن پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری را به چالش اساسی تبدیل نموده است. در بررسی که سازمان بورس اوراق بهادار از پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد، چهار دسته از مقایسه انطباقی استانداردهای ملی و بین‌المللی شناسایی شده است که بسته به نوع هر دسته اثرات شناخته و ناشناخته متفاوتی دارند. در دسته اول: استانداردهای بین‌المللی که تقریباً با استانداردهای ملی مطابقت دارند، شامل دو استاندارد، در دسته دوم: استانداردهای بین‌المللی که معادل ملی ندارند، شامل ۱۶ استاندارد، در دسته سوم: استانداردهای بین‌المللی که تجدیدنظر شده‌اند، شامل ۲۶ استاندارد و دسته چهارم: استانداردهای ملی که معادل بین‌المللی ندارند، شامل ۳ استاندارد، وجوه افتراق یا تطابق استانداردهای ملی و بین‌المللی را تشکیل می‌دهند (کارگروه استانداردهای بین‌المللی حسابداری در سازمان بورس). در این بررسی علل افتراق عبارتند از:

- برای تعداد زیادی از استانداردهای بین‌المللی (حدود ۱۶ استاندارد)، هنوز استاندارد متناظر ارائه نشده است.
- تعداد زیادی از استانداردهای بین‌المللی ویرایش یا حتی برخی حذف شده‌اند، اما استاندارد متناظر آن در ایران که قبلاً معادل یا مشابه نسخه بین‌المللی بوده، بطور متناسب مورد بازنگری قرار نگرفته و در نتیجه در حال حاضر مغایرت‌هایی وجود دارد.
- عدم وجود منشور مدون و رسمی که در آن به صراحت اعلام شده باشد که مبنای تدوین استانداردهای کشور، استانداردهای بین‌المللی است.
- نحوه نگارش و ارائه استانداردها به گونه‌ایست که به‌خوبی گویای میزان مطابقت با استانداردهای بین‌المللی نیست.
- در موارد بسیار محدودی نیز ممکن است در حال حاضر امکان اجرای استانداردهای بین‌المللی فراهم نباشد که در خصوص این دسته از موارد باید بررسی دقیق انجام شده و راهکارهای مناسب اتخاذ شود.

با توجه به حجم تفاوت‌ها به نظر می‌رسد بررسی دقیق فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری از منظر اثرات شناخته و ناشناخته متنوعی قابل توجه است

که پیاده‌سازی دارد؛ بخصوص آنکه تا کنون تحقیق مدون و جامعی اثرات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشور را مورد بررسی قرار نداده است و در این بررسی اولین گام مطالعه پیامدها، فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌سازی در سایر کشورها و بررسی اجماعی این تجربیات است.

فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

فرصت‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

تغییر از استانداردهای ملی به استانداردهای بین‌المللی تحول بزرگی در ارتباطات تجاری و مالی کشور ایجاد می‌کند که با فرصت‌ها و چالش‌های مختلفی مواجه است. استانداردهای حسابداری متفاوت مانع جدی برای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی است که برای توسعه بازارهای سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی استفاده و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری توصیه و حمایت می‌شود، هرچند اثرات این تمایل و جذابیت استانداردهای بین‌المللی در کشورها ناشناخته است و گاهی به دلیل اثرات ناشناخته آن افشا در قالب یادداشت‌های همراه صورت می‌گیرد که از میزان اطلاع‌دهنده بودن و قابلیت مقایسه اطلاعات تهیه شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی حسابداری می‌کاهد.

کشورها معمولاً به دلیل اثراتی که پیاده‌سازی استانداردها بر بازار سرمایه آنها دارد، به پیاده‌سازی داوطلبانه آن تمایل دارند، اما تحقیقات مختلف نشان داده است که گاهی در بیان این اثرات مبالغه شده است. برای مثال، تحقیق لوئیز و ورچیا (۲۰۰۰) در آلمان نشان می‌دهد بنگاه‌هایی که از استانداردهای داخلی استفاده نموده‌اند، شکاف قیمت خرید و فروش کمتر و حجم بالاتری از چرخش معاملات را داشته‌اند. در ارتباط با برآورد هزینه سرمایه تحقیق بوجینگ و گوچرز (۲۰۰۵) هیچ تفاوت مشخصی بین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و استانداردهای حسابداری داخلی در اتحادیه اروپا نیافت. کارامانو و نیشیتیس (۲۰۰۹) بازده غیرعادی را در دوره‌ای مشاهده نمودند که استانداردهای بین‌المللی ارائه و اطلاعات منطبق با آن افشا شد. داسک و همکاران (۲۰۰۹) وضعیت نقدینگی و هزینه سرمایه را بررسی نمودند که نتایج نشان می‌دهد تنها بنگاه‌هایی که تغییرات همزمان را در گزارشگری مالی دارند، استفاده از استانداردهای بین‌المللی بر هزینه سرمایه و نقدینگی آنها موثر بوده است. اما در خصوص کیفیت

گزارشگری مالی تحقیق تایید کرده‌اند که استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری منجر به افزایش کیفیت حسابداری شده‌اند. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۰) با بررسی ۱۶ رویداد بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ و در دوره اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری در اتحادیه اروپا واکنش مثبت به رویدادها و افزایش معنی‌دار تغییرات رویدادها با اقتباس استانداردهای بین‌المللی را نتیجه گرفته است و به باور سرمایه‌گذاران در اتحادیه اروپا ارائه صورت‌های مالی یک‌شکل مزایای بسیاری داشته است.

در سال ۲۰۱۵ موسسه حسابداران خبره انگلستان و ولز^۲ گزارشی را در رابطه با اقتباس و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری در اتحادیه اروپا ارائه نمود. در این گزارش برخی از محدودیت‌ها و اختلافات در تحقیقات دانشگاهی ارائه و نتایج این بررسی نشان می‌دهد که شواهد ارائه شده در خصوص مزایای اقتباس و بکارگیری استانداردها در ارتباط با شفافیت و قابلیت اتکا صورت‌های مالی، هزینه سرمایه، نقدینگی بازار، کارایی سرمایه‌گذاری‌ها و جریانات سرمایه‌ای حمایت و تایید می‌شود. همچنین این گزارش برخی از منافع و هزینه و اثرات اقتباس استانداردها در بحران‌های مالی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. اخیراً دی جورج و همکاران (۲۰۱۵) در گزارش کاری ادبیات تحقیقی، اثرات بکارگیری و اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در سطح بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار داده است. جورج و همکاران، با ترکیب ادبیات تحقیقی در این حوزه چارچوب ساده‌ای به منظور پوشش مواردی چون صورت‌های مالی، بازار سرمایه، فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان، نظارت و حاکمیت دولتی، قرارداد بدهی و حسابرسی ارائه شده است؛ هرچند در این گزارش بر برخی از جنبه‌های خاص اقتباس و بکارگیری استانداردهای حسابداری اشاره نشده است، زیرا هدف اولیه از این بررسی، ارائه تصویری یکپارچه از تحقیقات و ادبیات تجربی در این حوزه بوده است.

در حال حاضر، مطالعات زیادی در راستای تایید مفید بودن اطلاعات و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری ارائه شده‌اند. در این مطالعات اهمیت انگیزه‌های گزارشگری بنگاه‌ها به عنوان محرک کلیدی گزارشگری با کیفیت ارائه شده است. گزارشگری با قضاوت همراه است و اتفاقاً استانداردهای حسابداری به بنگاه‌ها اجازه انتخاب سیاست یا روش افشا را می‌دهند، زیرا برخی از محاسبات و اندازه‌گیری‌ها به اطلاعات خصوصی مدیریت بستگی دارد که چشم‌اندازی از وضعیت آتی بنگاه است و به عنوان اطلاعات

مدیریتی شناخته می‌شود. مدیران مطابق با نظریه علامت‌دهی و نمایندگی از انگیزه‌های کافی برای افشا و ارائه اطلاعات برخوردار هستند. علاوه بر انگیزه‌های مدیریتی برای افشا، عوامل بسیاری شامل مقررات قانونی کشور تابع، شدت لازم‌الاجرائی بودن برخی افشای اطلاعات از طرف‌های نهادهایی چون حساب‌رسان، فشار بازار سرمایه، شرایط رقابت در بازار، ساختار مالکیت و حاکمیت بنگاهی، مشتری‌مداری بنگاه‌ها و سایر عوامل و ویژگی‌های عملیاتی موثر بر انگیزه‌های افشای اطلاعات توسط مدیران است. در حال حاضر نیز تحقیقاتی (برگستالر و همکاران (۲۰۰۶)، لوئیز و همکاران (۲۰۰۳)، فان و وانگ (۲۰۰۲)) تمایل مدیریت و انگیزه‌های آنها برای افشای اطلاعات و گزارشگری را تایید نموده‌اند. بر اساس این مطالعات برخی تحقیقات نشان داده‌اند که زمانی که بنگاه‌ها برای افشا انگیزه دارند، برای افشای اطلاعات و گزارشگری همگرا و در قالب استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز انگیزه دارند (لانگ و همکاران (۲۰۰۶) و برگستالر و همکاران (۲۰۰۶)).

فلورو و پاپ (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که اقتباس داوطلبانه استانداردها بر رفتار سرمایه‌گذاران نهادی موثر است. در این مقاله با استفاده از داده‌های گسترده از سرمایه‌گذاران در سراسر جهان یافتند که هلدینگ‌ها برای جذب سرمایه‌گذار نهادی به استفاده داوطلبانه از استانداردهای بین‌المللی تمایل دارند. زیرا سرمایه‌گذاران از کیفیت صورت‌های مالی تهیه شده اطمینان داشته و استفاده از استانداردهای بین‌المللی موجب افزایش ارزش و رشد سرمایه‌گذاران می‌گردد. همچنین تحقیقات شیما و گوردن (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران داخلی به سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل اطمینان از صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای بین‌المللی حسابداری تمایل دارند. به عبارتی، اقتباس از استانداردهای بین‌المللی حسابداری عاملی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

لی و فارگر (۲۰۱۰) در استرالیا نشان دادند که اقتباس و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی موجب افزایش سرمایه‌گذاری خارجی شده است، زیرا استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری موجب ایجاد زبان مشترک بین شرکت‌های بین‌المللی و زیرساخت‌های تجاری استرالیا شده است. چن و همکاران (۲۰۱۳) با هدف بررسی کارایی سرمایه‌گذاری‌ها در ۱۷ کشور اتحادیه اروپا پس از اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری دریافتند که اقتباس بر کارایی و اثربخشی سرمایه‌گذاری‌ها موثر است. کای (۲۰۱۳) در چین نیز به همین نتیجه رسیده

است. راموس (۲۰۱۱) اثر مثبت اقتباس استانداردهای حسابداری بر سرمایه‌گذاری خارجی و کالاها را نشان داد و بیان می‌کند که اقتباس استانداردها موجب کاهش هزینه اطلاعاتی بین کشورها می‌گردد. چن و همکاران (۲۰۱۴)، استانداردهای حسابداری را به‌عنوان جزئی از زیرساخت سازمان معرفی می‌کند که این مساله، موجب همگرایی داخلی و ارتقا استانداردهای بین‌المللی حسابداری بخصوص افزایش سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود.

وز و لنگک (۲۰۱۳) واکنش بازار سهام را به ۱۵ رویداد مرتبط به اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایالت متحده مورد ارزیابی و بررسی قرار داده و هدف آنها تعیین هزینه و منفعت تغییر استانداردها از دید سرمایه‌گذاران بود. نتایج آنها نشان داد که واکنش بازار به این تغییر مثبت بوده است. حتی در بررسی اثر اقتباس استانداردهای بین‌المللی و عرضه اولیه شواهد نشان داد که قیمت‌گذاری کمتر از واقع سهام عرضه شده کاهش و امکان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافته است.

چو (۲۰۱۵) اثر افشای اطلاعات و شفافیت بخش‌ها مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری را بر کارایی بازار مورد بررسی قرار داده است. بررسی آنها نشان می‌دهد تنوع بنگاه‌ها، افشا و شفافیت گزارشگری بخش‌ها مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی بر کارایی بازار و هزینه‌های تامین مالی موثر است و هزینه‌های نمایندگی بنگاه‌ها را نیز کاهش و بر آن اثر گذار بوده است. وو و ژانگ (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که اقتباس استانداردها موجب اصلاح و تغییر در فرآیند ارزیابی عملکرد داخلی بنگاه شده است. بخصوص آنکه در این دوره احتمال تصاحب و اخراج نیروی کار برای تنظیم سود در زمان اصلاح و تغییر استانداردها وجود دارد و بنگاه‌ها به این مساله حساس هستند. تحقیقات از کان و سینجر (۲۰۱۲) این اثر را ضعیف ارزیابی می‌کنند و هانگ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که در واقع اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری قدرت سهامداران در نظارت را افزایش و سازوکارهای را به‌منظور کنترل و محدود نمودن اقدامات مدیریت با استفاده از حق رای در اختیار آنها می‌گذارد.

کریستین و همکاران (۲۰۰۹) بررسی را برای درک ارتباط استانداردهای بین‌المللی حسابداری و قرارداد بدهی‌ها انجام داده است. در این تحقیق آنان نشان می‌دهند که بازار واکنش مشخصی به اطلاعیه‌های مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد که در نتیجه آن ثروت بین سهامداران و اعتباردهندگان تسهیم و توزیع می‌شود. فلوریا و کوزی (۲۰۱۵) نیز نشان دادند که

اقتباس استانداردها بر نرخ اسپرید اوراق قرضه اثر کمی دارد، اما بر مبلغ و نحوه شناسایی و اندازه‌گیری آن موثر است.

مدر (۲۰۱۵) در بررسی خود از ارتباط بین استانداردهای حسابداری و سیاست‌های پولی، اثر نگره‌داری اوراق قرضه دولتی را بررسی نمودند که تحت استانداردهای بین‌المللی حسابداری مورد شناخت و اندازه‌گیری قرار گرفته است. آنها دریافتند که اوراق قرضه نگره‌داری شده بر انقباض پولی و کانال‌های وام‌دهی بانک‌ها موثر است. بنیش و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که اقتباس استانداردهای بین‌المللی اثر متفاوتی بر بازار بدهی و سرمایه دارد و بر بدهی‌های خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری خارجی موثرتر است. یو و ژانگ (۲۰۱۳) اثر اقتباس استانداردهای بین‌المللی را بر رفتار تامین مالی و حاکمیت بنگاهی و بر توسعه اقتصاد کلان مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند که سرمایه‌گذاران رفتار مالی خود را به علت اقتباس استانداردهای بین‌المللی و اثرات آن بر بازار سرمایه و اقتصاد کلان تغییر می‌دهند و این تغییر شامل ارزش‌گذاری و سیاست‌های سرمایه‌گذاری آنها می‌شود.

وانگ و والکر (۲۰۱۱) اثر استانداردهای حسابداری را بر انتشار سرمایه طی دوره‌ای بررسی نمودند که استانداردهای بین‌المللی حسابداری در استرالیا و اتحادیه اروپا اقتباس گردیده‌اند. آنها دریافتند که انتشار سرمایه و سرمایه موجود و اندازه طی سه سال پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری افشای اطلاعاتی مناسبی نداشته و این تغییرات غیرمنتظره بر سود خالص مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری اثر می‌گذارد. کیم و همکاران (۲۰۱۱)، اثر استانداردها را بر قیمت‌گذاری یا عدم قیمت‌گذاری قرارداد تسهیلات و ساختار مالکیت تسهیلات در بازار اعتباری بین‌المللی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که نرخ بهره تسهیلات مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی بهتر درک می‌شود و بانک‌ها تمایل دارند تحت استانداردهای جدید رقم تسهیلات و دوره سررسید آن را افزایش دهند. همچنین از دید بانک‌ها اقتباس استانداردهای بین‌المللی حسابداری اثر مشخصی بر جذب اعتباردهنده خارجی در سندیکای تسهیلات داشته است.

چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

با وجود چنین انگیزه‌هایی برای انتشار اطلاعات مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری، باید توجه کنیم این مساله دارای هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم است که موجب تغییر و یا بهبود گزارشگری مالی می‌شود. یکی از هزینه‌های مستقیم هزینه‌های آماده‌سازی، تایید و انتشار صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی است. این هزینه را می‌توان هزینه فرصت پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی در کشور دانست که اجزای ثابتی دارد و خروجی آن، گزارشگری مالی مطمئن یا افشای منصفانه اطلاعات است، البته قابل توجه است که بدانیم در کنار این هزینه مستقیم، هزینه غیرمستقیم تهیه صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی شامل هزینه‌های نظارتی، مقررات مالیاتی و اتحادیه‌های کارگری نیز می‌شود (ورجیا (۱۹۸۳) و فلتون و همکاران (۱۹۹۲)). علاوه بر آن امکان افشای اطلاعات خصوصی بنگاه مثلا افشا اطلاعات خط تولید نیز وجود دارد (لوئیز، ۲۰۰۴). بنابراین، از مهمترین چالش‌هایی که پیاده‌سازی و فراگیر نمودن استانداردهای بین‌المللی با آن مواجه است تغییر از استانداردهای ملی به بین‌المللی است که این مساله به دانش و تخصص لازم نیاز دارد. معمولا در کشورهای در حال توسعه زیرساخت‌های لازم برای چنین تغییری فراهم نیست و لازم است آموزش‌های لازم برای شناخت و بکارگیری استانداردها و تحلیل و بهره‌گیری آن در اختیار متخصصان فن در هر کشور قرار گیرد. همچنین باید از وجود جریان موافق و قوی با برقراری استانداردهای بین‌المللی حسابداری در یک کشور اطمینان حاصل نمود تا کل هزینه این تغییر حول محور آموزش و فراگیری استانداردهای بین‌المللی و نه جریان مخالف صرف شود.

از دیگر مشکلات، ناهماهنگی موضوعی در کشور محل استقرار استانداردهای بین‌المللی حسابداری با مفاهیم و موضوعات استانداردها است. این ناهماهنگی می‌تواند به مقررات و قوانین حاکم نیز سرایت نماید. برای مثال در کشورهای اسلامی برخی از مقررات اسلامی حاکم است که در استانداردهای بین‌المللی حسابداری چنین مباحثی دیده نشده است و یا راه‌حل و روش استانداردهای بین‌المللی حسابداری با چنین مقرراتی سازگار نیست. از طرف دیگر ممکن است قوانین و مقررات حاکم در آن کشور در تضاد با استانداردهای بین‌المللی باشد که مسلما ایجاد چنین هماهنگی کار مشکلی می‌باشد. علاوه بر آن برخی محدودیت‌ها در بازارهای مالی و سیستم مالی آن کشور در بکارگیری درست استانداردهای بین‌المللی اثر می‌گذارد. برای مثال

محاسبات مربوط به ارزش منصفانه و تعیین ارزش بازار دارایی‌ها گاهی تبدیل به مساله جدی در تهیه و تدوین صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری می‌شود.

محدودیت بازارهای مالی و مقرراتی فقط مختص کشورهای در حال توسعه نیست و گاهی این مساله‌ای جدی در کشورهای توسعه‌یافته نیز است. برای مثال در تحقیقی استرجیوس و همکاران (۲۰۰۶) مالیات را بزرگترین مانع اتحادیه اروپا در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری معرفی نموده است. همچنین آنها عدم درک کامل از اثرات مستقیم و غیرمستقیم تغییر استاندارد مانند تغییر نقدشوندگی بازار و هزینه سرمایه و تغییر نحوه افشای اطلاعات و تغییر میزان مبادلات تجاری را مانعی جدی در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در اروپا برمی‌شمارد. همچنین عدم انتقال کامل مفاهیم و اصطلاحات استانداردها از دیگر مشکلات است. برای حل چنین مشکلی ولف گانگ (۲۰۰۴) پیشنهاد می‌دهد که کمیته‌ای به موازات هیات تدوین استانداردهای بین‌المللی برای حل مشکل تشکیل گردد تا به ترتیب مشکلات پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی مرتفع و همسو با آن تغییرات لازم اعمال شود.

در تحقیقی در کشور ژاپن شورای حسابداری ژاپن (۲۰۰۹) مشکلات پذیرش و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری را شامل صرف هزینه و زمان کافی برای آموزش ناشران صورت‌های مالی، سهامداران و حساب‌برسان، نیاز به تهیه همزمان صورت‌های مالی مبتنی بر ملی و بین‌المللی جهت ایجاد اطمینان از درک کامل ذینفعان و عدم تطابق برخی از استانداردها با فضای کسب و کار ژاپن می‌داند. بنابراین بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد صرف زمان و هزینه زیاد برای آموزش و ایجاد زیرساخت علمی مناسب در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر آن فرهنگ محیط کسب و کار در پذیرش و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری موثر است. برای فرهنگ‌سازی ناشران صورت‌های مالی می‌توانند برای چند سال اول صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای ملی و بین‌المللی را به‌طور همزمان ارائه دهند تا بدین صورت اطمینان سهامداران را در ارائه اطلاعات قابل اتکا و مربوط جلب نموده و حساب‌برسان و حسابداران نیز به توانایی و تبحر لازم در اعمال روش‌ها و بررسی و ارزیابی روش‌ها برسند. مسلماً چنین فرهنگ‌سازی نیاز به فضای مقرراتی همسو با تغییرات و البته کمک‌های مالی نهادهای ناظر بازارهای مالی و دولت‌ها دارد. زمانی می‌توان گروه‌های

مختلف را همسو با پذیرش و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی نمود که در رابطه با صرف زمان و هزینه کافی دولت و نهاد ناظر همکاری لازم را داشته باشد.

در رابطه با محدودیت‌های موجود در بازارهای مالی نیز ضرورت دارد اقدامات لازم انجام گیرد. گاهی توسعه بازار مالی و پیوستن به بازارهای بین‌المللی خود زمینه‌ای برای رشد اطلاعاتی و کاهش محدودیت‌ها است که در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی نیز قابل توجه است. علاوه بر آن در صورت توسعه روابط بین‌المللی می‌توان همزمان با تغییرات مقرراتی در کشور و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی، موضوعات خاص و جدید را درخواست داد. به عبارتی کشورهای اسلامی می‌توانند در برخی مسائل از جمله ابزارهای مالی اسلامی و سایر مفاهیم مالی اسلامی در همکاری با هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی، به دنبال تدوین و ارائه استاندارد خاص در این حوزه‌ها باشند. این مهم زمانی حاصل می‌شود که کشور مربوطه بتواند نیازسنجی لازم در حوزه‌های مقرراتی خاص را انجام داده و روابط بین‌المللی و اقتصادی مناسبی نیز داشته باشد.

نتیجه‌گیری

نیاز سرمایه‌گذاران به تصمیم‌گیری در سطح جهانی بر پایه اطلاعات حسابداری مستلزم ایجاد پلی ارتباطی میان استانداردهای حسابداری کشورهای مختلف می‌باشد و هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز در راستای ایفای چنین نقشی به وجود آمده است. هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری از توافق ۱۶ هیأت تدوین استاندارد از ۹ کشور (استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ژاپن، مکزیک، هلند، انگلستان و آمریکا) تشکیل شده است و اولین هدف آن ارتقا و بهبود همگرایی استانداردهای حسابداری در کشورهای مختلف بوده است. اهداف کلی استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسعه منافع عمومی، تنظیم مجموعه‌ای از استانداردها با حداکثر کیفیت، قابل درک و استانداردهایی با بالاترین سطح کیفیت و قابلیت اجرایی در سطح بین‌المللی، شفاف و با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در بازارهای مالی مختلف در سراسر جهان و در نهایت قابل استفاده و مفید در تصمیم‌گیری اقتصادی برای استفاده‌کننده از اطلاعاتی که بر اساس این مبنا تهیه شده‌اند.

در این مسیر سه روش شامل استانداردهای حسابداری مقایسه‌ای یا توافقی بین کشورهای مختلف طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸، توسعه استانداردهای اصلی و بکارگیری آنها در بازار سرمایه بین‌المللی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ و توسعه استانداردهای بین‌المللی از ۲۰۰۱ تا کنون را پشت سر گذرانده است. تاکید استانداردها در حال حاضر روش مبتنی بر اصول است که منجر به همگرایی و سازگاری مقررات در سطح بین‌المللی می‌شود و در این ارتباط مفهوم همگرایی را به منظور رسیدن به مفهوم توافق جامع توسعه و هدف قرار داده است. تغییر استانداردهای حسابداری ملی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی نه تنها اثر مشخصی بر گزارشگری مالی و بازار سرمایه دارد، بلکه اثرات دیگری نیز بر قراردادهای بنگاه‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه‌گذاری و وضعیت اقتصادی و جامعه نیز دارد. نکته قابل توجه آن است که استانداردهای حسابداری دارای نتایج اقتصادی بعدی یا اثرات شناخته و ناشناخته متعاقب است.

نکته حائز اهمیت برای ایجاد پلی که بتواند فاصله ایجاد شده ناشی از تفاوت‌های میان استانداردهای کشورهای مختلف را شناسایی کرده و به حداقل برساند این است که انجام چنین کاری اثرات شناخته و ناشناخته گوناگونی را ایجاد می‌کند. به تبع آن در خصوص هزینه و منفعت پیاده سازی استانداردهای مشترک، اثرات چنین تغییری بر جنبه‌های اقتصادی و مالی کشور، ضرورت همگرایی، هزینه‌های مقرراتی و متاثر شدن ذینفعان سوالات و ابهامات بسیار مهمی ایجاد می‌شود که موضوع تحقیقات تجربی بسیاری قرار گرفته است و این تحقیقات و مطالعات در رابطه با طبقه‌بندی سیستم‌های حسابداری در سطح بین‌المللی شامل دو رویکرد، رویکرد قیاسی یا قضاوتی (ارتباط عوامل محیطی با عوامل عملیات حسابداری، دسته‌بندی بین‌المللی یا الگوهای پیشرفت) و رویکرد استقرایی یا تجربی (تجزیه و تحلیل عملیات حسابداری) است. درک چنین اثرات ناشناخته‌ای علاوه بر متاثر کردن گروه‌های ذینفعان از جمله نهاد ناظر، یک آگاهی از جنبه‌های منفی چنین تغییری به دست می‌دهد. این اثرات شامل اثرهای گزارشگری مالی، بازارهای سرمایه، قراردادها، سرمایه‌گذاری‌ها، اقتصاد کلان و اجتماعی می‌شود.

آنچه که منجر به اهمیت بیش از پیش تفاوت‌های حسابداری کشورهای مختلف شده است، بین‌المللی شدن بازارهای مالی و تجاری بوده است. در این رابطه آنچه مطرح است، میزان اثر استانداردها و روش‌های مورد استفاده حسابداری بر ارزیابی سرمایه‌گذاران اوراق بهادار در

برآورد ارزش سهام و ارزیابی شرکت‌های سهامی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. ارتباط غیر قابل تفکیک میان شرایط اقتصادی و تفاوت در سیستم حسابداری شرایطی را ایجاد می‌کند که توجه به آن بسیار ضروری است. در شرایط و محیط‌های اقتصادی مشابه، تنوع حسابداری غیرمنطقی است و باید بر اهمیت قابلیت مقایسه تاکید شود. اما در محیط‌های اقتصادی نامشابه شرایطی به وجود می‌آید که تعیین سیستم حسابداری با دشواری مواجه می‌شود و در برخی شرایط تنوع ضروری و در برخی شرایط همسانی سیستم‌ها اهمیت پیدا می‌کند. عامل موثر در تعیین سیستم حسابداری در چنین شرایطی شرایط محیطی می‌باشد. بنابراین ارائه استانداردهای حسابداری همگرا و یکسان که در سطح بین‌المللی مورد اجماع و توافق کشورهای بسیاری باشد و الزامات قانونی برای اجرایی نمودن آن وجود داشته باشد، می‌تواند راه‌گشا بوده و برای کاهش هزینه‌های تامین مالی و معاملات مورد حمایت دولت‌ها، ناظران و تحلیلگران باشد. زیرا این شباهت باعث سهولت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه خارجی می‌شود. توسعه بازارهای مالی، سهولت سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌گذار خارجی در بهبود نقدینگی بازار سرمایه و بزرگ شدن اندازه سرمایه‌گذاران و در نهایت بر توزیع و تسهیم ریسک و کاهش هزینه‌های تامین مالی اثر مثبت دارد. علاوه بر آن بهبود مقایسه بر تصمیم‌گیری اثرگذار است و بر شرایط بنگاه‌ها و نحوه عمل کاراتر و اثربخش‌تر آنها بخصوص در جذب منابع و مشتری موثرتر است و به بنگاه‌های سرمایه‌گذار در کشور دیگر اجازه استفاده از کمک‌های دولتی کشور را می‌دهد.

با وجود آنکه قابلیت مقایسه اطلاعات مالی مزایای بسیاری دارد، اما باید توجه کنیم این مساله دارای هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم است که موجب تغییر و یا بهبود گزارشگری مالی می‌شود. یکی از هزینه‌های مستقیم هزینه‌های آماده‌سازی، تایید و انتشار صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی است. این هزینه را می‌توان هزینه فرصت پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی در یک کشور دانست که اجزای ثابتی دارد و خروجی آن گزارشگری مالی مطمئن یا افشا منصفانه است، البته قابل توجه است که بدانیم در کنار این هزینه مستقیم، هزینه غیرمستقیم تهیه صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی شامل هزینه‌های نظارتی، مقررات مالیاتی و اتحادیه‌های کارگری نیز می‌شود. علاوه بر آن امکان افشا اطلاعات خصوصی بنگاه مثلاً افشا اطلاعات خط تولید نیز وجود دارد. همچنین الزام به تهیه صورت‌های مالی بین‌المللی برای

بنگاه‌های کوچک هزینه‌های اضافی را در بر خواهد داشت و این در صورتی است که منافع آتی آن تامین نمی‌شود.

از طرفی اهمیت انگیزه‌های گزارشگری بنگاه‌ها به‌عنوان محرک کلیدی گزارشگری با کیفیت بوده ولی با وجود چنین انگیزه‌هایی باز هم امکان مقایسه کامل بنگاه‌ها بین کشورها فراهم نیست، زیرا هر کشور دارای شرایط اقتصادی، بازار سرمایه و نظام‌های خاص سیاسی است که این مساله بر افشای اطلاعات و گزارشگری بنگاه‌ها موثر است. بنابراین با توجه به چنین محدودیت‌هایی برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که افشا و گزارشگری همسان و همگرا خود یک محدودیت است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت هر اثر دارای نتایج متعاقب یا بعدی مورد انتظاری است که در نتیجه واکنش مستقیم به تغییر استانداردها ایجاد شده است. در این گستره نتایج مورد انتظار و بعدی ناشی از گزارشگری مالی و بازار سرمایه و بخشی از اثرات قراردادهای سرمایه‌گذاری‌ها، واکنش مستقیم و سایر موارد اثرات ناشناخته تغییر استانداردها می‌باشند.

پی‌نوشت

- ۱ Institute of Chartered Accountants in England and Wales (ICAEW) ۲ Effects Analyses Consultative Group (EACG)

منابع

- Ahmed, A. S. , Neel, M. , & Wang, D. (2013). Does mandatory adoption of IFRS improve accounting quality? Preliminary evidence. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4) , 1344-1372.
- Ali Hedayati¹; Shohre Yazdani²; M. Hamed Khan Mohammadi, Identifying educational needs of Iranian Certified Public Accountants towards the Implementing of International Financial Reporting Standards, *Journal of management system*, Article 10, Volume 7, Issue 27, Summer 2018, Page 137-152 (In Persian).
- Armstrong, C. S. , Barth, M. E. , Jagolinzer, A. D. , & Riedl, E. J. (2010). Market reaction to the adoption of IFRS in Europe. *The accounting review*, 85 (1) , 31-61.
- Ball, R. , Li, X. , & Shivakumar, L. (2015). Contractibility and transparency of financial statement information prepared under IFRS: Evidence from debt contracts around IFRS adoption. *Journal of Accounting Research*, 53 (5) , 915-963.

- Banker, R. D. , Huang, R. , & Natarajan, R. (2009). Incentive contracting and value relevance of earnings and cash flows. *Journal of Accounting Research*, 47 (3) , 647-678.
- Beneish, M. D. , Miller, B. P. , & Yohn, T. L. (2012). The impact of financial reporting on equity versus debt markets: Macroeconomic evidence from mandatory IFRS adoption.
- Biondi, Y. , & Suzuki, T. (2007). Socio-economic impacts of international accounting standards: an introduction. *Socio-Economic Review*, 5 (4).
- Brüggemann, U. , Hitz, J. M. , & Sellhorn, T. (2013). Intended and unintended consequences of mandatory IFRS adoption: A review of extant evidence and suggestions for future research. *European Accounting Review*, 22 (1) , 1-37.
- Burgstahler, D. C. , Hail, L. , & Leuz, C. (2006). The importance of reporting incentives: Earnings management in European private and public firms. *The accounting review*, 81 (5) , 983-1016.
- Cascino, S. , & Gassen, J. (2015). What drives the comparability effect of mandatory IFRS adoption?. *Review of Accounting Studies*, 20 (1) , 242-282.
- Chen, C. , Young, D. , & Zhuang, Z. (2012). Externalities of mandatory IFRS adoption: Evidence from cross-border spillover effects of financial information on investment efficiency. *The Accounting Review*, 88 (3) , 881-914.
- Chen, C. J. , Ding, Y. , & Xu, B. (2014). Convergence of accounting standards and foreign direct investment. *The International Journal of Accounting*, 49 (1) , 53-86.
- Cho, Y. J. (2015). Segment disclosure transparency and internal capital market efficiency: Evidence from SFAS No. 131. *Journal of Accounting Research*, 53 (4) , 669-723.
- Christensen, H. B. , Lee, E. , & Walker, M. (2009). Do IFRS reconciliations convey information? The effect of debt contracting. *Journal of Accounting Research*, 47 (5) , 1167-1199
- Cuijpers, R. , & Buijink, W. (2005). Voluntary adoption of non-local GAAP in the European Union: A study of determinants and consequences. *European accounting review*, 14 (3) , 487-524.
- Daoyang, G. (2013). On the Global Reforms of the Accounting System. *Social Sciences in China*, 6, 005.
- Daske, H. , Hail, L. , Leuz, C. , & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of accounting research*, 46 (5) , 1085-1142
- Daske, H. , Hail, L. , Leuz, C. , & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. *Journal of accounting research*, 46 (5) , 1085-1142.
- De Franco, G. , Kothari, S. P. , & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49 (4) , 895-931.
- De George, E. T. , Li, X. , & Shivakumar, L. (2016). A review of the IFRS adoption literature. *Review of Accounting Studies*, 21 (3) , 898-1004.
- Evans, M. E. , Houston, R. W. , Peters, M. F. , & Pratt, J. H. (2014). Reporting regulatory environments and earnings management: US and non-US firms using US GAAP or IFRS. *The Accounting Review*, 90 (5) , 1969-1994.

- Fan, J. P. , & Wong, T. J. (2002). Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia. *Journal of accounting and economics*, 33 (3) , 401-425.
- Fang, V. W. , Maffett, M. , & Zhang, B. (2015). Foreign institutional ownership and the global convergence of financial reporting practices. *Journal of Accounting Research*, 53 (3) , 593-631.
- Florou, A. , & Kosi, U. (2015). Does mandatory IFRS adoption facilitate debt financing?. *Review of Accounting Studies*, 20 (4) , 1407-1456.
- Florou, A. , & Pope, P. F. (2012). Mandatory IFRS adoption and institutional investment decisions. *The Accounting Review*, 87 (6) , 1993-2025.
- GAO, F. , & FU, R. H. (2012). Accounting Standards Reform, Stock Liquidity and Cost of Equity Capital: Evidence from Chinese A-Share Listed Companies [J]. *Chinese Journal of Management Science*, 4, 005.
- Hail, L. , Leuz, C. , & Wysocki, P. (2010). Global accounting convergence and the potential adoption of IFRS by the US (Part II): Political factors and future scenarios for US accounting standards. *Accounting Horizons*, 24 (4) , 567-588.
- He, X. , Xiao, T. , Tian, Y. , & Chen, X. (2012). The Effects of the Adoption of the New China Accounting Standards on Firms. *Information Environment*, China Accounting and Finance Review, 14 (1) , 118-165.
- Hong, H. A. (2013). Does mandatory adoption of international financial reporting standards decrease the voting premium for dual-class shares?. *The Accounting Review*, 88 (4) , 1289-1325.
- Horton, J. , & Serafeim, G. (2010). Market reaction to and valuation of IFRS reconciliation adjustments: first evidence from the UK. *Review of accounting studies*, 15 (4) , 725-751.
- Horton, J. , Serafeim, G. , & Serafeim, I. (2013). Does mandatory IFRS adoption improve the information environment?. *Contemporary accounting research*, 30 (1) , 388-423.
- Hsu, A. W. H. , & Pourjalali, H. (2015). The impact of IAS No. 27 on the market's ability to anticipate future earnings. *Contemporary Accounting Research*, 32 (2) , 789-813.
- Jamal, K. , Bloomfield, R. , Christensen, T. E. , Colson, R. H. , Moehrle, S. , Ohlson, J. , ... & Watts, R. L. (2010). A research-based perspective on the SEC's proposed rule—Roadmap for the potential use of financial statements prepared in accordance with International Financial Reporting Standards (IFRS) by US issuers. *Accounting Horizons*, 24 (1) , 139-147.
- Joos, P. P. , & Leung, E. (2012). Investor perceptions of potential IFRS adoption in the United States. *The Accounting Review*, 88 (2) , 577-609.
- Karamanou, I. , & Nishiotis, G. P. (2009). Disclosure and the cost of capital: Evidence from the market's reaction to firm voluntary adoption of IAS. *Journal of Business Finance & Accounting*, 36 (7-8) , 793-821.
- Ke, B. , Li, Y. , & Yuan, H. (2012). The Effect of Mandatory IFRS Adoption on The Stewardship Usefulness of Financial Reporting. In Working paper, Nanyang Technological University, Shanghai University and Fudan University.

- Keyhan Maham; Farzaneh Heidarpour; Alireza AghaiiGhohi, Advantages and Disadvantages of Usage the International Financial Reporting Standards as Iranian Accounting Standard, *Journal of empirical research in accounting*, Article 1, Volume 1, Issue 3, Spring 2012, Page 85-103 (In Persian).
- Kim, J. B. , Tsui, J. S. , & Cheong, H. Y. (2011). The voluntary adoption of International Financial Reporting Standards and loan contracting around the world. *Review of Accounting Studies*, 16 (4) , 779-811.
- Lambert, R. , Leuz, C. , & Verrecchia, R. E. (2007). Accounting information, disclosure, and the cost of capital. *Journal of accounting research*, 45 (2) , 385-420
- Lambert, R. A. , Leuz, C. , & Verrecchia, R. E. (2011). Information asymmetry, information precision, and the cost of capital. *Review of Finance*, 16 (1) , 1-29.
- Landsman, W. R. , Maydew, E. L. , & Thornock, J. R. (2012). The information content of annual earnings announcements and mandatory adoption of IFRS. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2) , 34-54.
- Lee, G. , & Fargher, N. L. (2010). Did the adoption of IFRS encourage cross-border investment?.
- Leuz, C. , & Schrand, C. (2009). Disclosure and the cost of capital: Evidence from firms' responses to the Enron shock (No. w14897). National Bureau of Economic Research.
- Leuz, C. , & Verrecchia, R. E. (2000). The economic consequences of increased disclosure. *Journal of accounting research*, 91-124.
- Li, S. (2010). Does mandatory adoption of International Financial Reporting Standards in the European Union reduce the cost of equity capital?. *The accounting review*, 85 (2) , 607-636.
- LIU, B. , & XU, X. Z. (2010). Research on the Effect of International Convergence of New Accounting Standards—Based on the Perspective of Earnings Conservatism [J]. *Collected Essays on Finance and Economics*, 2, 014.
- Márquez-Ramos, L. (2011). European accounting harmonization: Consequences of IFRS adoption on trade in goods and foreign direct investments. *Emerging markets finance and trade*, 47 (sup4) , 42-57.
- Meder, A. A. (2015). Interaction between Accounting Standards and Monetary Policy: The Effect of SFAS 115. *The Accounting Review*, 90 (5) , 2031-2056.
- Meeks, G. , & Swann, G. P. (2009). Accounting standards and the economics of standards. *Accounting and Business Research*, 39 (3) , 191-210.
- Mohammad Geravand, International Convergence and Implementation of International Financial Reporting Standard, *Accounting and Auditing Studies*, Article 6, Volume 14, Issue 2, Spring 2014, Page 74-83 (In Persian).
- Ozkan, N. , Singer, Z. , & You, H. (2012). Mandatory IFRS adoption and the contractual usefulness of accounting information in executive compensation. *Journal of Accounting Research*, 50 (4) , 1077-1107.
- Paul, J. M. (1992). On the efficiency of stock-based compensation. *The Review of Financial Studies*, 5 (3) , 471-502.

- Rahmani Ali, Sharareh Alipour, Barriers to adoption of international accounting standards in Iran, *Empirical Studies in Financial Accounting quarterly*, Article 4, Volume 7, Issue 27, Autumn 2009, Page 83-107 (In Persian).
- Rezvan Hejazi; Gholamreza Soleimany; Maryam Omidi Nobijar, The Impact of Adopting IASs on Iran Environment from Economic Perspective, *Journal of Accounting Advances (J. A. A)* , Article 4, Volume 5, Issue 1, Winter and Spring 2013, Page 87-111 (In Persian).
- Shima, K. M. , & Gordon, E. A. (2011). IFRS and the regulatory environment: The case of US investor allocation choice. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30 (5) , 481-500.
- Stulz, R. M. (1981). On the effects of barriers to international investment. *The Journal of Finance*, 36 (4) , 923-934.
- Tan, H. , Wang, S. , & Welker, M. (2011). Analyst following and forecast accuracy after mandated IFRS adoptions. *Journal of Accounting Research*, 49 (5) , 1307-1357.
- TIAN, X. C. X. H. Y. (2011). New Accounting Standards Research: Analysis Framework and Literature Review. *China Accounting Review*, 2, 004.
- Verrecchia, R. E. (1983). Discretionary disclosure. *Journal of accounting and economics*, 5, 179-194.
- Wang, S. , & Welker, M. (2011). Timing equity issuance in response to information asymmetry arising from IFRS adoption in Australia and Europe. *Journal of Accounting Research*, 49 (1) , 257-307.
- WANG, X. Y. , & YE, Z. H. (2011). Does Implementation of New Accounting Standards Reduce the Cost of Equity Capital—Evidence from Chinese Capital Market [J]. *China Industrial Economics*, 3, 119-128.
- Wu, J. S. , & Zhang, I. X. (2009). The voluntary adoption of internationally recognized accounting standards and firm internal performance evaluation. *The Accounting Review*, 84 (4) , 1281-1309.
- Xinshu, M. , & Deming, D. (2009). A Study on Earnings Conservatism and Earnings Management based on the Change of China Accounting System. *Accounting Research*, 12, 004.
- Yuan, H. , Li, Y. , Lou, F. , & Zhang, Y. (2013). New Chinese Accounting Standards and the Usefulness of Accounting Information in Debt Contracts. *China Accounting and Finance Review*, 1 (15) , 1-60.
- Zeff, S. A. (2010). The rise of “economic consequences”. In *Insights from Accounting History* (pp. 45-59). Routledge.
- Zheng, S. , & Hao, L. (2013). The Effect of IFRS Adoption: Global Findings. *Accounting Research*, 1, 004.

What are the Important and Affection of Implementing International Accounting Standards?

Gholamreza Soleimani Amiri¹, Mandana Taheri², Yasin Amini³

Received : 2018/03/13

Approved: 2018/06/20

Abstract

The global challenge of business environments is essential the need for accountants and managers who be aware of the complex international financial issues and to have knowledge and information related to solving business-related issues, financial issues, and international investment.

Recently, the study of international accounting, challenges and benefits is a significant issue and accountant have taken significant steps to create a consistent and same set of international accounting standards applicable to all companies and organizations, but the question is how much should moving towards convergence and internationalization, and what are the costs of this choice? In this paper, the study of financial and accounting literature about the implementation of international accounting standards or the change of national standards to international standards has examined the unknown and known effects of this event and the aim of this, is developing and promoting knowledge about the effects of convergence and harmonization of accounting standards.

Keywords: Convergence and Unification, International Accounting Standards, Known Effects and Unknown Effects.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.19713.1387

¹ Associate Professor of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran.(gh_soleimani@yahoo.com)

² PhD Student of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. Corresponding Author(taheerim66@yahoo.com)

³ PhD Student of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran. (yasin.amini@gmail.com)

مروری بر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری: کاربردها و نقاط ضعف و قوت

بهمن بنی مهدی، مهدی عربی، شیوا حسن پور، شاهرخ بزرگمهریان^۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۰

چکیده

در این مقاله مهمترین معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری و نقاط ضعف و قوت هر یک اشاره شده و میزان به کارگیری معیارهای مزبور در نشریه‌های تخصصی حسابداری در ایران ارزیابی گردیده است. به این منظور، ابتدا مروری بر مقاله‌های حسابداری منتشر شده در کشور انجام شده و پس از دسته‌بندی معیارها، میزان استفاده از هر معیار و نتایج حاصل از به کارگیری آنها بیان شده است. سپس، مقاله‌های یاد شده بر اساس پدیدآورنده، نوع نشریه، سال انتشار و... طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. در این مقاله، از اطلاعات ۱۲ نشریه علمی پژوهشی طی دوره‌ی زمانی ۵ ساله‌ی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری نشان داد که در دوره‌ی مزبور، معیارهای ۱۰ گانه‌ی کیفیت حسابداری ۷۲ مرتبه در ۵۹ مقاله به کار گرفته شده‌اند. این تعداد فقط کمتر از ۴ درصد کل مقاله‌های منتشر شده را شامل می‌شود. همچنین در بسیاری از موارد، به کارگیری معیارهای مشابه، منجر به نتایج متفاوت و متناقض شده است. به نظر می‌رسد اجرای پژوهش‌هایی به منظور ارائه‌ی معیارهای مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری با توجه به شرایط ایران ضروری است. امید است با ارائه‌ی این مقاله و توجه به نقاط ضعف و قوت معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری، کیفیت پژوهش‌های تجربی در این زمینه افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابداری، معیار اندازه‌گیری، مقاله‌ی علمی

طبقه‌بندی موضوعی: B40, M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.14089.1271

^۱ دانشیار گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران، (dr.banimahd@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران، نویسنده مسئول، (mehdiarabi20@yahoo.com)

^۳ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، (hassanpour_2005@yahoo.com)

^۴ کارشناس ارشد حسابداری، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران، (sharokh2076@yahoo.com)

مقدمه

در فرآیند اجرای پژوهش‌های تجربی حسابداری ابتدا متغیرها اندازه‌گیری می‌شوند، سپس با استفاده از تکنیک‌های آماری به بررسی و کشف روابط بین آن متغیرها پرداخته می‌شود. اندازه‌گیری^۱ به معنای تخصیص عدد به یک مفهوم یا یک شیء است. برای عملیاتی کردن متغیرها از یک معیار اندازه‌گیری^۲ استفاده می‌شود. برخی متغیرها دارای چند معیار اندازه‌گیری هستند و ضرورت دارد که در فرآیند اجرای پژوهش معیار اندازه‌گیری مورد نظر به طور دقیق تعریف شود. برای اندازه‌گیری متغیرها باید از معیاری استفاده شود که به صورت منطقی، متغیر و مفهوم مورد نظر را در قالب اعداد نشان دهد. یعنی اعدادی که به آن مفهوم نسبت داده می‌شوند، توانایی مقایسه‌ی صحیح شرکت‌های مورد مطالعه را داشته باشند. یکی از حوزه‌های پژوهش در رشته‌ی حسابداری، موضوع حسابرسی است. پژوهش‌گران در مطالعات مختلف ابعاد گوناگون موضوع حسابرسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. مهمترین متغیری که در پژوهش‌های حسابرسی به آن پرداخته شده است، کیفیت حسابرسی می‌باشد. دی‌فاند و ژانگ (۲۰۱۴) در پژوهش خود معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی را به دو گروه معیارهای خروجی و ورودی فرآیند اجرای حسابرسی تقسیم نموده‌اند. در یک تقسیم‌بندی دیگر که توسط نیکل و همکاران (۲۰۱۳) صورت گرفت معیارهای کیفیت حسابرسی را به سه گروه ورودی، فرآیند حسابرسی و خروجی تقسیم شدند. این گونه تقسیم‌بندی‌ها به درک بهتر معیارهای مزبور کمک می‌کند.

پیش از این در ایران، حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۶) مروری بر ادبیات و تعاریف کیفیت حسابرسی انجام داده‌اند. ساعی و همکاران (۱۳۹۴) بدون اشاره به معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، به بررسی وضعیت پژوهش‌های حسابرسی در ایران پرداختند. همچنین، مهربانی و غلامی جمکرانی (۱۳۹۶) پیشینه‌ی پژوهش‌های حسابرسی را با طبقه‌بندی حسابرسی مستقل، حسابرسی داخلی، حسابرسی رعایت و حسابرسی عملیاتی مورد بررسی قرار دادند، اما تا کنون پژوهش جامعی در زمینه‌ی تقسیم‌بندی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی صورت نگرفته است؛ و در اغلب پژوهش‌های انجام شده یکی از معیارهای اندازه‌گیری مورد استفاده قرار گرفته و ارتباط کیفیت حسابرسی با سایر متغیرهای حسابداری به صورت تجربی آزمون شده است. فقدان پژوهش کافی در زمینه‌ی تقسیم‌بندی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت

حسابرسی و نقد معیارهای مزبور در فضای ایران، انگیزه‌ای را برای نویسندگان این مقاله به وجود آورد تا در این زمینه پژوهشی انجام دهند. از این رو، پرسش اصلی پژوهش این است که معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی چگونه قابل تقسیم‌بندی هستند و مقالات چاپ شده در نشریه‌های تخصصی تا چه میزان از این معیارها بهره گرفته‌اند؟ اهمیت پژوهش حاضر این است که یک چارچوب منطقی برای تقسیم‌بندی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی ارائه می‌کند تا به پژوهشگران، اساتید دانشگاه و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌ی حسابداری نشان دهد که برای مطالعه‌ی کیفیت حسابرسی و بررسی ارتباط آن با سایر متغیرها در فضای ایران می‌بایست به چه مواردی توجه نمایند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که پژوهش‌گران و دانشجویان می‌بایست با توجه به هدف اجرای پژوهش، نقاط ضعف و قوت هر معیار و شرایط و مقررات حاکم بر شرکت‌ها در ایران، معیار مناسب را برگزینند و به کارگیری همه‌ی معیارها در همه‌ی شرایط مناسب به نظر نمی‌رسد.

در این مقاله، با رویکردی تحلیلی به بررسی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی در مقاله‌های انتشار یافته پرداخته شده است. برای این منظور، ابتدا با استدلال منطقی و مراجعه به مطالعات معتبر و مهم‌ترین معیارهای ارائه شده توسط پژوهش‌گران برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، یک چارچوب نظری در جهت تقسیم‌بندی معیارهای مزبور ارائه شده است، سپس با مرور مقاله‌های منتشر شده در نشریه‌های تخصصی حسابداری در ایران طی ۵ سال اخیر (از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳)، میزان استفاده از معیارهای مزبور و نتایج حاصل شده مورد بحث قرار گرفته است. این معیارها بر اساس دیدگاه دی‌فاند و ژانگ (۲۰۱۴) به دو گروه معیارهای خروجی و معیارهای ورودی فرآیند اجرای حسابرسی تقسیم می‌شوند. به جز معیارهای مبتنی بر محاسبه‌ی ارقام تعهدی اختیاری، اندازه‌گیری سایر معیارها به سادگی امکان‌پذیر است.

هدف این مقاله بهبود کیفیت پژوهش‌های انجام شده در رشته حسابداری به ویژه در حوزه‌ی حسابرسی است. انتظار می‌رود این مقاله علاوه بر گسترش ادبیات پژوهش‌های کیفیت حسابرسی، دستاوردی مفید در خصوص راهنمایی پژوهش‌گران و به ویژه دانشجویان کم تجربه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برای درک بهتر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی و به کارگیری صحیح این معیارها در پژوهش‌های تجربی باشد. همچنین، طبقه‌بندی مطرح شده در خصوص معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی منجر به سازماندهی بیشتر دانش حسابرسی

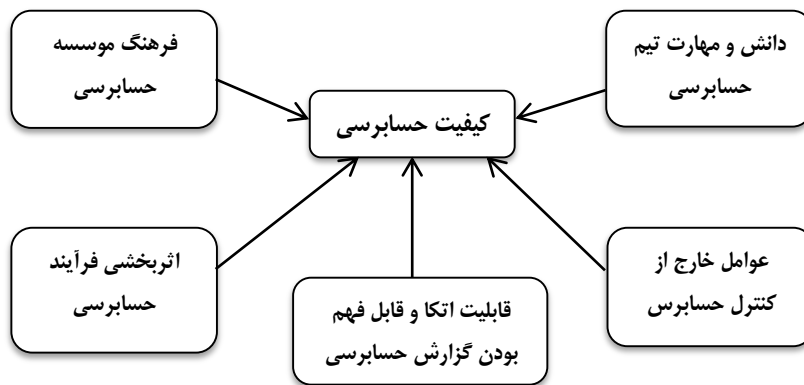
در کشور شود. بنابراین، این مقاله می‌تواند برای استاندارد گذاران، سرمایه گذاران، حسابسان و سایر گروه‌های علاقه‌مند به موضوع کیفیت حسابرسی مفید باشد.

مفهوم کیفیت حسابرسی و اندازه‌گیری آن

با توجه به وجود تضاد منافع بین مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی، اجرای فرآیند حسابرسی علی‌رغم تحمیل هزینه به شرکت ضروری است. به گفته‌ی دی‌فاند و ژانگ (۲۰۱۴) زمانی که فرآیند حسابرسی بر اساس استانداردهای حسابرسی اجرا شود و از کیفیت مناسبی برخوردار باشد، به صورت‌های مالی اعتبار بخشیده و در فرآیند تصمیم‌گیری بیشتر مورد اتکا قرار می‌گیرند. در خصوص کیفیت حسابرسی تعاریف مختلفی وجود دارد. یکی از تعاریفی که در پژوهش‌های مختلف مورد اشاره قرار می‌گیرد، توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار، و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده می‌داند. والاس (۱۹۸۷) کیفیت حسابرسی را بهبود میزان شفافیت اطلاعات حسابداری می‌داند. لی و همکاران (۱۹۹۹) نیز کیفیت حسابرسی را احتمال عدم انتشار گزارش مقبول برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات اساسی تعریف می‌کنند.

پژوهش‌گران سعی کرده‌اند به منظور انجام پژوهش‌های تجربی و شناسایی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی، این مفهوم را اندازه‌گیری نمایند. اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی دشوار است. زیرا، میزان اعتباری که حسابرس به صورت‌های مالی می‌بخشد به سادگی قابل مشاهده نیست (دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). نقش حسابرس در کیفیت گزارشگری مالی، ارائه‌ی اطمینان منطقی در خصوص میزان انطباق صورت‌های مالی با اصول پذیرفته شده و استانداردهای حسابداری است. کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مستقیم دارد. زیرا، کیفیت حسابرسی بالاتر اعتبار بیشتری به صورت‌های مالی می‌بخشد. هر چه اطمینانی که حسابرس در مورد صورت‌های مالی ارائه می‌کند بیشتر باشد، اعتبار گزارشگری مالی نیز بیشتر خواهد بود (چانگ و همکاران، ۲۰۰۹)، اما هر چقدر هم که کیفیت اجرای حسابرسی بالا باشد، باز هم از وجود همه‌ی اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت ممکن در سیستم حسابداری صاحبکار جلوگیری نمی‌شود. زیرا، حسابرس فقط یک اطمینان منطقی از نبود تحریف‌های با اهمیت ارائه می‌کند.

به اعتقاد نیکل و همکاران (۲۰۱۳) پنج ویژگی مختلف می‌توانند با توجه به میزان بروز در هر قرارداد حسابرسی بر کیفیت فرآیند حسابرسی تأثیرگذار باشند؛ ۱) موضوع انگیزه: یک حسابرس با وجود انگیزه‌های صرفه‌ی اقتصادی با ریسک برخورد می‌کند. ۲) موضوع عدم اطمینان: خروجی فرآیند حسابرسی یک گزارش است اما، نتیجه‌ی حاصل از آن نامعلوم و غیر قابل مشاهده می‌باشد. ۳) موضوع ماهیت منحصر به فرد هر قرارداد: کیفیت هر فرآیند حسابرسی به دلیل ویژگی‌های خاص صاحبکار، تیم حسابرسی و زمان‌بندی کار متفاوت است. ۴) موضوع ماهیت فرآیند: هر کار حسابرسی شامل اجرای مجموعه‌ای از روش‌های تعیین شده طبق استانداردهای حسابرسی است. ۵) موضوع قضاوت حرفه‌ای: اجرای هر فرآیند حسابرسی مستلزم استفاده‌ی بهینه از دانش و مهارت متخصصان حسابرسی است. چارچوب مفهومی کیفیت حسابرسی مبتنی بر این مسائل که توسط انجمن گزارشگری مالی انگلیس^۳ (۲۰۰۸) ارائه شد به شرح تصویر (۱) می‌باشد.



شکل (۱): چارچوب مفهومی کیفیت حسابرسی (نیکل و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۳۸۹)

لازم به ذکر است که همه‌ی معیارهای معرفی شده در این چارچوب مفهومی، تا کنون در پژوهش‌های تجربی به صورت کمی اندازه‌گیری نشده‌اند. بنابراین، امکان مطابقت معیارهای ارائه شده در این مقاله با عوامل پنج‌گانه‌ی چارچوب مفهومی امکان‌پذیر نبوده است.

یکی از روش‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی توجه به خروجی فرآیند حسابرسی مانند کیفیت گزارشگری مالی یا ویژگی‌های گزارش حسابرسی است. در مقابل، روش دیگر برای

اندازه‌گیری کیفیت حسابداری پرداختن به ورودی فرآیند حسابداری مانند اندازه‌ی حسابداری یا حق‌الزحمه‌ی حسابداری می‌باشد. در واقع، معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری به دو گروه شاخص‌های مبتنی بر خروجی^۴ و شاخص‌های مبتنی بر ورودی^۵ تقسیم می‌شوند (دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). به دلیل تفاوت در ماهیت معیارهای اندازه‌گیری خروجی و ورودی کیفیت حسابداری، در ادامه این دو گروه به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

معیارهای خروجی اندازه‌گیری کیفیت حسابداری

این گروه از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری، مبتنی بر ویژگی‌های طرف عرضه‌کننده خدمات حسابداری (یعنی حسابرس) می‌باشند. به بیان دیگر، این نوع معیارها، شامل ویژگی‌های سیستم گزارشگری واحد صاحبکار بوده و حاصل یا نتیجه‌ی به‌کار گرفتن حسابرس در شرکت می‌باشند. در ادامه، مهمترین معیارهای خروجی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری و موارد کاربرد و نقاط ضعف و قوت هر یک مطرح می‌شود.

ارائه‌ی مجدد ارقام صورت‌های مالی

یکی از معیارهای مبتنی بر حجم تحریف‌های با اهمیت در سیستم حسابداری شرکت صاحبکار، میزان ارائه‌ی مجدد ارقام صورت‌های مالی^۶ است. ارقام تجدید ارائه شده به منظور اصلاح اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در سیستم حسابداری شرکت شناسایی می‌شوند. لنوکس و پیتمن (۲۰۱۰) معتقدند این معیار یک واقعیت از کیفیت فرآیند خدمات حسابداری را ترسیم می‌کند و نقطه‌ی قوت آن ارائه‌ی شواهدی قوی از کیفیت حسابداری بالا می‌باشد. در عین حال، ضعف این معیار آن است که نبود ارقام تجدید ارائه شده الزاماً بیانگر کیفیت حسابداری پایین نیست. محاسبه‌ی ارقام تجدید ارائه شده به سادگی امکان‌پذیر است. این معیار از طریق حجم تعدیلات سنواتی مستخرج از صورت گردش سود انباشته محاسبه شده و برای همگن شدن بر جمع کل دارایی‌ها یا حجم فروش تقسیم می‌شود. در واقع، این معیار دارای مقیاس اندازه‌گیری کمی بوده و می‌تواند مقادیر پیوسته‌ی متعددی به خود بگیرد. هر چه حسابرس فرآیند اجرای حسابداری را با کیفیت بیشتری انجام دهد، انتظار می‌رود حجم اشتباهات کشف شده‌ی مربوط به دوره‌های قبل بیشتر باشد. بنابراین، بیشتر بودن حجم ارقام تجدید ارائه شده بیانگر کیفیت حسابداری بالاتر می‌باشد. این معیار در پژوهش رویایی و آذین‌فر (۱۳۹۱) به کار گرفته شده است.

گزارش حسابرسی تعدیل شده

یکی از معیارهای حاصل از اجرای فرآیند حسابرسی مستقل، گزارش حسابرسی تعدیل شده^۷ می‌باشد. مدیران همواره تلاش می‌کنند تا گزارش حسابرسی، وضعیت شرکت را به نحو مطلوب نشان داده و به صورت مقبول یا استاندارد ارائه شود. زیرا، گزارش‌های غیر مقبول (تعدیل شده) هزینه‌هایی را به مدیران تحمیل می‌کنند. به اعتقاد دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) کیفیت حسابرسی در شرکت‌های دارای اظهارنظر تعدیل شده بیشتر است. این معیار به صورت واقعی، نتایج حاصل از اجرای فرآیند حسابرسی را نشان داده و به اعتقاد لنوکس و لی (۲۰۱۲) معیار قابل اتکایی به شمار می‌رود. زیرا، اظهار نظر حسابرسان به صورت مستقیم تحت تأثیر و کنترل حسابرسان بوده و نشان دهنده‌ی مسئولیت حسابرسان نسبت به گزارش‌دهی می‌باشد. مزیت معیار گزارش حسابرسی تعدیل شده این است که نشان دهنده‌ی استقلال حسابرسان نیز می‌باشد و استقلال حسابرسان لازمه‌ی اجرای فرآیند حسابرسی مستقل است. یعنی، حسابرسی که استقلال بیشتری دارد به دلیل عدم وابستگی به صاحبکار، راحت‌تر می‌تواند گزارش تعدیل شده صادر کند. کاپلن و ویلیامز (۲۰۱۳) معتقدند ضعف استفاده از این معیار این است که حسابرسان به طور کلی انگیزه دارند که برای بیمه کردن خود در برابر ریسک دادخواهی، گزارش‌های غیر مقبول ارائه کنند. بنابراین، ارائه‌ی گزارش‌های غیرمقبول را لزوماً شاخصی از کیفیت اجرای حسابرسی نمی‌دانند. این معیار معمولاً دارای مقیاس رتبه‌ای یا اسمی است. به این صورت که انواع گزارش‌های حسابرسی کدگذاری می‌شوند. این معیار در پژوهش‌هایی مانند رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰)، بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۰) و ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳) به کار گرفته شده است. با توجه به ضعف بیان شده برای این معیار، برخی از پژوهش‌ها مانند یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) و بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۳) از تعداد بندهای شرط گزارش حسابرسی به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده نموده‌اند. این دسته از پژوهشگران معتقدند که گزارش‌های تعدیل شده در ایران الزاماً بیانگر کیفیت حسابرسی نیست.

معیارهای کیفیت گزارشگری مالی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مستقیم دارد. زیرا، کیفیت حسابرسی بالاتر اعتبار بیشتری به صورت‌های مالی می‌بخشد. دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که معیارهای کیفیت گزارشگری مالی مبتنی بر این فرض هستند که کیفیت

اجرای حسابرسی رفتارهای فرصت طلبانه‌ی مدیران را در خصوص دستکاری و گزارش سود محدود می‌کند. معیارهای مربوط به کیفیت گزارشگری مالی بسیار وسیع هستند و پژوهش‌گران حوزه‌ی حسابرسی سعی داشته‌اند از معیارهای کیفیت سود و مدیریت سود فرصت طلبانه به عنوان معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی بهره‌گیرند.

پرکاربردترین معیار کیفیت گزارشگری مالی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی مدل جونز (۱۹۹۱) بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری می‌باشد (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹ و دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). مدل جونز (۱۹۹۱) حجم ارقام تعهدی اختیاری را محاسبه می‌نماید. ارقام تعهدی اختیاری نشان دهنده‌ی آن بخش از ارقام تعهدی سود هستند که می‌توانند توسط مدیران مورد دستکاری قرار بگیرند. در این مدل‌ها، هر چه باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در یک شرکت بالاتر باشد میزان ارقام تعهدی اختیاری در آن شرکت بالاتر و کیفیت حسابرسی نیز کمتر خواهد بود. بنابراین، چنانچه حسابرسی با کیفیت بالاتری انجام شود، میزان ارقام تعهدی اختیاری موجود در سود کمتر خواهد بود. مدل‌های دیگری نیز مانند مدل تعدیل شده‌ی جونز (۱۹۹۵) و مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) معرفی شده است که میزان ارقام تعهدی اختیاری سود را محاسبه کرده و می‌توانند به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شوند.

سایر معیارهایی که در این گروه قرار می‌گیرند شامل مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) مبتنی بر محاسبه‌ی کیفیت ارقام تعهدی و مدل باسو (۱۹۹۷) مبتنی بر محاسبه‌ی شناسایی به موقع زیان می‌باشند. برآورد مدل‌های مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری نیازمند صرف زمان کافی و دقت زیاد می‌باشد.

اندازه‌های مبتنی بر کیفیت گزارشگری مالی دارای مزیت‌هایی هستند که استفاده از آنها را به عنوان معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی توجیه می‌نماید. اول این که کیفیت حسابرسی بخشی از کیفیت گزارشگری مالی است. انگیزه‌ی تئوریک به کارگیری معیار مزبور این است که صورت‌های مالی حسابرسی شده محصول مشترک مدیریت و حسابرس است (دای، ۱۹۹۱). بنابراین، کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند معیار مناسبی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی باشد. همچنین، اندازه‌های مبتنی بر کیفیت گزارشگری مالی میزان دستکاری سود در چاقوب مفاهیم گزارشگری مالی (GAAP) را منعکس می‌کند. این نوع دستکاری سود جنبه‌های کیفی تصمیم‌های مدیران را در خصوص استفاده از روش‌های حسابداری نشان می‌دهد و

استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را ملزم به ارزیابی این نوع تصمیم‌های مدیران نموده است (لویت، ۱۹۹۸). در نهایت، مزیت دیگر این است که برخلاف برخی معیارهای دیگر، امکان به‌کارگیری آن‌ها در پژوهش‌های با نمونه‌های بزرگ وجود دارد.

یکی از ضعف‌های استفاده از مدل‌های کیفیت گزارشگری مالی، اشتباه در اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری است. به این معنی که مقادیر خطا در مدل‌های مزبور الزاماً بیانگر اقلام تعهدی اختیاری سود نمی‌باشند. از سوی دیگر، اقلام تعهدی اختیاری درصد بسیار کمی از جمع کل دارایی‌ها را تشکیل می‌دهند و ممکن است معیار مناسبی برای ارزیابی کیفیت حسابرسی کل صورت‌های مالی نباشد (گول و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، وجود مدل‌های متعدد برای محاسبه‌ی اقلام تعهدی اختیاری نشان از عدم توافق نظر در بین پژوهش‌گران بر یک مدل مشترک می‌باشد. در نهایت این‌که، برای مفهوم کیفیت گزارشگری مالی معیارهای متعددی وجود دارد. در حالی که کیفیت حسابرسی فقط بخشی از آن مفهوم به‌شمار می‌رود. بنابراین، لازم است در زمان استفاده از این مدل‌ها به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، عوامل مختلف از طریق متغیرهای مناسب کنترل شوند (دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). این معیار در پژوهش‌هایی مانند حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) و جبارزاده و همکاران (۱۳۹۳) به کار گرفته شده است.

ارائه‌ی خدمات غیر حسابرسی

یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی ارائه‌ی خدمات غیر حسابرسی^۸ است. حسابرسان معمولاً علاوه بر حسابرسی، خدمات مشاوره‌ی مالی، مالیاتی و یا تهیه‌ی گزارش‌های حسابداری را نیز انجام می‌دهند. نیکل و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند ارائه‌ی خدمات غیر حسابرسی همزمان با اجرای حسابرسی منجر به ایجاد وابستگی اقتصادی حسابرسی به صاحبکار شده و کیفیت حسابرسی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌گران مانند کریشان و ویزوانتان (۲۰۱۱) نشان دادند که ارائه‌ی خدمات غیر حسابرسی به ویژه مشاوره‌ی مالیاتی منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی می‌شود. این معیار معمولاً به صورت متغیر مجازی استفاده می‌شود. به دلیل اختلاف نظر پژوهش‌گران در خصوص تأثیر ارائه‌ی خدمات غیر حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، این معیار به صورت وسیع در پژوهش‌های تجربی استفاده نمی‌شود. در ایران نوروش و رمضان‌ی (۱۳۸۹) از این معیار بهره گرفته‌اند.

معیارهای ورودی اندازه‌گیری کیفیت حسابداری

این گروه از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری، مبتنی بر ویژگی‌های طرف تقاضاکننده‌ی خدمات حسابداری (یعنی صاحبکار) می‌باشند. به بیان دیگر، این نوع معیارها شامل ویژگی‌های موسسه‌ی حسابداری در فرآیند اجرای حسابداری بوده و حاصل یا نتیجه‌ی رفتار مدیران و سهامداران شرکت در انتخاب حسابداری می‌باشند. در ادامه، مهمترین معیارهای ورودی در اندازه‌گیری کیفیت حسابداری و موارد کاربرد و نقاط ضعف و قوت هر یک مطرح می‌شود. معیارهای ورودی به طور کلی به دو گروه ویژگی‌های خاص حسابداری (مانند اندازه‌ی حسابداری و تخصص حسابداری در صنعت صاحبکار) و ویژگی‌های مربوط به ارتباط بین صاحبکار و حسابداری (مانند حق الزحمه‌ی حسابداری و تداوم تصدی حسابداری) تقسیم می‌شوند.

اندازه‌ی حسابداری

معمولاً از موسسه‌های بزرگ حسابداری^۹ به عنوان شاخصی برای کیفیت حسابداری استفاده می‌شود. به گفته‌ی دی آنجلو (۱۹۸۱) موسسه‌های حسابداری بزرگ به دلیل حفظ موقعیت رقابتی انگیزه‌ی بالاتری برای اجرای یک حسابداری با کیفیت دارند. این معیار به تکرار در پژوهش‌های مختلف استفاده شده است. اندازه‌ی حسابداری^{۱۰} به صورت یک متغیر مجازی با ارزش ۱ برای شرکت‌هایی که حسابداری شان یکی از ۴ یا ۶ موسسه‌ی بزرگ بین‌المللی است و ارزش ۰ برای سایر شرکت‌ها، به کار می‌رود. به گفته‌ی وانگ و همکاران (۲۰۰۸) بیشتر زمانی از این معیار استفاده می‌شود که پژوهش‌گر قصد داشته باشد عوامل موثر بر انتخاب حسابداری با کیفیت توسط صاحبکار را بررسی نماید. بنابراین، اندازه‌ی حسابداری اغلب به عنوان متغیر وابسته در مدل رگرسیون مشاهده می‌شود.

اندازه‌ی موسسه‌ی حسابداری به عنوان ویژگی ثابت حسابداری (حداقل در یک بازه‌ی زمانی منطقی) به شمار می‌رود و حسابداری نمی‌تواند از این ویژگی در هر قرارداد حسابداری در جهت افزایش کیفیت حسابداری استفاده نماید. اما، صاحبکار در انتخاب یک حسابداری با کیفیت می‌تواند به این موضوع توجه نماید. بنابراین، استفاده از این معیار در پژوهش‌هایی مناسب است که تقاضای صاحبکار برای یک حسابداری با کیفیت را بررسی می‌کنند (دی‌فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). نیل و رایلی (۲۰۰۴) معتقدند اندازه‌ی حسابداری به دلیل اندازه‌گیری دامنه‌ی بسیار محدودی از

کیفیت حسابرسی معیار مناسبی نیست. یعنی اندازه‌ی حسابرسی با دو کد ۰ و ۱ طیف وسیعی از سطوح مختلف کیفیت حسابرسی را نشان نمی‌دهد و فقط بیان می‌کند که حسابرسی دارای کیفیت است یا نیست.

متغیر اندازه‌ی حسابرس در ایران نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. به این صورت که برای شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها سازمان حسابرسی است کد ۱ و برای شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها یکی از موسسه‌های عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی است کد ۰ در نظر گرفته می‌شود. استفاده از اندازه‌ی حسابرس به عنوان معیار کیفیت حسابرسی در ایران باید با احتیاط و در موارد خاص صورت بگیرد. زیرا، سازمان حسابرسی (به عنوان بزرگ‌ترین موسسه‌ی حسابرسی در ایران) به دلیل مالکیت و مدیریت دولتی الزاماً دارای بیشترین کیفیت در اجرای حسابرسی نیست. در ضمن، نتایج برخی از پژوهش‌های انجام شده در بورس اوراق بهادار تهران مانند پژوهش حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹)، حساس یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹) و هشی و مظاهری‌فرد (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که بین کیفیت حسابرسی و اندازه‌ی حسابرس (با معیار ذکر شده) رابطه‌ی معنی‌داری وجود نداشته و یا رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. استفاده از این معیار در شرایطی مناسب است که کدهای ۰ و ۱ بیانگر دولتی و خصوصی بودن موسسه‌ی حسابرسی باشد. با این کار دولتی یا خصوصی بودن حسابرس و نه کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار

یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی میزان تخصص موسسه‌ی حسابرسی در صنعت صاحبکار^{۱۱} می‌باشد. کند (۲۰۰۸) معتقد است موسسه‌هایی که در یک صنعت خاص تجربه و مهارت بیشتری دارند، حسابرسی اثربخش‌تری ارائه می‌کنند. تخصص حسابرس شامل خلق ایده‌های سازنده جهت کمک به صاحبکاران و همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و یا راه‌کارهای تازه برای برخی از موضوع‌های پیش روی صاحبکاران در صنایع مورد فعالیت‌شان می‌باشد. فرگوسن و استاکس (۲۰۰۲)، جول و همکاران (۲۰۰۵) و بسیاری از پژوهش‌گران دیگر از معیار تخصص در صنعت صاحبکار به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. به این صورت که هر چه میزان تخصص حسابرس در صنعت مورد فعالیت صاحبکار بیشتر باشد، کیفیت اجرای حسابرسی نیز بالاتر است.

تخصص حسابرس در صنعت صاحبکار معمولاً با رویکرد سهم بازار^{۱۲} توسط پژوهشگران اندازه گیری شده است. رویکرد سهم بازار، یک متخصص صنعت را به عنوان یک موسسه‌ی حسابرسی که خودش را از سایر رقیبانش از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است، تعریف می‌نماید. در این رویکرد فرض می‌شود که با مشاهده‌ی سهم نسبی بازار موسسه‌های حسابرسی که به یک صنعت خاص ارابه‌ی خدمت می‌کنند، می‌توان به میزان دانش تخصصی صنعت موسسه‌ی حسابرسی پی برد. موسسه‌ای که سهم بزرگ‌تری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص برخوردار است. این معیار که توسط پالمراس (۱۹۹۸) معرفی شده است، از طریق تقسیم جمع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک موسسه‌ی حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت محاسبه می‌شود. همچنین، موسسه‌هایی به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان طبق رابطه‌ی مزبور بیش از $1/2 \times$ (شرکت‌های موجود در یک صنعت/۱) باشد. شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها متخصص در صنعت باشند کد ۱ و در غیر این صورت کد ۰ می‌گیرند. این معیار نیز مانند اندازه‌ی حسابرس به عنوان ویژگی ثابت حسابرس به شمار می‌رود و صاحبکار در انتخاب یک حسابرس با کیفیت می‌تواند به این موضوع توجه نماید. در خصوص ضعف این معیار، نیل و رایلی (۲۰۰۴) بیان کرده‌اند که تخصص در صنعت صاحبکار با دو کد ۰ و ۱ طیف وسیعی از سطوح مختلف کیفیت حسابرسی را نشان نمی‌دهد. این معیار در پژوهش‌هایی مانند آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱)، سجادی و همکاران (۱۳۹۲) و خانی و همکاران (۱۳۹۲) به کار گرفته شده است.

حق الزحمه‌ی حسابرسی

برخی از معیارهای کیفیت حسابرسی مانند حق الزحمه‌ی حسابرسی^{۱۳} از ارتباط بین حسابرس و صاحبکار حاصل می‌شوند. حق الزحمه‌ی حسابرسی از این جهت می‌تواند معیاری برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی باشد که به عنوان یک عامل ورودی در فرآیند حسابرسی، میزان تلاش‌های صورت گرفته توسط حسابرسان را منعکس نماید. به این صورت که هر چه حق الزحمه‌ی پرداختی به حسابرسان بیشتر باشد، کیفیت اجرای حسابرسی بالاتر می‌باشد. دیفاند و ژانگ (۲۰۱۴) بیان نمودند که حسابرسان به صورت یک جانبه قادر به افزایش حق الزحمه حسابرسی نیستند، مگر این که بر اساس یک رابطه‌ی متقابل، صاحبکار نیز خواهان

اجرای کار بیشتر از سوی حسابرس باشد. بنابراین، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی یک معیار مناسب هم از سوی تقاضاکننده‌ی خدمات حسابرسی و هم ارائه‌کننده‌ی آن می‌باشد. برخی پژوهش‌گران مانند دیس و گیروکس (۱۹۹۲) از تعداد ساعات کار حسابرسی به جای حق‌الزحمه استفاده نمودند. یکی از مزیت‌های این معیار استفاده از طیف وسیعی از کیفیت‌های اجرای حسابرسی است. همچنین، در برخی از پژوهش‌ها به جای حق‌الزحمه‌ی حسابرسی از تغییر حق‌الزحمه‌ی سال جاری نسبت به سال قبل استفاده می‌شود. چنانچه، از معیار حق‌الزحمه‌ی حسابرس استفاده شود، معمولاً برای همگن نمودن داده‌ها از مقادیر حق‌الزحمه حسابرسی لگاریتم گرفته می‌شود.

در ایران نیز برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هزینه‌های حسابرسی را در بخش هزینه‌های عملیاتی افشا می‌کنند که در پژوهش‌های تجربی می‌توان برای دستیابی به آن‌ها به یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی مراجعه نمود. به نظر می‌رسد که معیار حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در فضای ایران معیار مناسبی برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی نباشد. زیرا، در قراردادهای حسابرسی تعیین مبلغ قرارداد بیشتر بر اساس چانه‌زنی و نه از طریق حجم کار تعیین می‌شود. این معیار در پژوهش‌هایی مانند نیک‌بخت و تنانی (۱۳۸۹)، علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰) و سلیمانی و نبی‌بی (۱۳۹۱) به کار گرفته شده است.

حق‌الزحمه‌ی غیر عادی حسابرسی

برخی از پژوهش‌گران مانند هریر و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که هر چه حق‌الزحمه‌ی پرداختی به حسابرسان کمتر یا بیشتر از میزان متعارف و استاندارد باشد، کیفیت اجرای حسابرسی کمتر می‌شود. به گفته‌ی نیکل و همکاران (۲۰۱۳) پایین بودن بیش از حد هزینه‌های حسابرسی این پیام را به ما می‌دهد که حسابرسی با اثربخشی کمتری انجام شده است. استانا و بون (۲۰۱۲) نیز بیان کرده است که بالاتر بودن هزینه‌های حسابرسی از میزان متعارف نشان‌دهنده‌ی مشکلات زیاد در عملکرد شرکت است که این موضوع سبب کاهش کیفیت اجرای حسابرسی می‌گردد. بنابراین، حق‌الزحمه‌ی غیر عادی حسابرسی^{۱۴} می‌تواند یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی باشد.

حق‌الزحمه‌ی غیر عادی حسابرسی معمولاً از طریق مدل رگرسیون اندازه‌گیری می‌شود که اولین بار توسط سیمونیک (۱۹۸۰) ارائه شد. در این مدل‌ها، حق‌الزحمه‌ی واقعی حسابرسی به

دو بخش حق الزحمه‌ی مورد انتظار (عادی) و حق الزحمه‌ی غیر مورد انتظار (غیر عادی) تقسیم شده و مقادیر خطای حاصل از برآورد مدل به معنی حق الزحمه‌ی غیر عادی حسابرسی در نظر گرفته می‌شوند. این معیار در ایران توسط منصوری و تنانی (۱۳۹۲) به کار گرفته شده است.

تداوم تصدی حسابرسی

یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی مبتنی بر رابطه‌ی دو طرفه‌ی صاحبکار و حسابرسی، تداوم تصدی حسابرسی^{۱۵} یا چرخش حسابرسی^{۱۶} (تغییر حسابرسی) می‌باشد. وانگ و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که حسابرسان با کیفیت به منظور حفظ کیفیت اجرای حسابرسی خود تمایل بیشتری به تغییر صاحبکاران خود دارند. چرخش موسسه‌های حسابرسی به عنوان یک قانون برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ در کشور ایتالیا برای تعدادی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس این کشور اجرا شد و سپس در کشورهای دیگر نیز مقرراتی به این منظور تدوین گردید. در ایران نیز سازمان بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۶ چرخش حسابرسان را در بازه‌های زمانی ۴ ساله الزامی نمود.

به طور کلی، در این خصوص دو دیدگاه متقابل وجود دارد. برخی پژوهش‌گران طرفدار چرخش حسابرسی و برخی دیگر طرفدار تداوم تصدی حسابرسی می‌باشند. طرفداران تداوم تصدی حسابرسی معتقدند که تداوم انتخاب حسابرسی موجب می‌شود تا حسابرسی به مرور دانش خاص صاحبکار را کسب کند، که این موضوع باعث افزایش صلاحیت حرفه‌ای حسابرسی و کیفیت حسابرسی می‌شود. از سوی دیگر، مخالفان بیان می‌کنند که تداوم انتخاب حسابرسی موجب نزدیکی بیش از حد حسابرسی به مدیریت صاحبکار می‌شود که این موضوع ممکن است اثر منفی بر استقلال حسابرسی و کیفیت حسابرسی داشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۰۴). متغیر تصدی حسابرسی یا چرخش حسابرسی به صورت یک متغیر مجازی با ارزش ۰ و ۱ به کار می‌رود. این معیار در پژوهش‌هایی مانند ملکیان و همکاران (۱۳۹۰)، حاجیها و همکاران (۱۳۹۱) و خواجه‌وی و حسینی‌نیا (۱۳۹۳) به کار گرفته شده است.

استقلال حسابرسی

استقلال حسابرسی لازمه‌ی اجرای یک حسابرسی با کیفیت است. بنابراین، هر چه استقلال حسابرسی بالاتر باشد، حسابرسی با کیفیت بالاتری اجرا می‌شود. به اعتقاد سیمونیک (۱۹۸۴)

چنانچه حسابرس دارای استقلال لازم باشد در رسیدگی‌های خود تحت تأثیر روابط و مسائل مختلف قرار نمی‌گیرد و با همه‌ی تخصص و نیروی خود در پی بهبود وضعیت شرکت و تحویل و حفظ منافع سهامداران خواهد بود.

حسابرس نه تنها باید مستقل باشد بلکه باید چنان جلوه کند که افراد جامعه دلیلی برای تردید نسبت به استقلال او نیابند. لذا، تشخیص و اندازه‌گیری استقلال حسابرسی فرآیند دشواری است. در برخی از پژوهش‌ها از طریق اقلام تعهدی اختیاری و در برخی دیگر از طریق پرسش‌نامه و ارزیابی عقاید مدیران و حساب‌رسان مورد سنجش قرار گرفته شده است. این معیار به دلیل دشواری و خطا در اندازه‌گیری کمتر به کار رفته است. معیار استقلال حسابرسی در ایران، توسط نوروش و رضانی (۱۳۸۹) استفاده شده است.

کیفیت حسابرسی در نشریه‌های علمی پژوهشی ایران

در بخش‌های قبل، کیفیت حسابرسی و مهمترین معیارهای اندازه‌گیری آن مطرح شد. معیارهای مزبور به دو دسته‌ی معیارهای ورودی و معیارهای خروجی فرآیند اجرای حسابرسی تقسیم شدند. هر یک از معیارهای بیان شده دارای نقاط قوت و همچنین ضعف‌هایی می‌باشند. خلاصه‌ای از معیارهای ذکر شده در نگاره (۱) ارائه شده است. همه‌ی معیارهای اشاره شده در پژوهش‌های مختلف داخلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در نشریه‌های تخصصی در قالب مقاله‌ی علمی منتشر شده‌اند. در مقاله‌ی حاضر، محتوای ۱۲ نشریه‌ی تخصصی با رتبه‌ی علمی-پژوهشی بررسی شده است. ویژگی‌های این نشریه‌ها در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۱): خلاصه‌ی معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری

مهمترین ضعف	مهمترین مزیت	نوع مقیاس	نام معیار	طبقه‌ی معیار اندازه‌گیری
نمونه‌ی زیادی از شرکت‌ها را در بر نمی‌گیرد (مشکل تعمیم نتایج)	شواهدی قوی از کیفیت حسابداری پایین ارائه می‌کند	کمی (نسبی)	ارائه‌ی مجدد ارقام	معیارهای خروجی
تعداد شرکت‌های دارای گزارش تعدیل شده کم است (مشکل تعمیم نتایج)	شواهدی قوی از کیفیت حسابداری پایین ارائه می‌کند	کیفی (مجازی)	نوع گزارش حسابداری	
مشکل خطای اندازه‌گیری	دامنه‌ی زیاد شرکت‌های نمونه و بیانگر دستکاری طبق GAAP	کمی (نسبی)	کیفیت گزارشگری مالی	
سنجش دامنه‌ی محدودی از طیف کیفیت حسابداری	شواهدی قوی از کیفیت حسابداری پایین ارائه می‌کند	کیفی (مجازی)	ارائه‌ی خدمات غیرحسابداری	
سنجش دامنه‌ی محدودی از طیف کیفیت حسابداری	استفاده زیاد در پژوهش‌های گذشته	کیفی (مجازی)	اندازه‌ی حسابداری	معیارهای ورودی
سنجش دامنه‌ی محدودی از طیف کیفیت حسابداری	استفاده زیاد در پژوهش‌های گذشته	کیفی (مجازی)	تخصص در صنعت	
استفاده در اندازه‌گیری سایر متغیرها	دامنه‌ی زیاد شرکت‌های نمونه	کمی (نسبی)	حق‌الزحمه‌ی حسابداری	
مشکل خطای اندازه‌گیری	دامنه‌ی زیاد شرکت‌های نمونه	کمی (نسبی)	حق‌الزحمه‌ی غیرعادی	
سنجش دامنه‌ی محدودی از طیف کیفیت حسابداری	استفاده زیاد در پژوهش‌های گذشته	کیفی (مجازی)	تداوم تصدی حسابداری	
مشکل خطای اندازه‌گیری	دامنه‌ی زیاد شرکت‌های مورد مطالعه	کمی و کیفی	استقلال حسابداری	

منبع: دی‌فاند و ژانگ (۲۰۱۴)

دلیل انتخاب این ۱۲ نشریه، تنوع در موسسه‌های منتشر کننده، سابقه‌ی انتشار و پر بازدید بودن سایت آن‌ها بوده است. نشریه‌های مزبور از تنوع مناسبی برخوردار می‌باشند. از میان آن‌ها، ۵ نشریه وابسته به دانشگاه‌های دولتی، ۳ نشریه وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی و ۴ نشریه نیز وابسته به نهادهای حرفه‌ای (مانند دیوان محاسبات کشور، سازمان بورس و انجمن حسابداری) هستند. با بررسی مقاله‌های منتشر شده از هر نشریه طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ طبق نگاره (۳) ملاحظه می‌شود که از کل مقاله‌های انتشار یافته در ۱۲ نشریه (به تعداد ۱۷۲۳ مقاله)، فقط ۳/۴

درصد مقاله‌ها یعنی تعداد ۵۹ مقاله در حوزه حسابرسی و به ویژه بررسی متغیر کیفیت حسابرسی بوده‌اند. در نگاره (۳) سهم هر نشریه در انتشار ۵۹ مقاله‌ی یاد شده مشخص شده است. بیشترین میزان انتشار مقاله‌های کیفیت حسابرسی مربوط به نشریه‌ی دانش حسابرسی با سهم ۲۳/۸ درصد و نشریه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی با سهم ۱۵/۲ درصد بوده است.

نگاره (۲): مشخصات نشریه‌های علمی پژوهشی بررسی شده

ردیف	نام نشریه	موسسه	سال انتشار	سردبیر
۱	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی	دانشگاه تهران	۱۳۷۱	دکتر مهرانی
۲	پژوهش‌نامه حسابداری مالی و ...	دانشگاه آزاد تهران مرکز	۱۳۸۸	دکتر حجازی
۳	پژوهش‌های تجربی حسابداری	دانشگاه الزهرا	۱۳۹۰	دکتر مجتهدزاده
۴	پیشرفت‌های حسابداری	دانشگاه شیراز	۱۳۸۴	دکتر نمازی
۵	تحقیقات حسابداری و حسابرسی	انجمن حسابداری	۱۳۸۸	دکتر تقفی
۶	حسابداری مدیریت	علوم و تحقیقات تهران	۱۳۸۷	دکتر رودپشتی
۷	دانش حسابداری و حسابرسی...	انجمن حسابداری مدیریت	۱۳۹۰	دکتر نیکومرام
۸	فصلنامه حسابداری مالی	دانشگاه آزاد مبارکه	۱۳۸۹	دکتر دستگیر
۹	دانش حسابداری	دانشگاه با هنر کرمان	۱۳۸۸	دکتر پورحیدری
۱۰	بورس اوراق بهادار	سازمان بورس بهادار	۱۳۸۵	دکتر احمد پور
۱۱	دانش حسابرسی	دیوان محاسبات	۱۳۸۸	دکتر باباجانی
۱۲	پژوهش‌های حسابداری مالی	دانشگاه اصفهان	۱۳۸۷	دکتر ایزدی نیا

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

پیش‌تر ده معیار اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی معرفی شد و همچنین بیان گردید که طی دوره‌ی ۵ ساله‌ی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ تعداد ۵۹ مقاله به بررسی این معیارها پرداخته‌اند. نگاره (۴) به طور خلاصه، مقاله‌های مزبور و نتایج حاصل از آن‌ها را به تفکیک برای هر معیار نشان می‌دهد. با دقت به پژوهش‌های انجام شده، ملاحظه می‌شود که برخی از نتایج حاصل شده با یکدیگر در تضاد و غیر همسو می‌باشند. پراکندگی استفاده از معیارهای مختلف در نگاره (۵)

نمایش داده شده است. با توجه به اطلاعات نگاره (۵)، بیشترین معیارهای مورد استفاده برای سنجش کیفیت حسابداری، معیار اندازه‌ی حسابرس با سهم ۲۵ درصد و معیار دوره‌ی تصدی حسابرس با سهم ۲۳/۶ درصد می‌باشد. به بیان دیگر، تقریباً ۵۰ درصد پژوهش‌های انجام شده از این دو معیار استفاده نمودند.

نگاره (۳): وضعیت انتشار مقالات مرتبط با کیفیت حسابداری طی دوره‌ی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳

ردیف	نام نشریه	تعداد مقالات منتشر شده	مقالات کیفیت حسابداری	درصد انتشار مقالات در هر نشریه	سهم انتشار هر نشریه (درصد)
۱	بررسی‌های حسابداری و حسابداری	۱۶۰	۹	۵/۶	۱۵/۲
۲	پژوهش‌نامه حسابداری مالی و ...	۱۶۰	۵	۳/۱	۸/۴
۳	پژوهش‌های تجربی حسابداری	۱۱۰	۳	۲/۷	۵/۱
۴	پیشرفت‌های حسابداری	۷۲	۲	۲/۷۸	۳/۴
۵	تحقیقات حسابداری و حسابداری	۱۸۰	۳	۱/۶۷	۵/۱
۶	حسابداری مدیریت	۱۶۰	۵	۳/۱	۸/۴
۷	دانش حسابداری و حسابداری...	۱۱۱	۴	۳/۶	۶/۸
۸	فصلنامه حسابداری مالی	۱۵۰	۳	۲	۵/۱
۹	دانش حسابداری	۱۴۶	۳	۲/۱	۵/۱
۱۰	بورس اوراق بهادار	۱۹۰	۴	۲/۱	۶/۸
۱۱	دانش حسابداری	۱۱۶	۱۴	۱۲/۱	۲۳/۸
۱۲	پژوهش‌های حسابداری مالی	۱۶۸	۴	۲/۴	۶/۸
	جمع	۱۷۲۳	۵۹	۳/۴	۱۰۰

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

نگاره (۴): مقالات کیفیت حسابرسی با معیارهای مختلف طی دوره‌ی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳

معیار اندازه‌گیری	پژوهش‌گر	نتایج پژوهش
ارائه‌ی مجدد اقلام	رویایی و آذین‌فر (۱۳۹۱)	رابطه معنی‌دار بین نوع صنعت و حجم انحرافات کشف شده توسط حسابرس
نوع گزارش حسابرس	انصاری و همکاران (۱۳۹۰)	رابطه معکوس بین مالکیت نهادی و گزارش مشروط حسابرسی
	رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰)	رابطه مستقیم بین مالکیت نهادی و میزان گزارش تعدیل شده
	پوربهرامی و نامنی (۱۳۹۱)	بندهای انحراف از استاندارد علت صدور گزارش غیرمقبول
	یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۱)	رابطه مستقیم بین تردید‌گرایی و تعداد بندهای شرط در گزارش
	بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۱)	رابطه معکوس بین اندازه شرکت و گزارش مقبول حسابرسی
	خدای‌پور و همکاران (۱۳۹۲)	عدم وجود رابطه بین هزینه نمایندگی و نوع گزارش حسابرسی
	قاسمی نژاد و گرکز (۱۳۹۳)	رابطه معکوس بین تغییر مدیریت و بندهای گزارش حسابرسی
	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳)	رابطه معکوس بین مالکیت نهادی و صدور گزارش مشروط
	حاجیها و رفیعی (۱۳۹۳)	عدم رابطه بین حسابرسی داخلی و گزارش دهی حسابرس مستقل
کیفیت گزارشگری (اقلام تعهدی)	بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۳)	رابطه معنی‌دار بین مدیریت سود و تعداد بندهای شرط
	حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)	رابطه مستقیم بین اقلام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط
	جبارزاده و همکاران (۱۳۹۳)	عدم وجود رابطه بین اقلام تعهدی و ریسک دعاوی حقوقی
ارائه خدمات غیر حسابرسی	بیات و علی‌احمدی (۱۳۹۳)	رابطه معکوس بین اقلام تعهدی اختیاری و تاخیر در گزارش‌دهی
	نوروش و رضانی (۱۳۸۹)	تأثیر کمیته‌ی حسابرسی بر استقلال حسابرس
اندازه‌ی حسابرسی	حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)	عدم وجود رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و اندازه حسابرسی
	حساس یگانه و آذین‌فر (۱۳۸۹)	رابطه معکوس بین اندازه حسابرسی و کیفیت حسابرسی
	احمدپور و همکاران (۱۳۸۹)	عدم وجود رابطه بین اندازه حسابرسی و هزینه بدهی
	خالقی مقدم و خان‌بیگی (۱۳۹۰)	عدم تأثیر اندازه حسابرسی بر به‌هنگام بودن سود
	ملکیان و همکاران (۱۳۹۰)	عدم وجود رابطه بین اندازه حسابرسی و عدم تقارن اطلاعاتی
	مهدوی و همکاران (۱۳۹۰)	رابطه مستقیم بین تمرکز مالکیت و اندازه حسابرسی
	ثقفی و معتمدی (۱۳۹۰)	رابطه مستقیم بین اندازه حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری
	نمازی و همکاران (۱۳۹۰)	عدم وجود رابطه بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود
	پورحیدری و همکاران (۱۳۹۱)	رابطه مستقیم بین اندازه حسابرسی و پیش‌بینی سود

رابطه مستقیم بین اندازه حسابرس و هزینه سرمایه	خدای پور و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین اندازه حسابرس و محافظه کاری	حسنی (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین اندازه حسابرس و کیفیت حسابرسی	هشی و مظاهری فرد (۱۳۹۲)	
عدم وجود رابطه بین اندازه حسابرس و هزینه سرمایه	سجادی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین اندازه حسابرس و ریسک سرمایه گذاری	سجادی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین هزینه های نمایندگی و اندازه حسابرس	خدای پور و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین مالکیت خانوادگی و اندازه حسابرس	واعظ و همکاران (۱۳۹۳)	
رابطه معکوس بین مالکیت نهادی و اندازه حسابرس	برادران حسن زاده (۱۳۹۳)	
رابطه مستقیم بین مالکیت نهادی و اندازه حسابرس	ذکری و حساس یگانه (۱۳۹۳)	
رابطه مستقیم بین مالکیت نهادی و تخصص حسابرس	رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰)	
رابطه معکوس بین تخصص حسابرس و مدیریت سود	آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱)	
رابطه منفی بین تخصص حسابرس و میزان مدیریت سود	حاجیها و همکاران (۱۳۹۱)	
رابطه معکوس بین تخصص حسابرس و هزینه سرمایه	مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۱)	
رابطه مستقیم بین تخصص حسابرس و کارایی سرمایه گذاری	بادآورنهدی و تقی زاده (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین تخصص حسابرس و بازده سهام	رمضان احمدی و جمالی (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین تخصص حسابرس و هزینه سرمایه	سجادی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین تخصص حسابرس و ریسک سرمایه گذاری	سجادی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین تخصص حسابرس و اجتناب مالیاتی	خانی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین مالکیت نهادی و تخصص حسابرس	برادران حسن زاده (۱۳۹۳)	حق الزحمه ی حسابرسی
تأثیر معنی دار اندازه شرکت و تورم بر حق الزحمه حسابرس	نیک بخت و تنانی (۱۳۸۹)	
تأثیر معنی دار فرصت های رشد بر حق الزحمه حسابرس	نیکزاد و همکاران (۱۳۹۰)	
رابطه مستقیم بین نوع حسابرس و حق الزحمه حسابرس	علوی طبری و همکاران (۱۳۹۰)	
رابطه مستقیم بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرس	انصاری و همکاران (۱۳۹۰)	
رابطه مستقیم بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و حق الزحمه	ملکیان و همکاران (۱۳۹۱)	
رابطه معکوس بین ساعات کارکرد حسابرس و مدیریت سود	سلیمانی و نبی بی (۱۳۹۱)	
عدم تغییر حق الزحمه حسابرسی در دوره های کوتاه مدت	رشیدی باغی (۱۳۹۳)	
رابطه مستقیم بین مدیریت سود و حق الزحمه حسابرس	داروغه حضرتی و پهلوان (۱۳۹۱)	
رابطه مستقیم بین مالکیت نهادی و حق الزحمه حسابرس	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۳)	
تأثیر مالکیت خانوادگی و دولتی بر حق الزحمه حسابرس	خدادادی و همکاران (۱۳۹۳)	

رابطه مستقیم بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و واکنش بازار	منصوری و تنانی (۱۳۹۲)	حق‌الزحمه غیر عادی حسابرسی
عدم وجود رابطه بین چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی	حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹)	تداوم تصدی حسابرس
رابطه معکوس بین تداوم تصدی حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی	ملکیان و همکاران (۱۳۹۰)	
رابطه منفی بین دوره تصدی حسابرس و میزان مدیریت سود	حاجیها و همکاران (۱۳۹۱)	
عدم وجود رابطه بین مدت تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی	سجادی و همکاران (۱۳۹۱)	
رابطه مستقیم بین مدت تصدی حسابرس و خطای پیش‌بینی سود	عزیزخانی و صفروندی (۱۳۹۱)	
رابطه مستقیم بین مدت تصدی حسابرس و کارایی سرمایه‌گذاری	بادآورنهدی و تقی‌زاده (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین مدت تصدی حسابرس و بازده سهام	رمضان‌احمدی و جمالی (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین چرخش حسابرس و کشف تحریف‌ها	جعفری و همکاران (۱۳۹۲)	
عدم وجود رابطه بین چرخش حسابرس و تعدیلات سنواتی	پورحیدری و بدری (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین مدت تصدی حسابرس و هزینه سرمایه	خدای پور و همکاران (۱۳۹۲)	
عدم رابطه بین تصدی حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی نخستین	عزیزخانی و آقاییگی (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین تصدی حسابرس و ریسک سرمایه‌گذاری	سجادی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه معکوس بین دوره تصدی حسابرس و خطای پیش‌بینی سود	قیطاسی و همکاران (۱۳۹۲)	
رابطه مستقیم بین تغییر حسابرس و ضریب واکنش سود	علوی طبری و بشیری (۱۳۹۲)	
عدم وجود رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری	خواجوی و حسینی نیا (۱۳۹۳)	
رابطه مستقیم بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری	کرباسی‌یزدی و همکاران (۱۳۹۳)	
عدم وجود رابطه بین مالکیت نهادی و مدت تصدی حسابرس	برادران‌حسن‌زاده (۱۳۹۳)	
عدم وجود رابطه بین جنسیت حسابرس و استقلال حسابرسی	علوی طبری و همکاران (۱۳۹۱)	استقلال حسابرس

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

همچنین، کمترین معیارهای استفاده شده شامل ارائه‌ی مجدد ارقام و استقلال حسابرس بوده است. توجه نماید که تعداد دفعات به‌کارگیری معیارهای ۱۰ گانه ۷۲ مورد ذکر شده است، در حالی که پیش‌تر بیان شد ۵۹ مقاله در این باب وجود دارد. این موضوع به آن علت است که در

برخی مقاله‌ها بیش از یک معیار برای سنجش کیفیت حسابداری استفاده شده است. افزون بر این، در نگاره (۵) تعداد مقاله‌های منتشر شده در هر سال نیز نشان داده شده است. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر یعنی ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ بیشترین تعداد مقاله‌های مربوط به کیفیت حسابداری (بیش از ۵۰ درصد) منتشر شده است. نگاره (۶) نیز مقاله‌های یاد شده را به تفکیک نوع و روش پژوهش نشان می‌دهد. از میان کل دفعات به کارگیری معیارهای کیفیت حسابداری، تقریباً ۹۲ درصد به صورت پژوهش‌های اثباتی و استفاده از مدل‌های رگرسیون و قریب به ۷ درصد آن‌ها به صورت پیمایشی انجام شده‌اند.

در نگاره (۷) پژوهش‌های انجام شده به تفکیک نویسندگان مقاله نشان داده شده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود طی دوره‌ی ۵ ساله‌ی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ بیشترین مقاله‌ی انتشار یافته توسط دکتر یحیی حساس یگانه با ۶ عنوان مقاله نگاشته شده است. پس از ایشان، دکتر سید حسین سجادی، دکتر سید حسین علوی طبری و دکتر کاوه آذین‌فر با ۳ عنوان مقاله دارای بیشترین تعداد مقاله در این زمینه بوده‌اند.

نگاره (۵): میزان استفاده از معیارهای مختلف اندازه‌گیری کیفیت حسابداری

نام معیار	تعداد به کارگیری	درصد	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳
ارائه‌ی مجدد ارقام	۱	۱/۴	-	-	۱	-	-
نوع گزارش حسابداری	۱۰	۱۳/۹	-	۲	۳	۱	۴
کیفیت گزارشگری (ارقام تعهدی)	۳	۴/۱	۱	-	-	-	۲
ارائه خدمات غیر حسابداری	۱	۱/۴	۱	-	-	-	-
اندازه‌ی حسابداری	۱۸	۲۵	۳	۵	۱	۶	۳
تخصص حسابداری در صنعت	۱۰	۱۳/۹	-	۱	۳	۵	۱
حق‌الزحمه‌ی حسابداری	۱۰	۱۳/۹	۱	۳	۲	۱	۱
حق‌الزحمه‌ی غیر عادی	۱	۱/۴	-	-	-	۱	-
تداوم تصدی حسابداری	۱۷	۲۳/۶	۱	۱	۴	۹	۵
استقلال حسابداری	۱	۱/۴	-	-	۱	-	-
جمع	۷۲	۱۰۰	۷	۱۲	۱۵	۲۳	۱۶

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

نگاره (۶): نوع پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی کیفیت حسابرسی

درصد	تعداد مقاله	نوع (روش) پژوهش
۹۱/۷	۶۶	اثباتی (مدل رگرسیون)
۶/۹	۵	پیمایشی (پرسش‌نامه‌ای)
۱/۴	۱	دستوری (توصیفی یا کیفی)
۱۰۰	۷۲	جمع

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

نگاره (۷): پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی کیفیت حسابرسی بر اساس نویسندگان

تعداد مقاله	نوع (روش) پژوهش
۶	یحیی حساس یگانه
۳	سید حسین سجادی
۳	سید حسین علوی طبری
۳	کاوه آذین‌فر
۴۴	سایر نویسندگان با دو یا یک مقاله
۵۹	جمع

منبع: گردآوری پژوهش‌گران

نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اندازه‌گیری صحیح کیفیت حسابرسی وجود تعریف‌های مختلف و گاه متناقض در خصوص مفهوم کیفیت حسابرسی است. عملیاتی کردن مفهوم کیفیت حسابرسی همواره با دشواری‌هایی همراه بوده است و تا کنون معیار واحدی که مورد توافق پژوهش‌گران مختلف باشد، ارائه نشده است. اما، استفاده از هر یک از معیارهای مزبور با توجه به هدف پژوهش می‌تواند برای گسترش ادبیات رشته‌ی حسابداری مفید باشد. در این مقاله، به دلیل محدودیت در ارائه‌ی مطالب، به بررسی همه‌ی نشریه‌ها در همه‌ی سال‌های گذشته پرداخته نشده است. اما، سعی شد مهم‌ترین نشریه‌ها طی سال‌های اخیر مورد ارزیابی قرار گیرند. بنابراین، نتایج بیان شده بر اساس بررسی‌های صورت گرفته مطرح شده است.

برای انتخاب معیار اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی ضرورت دارد به شرایط گزارشگری در بازار سهام ایران و همچنین ساز و کارهای اجرای حسابرسی در نهادهای عهده‌دار فرآیند اجرای حسابرسی توجه نمود. به عنوان مثال، برای استفاده از معیار حق‌الزحمه‌ی حسابرسی باید توجه کرد که هزینه‌های حسابرسی در بسیاری از شرکت‌های بورس تهران افشا نمی‌شود. این موضوع منجر به کاهش تعداد نمونه‌ی آماری می‌شود. همچنین، در شرکت‌های فعال در ایران معمولاً حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بر مبنای قدرت چانه‌زنی و مناسبات سیاسی و نه بر اساس حجم کار انجام شده تعیین می‌شود. بنابراین، حق‌الزحمه نمی‌تواند معیار مناسبی از کیفیت حسابرسی باشد. تعداد گزارش‌های تعدیل شده (غیر مقبول و غیر مشروط) از سوی موسسه‌های حسابرسی بسیار کم است. بنابراین، استفاده از معیار گزارش‌های مردود و عدم اظهارنظر نیز نمی‌تواند مناسب باشد. همچنین، اندازه‌ی حسابرس معیار مطلوبی به نظر نمی‌رسد. زیرا، سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس بزرگ به دلایل بیان شده در بخش‌های قبل، الزاماً دارای کیفیتی بالاتر از سایر موسسه‌ها نیست. تعدادی از پژوهش‌ها نیز این ادعا را به صورت تجربی نشان داده‌اند. تخصص حسابرسان در فضای ایران معمولاً بر روی یک صنعت خاص نیز کمتر مشاهده می‌شود. با توجه به این مشکلات، به نظر می‌رسد اجرای پژوهش‌هایی به منظور ارائه‌ی معیارهای مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی با توجه به شرایط ایران ضروری است.

یکی از دلایل عدم کارایی در استفاده از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، نتایج ضد و نقیض در پژوهش‌های مختلف است. دلیل این امر، می‌تواند اشتباه در گردآوری داده‌ها، انتخاب نادرست معیار اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، نمونه‌های کوچک، ضعف در به-کارگیری تکنیک‌های اقتصادسنجی و آماری و اشتباه در مدل‌های مورد مطالعه باشد. با توجه به مطالب بیان شده در مورد معیارهای مختلف اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، به نظر می‌رسد یکی از روش‌های مناسب برای سنجش این متغیر استفاده از تعداد بندهای شرط قبل از بند اظهارنظر در گزارش‌های حسابرسی است. زیرا، مدیران شرکت‌های صاحبکار در فضای ایران به دلایل مختلف مانند حفظ موقعیت خود و پاسخگویی مناسب در مجمع عمومی سهامداران، به شدت به دنبال کاهش تعداد بندهای شرط در گزارش حسابرسی می‌باشند. قاعدتاً حسابرسانی که در چنین شرایطی استقلال حرفه‌ای خود را حفظ کرده و تعداد بندهای شرط بیشتری را در گزارش حسابرسی ارائه کنند، می‌توانند از کیفیت بیشتری در اجرای فرآیند حسابرسی برخوردار باشند.

همچنین، پیشنهاد می‌شود در زمان به کارگیری هر یک از معیارهای یاد شده، به منظور اطمینان از صحت نتایج حاصل شده، آزمون‌های حساسیت مختلفی انجام گردد و همزمان از معیارهای دیگر کیفیت حسابرسی نیز استفاده شود. به بیان دیگر، استفاده از یک معیار به تنهایی برای آزمون فرضیه‌های مبتنی بر کیفیت حسابرسی کافی نیست.

انتظار می‌رود این مقاله باعث توجه بیشتر پژوهش‌گران به اجرای صحیح پژوهش‌های مربوط به کیفیت حسابرسی شود. به اساتید و پژوهش‌گران رشته‌ی حسابداری پیشنهاد می‌شود که با نگارش مقاله‌های انتقادی در خصوص معیارهای مناسب سنجش کیفیت حسابرسی به افزایش کیفیت مقالات حسابداری در این زمینه کمک کنند.

پی نوشت

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱ Measurement | ۲ Proxy |
| ۳ U. K. 's Financial Reporting Council | ۴ Output-based audit quality Proxies |
| ۵ Input-based audit quality Proxies | ۶ Accounting Restatements |
| ۷ Modified Audit Opinions | ۸ Non Audit Services (NAS) |
| ۹ Big N Auditors | ۱۰ Auditor Size |
| ۱۱ Auditor Industry Specialization | ۱۲ Market Share Approach |
| ۱۳ Audit Fees | ۱۴ Abnormal Audit Fees |
| ۱۵ Auditor tenure | ۱۶ Auditor Rotation (Chang) |

منابع

- Aghayee, M. A. , and Nazemi Ardakani, M. (2010). Auditor Industry Specialization and the management of Discretionary accruals. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 46, p. 4-17. (In Persian)
- Ahmad Khan Beygi, M. (2011). Conservative relationship and timing of net profit by size of company and size of audit institution. *Accounting and Auditing Review*, No. 64, p. 1-18. (In Persian)
- Ahmadpour, A. , Kashanipour, M. , and Shojaee, M. (2010). Investigating the Impact of Corporate Governance and Audit Quality on Debt Financing Costs. *Accounting and Auditing Review*, No. 62, p. 17-32. (In Persian)
- Alavi Tabari, H. , and Bashiri Manesh, N. (2013). Effect of audit quality and change of auditor on the capital market. *Accounting and Auditing Knowledge*, No. 6, p. 63-84. (In Persian)
- Alavi Tabari, H. , Mojtahed Zadeh, V. , and Bakhtiari, N. (2012). Impact of auditor's gender on independent audit quality. *Financial Accounting and Auditing Research*, No. 13, p. 78-98. (In Persian)

- Alavi Tabari, H. , Rajabi, R. , and Shahbazi, M. (2011). Relationship between the strategic system and the independent audit fees of companies. *Accounting Knowledge*, No. 5, p. 75-101. (In Persian)
- Ansari, A. , Talebi Najaf Abadi, A. , and Kamali Kermani, N. (2011). The effect of the management accounting and consulting services along with auditing services on the independence of the auditor. *Empirical Accounting Research*, No. 1, p. 63-79. (In Persian)
- Asthana, M. , and Boone, G.. (2012). The value of Big 4 audits in Australia. *Accounting and Finance*, Vol. 50, No. 4, p. 743-756.
- Azizkhani, M. , and Aghabeigi, Z. (2013). Audit Fee for the First and Future Auditors' Volume of the Audit Firm Accepted in the Stock Exchange. *Accounting Knowledge*, No. 15, p. 105-127. (In Persian)
- Azizkhani, M. , and Safarvandi, A. (2012). An Investigation of the Effect of the Audit Period on the Projected Profit Error. *Accounting and Auditing Review*, No. 69, p. 61-78. (In Persian)
- Badavar Nahandi, Y. , and Taghizadeh Khanghah, V. (2013). Investigate the relationship between audit quality and investment efficiency. *Accounting and Auditing Review*, No. 72, p. 19-42. (In Persian)
- Banimahd, B. , Hasas Yeganeh, Y. , and Yazdani, N. (2014). Earnings Management and Auditor's Opinion: Evidence from the Private Audit Division. *Managerial Accounting*, No. 21, p. 1-20. (In Persian)
- Banimahd, B. , Morad Zadeh Fard, M. , and Zeynali, M. (2012). Effect of Audit Fees on Auditor's Opinion. *Managerial Accounting*, No. 15, p. 25-45. (In Persian)
- Baradaran Hasan Zadeh, R. , Badavar Nahandi, Y. , and Ganjineh, E. (2014). Impact of ownership structure on audit quality. *Financial Accounting and Audit Research*, No. 23, p. 7-28. (In Persian)
- Basu, S. , (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, No. 24, p. 3-37.
- Bayat, A. , and Ahmadi, S. A. (2014). Late audits and timely financial reporting. *Financial Accounting and Audit Research*, No. 22, p. 52-72. (In Persian)
- Chang, K. , Lin L. K. and Zhou, J. (2009). Audit Quality and Earnings Management for Taiwan IPO Firms. *Managerial Accounting Journal*, Vol. 20, No. 1, p. 86-104.
- Chen, H. , Chen, J. Z. , Lobo, G. J. , and Wang, Y. , (2004). Effects of audit quality on earnings management and cost of equity capital: Evidence from China. *Contemporary Accounting Research*, No. 28, p. 892-925.
- Daroghee Hazrati, F. , and Pahlavan, Z. (2012). The Relationship Between Quality of Audit Report and Audit Fees in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. *Managerial Accounting Journal*, No. 14, p. 21-42. (In Persian)
- DeAngelo, L. , (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*. No. 3, p. 183-199.
- Dechow, P. , and Dichev, I. D. , (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accruals timation errors. *The Accounting Review*, No. 77, p. 35-59.
- DeFond, M and Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, No 58, p. 275-326.

- Deis, D. R. , and Giroux, G. A. , (1992). Determinants of audit quality in the public section. *The Accounting Review*, No. 67, p. 462-479.
- Dye, R. , (1991). Informationally motivated auditor replacement. *Journal of Accounting and Economics*, No. 14, p. 347-374.
- Ebrahimi, S. K. , Peyvandi, M. , and Fakharmansh, M. (2014). Investigating the Impact of Corporate Ownership on Audit Fees and Opinion of Independent Auditors. *Financial Accounting of Mobarakeh University*, No. 24, p. 59-78. (In Persian)
- Ferguson, A. , and Stokes, D. , (2002). Brand name audit pricing, industry specialization, and leadership premium spost-Big 8 and Big 6 mergers. *Contemporary Accounting Research*, No. 19, p. 77-110.
- Francis, J. R. , Maydew, E. L. , and Sparks, H. C. , (1999). The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals. *A Journal of Practice & Theory*, No. 18, p. 17-34.
- Ghasemi Nejad, E. , and Garkaz, M. (2014). Management Change and Auditor's Opinion: Examination of the Conjugation of Management and Auditor. *Accounting and Auditing Knowledge*, No. 12, p. 74-95. (In Persian)
- Gheytsi, R. , Asta, S. , and Hajizadeh, F. (2013). Effect of audit period on information uncertainty. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 52, p. 1-24. (In Persian)
- Gul, F. A. , Chen, C. J. P. , and Tsui, J. S. L. , (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fee. *Contemporary Accounting Research*, No. 20, p. 441-464.
- Hajiha, Z. , and Rafiei, A. (2014) Impact of Internal Audit Performance on Independent Audit Report. *Financial Accounting and Audit Research*, No. 24, p. 36-57. (In Persian)
- Hajiha, Z. , Baradaran Hasanzadeh, R. , and Ahmad zadeh, Y. (2012). Investigating the Impact of Specialty in Industry and Auditory Period on Profit Management in Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 47, p. 1-22. (In Persian)
- Hasani, M. (2013). Accounting conservative sensitivity to audit quality. *Accounting Knowledge*, No. 15, p. 149-172. (In Persian)
- Hasas Yeganeh, Y. , and Azinfar, K. (2010). The relationship between audit quality and the size of the audit firm. *Accounting and Auditing Review*, No. 61, p. 85-98. (In Persian)
- Hasas Yeganeh, Y. , and Jafari, A. (2007). Audit quality, review of literature and research. *Journal of Bourse*, No. 66, p. 38-45. (In Persian)
- Hasas Yeganeh, Y. , and Jafari, V. (2010). Investigating the Effect of Revolutionary Audit On the Quality of Audit Report of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Quarterly of the Stock Exchange Organization*, No. 9, p. 25-42. (In Persian)
- Hasas Yeganeh, Y. , Kheyrollahi, F. , and Rashidi Baghi, M. (2013). Awareness of the attitudes of partners and distortions of audit judgment in the audit institutions of the member of the official accountant community of Iran. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 53, p. 1-25. (In Persian)

- Hoshi, A. , and Mazaheri Fard, K. (2013). Investigate the relationship between the size of the audit firm and the auditor's adequacy. *Accounting and Auditing Research*, No. 17, p. 85-98. (In Persian)
- Hribar, P. , Kravett, T. D. , and Wilson, R. J. , (2010). A new measure of accounting quality. *Working paper*, The University of Iowa and The University of Texas at Dallas.
- Jabarzadeh Kangarloe, S. , Sabzevari, S. , and Motevasel, M. (2014). Investigate the relationship between audit quality and litigation against the auditor. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 56, p. 69-86. (In Persian)
- Jafari, A. , Hoseini, M. , and Resaeian, A. (2013). Investigating the Effect of Auditor's Change on Audit Quality of Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 51, p. 1-19. (In Persian)
- Jones, J. , (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, No. 29, p. 193-228.
- Kaplan, S. E. , Williams, D. D. , (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. *The Accounting Review*, No. 88, p. 199-232.
- Karbasi Yazdi, H. , Norifard, Y. , and Chanari Bokt, H. (2014). Investigating the relationship between auditor's time and conservatism in reported earnings. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 55, p. 95-112. (In Persian)
- Kend, M. (2008). Client industry audit expertise: towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, No. 20, p. 49-62.
- Khajavee, SH. , and Hosseini Nia, S. (2014) The relationship between accounting conservatism and the auditor's tenure. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 54, p. 1-28. (In Persian)
- Khani, A. , Imani, K. , and Molayee, M. (2013). Investigating the relationship between the auditor's specialty in the industry and the tax avoidance of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 51, p. 1-24. (In Persian)
- Khodadadi, V. , Ghorbani, R. , and Khansari, N. (2014). Investigating the Effect of Governance Structure on Audit Fees. *Accounting and Auditing Review*, No. 75, p. 57-72. (In Persian)
- Khodamipour, A. , Deldar, M. , and Molayee, M. (2013). Investigating the Effect of Representation Costs and Information Asymmetry on Audit Quality. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 50, p. 1-21. (In Persian)
- Khodamipour, A. , Mohammad Rezakhani, V. , and Zafaraniyee, H. (2014). Investigating the Effect of Audit Quality Characteristics on Cost of Equity. *Accounting and Auditing Research*, No. 20, p. 1-20. (In Persian)
- Knechel, R. , Krishnan, G. , Pevzner, M. and Shefchik, L. , (2013). Audit Quality: Insights from the Academic Literature. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 32, No. 1, p. 385-421.
- Kothari, S. P. , Leone, A. J. , and Wasley, C. E. , (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, No. 39, p. 163-197.
- Krishnan, G. , and Visvanathan, G. , (2011). Is there an association between earnings management and auditorprovided tax services?. *Journal of the American Taxation Association*, Vol. 33, No. 3: p. 111-135.

- Lee P. J. , Taylor S. L. and T. S. Walter, (1999). The Association between Audit Quality, Accounting Disclosures and Firm-Specific Risk: Evidence from the Australian IPO Market, *Journal of Banking and Finance*, No. 20, p. 1189-1210.
- Lennox, C. , and Li, B. , (2012). The consequences of protecting audit partners' personal assets from the threat of liability. *Journal of Accounting and Economics*, No. 54, p. 154-173.
- Lennox, C. , and Pittman, J. , (2010). Big Five audits and accounting fraud. *Contemporary Accounting Research*, No. 27, p 209–247.
- Levitt, C. A. , (1998). The “numbers” game. *Remarks to NYUC enter for Law and Business*, No. 18, p. 134-161.
- Mahdavi, GH. , Monfared, M. , and Ebrahimi, F. (2011). A Review of the Corporate Strategic System on the Size of the Selected Audit Firm of the Companies Acquired in the Tehran Stock Exchange. *Stock Exchange Quarterly*, No. 13, p. 135-156. (In Persian)
- Malekian, E. , Ahmadpour, A. , and talebniaz Ahangar, M. (2012). Investigating the relationship between some corporate governance mechanisms, audit fees, and ownership of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, No. 14, p. 37-50. (In Persian)
- Mansori, M. , and Tanani, M. (2013). Review stock market reaction to abnormal audit fees. *Financial Accounting Research*, No. 18, p. 105-120. (In Persian)
- Mehrani, H. , and Gholami Lankarani, R. (2017). Analytical review of research conducted in the field of auditing in Iran. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 66, p. 218-243. (In Persian)
- Moeinodin, M. , and kalantari, A. (2011). The relationship between the quality of independent auditing and the price difference between buying and selling shares in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, No. 66, p. 69-80. (In Persian)
- Moradzadeh, M. , Adili, M. , and Ebrahimian, J. (2012). Audit quality, profit quality and equity costs. *Financial Accounting and Auditing Research*, No. 14, p. 13-34. (In Persian)
- Namazi, M. , Bayazidi, A. , and Jabarzadeh, S. (2010). Investigating the Relationship Between Audit Quality and Earnings Management of Accepted Companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, No. 9, p. 1-20. (In Persian)
- Neal, T. L. , and RileyJr. , R. R. , (2004). Auditor industry specialist research design. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, No. 23, p. 169–177.
- Nikhbakht, M. R. , and Tanani, M. (2010). Examining the Factors for Financial Audit Audit. *Financial Accounting Research*, No. 4, p. 111-132. (In Persian)
- Nikzad Chaleshtari, GH. , Ebrahimi, M. , and Bagheri, M. (2011). Impact of growth opportunities and agency problems caused by free cash flow of companies on audit fees. *Financial Accounting of Mobarakeh*, No. 11, p. 12-33. (In Persian)
- Noravesh, I. , and Ramazani, M. (2010). Investigating factors influencing the independence of the auditor from the standpoint of independent auditors and users of audit services. *Financial Accounting of Mobarakeh*, No. 7, p. 6-28. (In Persian)

- Palmrose, Z. , (1998). An analysis of auditor litigation and audit service quality. *The Accounting Review*, No. 63, p. 55-73.
- Pour Bahrami, B. , and Nammi, Z. (2012). Review the causes of issuing uncontrolled audit reports in the audit firm. *Accounting and Auditing Knowledge*, No. 3, p. 56-75. (In Persian)
- Pourheydari, O. , and Badri Masjedi, A. (2013). Investigate the relationship between the rotation of institutions and the auditor's partner with the audit quality and annual adjustments. *Accounting advancements*, No. 2, p. 23-43. (In Persian)
- Pourheydari, O. , Zarezadeh Mehrizi, M. S. , and Takor, R. (2012). Investigating the relationship between audit quality and the ability to predict earnings from the perspective of investors. *Accounting and Audit Knowledge*, No. 4, p. 30-51. (In Persian)
- Rahimian, N. , Rezapour, N. , and Akhzari, H. (2010). Relationship between Optional Accrual Items and Auditor's Report. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 3, p. 6-21. (In Persian)
- Rahimian, N. , Rezapour, N. , and Akhzari, H. (2011). The role of institutional owners in the audit quality of accepted companies. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 45, p. 68-81. (In Persian)
- Ramazan Ahmadi, M. , and Jamali, K. (2013). Impact of audit quality on future return on shares of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, No. 74, p. 1-23. (In Persian)
- Rashidi Baghi, M. (2010). Investigating the Sticky of Audit Fees. *Accounting and Auditing Review*, No. 78, p. 431-448. (In Persian)
- Royayee, R. , and Azin Far, K. (2012). The relationship between audit quality and industry type. *Managerial Accounting*, No. 15, p. 40-60. (In Persian)
- Saei, M. J. , Lari Dashbayaz, M. , and Fateh Gosh, H. (2015). Analyzing and analyzing the content of academic research research in the last two decades. *Accounting and Auditing Review*, No. 2, p. 203-220. (In Persian)
- Saghafi, A. , and Motamedi Fazeli, V. (2011). The relationship between audit quality and investment efficiency in companies with high investment facilities. *Financial Accounting Research*, No. 10, p. 1-14. (In Persian)
- Sajadi, S. H. , Farazmand, H. , and Ghorbani, S. (2012). Impact of the auditor's choice on the quality of the audit. *Journal of Accounting Advances*, No. 13, p. 1-23. (In Persian)
- Sajadi, S. H. , Farazmand, H. , and Tajoldini, A. (2013). Effect of audit quality on the cost of common stock capital. *Empirical Accounting Research*, No. 10, p. 109-128. (In Persian)
- Sajadi, S. H. , Nik kar, J. , and Hajizadeh, S. (2013). The Effect of Audit Quality Measures on Investment Risk in Bourse Companies. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 50, p. 22-41. (In Persian)
- Simunic, D. (1980). The pricing of audit sevicees: theory and evidence. *Journal of Accounting Research*. Vol. 18, No. 1, p. 161-190.
- Simunic, D. , (1984). Auditing, Consulting, and auditor independence. *Journal of Accounting Research*, No. 22, p. 679-702.

- Soleimani Amiri, and Nabiyei, E. (2012). The relationship between the number of hours of auditing and earnings management. *Empirical Accounting Research*, No. 3, p. 35-51. (In Persian)
- Vaeiz, S. A. , Abedi, B. , and Khajavi, V. (2014). Audit Audit Fees and Audit Firm Size in Accepted Family Companies. *Audit Knowledge Quarterly*, No. 54, p. 1-20. (In Persian)
- Wallace. W. , (1987). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Market: A Review. *Research in Accounting Regulation*. Vol. 1, No. 12, p. 112-135.
- Wang, Q. , Wong, T. J. and Xia, L. , (2008). State ownership, the institutional environment, and auditor choice: Evidence from China. *Journal of Accounting and Economics*, No. 46, p. 112-134.
- Yaghob Nejad, A. , Royayee, R. , and Azinfar, K. (2012). Relationship between the school's indices of skepticism and audit quality. *Managerial Accounting*, No. 14, p. 26-47. (In Persian)
- Zekri, H. , and Hasas Yeganeh, Y. (2014). Investigate the relationship between the size of an audit firm and institutional investors. *Quarterly of the Stock Exchange Organization*, No. 26, p. 23-49. (In Persian)

A Review on Auditing Quality Proxies: Applications and Weak and Strong Points

Bahman Banimahd¹, Mehdi Arabi², Shiva Hassanpour³,

Shahrokh Bozorgmehrian⁴

Received : 2017/02/08

Approved: 2017/05/31

Abstract

The paper has been pointed the most important proxies of audit quality and the strengths and weaknesses of each proxy and has been evaluated the application of the criteria in the Accounting Journals in Iran. For this purpose, we first reviewed the published audit articles in the country and after the categorizing the criteria, we presented the application of any criteria and the results of their using. Then, the mentioned papers are categorized and analyzed by author, type of journal, year of publication and so on. In this paper, we used the information over the 5-year period 1389 to 1393 at the 12 journals. The results of audit quality measurement showed that in this period, the 10 audit quality criteria have been employed 72 times in 59 papers. This only to be included less than 4% of the total number of published articles. Also, in many cases, using the same criteria is lead to different and contradictory results. It is essential to the implementation of researches to present appropriate proxies for measuring the audit quality with respect to the situation in Iran. We hope that by offering this paper and according to the strengths and weaknesses of audit quality proxies, the quality of scientific researches will be improved.

Keywords: Audit Quality, Proxies, Scientific Paper.

JEL classification: B40, M41.

DOI: 10.22051/ijar.2018.14089.1271

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. (dr.banimahd@gmail.com)

² Islamic Azad University, Mahshahr Branch, Mahshahr, Iran. Corresponding Author (mehdiarabi20@yahoo.com)

³ Islamic Azad University, Ahvaz Branch, Ahvaz, Iran. (hassanpour_2005@yahoo.com)

⁴ Islamic Azad University, Masjed Soleiman Branch, Masjed Soleiman, Iran. (sharokh2076@yahoo.com)

بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها

کاوه قادری^۱؛ صلاح‌الدین قادری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۰۵

چکیده

در پژوهش حاضر اعتماد به نفس کاذب مدیران به عنوان توضیحی رفتاری برای تعدیل نامناسب هزینه در نظر گرفته شده است. هدف این مطالعه بررسی اثر بیش اعتمادی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها می‌باشد. در این راستا و با استفاده از تکنیک قدرتمند پانل، از معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد به عنوان شاخص بیش اعتمادی و همچنین از سایر متغیرهای کنترلی مؤثر بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها از قبیل شدت کارکنان، شدت دارایی‌ها، کاهش فروش متوالی، لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه، جریان نقد آزاد، پرداخت‌های ثابت مدیران استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۴ می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق حاضر اثر بیش اعتمادی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه پذیرفته می‌شود و می‌توان گفت که اطمینان و اعتماد بیش از حد مدیران منجر به تعدیل نامناسب هزینه‌ها خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: بیش اعتمادی، تعدیل نامناسب هزینه، سرمایه‌گذاری بیش از حد.

طبقه‌بندی موضوعی: M12, M41

DOI : 10.22051/ijar.2017.11031.1171

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران، نویسنده مسئول، (Tekosh.gh@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری واحد تهران مرکز، تهران، ایران، (ghaderi.s.acc@gmail.com)

مقدمه

در ادبیات مالی کنونی نسبت کاهش در هزینه‌های ثابت در زمان کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها در زمان افزایش در فروش است. این تعدیل نامناسب هزینه‌ها را چسبندگی هزینه می‌نامند (اندرسون و لنان، ۲۰۰۹). اندرسون، بانکر و جاناکیرمن (۲۰۰۳) این رفتار هزینه را در قالب مدل تعدیل نامناسب هزینه مورد آزمون و بررسی قرار دادند. در این مدل فرض می‌شود مدیران در تعدیل منابع، اعمال نفوذ نموده و نتیجه این کار نمایان، ناقرینه شدن رفتار از طرف هزینه خواهد بود (چن، لیو و سوگیانیس، ۲۰۱۲). یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار تعدیل نامناسب هزینه‌ها وجود احساس بیش اعتمادی در مدیران است. خود ارزیابی مثبت مدیران را به نگهداری منابع موجود در هنگام کاهش فروش و تعدیل نامناسب هزینه بیشتر متمایل می‌کند. بنابراین تمایل در شرکت‌های دارای مدیران بیش اعتماد به تعدیل نامناسب هزینه‌ها بیشتر است، به این دلیل که مدیران بیش اعتماد واریانس فروش‌های مورد انتظار آتی را کم و میانگین فروش‌های مورد انتظار آتی را زیاد تخمین می‌زنند. بنابراین مدیران مانع کاهش هزینه‌ها در زمان کاهش فروش می‌شوند (چن، تیمو و جولیا، ۲۰۱۳). بیش اعتمادی، یکی از جدیدترین مفاهیم مالی رفتاری است که هم در تئوری‌های مالی و هم روانشناسی به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است. بیش اعتمادی سبب می‌شود انسان توانایی‌های خود را بیشتر از حد معمول و ریسک‌ها را کمتر از حد معمول تخمین زده، و این احساس در وی بوجود آید که قادر به کنترل مسائل و رویدادها باشد، درحالی‌که ممکن است در واقع اینگونه نباشد (نوفسینگر، ۲۰۰۱). بیش اعتمادی مدیران، یک ویژگی رفتاری مثبت است که بر اساس آن مدیران اعتقاد دارند، نگهداری منابع اضافی برای هزینه‌های فروش و اداری در راستای تأمین بهتر منافع سهامداران است (چن، گورس و ناسیف، ۲۰۱۳). با توجه به اهمیت بررسی رفتار هزینه‌ها برای برنامه‌ریزی‌های آتی شرکت‌ها، در این پژوهش به دنبال پاسخ به این مهم هستیم که آیا ویژگی بیش اعتمادی مدیران موجب تعدیل نامناسب هزینه‌ها خواهد شو و آیا مدیران می‌توانند مانع کاهش هزینه‌ها در هنگام کاهش فروش گردند. در این راستا، در این پژوهش با تکیه بر دلایل رفتاری موثر بر بیش اطمینانی مدیران و تأثیر آن بر رفتار هزینه‌ها و مدیریت هزینه، سعی بر توسعه ادبیات نظری شده است. با توجه به مطالب مطرح شده و با در نظر گرفتن این مطلب که مطالعات پیشین داخلی عمدتاً با تأکید بر نظریه تصمیم‌سنجیده مدیران سعی در توضیح دلایل اصلی

تعدیل نامناسب هزینه‌ها داشته‌اند، مطالعه و بررسی موضوع پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود زیرا باعث افزایش آگاهی و دانش در زمینه نحوه رفتار هزینه و مدیریت هزینه خواهد شد. همچنین این پژوهش به دلیل بررسی تأثیر عوامل رفتاری و نظریه نمایندگی بر تعدیل نامناسب هزینه دارای نوآوری است. در ادامه به بیان مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. روش تحقیق در بخش بعدی و یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری به ترتیب در ادامه بیان شده است.

پیشینه نظری

تعدیل نامتناسب هزینه

ادبیات حسابداری مدیریت در خصوص رفتار هزینه‌ها بیان می‌نماید که تغییرات هزینه‌ها تنها به میزان تغییرات در سطح فعالیت وابسته است و ارتباطی به جهت تغییرات در سطح فعالیت ندارد (هورنگرن، فاستر و داتار، ۲۰۰۸). تعدیل نامناسب هزینه‌ها که در دوره‌های کاهش فروش مشاهده می‌شود، موجب کاهش سود یک دوره می‌شود، اما تعدیل نامناسب هزینه‌ها نشان می‌دهد، مدیران تأکید بیشتری بر سودهای بلندمدت دارند. تحمل هزینه منابع اضافی در دوره‌های کاهش فروش که بمنظور آمادگی برای افزایش فروش در آینده انجام می‌شود، موجب تحمل بار هزینه‌های کمتری در بلندمدت شده و این توانایی را به شرکت می‌دهد تا فرصت‌های افزایش فروش در آینده را از دست ندهد. لازمه حفظ منابع برای دستیابی به سودهای بیشتر در آینده، آن است که مدیران کاهش تقاضا را موقتی پیش‌بینی کرده و انتظار افزایش فروش آتی را داشته باشند. در دوره‌های کاهش فروش، چنانچه مدیران افزایش فروش آتی را زیاد پیش‌بینی کنند، منابع بیشتری را برای بهره‌گیری از افزایش تقاضا حفظ می‌کنند، زیرا در صورت کاهش منابع، شرکت بهنگام افزایش فروش، منابع کافی در اختیار نخواهد داشت که به از دست دادن فرصت‌ها منجر می‌شود. میزان فرصت از دست رفته نیز متناسب با افزایش پیش‌بینی شده فروش است، بنابراین در صورت کاهش فروش در دوره جاری، هرچه پیش‌بینی مدیریت از فروش دوره آتی با خوش‌بینی بیشتری همراه باشد، نشان می‌دهد که کاهش فروش از نظر مدیریت، موقتی‌تر است. به همین دلیل، منابع بیشتری به‌منظور آمادگی برای افزایش فروش در آینده حفظ می‌شود (یاسوکاتا و کاجیوارا، ۲۰۱۱).

بیش اعتمادی یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری است. محققان دریافته‌اند که افراد قابلیت‌هایشان را در خوب انجام دادن وظایفشان، بیش از اندازه برآورد کرده و این تخمین بیش از اندازه، با اهمیتی که آن وظایف برای شخص دارد، افزایش می‌یابد (جروایس، ۲۰۰۱). همچنین روانشناسان به این نتیجه رسیدند که افراد در هنگام تصمیم‌گیری و قضاوت به اطلاعات برجسته وزن بیشتری می‌دهند. افراد در مورد اخباری که به نظرشان درست می‌آید، بدون توجه به موثق بودن منبع، اعتماد کرده و بر اساس آن، به نتیجه‌گیری‌های بااطمینان اقدام می‌کنند. آن‌ها به اطلاعات آینده که با باورهای موجودشان سازگار است، وزن بیشتری می‌دهند و به اطلاعات آینده می‌بالند که باورهایشان را حمایت می‌کند و اطلاعات آینده را که با باورهایشان همخوانی ندارد از بین می‌برند (جهانخانی، نوفرستی و قراگوزلو، ۱۳۸۸).

بیش اعتمادی مدیران و تعدیل نامناسب هزینه

بیش اعتمادی به عنوان توضیحی رفتاری برای تعدیل نامناسب هزینه در نظر گرفته شده است. دلیل اصلی تعدیل نامناسب هزینه‌ها انتظارات آتی تقاضا است. اگر مدیران انتظارات تقاضای مثبت داشته باشند، قادر به افزایش منابع خود در دوره‌های افزایش فروش خواهند بود و این در حالی است که مدیران برخی از منابع خود را در دوره کاهش فروش نگه می‌دارند تا در دوران افزایش فروش از وقوع هزینه‌های مربوط به افزایش منابع جدید، اجتناب گردد (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷). دو عامل رفتاری مرتبط با بیش اعتمادی مدیران منجر به افزایش انتظارات تقاضای آتی و تشدید درجه و میزان تعدیل نامناسب هزینه می‌شود:

۱) درجه‌بندی اشتباه یا غلط (اثر پایین‌تر از واریانس): دلالت بر اعتماد بسیار پایین نسبت به نتایج مورد انتظار دارد. رایجترین نوع بیش اعتمادی در ادبیات مالی است که گاهی از آن به بیش اعتمادی در پیش‌بینی نام برده می‌شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند و فاصله اطمینان‌های بسیار باریکی در پیش‌بینی‌های خود دارند (لیبی و رنه کامپ، ۲۰۱۲).

۲) خوش‌بینی مفرط یا غیر واقع‌بینانه (اثر بالاتر از میانگین): این مفهوم از ادبیات مالی برگرفته شده از مفاهیم روانشناسی و خوش‌بینی واهی است. در این نوع از بیش اعتمادی، افراد مهارت‌های خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند (هریبار و یانگ، ۲۰۱۲). تحقیقات روانشناسی

صورت گرفته نشان می‌دهد که عموماً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیر واقع‌بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند. بسیاری از انسان‌ها هنگامی که خود را با گروهی (مانند همکلاسی‌ها یا همکاران خود) مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند.

خودارزیابی مثبت، مدیران را به نگهداری منابع موجود در هنگام کاهش فروش و تعدیل نامناسب هزینه بیشتر متمایل می‌کند. درحالی که در درجه‌بندی غلط، مغایرت ناچیز با فروش‌های مورد انتظار آتی احتمال افزایش مجدد ظرفیت موجود را برای مدیران ممکن می‌سازد. بنابراین شرکت‌های دارای مدیران بیش‌اعتماد تمایل به تعدیل نامناسب هزینه بیشتر دارند، به این دلیل که مدیران بیش‌اعتماد واریانس فروش‌های مورد انتظار آتی را کم و میانگین فروش‌های مورد انتظار آتی را زیاد تخمین می‌زنند. بنابراین مدیران مانع کاهش هزینه‌ها در زمان کاهش فروش می‌شوند. توضیح بیش‌اعتمادی متمایز از توضیحات اقتصادی در مطالعات پیش است. از دیدگاه اقتصادی فرض بر عدم تمایل مدیران نسبت به انتظارات آتی است در حالیکه بیش‌اطمینانی دلالت بر تمایل مثبت مدیران نسبت به انتظارات آتی است. به علاوه بیش‌اطمینانی متمایز از توضیحات تئوری نمایندگی در ادبیات پیشین است. از یک طرف مدیران انگیزه لازم جهت کسب منافع شخصی (مادی و معنوی)، از طریق نگهداری منابع را دارند، در نتیجه تعدیل نامناسب هزینه بیشتری را می‌پذیرند، از طرفی دیگر مدیران می‌توانند منابع موجود را به سرعت به منظور کاهش تعدیل نامناسب هزینه حذف کنند. در حالت اول مدیران منابع موجود را به عنوان ابزاری فرصت‌طلبانه نگه داشته در حالیکه در بیش‌اعتمادی حفظ منابع موجود در راستای افزایش منافع سهامداران است (کاما و ویس، ۲۰۱۱).

پیشینه تجربی

بهار مقدم و خادمی (۱۳۹۵) چسبندگی هزینه‌ها در دوران رونق و رکود اقتصادی را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها عنوان کردند که دوره‌های رونق و رکود اقتصادی کشور تأثیر چندانی در نگرش مدیران شرکت‌ها نداشته و از این رو رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در تمامی دوره‌ها شامل دوره‌های رونق و رکود اقتصادی چسبنده و رفتار بهای تمام شده کالای فروش رفته در تمامی ادوار تقریباً ضد چسبنده می‌باشد.

نیک‌کار و حیدرنژاد (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی عدم تقارن در رفتار هزینه‌ها-چسبندگی هزینه‌ها؛ شواهد، علل و تأثیرات پرداختند. آن‌ها ضمن بررسی تئوری‌های مرتبط با چسبندگی هزینه، ویژگی‌های آن (شامل ویژگی‌های عمومی و اختصاصی) با استفاده از تحقیقات پیشین و به صورت کتابخانه‌ای، ارتباط چسبندگی هزینه و بعضی از مفاهیم حسابداری مالی شامل ساختار هزینه، عدم اطمینان تقاضا، انگیزه‌های مدیریتی، راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که نتایج نشان داد که تلاش پژوهشگران تا به امروز عمدتاً بر اساس یافته‌های تجربی بوده و سابقه تئوریک قوی برای شناسایی علل ناشی از چسبندگی هزینه‌ها وجود ندارد.

زنجیردار و غفاری آشتیانی و مداحی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی و تحلیل عوامل موثر بر رفتار چسبندگی هزینه نشان دادند که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته چسبنده هستند و شدت چسبندگی در بهای تمام شده کالای فروش رفته بسیار بالا است و شاخص‌هایی مانند تعداد کارکنان، میزان دارایی جاری شرکت و نسبت بدهی بر شدت چسبندگی هزینه اداری عمومی و فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته تأثیر می‌گذارد. این در حالی است که شدت چسبندگی بهای تمام شده در دارایی‌های جاری کمتر از دارایی‌های ثابت است و شناخت این خصوصیات و تأثیر آن بر رفتار هزینه می‌تواند کمک بسزایی به مدیران برای تجزیه و تحلیل بهتر و بودجه بندی جامع‌تر باشد.

خانی، امیری و شامحمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر انگیزه‌های شخصی مدیران بر عدم تقارن هزینه‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی موثر بر چسبندگی هزینه‌ها، انگیزه‌های شخصی مدیران را در قالب عوامل نمایندگی موثر بر عدم تقارن هزینه‌ها مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از تأثیر معنی‌دار متغیرهای نمایندگی بر عدم تقارن هزینه‌های اداری، فروش و عمومی است. از این رو عدم تقارن هزینه‌ها به علت مساله نمایندگی رابطه مثبتی با انگیزه‌های شخصی مدیران دارد.

حیدری (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر چسبندگی هزینه: نقش تعدیلی عوامل اقتصادی و عوامل مبتنی بر نظریه نمایندگی در آن، پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت، موجب افزایش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود.

کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱) به بررسی عوامل موثر بر چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در دوره بعد از کاهش فروش، وارونه می‌شود و کاهش فروش در دو دوره متوالی، موجب کاهش چسبندگی بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری در دوره دوم می‌شود و هر چه میزان دارایی‌ها بیشتر باشد، چسبندگی بهای تمام شده کالای فروش رفته و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، بیشتر می‌شود، اما شواهدی از تاثیر طول دوره مطالعه، رشد اقتصادی و تعداد کارکنان بر چسبندگی هزینه‌ها به دست نیامد.

جونگ، سانگ و یانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان مدیریت سود و چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که در شرکت‌هایی که احتمال وقوع مدیریت سود وجود دارد، چسبندگی هزینه کاهش خواهد یافت. آن‌ها معتقدند که کاهش در چسبندگی می‌تواند به دلیل حذف برخی از هزینه‌ها جهت اعمال مدیریت در سود و یا بدلیل انتظار وقوع شرایط نامساعد در آینده باشد.

همچنین شانگ و یان (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که چسبندگی در شرکت‌هایی که مدیریت سود اعمال نشده در مقایسه با شرکت‌های دارای مدیریت سود قابل ملاحظه‌تر است. در واقع ارتباط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه ضعیف نشان داده شده است.

لو، خین کوان و لیخین (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین چسبندگی هزینه‌ها و بیش‌اعتمادی در کشور چین پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان دهنده ارتباط منفی قابل توجه بین چسبندگی هزینه‌ها و بیش‌اعتمادی مدیران است.

احمد و دوئلان (۲۰۱۳) آثار بیش‌اعتمادی بر محافظه‌کاری حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها معتقدند که اقدامات خودسرانه مدیران منجر به تاخیر در گزارش زیان‌های شرکت خواهد شد. آن‌ها با بررسی ۱۴۶۴۱ داده سال - شرکت مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۳ نشان دادند که بیش‌اعتمادی اثر منفی بر محافظه‌کاری حسابداری داشته و نظارت خارجی این آثار منفی را کاهش نخواهد داد.

چن، تیمو و جولیا (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان بیش اعتمادی و چسبندگی هزینه در دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۲ و با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۴۵۶۸ سال-شرکت به این نتیجه رسیدند که بیش اعتمادی مدیران نقش بسزایی در مدیریت هزینه دارد. آن‌ها ضمن بیان این مطلب که بیش اعتمادی توضیحی رفتاری برای چسبندگی هزینه‌ها است، عنوان کردند که مدیران در زمان کاهش فروش تمایلی به کاهش هزینه‌ای فروش و اداری ندارند.

لیبی و رنه کامپ (۲۰۱۲) نشان دادند که بیش اعتمادی مدیریت بر تصمیم به انتشار پیش‌بینی سود مؤثر است. مدیر بیش اعتماد اعتقاد به عملکرد مثبت آینده شرکت دارد که این امر تمایل به انتشار پیش‌بینی سود را افزایش می‌دهد. پژوهش دیگری از بالکریشان، لاپرو و سادرسترون (۲۰۱۱) با عنوان ساختار هزینه و چسبندگی هزینه‌ها شواهدی ارائه می‌کند که در دراز مدت هزینه تصمیم‌گیری ساختار هزینه تحت تأثیر توانایی مدیران برای شناسایی تصمیمات کوتاه مدت مدیریت هزینه است. همچنین آن‌ها عنوان کردند که مدیران با وجود اعمال محدودیت به واسطه افزایش فناوری، کنترل قابل توجهی بر ساختار هزینه‌ها در بلند مدت خواهند داشت.

مالمدیر و تاته (۲۰۰۸) با بررسی شرکت‌های آمریکایی نشان دادند بیش اطمینانی منجر به سرمایه‌گذاری بیش از اندازه شده و مدیران بیش اعتماد تمایل زیادی برای تحصیل شرکت‌ها دارند که این امر منجر به کاهش ارزش شرکت در طول زمان خواهد شد. به علاوه، زمانی که این مدیران دسترسی به وجوه داخلی داشته باشند و نیاز به تأمین مالی خارجی نداشته باشند، این آثار قویتر خواهد بود.

با دقت در نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت که جهت بررسی عوامل موثر بر تعدیل نامناسب هزینه بیشتر بر عوامل اقتصادی (در قالب نظریه تصمیم سنجیده مدیران) و نظریه نمایندگی تاکید شده است. بنابراین در این پژوهش ضمن استفاده از این عوامل، به بررسی تأثیر عامل رفتاری بیش اطمینانی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه پرداخته شده است. با در نظر گرفتن معیار سرمایه‌گذاری بیش از حد جهت سنجش بیش اعتمادی مدیران فرضیه زیر تدوین شده است:

«بیش اعتمادی مدیران موجب تعدیل نامناسب هزینه‌ها خواهد شد.»

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی صورت گرفته است. فرضیه تحقیق بر اساس داده‌های ترکیبی آزمون شده است و تحلیل‌های آماری به کمک نرم افزار 7 Eviews انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی برای یک دوره ۱۰ ساله از ابتدای سال ۱۳۸۴ لغایت پایان سال ۱۳۹۳ تعیین شده است. نمونه آماری این پژوهش آن دسته از شرکت‌ها است که دارای شرایط زیر باشند:

- تا پایان اسفند ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - بیش از ۶ ماه توقف معاملاتی نداشته باشد.
 - داده‌های مورد نیاز آنها در دسترس باشد.
 - به دلیل ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورتهای مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی در مقایسه با شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و موسسات تامین مالی در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.
 - در طی دوره تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- با اعمال محدودیت‌های فوق ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی ماند که تمام آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب گردید.

متغیرهای پژوهش

نحوه اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیران

سرمایه‌گذاری بیش از حد

تحلیل رگرسیونی، فن و تکنیکی برای بررسی و مدل‌سازی ارتباط بین متغیرها است و به مفهوم بازگشت به یک مقدار متوسط و یا میانگین به کار می‌رود. بدین معنی که برخی پدیده‌ها به مرور زمان از نظر کمی به طرف یک مقدار متوسط میل می‌کنند. خطای باقیمانده رگرسیون

مبتنی بر سرمایه گذاری به پیروی از شرانند و زچمن (۲۰۱۱) انتخاب شده است. این شاخص که میزان سرمایه گذاری در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی‌های کل بر رشد فروش به دست می‌آید. اگر خطای باقی مانده رگرسیون بدست آمده شرکتی بزرگتر یا مساوی صفر باشد بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت تایید می‌شود و عدد یک را به خود اختصاص می‌دهد و در صورتی هم که خطای باقی مانده رگرسیون شرکتی منفی باشد نشانگر عدم بیش اعتمادی مدیران در آن شرکت است. استفاده از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به هم‌تاهای خود، بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند. جهت محاسبه این شاخص از مدل توسط ریچاردسون (۲۰۰۶)، استفاده شده است:

$$\text{Inv}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Grow}_{i,t-1} + \beta_2 \text{Lev}_{i,t-1} + \beta_3 \text{Cash}_{i,t-1} + \beta_4 \text{Age}_{i,t-1} + \beta_5 \text{Size}_{i,t-1} + \beta_6 \text{Return}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (1) \text{ مدل}$$

$\text{Inv}_{i,t}$: نسبت تغییر در کل خالص دارایی‌های ثابت، سرمایه‌گذاری بلندمدت و دارایی‌های نامشهود بر میانگین کل دارایی‌های شرکت t در سال i

$\text{Grow}_{i,t-1}$: نرخ رشد درآمد شرکت: نرخ رشد درآمد به عنوان شاخصی برای فرصت های سرمایه گذاری کوتاه مدت است که بر سطح سرمایه گذاری تاثیر دارد و نشان دهنده وضعیت جریان نقدی یک شرکت است. درآمد شرکت الزاماً برابر با جریان نقدی موجود برای پرداخت سود و یا سرمایه‌گذاری نیست (عباسی و ابراهیم زاده، ۱۳۹۱). نرخ رشد درآمد از رابطه زیر بدست می‌آید:

درآمد سال قبل / (درآمد سال قبل - درآمد سال جاری)

$\text{Lev}_{i,t-1}$: کل بدهی تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت $t-1$ سال.

$\text{Cash}_{i,t-1}$: وجوه نقد شرکت که از نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار کوتاه‌مدت به دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ محاسبه می‌گردد.

$\text{Age}_{i,t-1}$: نسبت عمر شرکت بر لگاریتم میانگین دارایی‌ها در سال $t-1$.

Size: اندازه شرکت به دست آمده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در سال $t-1$.

Return: بازده سالانه سهام.

باقیمانده با ε نشان داده می‌شود. باقیمانده مثبت بیانگر بیش سرمایه گذاری و باقیمانده منفی بیانگر کم سرمایه گذاری است.

نحوه اندازه‌گیری تعدیل نامناسب هزینه

اندرسون و همکاران (۲۰۰۷)، جهت اندازه‌گیری تعدیل نامناسب هزینه‌ها، از مدل زیر استفاده کرده‌اند.

$$\Delta \ln SGA = \beta_0 + \beta_1 \Delta \ln Sales_{i,t} + \beta_2 DecrDum_{i,t} \times \Delta \ln sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

$\Delta \ln SGA$: لگاریتم (هزینه‌های توزیع، فروش و اداری سال جاری تقسیم بر هزینه‌های توزیع، فروش و اداری سال قبل).

$\Delta \ln Sales_{i,t}$: لگاریتم (خالص درآمد فروش سال جاری تقسیم بر خالص درآمد فروش سال قبل).

$DecrDum_{i,t}$: یک متغیر مجازی است که اگر فروش سال جاری به نسبت فروش سال قبل کاهش داشته باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر می‌گیرد.

ضریب β_1 : درصد افزایش در هزینه‌های عمومی و اداری به ازای ۱ درصد افزایش در فروش.

ضریب β_2 : در زمان کاهش فروش، منفی و در غیر این صورت، برابر صفر است.

بنابراین، مجموع $\beta_1 + \beta_2$ بیانگر میزان کاهش هزینه‌های توزیع، فروش و اداری، در اثر کاهش یک درصدی در فروش است. برای اثبات تعدیل نامناسب هزینه‌های توزیع، فروش و اداری باید $\beta_1 + \beta_2$ کوچکتر از β_1 باشد.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش از سایر متغیرهای کنترلی به منظور تفکیک ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و تعدیل نامناسب هزینه‌ها استفاده شده است. این متغیرها نشات گرفته از دو رویکرد دیدگاه

اقتصادی و نمایندگی است. دسته‌ای از پژوهشگران بیشتر بر تأثیر عوامل اقتصادی تأکید دارند. براساس نتایج این دسته از پژوهش‌ها، علت اقتصادی فرض می‌کند مدیران در زمان کاهش سطح فروش، بین انتظارات خود از تقاضای آتی و سطح تعدیل هزینه‌ها بده بستان انجام می‌دهند تا در مورد کاهش یا نگهداری منابع هزینه تصمیم‌گیری کنند. این نوع موازنه در تصمیم‌گیری را می‌توان در قالب، نظریه تصمیم سنجیده و آگاهانه نیز توضیح داد. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱) و اندرسون و همکاران (۲۰۰۷) اشاره کرد. در این راستا از چهار متغیر اقتصادی استفاده شده است.

۱. شدت کارکنان: انتظار می‌رود هزینه تعدیل منابع در شرکت‌هایی که از کارکنان بیشتری در سطح معینی از فروش، بهره می‌گیرند، بیشتر باشد (کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). جهت اندازه‌گیری شدت کارکنان از لگاریتم تعداد کارکنان تقسیم بر فروش استفاده شده است.

۲. شدت دارایی: انتظار می‌رود تعدیل نامناسب هزینه‌ها در شرکت‌هایی که فعالیت‌هایشان، بیشتر به دارایی‌ها متکی است، بیشتر از شرکت‌هایی باشد که فعالیت‌هایشان به مواد و خدمات خریداری شده وابسته است (کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). جهت اندازه‌گیری دارایی‌ها از لگاریتم جمع دارایی‌ها تقسیم بر فروش استفاده شده است.

۳. کاهش فروش متوالی: زمانی که درآمد دو سال متوالی کاهش می‌یابد، چون مدیران به احتمال زیاد شوک تقاضای منفی را دائمی در نظر می‌گیرند، کنترل متوالی بر فروش کاهش می‌یابد. در صورت کاهش فروش متوالی عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

۴. برای کنترل عملکرد سهام از لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه در شروع سال مالی استفاده شده است (بوشه، ۱۹۹۸).

دسته‌ای دیگر از پژوهشگران، بیشتر بر انگیزه‌های مدیریتی برگرفته از نظریه نمایندگی تأکید دارند. براساس نتایج پژوهش‌های انجام گرفته این گروه از پژوهشگران، مدیران شرکت به دلایل شخصی، ممکن است برای دستیابی به سود پیش‌بینی شده، به کاهش چسبندگی هزینه‌ها اقدام کنند یا انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران ممکن است موجب عدم تقارن در هزینه‌های فروش و اداری (چسبندگی هزینه) شوند. پژوهش کاما و ویس (۲۰۱۳) و خانی و امیری و شامحمدی (۱۳۹۳) در این گروه قرار می‌گیرد.

عوامل کنترلی مربوط به نمایندگی

۱. جریان نقد آزاد: زمانی که جریان وجه نقد آزاد در شرکت زیاد باشد احتمالاً مدیران این وجوه نقد مازاد را صرف هزینه‌های غیر ضروری می‌کنند. بنابراین انگیزه حکومت طلبی مدیران به وسیله جریان وجه نقد آزاد باعث عدم تقارن هزینه‌ها می‌شود (لاپورتا و همکاران، ۲۰۰۰). جریان وجه نقد آزاد با استفاده از جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، منهای مجموع سود سهام عادی و سود سهام ممتاز تقسیم بر جمع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

۲. پرداخت‌های ثابت مدیران، زیرا مطالعات قبلی نشان داد که پاداش‌های اجرایی تحت تأثیر انگیزه حفظ موقعیت اصلی مدیران است. کاهش در پرداخت پاداش مدیران احتمالاً منجر به عکس‌العمل مدیران جهت حفظ منافع شخصی خود خواهد شد، این امر به عدم تقارن هزینه بیشتری منجر می‌شود. در مقابل با افزایش میزان پرداختی‌های ثابت به مدیر عامل عدم تقارن هزینه کاهش می‌یابد (کانیانین، ۲۰۰۰). برای اندازه‌گیری پرداخت ثابت مدیران از نسبت پاداش تقسیم بر سود خالص استفاده شده است (چن، لو و ساگیانس، ۲۰۰۸).

الگوی یاد شده در این پژوهش با استفاده از تکنیک قدرتمند پانل برآورد شده است. برای انتخاب میان روش‌های حداقل مربعات تلفیقی، اثر ثابت (FE) و اثر تصادفی (RE) از آزمون-های چاو، بروش‌یاگان، ضریب لاگرانژ (LM) و آزمون هاسمن استفاده شده است. جهت تخمین مدل و انجام آزمون‌های مذکور، از نرم افزار Eviews 7 استفاده شده است. در مرحله اول، جهت تشخیص این مطلب که مدل از نوع داده‌های تلفیقی یا مدلی با اثر ثابت و یا مدلی با اثر تصادفی است به بررسی آزمون‌های چاو، آزمون ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن، برای مدل می‌پردازیم.

به پیروی از پژوهش کاما و وایس (۲۰۱۳) برای آزمون فرضیه از مدل (۳) استفاده می‌شود.

مدل (۳)

$$\begin{aligned} \Delta \ln SGA = & \beta_0 + \beta_1 \cdot \Delta \ln Sales_{i,t} + \beta_2 \cdot DecrDum_{i,t} \cdot \Delta \ln sales_{i,t} \\ & + \beta_3 \cdot OverconfMal_{i,t} + \beta_4 \cdot \Delta \ln Sales_{i,t} \cdot OverconfMal_{i,t} \\ & + \beta_5 \cdot OverconfMal_{i,t} \cdot DecrDum_{i,t} \cdot \Delta \ln Sales_{i,t} + \\ & \sum_t^i \beta_c \cdot Controls_{i,t} \sum_t^i \beta_c \cdot Controls_{i,t} \cdot DecrDum_{i,t} \cdot \Delta \ln Sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

در این مدل $\Delta \ln SGA$: لگاریتم (هزینه‌های توزیع، فروش و اداری سال جاری تقسیم بر هزینه‌های توزیع، فروش و اداری سال قبل).

به مدیران سایر شرکت‌ها از اعتماد به نفس زیادتری برخوردار باشند، انتظار می‌رود علامت ضریب β_5 منفی باشد و در نتیجه تعدیل نامناسب هزینه افزایش یابد.

یافته‌های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، مقادیر میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر تمامی متغیرهای استفاده شده در این پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است.

نگاره (۱): آمارهای توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سرمایه‌گذاری بیش از حد	۰/۵۱۱	۰/۴۹۲	۰	۱
$DecrDum_{i,t}$	-۰/۰۳۷	۰/۱۷۳	-۲/۵۶۶	۲/۲۴۸
$\Delta \ln Sales_{i,t}$	۰/۱۶۴	۰/۳۵۱	-۲/۵۶۶	۲/۳۴۸
شدت کارکنان	-۳/۱۵۲	۰/۸۵۱	-۵/۲۳۵	-۱/۰۲۶
شدت دارایی	۰/۱۲۳	۰/۲۶۲	-۰/۹۰۳	۱/۶۴۹
کاهش فروش متوالی	۰/۰۴۱	۰/۱۹۴	۰	۱
لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه	۴/۶۵۸	۰/۵۴۲	۳/۰۶۹	۱۱/۳۲۸
جریان نقد آزاد	۰/۲۱۴	۰/۲۱۳	-۱/۸۹۰	۱/۲۷۰
پرداخت‌های ثابت مدیران	۰/۰۰۷۴	۰/۰۱۹۱	-۰/۱۶۴	۰/۲۶۴

نتایج برآورد مدل‌های پژوهش در ادامه ارائه شده است. در مرحله اول، جهت تشخیص این مطلب که مدل ما مدل داده‌های تلفیقی یا مدلی با اثر ثابت و یا مدلی با اثر تصادفی است به

بررسی آزمون‌های چاو، آزمون ضریب لاگراتژ و آزمون هاسمن، برای مدل پرداخته می‌شود. بر اساس آزمون‌های ذکر شده، مدل داده‌های تلفیقی انتخاب شده است.

نگاره (۲): نتایج برآورد مدل جهت آزمون فرضیه

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
Prob.	T	Coeff	
۰/۰۲۵۶	۴/۳۵۴	۰/۳۲۹	سرمایه‌گذاری بیش از حد
۰/۰۰۶۱	-۲/۵۷۴	-۰/۱۷۹	DecrDum _{i, t}
۰/۰۳۱۶	۲/۱۵۷	۰/۱۱۵	$\Delta \ln \text{Sales}_{i, t}$
۰/۴۸۸۱	-۰/۶۹۳	-۰/۰۱۴	شدت کارکنان
۰/۷۷۰	-۰/۲۹۰	-۰/۰۲۷۳	شدت دارایی
۰/۹۰۲	۰/۱۱۱	۰/۰۰۳	کاهش فروش متوالی
۰/۰۲۵	۲/۰۵۴	۰/۰۹۵	لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه
۰/۶۵۴	-۰/۴۱۵	-۰/۰۵۱	جریان نقد آزاد
۰/۶۲۱	۰/۵۲۴	۰/۱۷۴	پرداخت‌های ثابت مدیران
۴/۸۲۰ (۰/۰۰۰)			آماره F سطح معنی داری (Prob.)
۲/۳۴۸			آماره دوربین واتسون
۰/۲۱۷ (۱/۰۰۰)			آزمون F لیمر (چاو) سطح معنی داری (Prob.)
۰/۲۲ ۰/۲۰			ضریب تعیین (R^2) ضریب تعیین تعدیل شده ($\text{Adj}R^2$)
۹۱۰			تعداد مشاهدات

بر اساس نگاره (۲)، آزمون F مرسوم نشان دهنده معناداری کل رگرسیون است. همچنین در مدل منتخب $R^2 = ۰/۲۲$ بدست آمده است که نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۲۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین - واتسون نیز بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، که نشان می‌دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات اختلال مدل برآوردی وجود

ندارد. همان طور که نگاره (۱) نشان می‌دهد، $\beta_1 + \beta_2$ کوچکتر از β_1 (۰/۱۵۰ = ۰/۳۲۹/۱۷۹) است. به عبارتی به ازای ۱ درصد کاهش در فروش، ۱۵/۰ درصد هزینه‌های عمومی، اداری و فروش کاهش می‌یابد. بنابراین وجود تعدیل نامناسب هزینه در مدل تایید می‌شود. ضریب سرمایه‌گذاری بیش از حد مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار است. در واقع می‌توان عنوان کرد در پژوهش حاضر ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران با تعدیل نامناسب هزینه وجود دارد. یعنی با افزایش بیش اعتمادی مدیران، موجب افزایش تعدیل نامناسب هزینه‌ها خواهد شد. بنابراین فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس سایر نتایج، ضریب شدت دارایی‌ها و پرداخت‌های ثابت مدیران و ضریب شدت کارکنان منفی، اما از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. همچنین ضریب جریان نقد آزاد، کاهش فروش متوالی و پرداخت‌های ثابت مدیران مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در این مدل متغیر لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه که ضریب آن مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار بدست آمده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بررسی رفتار هزینه‌ها، این پژوهش به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر تعدیل نامناسب هزینه پرداخته است. بدین منظور از متغیر سرمایه‌گذاری بیش از حد جهت ارزیابی عامل بیش اعتمادی مدیران بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیش اعتمادی مدیران رابطه‌ای مثبت با تعدیل نامناسب هزینه دارد و این نشان از تأثیر پذیری رفتار هزینه‌ها از تصمیمات و اقدامات مدیران شرکت‌ها دارد. جهت سنجش بیش اعتمادی از سرمایه‌گذاری بیش از حد استفاده شده و بر این اساس فرضیه تدوین شده است. قبل از انجام آزمون‌های لازم جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، استفاده از مدلی با داده‌های تلفیقی توسط آزمون چاو نشان داده شد. با بررسی نتایج فرضیه مشخص می‌شود که میزان کاهش در هزینه‌های عمومی، فروش و اداری در ازای ۱ درصد کاهش در فروش به ۱۵/۰ درصد است که نشان از تعدیل نامناسب هزینه در دوره زمانی پژوهش است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای کنترلی در مدل‌های این پژوهش ۲۲ درصد از متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج پژوهش ضریب سرمایه‌گذاری بیش از حد مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار است. در واقع می‌توان عنوان کرد در پژوهش حاضر ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران با تعدیل نامناسب هزینه وجود دارد. بدین معنی که هر اندازه بیش اعتمادی مدیران بیشتر باشد

تعدیل نامناسب هزینه‌نایز بیشتر خواهد بود. لازم بذکر است که نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش چن و گورس و ناسف (۲۰۱۳) و حیدری (۱۳۹۳) و خانی و امیری و شامحمدی (۱۳۹۳) مطابقت دارد. در مورد سایر متغیرهای کنترلی باید عنوان کرد که نتایج حاکی از عدم وجود ارتباطی معنی‌دار بین شدت کارکنان، شدت داری‌ها، کاهش فروش متوالی، پرداخت‌های آزاد مدیران و جریان نقد آزاد و تعدیل نامناسب هزینه دارد. در مقابل وجود ارتباطی معنی‌دار بین لگاریتم طبیعی ۱ بعلاوه بازده سهام سالانه اولیه و تعدیل نامناسب هزینه مورد تایید قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، توصیه می‌شود که استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی به وجود چنین رفتاری در مدیران و اثرات آن بر گزارشگری مالی توجه ویژه نمایند. همچنین جهت بررسی دقیق‌تر رفتار هزینه‌ها پیشنهاد می‌شود که تأثیر عوامل مختلفی از جمله محافظه‌کاری و عوامل کلان اقتصادی از جمله تورم بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش کلیه شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر بازار در زمان‌های مختلف ثابت در نظر گرفته شده است. این مسئله می‌تواند در تعمیم نتایج تأثیرگذار بوده و پژوهش را با محدودیت مواجه کند. همچنین از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر تأثیر قوانین و مقررات دولتی، استانداردهای حسابداری و دیدگاه و عملکرد مدیریت بر پدیده تعدیل نامتقارن هزینه‌ها است و باید در نظر داشت که هرگونه تغییر در عوامل یاد شده می‌تواند بر شدت یا ضعف این موضوع تأثیر گذارد. لازم بذکر است که نقطه مقابل بیش‌اعتمادی مدیران عامل رفتاری دیگری با عنوان بدبینی و احتیاط مدیریتی است که می‌توان به بررسی تأثیر این عامل بر تعدیل نامناسب هزینه‌ها نیز پرداخت.

منابع

- Abbasi, E. & Ebrahimzadeh Rahimlou. B. (2012). Review is Research Sffect Tobin q Ratio and Revenue Growth Rate on the Level of Investment in Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal Management System*, 1 (1) , 81-98. (in Persian)
- Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism, *Journal of Accounting Research*, 51 (1) , 1-30.
- Anderson, M. C. , Banker, R. D., Huang, R. & Janakiraman, S. N.) 2007 (. Cost Behavior And Fundamental Analysis of SG&A Costs. *Journal of Accounting Auditing & Finance* , 22 (1) , 16-28.

- Anderson, M. C. , Banker, R. D. & Janakiraman, S. N. (2003). Are Selling General and Administrative Costs Sticky ?. *Journal of Accounting Research*, 41 (1) , 47-63.
- Anderson, S. W. & Lanen, W. N. (2009). Understanding Cost Management: What Can We Learn from the Empirical Evidence on Sticky Costs? Working Paper, University of Melbourne.
- Baharmoghaddam, M. & Khademi. S. (2016) , Investigate Costs Stickiness in Economic Prosperity and Recession Cycles. *Management Accounting*, 9 (30) , 67-86. (in Persian)
- Balakrishnan, R. , Labro, E. & Soderstrom, N. (2011). Cost Structure and Sticky Costs. *Journal of Accounting Auditing & Finance*, 19 (3) , 283-299.
- Balakrishnan, R. , Labro, E. & Soderstrom, N. (2011). Cost Structure and Sticky Costs. *Journal of Accounting Auditing & Finance*, 19, (3) , 283-299.
- Bushee, B. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behaviour. *The Accounting Review*. 73 (3) , 305-333.
- Chen C. X. , Lu, H. , & Soughiannis, T. (2012). The Agency Problem, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs. *Contemporary Accounting Research*, 29 (1) , 252-282.
- Chen, C. X. , Lu, H. & Sougiannis, T. (2008). Managerial Empire Building, Corporate Governance, and the Asymmetrical Behavior of Selling, General, and Administrative Costs. Working paper, University of Illinois at Urbana, Champaign.
- Chen, C. , Timo, G. & Julia, N. (2013). Managerial Overconfidence and Cost Stickiness, <http://ssrn.com/abstract=2208622>.
- Chen, C. X. , Gores, T. & Nasev, J. (2013). Managerial Overconfidence and Cost Stickiness Working Paper, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2208622>.
- Fallah, S. L. M. , Ghalibaf. A. H. & Nobakhtsaraii. (2011). The Impact of Experience on Risktaking, Overconfidence and Herding of Investment Companies' Managers in Tehran stock exchange. *Journal of Securities Exchange*, 3 (12) , 25-42. (in Persian)
- Gervais, O. (2001). Learning to be Overconfident, *The Review of Financial Studies*, 14 (1) , 1-27.
- Heidari, Mehdi. (2014). Examining Managerial Overconfidence Behavioral Explanation Effect on Cost Stickiness: Comparison with Economic and Agency Theory Based Factors. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21 (2) , 151-172. (in Persian)
- Horngren C. T, Foster G, & Datar S. M. (2008). Cost Accounting: A Managerial Emphasis. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall, 9. Ed Rio de Janeiro: LTC .
- Hribar, P. & H, Yang. (2012). Does CEO Overconfidence Affect Management Forecasting and Subsequent Earnings Management?. Working Paper, University of Iowa. [http://www.daedalustrust.org.uk/2011/11/ceooverconfidence and management forecasting 2011](http://www.daedalustrust.org.uk/2011/11/ceooverconfidence%20and%20management%20forecasting%202011) .
- Hribar, P. & H, Yang. (2015). CEO Overconfidence and Management Forecasting. Wiley Online Library, DOI: 10.1111/1911-3846.12144.

- Jahankhani, A. , Noudersti, M. & Gharahgouzlou, F. (2009). Overconfidence and Trading Volume in Tehran Market Exvhang. *Management Research*, 8 (30) , 105-123. (in persian)
- Jeong-Ho, K. , Seungah, S. , & Tae-Young, P. (2015). Earning management and cost stickiness. *Advanced Science and Technology Letters*. 84: 40-44.
- Kama, I. & D. Weiss. (2013). Do Earnings Targets and Managerial Incentives Affect Sticky Costs?. *Journal of Accounting Research*, 51 (1) , 201-224.
- Kanniainen, V. (2000). Empire building by corporate manager: the corporation as a saving instrument. *Journal of Economic Dynamics and Control*. 24 (1) , 127-142.
- Khani, A. , Amiri, H. , & Shahmohammadi, M. (2014). The effect of personal incentives managers on costs asymmetric in Tehran stock exchange. *Financial Accounting Researches*. 6 (19) , 57-74. (in persian)
- Kordestani, G. , & Mortazavi, S. (2012). The identification of determinant factors on firms' costs' stickiness. *Financial Accounting Researches*. 4 (3) , 13-29. (in persian)
- La Porta, R. , Lopez de Silanes, F. , Vishny, R. & Shleifer, A. (2000). Agency proble,s and dividend policies around the word. *Journal of finance*, 60 (1) , 1-33 .
- Libby, R. & K, Rennekamp. (2012). Self-Serving Attribution Bias, Overconfidence, And the Issuance of Management Forecasts. *Journal of Accounting Research*, 50 (1) , 197-231.
- LIU, C. , Xingquan, Y. & Lixin,L. (2014). Performance Examination, Managerial Overconfidence and Cost Stickiness. *Journal of business and Economics*, 3, 78-87.
- Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60, 2661-700.
- Malmendier, U. & Tate, G. (2008). Who Makes Acquisitions? CEO Overconfidenceand the Market's Reaction. *Journal of Financial Economics*, 89 (1) , 20-43.
- Mehrani, S. , & Bagheri, B. (2009). The effect of free cash flow and institutional shareholders on earnings management in listed companies in Tehran stock exchange. *Accounting Research*, 1 (2) , 51-64. (in persian)
- Nick Kar, J. & Heydarinezhad, G. (2016). Asymmetry in the Behavior of Costs- Costs Stickiness; Evidence, Reasons and Effects. *Accounting Research*, 5 (3) , 69-92. (in persian)
- Nofsinger, J. R. (2001). Investment Madness: How Psychology affects your investing and what to do about it, Pearson Education, 1st Edition.
- Richardson, S. (2006). Over-Investment of Free Cash Flow, *Review of Accounting Studies*, 11, 159-189.
- Scherand, C. M. , & Zechman, S. L. (2011). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2) , 311-29.
- Shuang X. , & Yun, H. (2015). Earnings management, corporate governance and expense stickiness. *China Journal of Accounting Research*. Available online 11 March 2015.

Zanjirdar, M. , Ghafari AShtiyani, P. , & Madahi, Z. (2014). Review and analyze the factors affecting the behavior of sticky costs. *Management Accounting*, 7 (20) , 79-91. (in persian).

The Survey of the Managerial Overconfidence on the Improper Adjustment Costs

Kaveh Ghaderi¹, Salhodin Ghaderi²

Received : 2016/07/27

Approved: 2016/11/25

Abstract

In this research, managerial overconfidence is considered as a behavioral explanation for the improper adjustment costs. This study aims to investigate the effect of managerial overconfidence on improper adjustment costs. With using the powerful technique of panel, we have applied remained overinvestment as index of managerial overconfidence and also other control variables affecting cost stickiness such as the number of the staff, the amount of assets, consecutive decline in sales, natural logarithm 1 in addition to the yield of initial annual share, free cost flow, constant payment to managers. Sampling population of the present study includes 91 accepted companies at Tehran stock exchange and manufacturing parts in the time period of 2007-2016. Based on the findings, the effects of managerial overconfidence on improper adjustment costs is accepted and we can say that too much confidence and trust of the manager leads to increase in cost stickiness. Also, other control variables have meaningful effects on improper adjustment cost.

Keywords: Improper Adjustment Cost, Managerial Overconfidence, Overinvestment.

Jel classification: M41, M12

DOI: 10.22051/ijar.2017.11031.1171

¹ MSc. Of Accounting, Payame Noor University, Corresponding Author (Tekosh.gh@gmail.com)

² PhD Student of Accounting, Islamic Azad University, Tehran Center Branch, Tehran, Iran.(ghaderi.s.acc@gmail.com)

بررسی چسبندگی هزینه‌های تعهدی در مقابل هزینه‌های نقدی

مجید آذرپور^۱، ثریا ویسی حصار^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

پژوهش‌های اخیر درباره رفتار هزینه‌ها بیانگر این است که میزان کاهش هزینه‌ها هنگام کاهش فروش، کمتر از میزان افزایش هزینه‌ها هنگام افزایش فروش است. این رفتار نامتقارن هزینه‌ها، چسبندگی هزینه‌ها نام گرفت. در این مطالعه به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا هزینه‌های تعهدی می‌توانند به‌عنوان نماینده‌ای مناسب برای هزینه‌های نقدی در ادبیات هزینه‌های نامتقارن، به کار گرفته شوند؟ همچنین، آیا یک انتخاب گزارشگری مثل استهلاک، سطح چسبندگی هزینه را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه چسبندگی هزینه‌های تعهدی و هزینه‌های نقدی و تأثیر هزینه استهلاک در بروز پدیده چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بدین منظور، دو فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۹۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران (که با استفاده از روش نمونه‌برداری حذفی سیستماتیک انتخاب شده است) برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی معمولی، بررسی و آزمون شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هزینه‌های تعهدی به‌طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های نقدی دارند. همچنین، هزینه‌های عملیاتی بعد از کسر استهلاک چسبندگی کمتری نسبت به هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک دارند.

واژه‌های کلیدی: چسبندگی هزینه‌ها، هزینه استهلاک، هزینه‌های تعهدی، هزینه‌های نقدی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.11088.1175

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، تهران، ایران.

(Majid.azarpour@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، دانشکده مدیریت و حسابداری، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

(soraiaveysihesar@yahoo.com)

مقدمه

مدیریت هزینه و چگونگی برنامه‌ریزی مصرف منابع یکی از مسائلی است که همواره مدیریت در راستای ارزش آفرینی برای بنگاه تحت مدیریت خود با آن سروکار دارند، اما این امر، مستلزم آگاهی کامل از چگونگی رفتار هزینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر رفتار هزینه‌ها است. یکی از مباحثی که تحت تأثیر رفتارهای مدیران و شیوه راهبری آنان قرار می‌گیرد چسبندگی هزینه است (شات و ویس، ۲۰۱۴). چسبندگی هزینه‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که افزایش هزینه‌ها، در زمان افزایش فروش شرکت، بیش از کاهش آن در زمان کاهش فروش باشد. در واقع، مدیران به امید کسب سود در بلندمدت سعی می‌کنند منابع خود را حفظ کنند تا از کسب درآمدهای احتمالی آینده محروم نشوند. همین موضوع باعث می‌شود زمانی که فروش شرکت کاهش می‌یابد، مدیران هزینه‌ها را چندان کاهش ندهند (بولو و همکاران، ۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر این جنبه از رفتار هزینه می‌تواند معلول مسائل مختلفی در بنگاه باشد، یکی از این عوامل، انتخاب‌های گزارشگری است که در پژوهش حاضر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (شات و ویس، ۲۰۱۴).

پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهد که چسبندگی هزینه‌ها نه تنها از عدم اطمینان نسبت به تقاضای آتی و نگهداشت منابع بلااستفاده، بلکه از انگیزه‌های مدیریتی و ملاحظات نمایندگی مدیران نیز منتج می‌شود (نامیتا و شیجین، ۲۰۱۶). بعد از مطالعه اندرسون و همکاران (۲۰۰۳)، هزینه‌های عملیاتی گزارش شده (هزینه‌های تعهدی) به‌عنوان نماینده‌ای برای هزینه‌های اقتصادی (هزینه‌های عملیاتی نقدی) در پژوهش‌های بعدی (برای مثال، اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۱) به کار گرفته شدند. به خصوص شواهد تجربی نشان داده است که این محققین (برای مثال، اندرسون و همکاران، ۲۰۰۷؛ بالاکریشان و همکاران، ۲۰۱۱) از هزینه‌های تعهدی و هزینه‌های نقدی به‌صورت قابل معاوضه استفاده نموده و فرض آن‌ها این است که هزینه‌های مذکور معادل و برابر می‌باشند و تمایزی بین چسبندگی این هزینه‌ها وجود ندارد. این در حالی است که مطالعات اخیر (شات و ویس، ۲۰۱۴) نشان داده است که انتخاب‌های گزارشگری مالی، سطح چسبندگی هزینه‌های عملیاتی گزارش شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد که به‌طور متوسط، بیشتر از سطح چسبندگی هزینه‌های عملیاتی نقدی می‌باشد.

بنابراین، چسبندگی هزینه‌های گزارش شده (هزینه‌های تعهدی)، نمی‌تواند به‌عنوان یک نماینده معقول برای محاسبه چسبندگی هزینه‌های اقتصادی (هزینه‌های نقدی) به کار برده شوند.

از آنجا که رفتار هزینه یکی از مسائل مهم در حسابداری مدیریت و حسابداری بهای تمام شده است که به‌طور گسترده‌ای فرایندهای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، برخی از فزونی که عموماً توسط حسابداران مدیریت و تحلیل‌گران مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد از قبیل سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC)، برآوردهای هزینه‌ای و تجزیه و تحلیل هزینه، حجم و سود (CVP) به‌طور مهم به رفتار هزینه وابسته می‌باشند (بهار مقدم و خادمی، ۱۳۹۵). سرمایه‌گذاران می‌توانند با تحلیل اطلاعات مالی، این موضوع را که آیا انتخاب‌های گزارشگری مالی موجب تحمیل هزینه‌های زیادی به شرکت می‌شود یا خیر را بررسی نمایند. بنابراین، در این مطالعه به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا هزینه‌های تعهدی می‌توانند به‌عنوان نماینده‌ای مناسب برای هزینه‌های نقدی در ادبیات هزینه‌های نامتقارن، به کار گرفته شوند؟ همچنین، آیا یک انتخاب گزارشگری مثل استهلاك، سطح چسبندگی هزینه را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه چسبندگی هزینه‌های تعهدی و هزینه‌های نقدی و تأثیر هزینه استهلاك در بروز پدیده چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های مورد آزمون و روش‌های به کار گرفته شده جهت آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در پایان نیز پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شات و ویس (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به این مسأله پرداختند که آیا هزینه‌های گزارش شده می‌توانند به‌عنوان نماینده‌ای مناسب برای هزینه‌های اقتصادی در ادبیات هزینه‌های نامتقارن، به کار گرفته شوند. بدین منظور، آن‌ها قابلیت پیش‌بینی و تبادل میان هزینه‌های عملیاتی گزارش شده (هزینه‌های تعهدی) و هزینه‌های اقتصادی (هزینه‌های عملیاتی نقدی) را برای اهداف محاسباتی چسبندگی هزینه‌ها مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد انتخاب‌های گزارشگری مالی، سطح چسبندگی هزینه‌های عملیاتی گزارش شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد

که به طور متوسط، بیشتر از سطح چسبندگی هزینه‌های عملیاتی نقدی می‌باشد. بنابراین، چسبندگی هزینه‌های گزارش شده، بر اساس هزینه‌های خاص، نمی‌تواند به عنوان یک نماینده معقول برای محاسبه چسبندگی هزینه‌های اقتصادی به کار برده شوند، زیرا انحراف و تمایل رو به افزایشی دارند. این یافته‌ها، قابلیت تبادل و معاوضه میان هزینه‌های گزارش شده و هزینه‌های اقتصادی را در راستای اهداف محاسبه‌ای چسبندگی هزینه، انکار می‌نمایند. این نتایج، بعد مهمی را به ارزیابی بانکر و بیزالو (۲۰۱۴) می‌افزاید که بر روی استفاده از هزینه‌های گزارش شده برای کشف و شناسایی اینکه چگونه انتخاب‌های مدیریتی، چسبندگی هزینه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تکیه و تمرکز دارد. شات و ویس (۲۰۱۴) همچنین بیان داشتند تمایز میان هزینه‌های تعهدی و هزینه‌های نقدی از انتخاب‌های گزارشگری منشأ می‌گیرد. بدین منظور، آن‌ها تأثیر استهلاک را بر روی سطح چسبندگی هزینه‌ها مورد ارزیابی قرار دادند. زیرا استهلاک یک هزینه معنادار است که به صورت نقد پرداخت نمی‌شود. همچنین، انتخاب گزارشگری است که به سرمایه‌گذاری بر روی عمر مفید منابع درگیر نسبت داده می‌شود. تأثیر استهلاک بر سطح چسبندگی هزینه، جنبه دقیق و ظریف بحث و اختلاف میان بانکر و بیزالو (۲۰۱۴) و بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۴) را برجسته می‌نماید. بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند که تنوع در هزینه‌های ثابت، سطح چسبندگی هزینه‌های برآورد شده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شات و ویس (۲۰۱۴)، طبق ادعای بالاکریشان و همکاران (۲۰۱۴) بیان داشتند تصمیمات سرمایه‌گذاری سرمایه‌ای که در دوره‌های قبل گرفته می‌شوند و در هزینه‌های استهلاک گزارش شده در دوره جاری منتج می‌شود، باعث افزایش در سطح چسبندگی هزینه‌ها در دوره جاری می‌گردد.

در همین راستا، با توجه به موضوعات مطرح شده، در این پژوهش به مقایسه چسبندگی هزینه‌های تعهدی و هزینه‌های نقدی و تأثیر هزینه استهلاک در بروز پدیده چسبندگی هزینه‌ها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که تأثیر بالقوه انتخاب‌های گزارشگری مالی بر چسبندگی هزینه‌ها، موضوعی بس با اهمیت است که نمونه آن در داخل کشور تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است.

نامیتا و شیجین (۲۰۱۶) در پژوهشی به‌طور تجربی تأثیر صلاح‌دید (اختیارات) مدیریت را بر هزینه نمایندگی از نوع عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش مورد بررسی قرار دادند و بررسی کردند که چطور حاکمیت شرکتی این ارتباط را تعدیل می‌کند. بدین منظور، تعداد ۱۷۰

شرکت در هند برای دوره زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آن‌ها در پژوهش خود بیان داشتند که نمی‌توان گفت هزینه‌ها همیشه رفتار چسبنده از خود نشان می‌دهند بلکه، می‌توانند تحت شرایط خاص رفتار ضد چسبندگی هم از خود نشان دهند. از عوامل مؤثر بر چسبندگی هزینه‌ها، می‌توان تصمیمات تعدیل منابع مدیران، انتظارات آتی از فروش و رفتار امپراطوری مدیران را نام برد. پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که وجود حاکمیت شرکتی قوی، رفتار امپراطوری مدیران را کاهش می‌دهد. تحلیل‌های اضافی نشان می‌دهد که رفتار عدم تقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، در دوره بحران بیشتر تحت تأثیر تصمیمات تعدیل منابع مدیران و انتظارات آتی تغییرات فروش می‌باشد و رفتار امپراطوری مدیران در این دوره نقشی نداشته است.

اندرسون و همکاران (۲۰۱۵) در تازه‌ترین پژوهش خود مدل چسبندگی هزینه‌های سابق خود را با مطرح نمودن مدل دو محرکه که شامل تغییرات در فروش به‌عنوان محرک اول و تغییرات در دارایی‌های ثابت به‌عنوان محرک دوم می‌باشد، توسعه داده و مفهوم اینرسی هزینه را مطرح نمودند. آن‌ها در این پژوهش سه حالت مختلف بررسی رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، تعداد کارکنان و هزینه کارکنان را با دو مدل متفاوت که مدل دوم اثرات خوش‌بینی و بدبینی مدیران را لحاظ می‌نمود، تخمین زده و به این نتیجه رسیدند که ضمن اینکه تغییرات در کارکنان و هزینه‌های مرتبط با آن‌ها در بین دو محرک هزینه قابل تفکیک است، قدرت توضیحی مدل رفتار هزینه شامل دارایی‌های ثابت به‌طور معناداری بیشتر از قدرت توضیحی مدل رفتار هزینه تک محرکه سابق می‌باشد.

یو و هانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به تأثیر مدیریت سود و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه‌ها در کشور چین پرداختند. نتایج آن‌ها بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۷۷۰۲ مشاهده سال-شرکت برای دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰، با تعریف سود مثبت کوچک یا افزایش کوچک سود به‌عنوان نماینده مدیریت سود، چسبندگی هزینه معناداری را در نمونه‌ای که مدیریت سود نشده، در مقایسه با نمونه‌ای که مدیریت سود در آن صورت گرفته است، نشان داد. یافته‌های آن‌ها همچنین نشان داد وقتی هزینه‌ها به هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D)، تبلیغات و دیگر هزینه‌های عمومی تقسیم می‌شود، مدیران کنترل هزینه‌ها را به‌طور عمده با کاهش هزینه‌های عمومی به‌دست می‌گیرند. یو و هانگ با استفاده از تحلیل عاملی، هشت فاکتور اصلی حاکمیت شرکتی را

استخراج کرده و دریافتند که حاکمیت شرکتی خوب، چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. سرانجام، آن‌ها تأثیرات تعاملی مدیریت سود و حاکمیت شرکتی را بر چسبندگی هزینه‌ها مورد بررسی قرار دادند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که حاکمیت شرکتی خوب نیز می‌تواند چسبندگی هزینه‌ها را کاهش دهد، هرچند تأثیر آن به اندازه مدیریت سود قوی نیست.

جمال ابو سردانه (۲۰۱۴) در پژوهشی رفتار چسبنده یا غیرچسبنده انواع متفاوت گزارش‌های هزینه شرکت‌های تولیدی اردنی را در طول دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار دادند. همچنین، وی تأثیر بعضی از عوامل تبیینی را بر چسبندگی هزینه بررسی کرد. این عوامل شامل: میزان دارایی، میزان بدهی، جریان وجوه نقد آزاد و رشد اقتصادی است. نتایج پژوهش، رفتار هزینه غیرچسبنده را برای بهای تمام شده کالا (CGS) و هزینه‌های فروش پیدا کرد، در حالی که رفتار هزینه برای هزینه‌های اداری و عمومی و فروش متقارن بود که نه چسبندگی و نه ضد چسبندگی را نشان می‌داد. مدل CGS درجه بالاتری از چسبندگی را برای شرکت‌هایی که میزان دارایی بالاتری دارند و درجه کمتری از چسبندگی را برای جریان وجوه نقد آزاد نشان می‌دهد. همچنین، درجه پایین‌تر چسبندگی برای رشد در دوره کاهش GDP (دوره بدبینی) در مورد اردن مشاهده شد. از طرف دیگر، مدل هزینه‌های فروش درجه بالاتری از چسبندگی را برای جریان وجوه نقد آزاد و درجه پایین‌تر چسبندگی را برای میزان بدهی نشان می‌دهد.

شات و ویس (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای قابلیت پیش‌بینی و تبادل میان هزینه‌های تعهدی و جریان‌های وجوه نقد را برای اهداف محاسباتی چسبندگی هزینه‌ها مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها از هزینه‌های عملیاتی نقدی، به‌عنوان نماینده‌ای برای هزینه‌های اقتصادی استفاده کردند. شواهد تجربی آن‌ها بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۷۸/۸۰۳ مشاهده سال-شرکت از سال ۱۹۸۸ تا سال ۲۰۱۱ نشان داد که هزینه‌های عملیاتی گزارش شده و همچنین هزینه‌های عملیاتی نقدی، چسبنده هستند. مهم‌تر اینکه، یافته‌های آن‌ها نشان داد که هزینه‌های عملیاتی گزارش شده به‌طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های اقتصادی دارند. آن‌ها همچنین تأثیر استهلاك را بر روی سطح چسبندگی هزینه مورد ارزیابی قرار دادند. آن‌ها از هزینه‌های عملیاتی گزارش شده قبل از کسر استهلاك به‌عنوان نماینده‌ای جایگزین برای هزینه‌های اقتصادی استفاده کردند. مطالعات آن‌ها نشان داد هزینه‌های عملیاتی بعد از کسر استهلاك به‌طور معناداری چسبندگی

بیشتری نسبت به هزینه‌های عملیاتی گزارش شده قبل از کسر استهلاک دارند. بنابراین، استهلاک سطح چسبندگی هزینه را افزایش می‌دهد.

علی‌خانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تأثیر مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه، حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه و همچنین، تأثیرات متقابل مدیریت سود و حاکمیت شرکتی را بر چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که مدیریت سود افزایشی و حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. همچنین، اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود.

بهارمقدم و خادمی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۳ و همچنین، بررسی رفتار این هزینه‌ها از لحاظ چسبندگی یا ضد چسبندگی به‌طور جداگانه در هر یک از دوره‌های رونق و رکود این بازه زمانی پرداختند. بدین منظور، داده‌های ۱۸۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌صورت مشاهدات ترکیبی سال-شرکت در کل دوره زمانی مورد مطالعه و همچنین دوره‌های رونق و رکود اقتصادی، با استفاده از رگرسیون چند متغیره مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتار هزینه‌های یاد شده در کل دوره مورد مطالعه نامتقارن است. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که دوره‌های رونق و رکود اقتصادی کشور تأثیر چندانی در نگرش مدیران شرکت‌ها نداشته و از این‌رو، رفتار هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در تمامی دوره‌ها شامل دوره‌های رونق و رکود اقتصادی چسبنده و رفتار بهای تمام شده کالای فروش رفته در تمامی ادوار تقریباً ضد چسبنده می‌باشد.

سپاسی و تابان (۱۳۹۵) در پژوهشی به اصلاح مدل تجزیه و تحلیل هزینه، حجم فعالیت و سود (CVP) با استفاده از چسبندگی هزینه و محافظه‌کاری شرطی پرداختند. مدل هزینه-حجم-سود، روشی متداول برای پیش‌بینی فروش و برنامه‌ریزی سود می‌باشد. تجزیه و تحلیل نقطه سربه‌سر اغلب برای پیش‌بینی سود یک محصول یا مجموعه‌ای از محصولات مورد استفاده قرار می‌گیرد. استدلال مطالعه آن‌ها این است که بروز پدیده‌هایی چون چسبندگی هزینه‌ها و محافظه‌کاری مشروط می‌تواند نشانگر دو تعدیل مهم در مدل هزینه-حجم-سود باشد. بدین

منظور، از داده‌های ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ و روش رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که چسبندگی هزینه‌ها و محافظه‌کاری مشروط بر مدل هزینه-حجم-سود تأثیر معناداری دارند.

نیک‌کار و حیدری‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهشی ضمن بررسی تئوری‌های مرتبط با چسبندگی هزینه، ویژگی‌های آن (شامل ویژگی‌های عمومی و اختصاصی) را با استفاده از پژوهش‌های پیشین و به صورت کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار دادند. همچنین، ارتباط چسبندگی هزینه و بعضی از مفاهیم حسابداری مالی شامل ساختار هزینه، عدم اطمینان تقاضا، انگیزه‌های مدیریتی، راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را مورد بررسی قرار دادند. در نهایت، به بعضی از انتقادات وارده بر مفهوم چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که تلاش پژوهشگران تا به امروز عمدتاً بر اساس یافته‌های تجربی بوده و سابقه تئوریک قوی برای شناسایی علل ناشی از چسبندگی هزینه‌ها وجود ندارد. بنابراین، پژوهش‌های آتی باید به شکاف بین مفروضات نظری و یافته‌های تجربی پرداخته و پیامدهای معنی‌داری از مفهوم چسبندگی هزینه را برای کمک به فرایند تصمیم‌گیری فراهم کنند.

اسماعیل‌زاده و مهرنوش (۱۳۹۳) در پژوهشی به رابطه چسبندگی هزینه‌ها با کیفیت سود و خطای پیش‌بینی پرداخت. نتایج این پژوهش که بر اساس اطلاعات ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای یک دوره ۶ ساله از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ است، نشان می‌دهد در ازای افزایش در چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، هزینه‌های کل و بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ دقت پیش‌بینی سود و کیفیت سود کاهش می‌یابد.

حیدری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر علت رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر افزایش چسبندگی هزینه‌های توزیع، فروش و اداری پرداخته است. جامعه آماری پژوهش را ۱۶۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ تشکیل می‌دهد. در این پژوهش، بدون اعمال روش نمونه‌گیری خاصی، جامعه آماری بر اساس شروط نظام‌مندی تعدیل شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل بسط یافته اندرسون در پنج حالت استفاده شده است. در مدل اولیه، بدون در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، متغیرهای مبتنی بر نظریه نمایندگی، اثرات ثابت زمانی و اثرات ثابت صنعت، فقط به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت بر چسبندگی هزینه‌های توزیع، فروش و اداری پرداخته شد. سپس به ترتیب

متغیرهای مذکور در مدل وارد شده و تأثیر آن‌ها بر نتایج مدل مشاهده شد. مطابق یافته‌ها، تأثیر متغیر اعتماد به نفس مدیریت بر چسبندگی هزینه‌های توزیع، فروش و اداری در مدل اول از ۷۶ درصد به ۶۲/۷ درصد در مدل پنجم کاهش یافت. این موضوع نشان می‌دهد عامل رفتاری اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت، موجب افزایش چسبندگی هزینه‌ها می‌شود.

سجادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به تأثیر چسبندگی هزینه بر تقارن زمانی سود با تأکید بر ارتباط میان چسبندگی هزینه و محافظه‌کاری شرطی پرداختند. بدین منظور، سه فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده‌های مربوط به ۱۲۰ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، برای تعیین نمونه آماری، از روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند استفاده شده است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تلفیقی با رویکرد اثرات ثابت، بررسی و آزمون شد. نتایج نشان داد چسبندگی رفتار هزینه‌ها بر عدم تقارن ارتباط میان سود و بازده، تأثیرگذار بوده و باعث عدم تقارن زمانی شناسایی سود می‌شود. افزون بر این، نتایج نشان داد در شرکت‌های دارای چسبندگی هزینه‌ها، سود اخبار منفی را با سرعت بیشتری منعکس می‌کند. همچنین، شرکت‌های با چسبندگی هزینه نسبت به دیگر شرکت‌ها دارای محافظه‌کاری شرطی بیشتری هستند.

صفرزاده و بیگ پناه (۱۳۹۳) در پژوهشی با استفاده از تکنیک داده‌های تلفیقی به بررسی نقش چسبندگی هزینه در برآورد محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های ایرانی پرداختند. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش هدفمند انتخاب شده است. با استفاده از داده‌های متعلق به دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۶، محققین دریافتند که مدل‌های استاندارد برای برآورد محافظه‌کاری، متوسط میزان محافظه‌کاری را بیشتر از واقع برآورد می‌کنند. به بیان دیگر، در این مدل‌ها، چسبندگی هزینه به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده محافظه‌کاری شرطی مدنظر قرار نمی‌گیرد و این موضوع سبب سوگیری قابل ملاحظه در برآورد محافظه‌کاری می‌شود. مهم‌تر اینکه، مدل‌های استاندارد برای برآورد محافظه‌کاری، تغییر در چسبندگی هزینه را به حساب محافظه‌کاری منظور می‌کنند. شواهد بیانگر آن است که توجه به چسبندگی هزینه، نقش مهمی در درک صحیح از مفهوم محافظه‌کاری دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به بیان مبانی نظری ارائه شده در بخش‌های قبل، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: هزینه‌های تعهدی به طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های نقدی دارند.

فرضیه دوم: هزینه‌های عملیاتی بعد از کسر استهلاک به طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک دارند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و به روش پس‌رویدادی و بر مبنای هدف از نوع پژوهش کاربردی است. مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و داده‌های مورد نظر آزمون فرضیه‌ها نیز از بانک‌های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین و اطلاعات موجود در سایت کدال، جمع‌آوری گردید. جامعه آماری این پژوهش از کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۸۱ تا پایان سال ۱۳۹۴ در بورس فعال بوده‌اند، تشکیل شده است. نمونه آماری، با توجه به معیارهای گزینشی زیر انتخاب گردید:

(۱) شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند. (۲) نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی بوده و لذا جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد. (۳) پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد. (۴) وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند. (۵) ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد. تعداد ۹۱ شرکت که حائز شرایط فوق بودند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

نگاره (۱): نمونه آماری پژوهش با استفاده از روش غربالگری

تعداد	شرح
۴۸۸	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۳۹۴
	معیارها:
(۱۷۱)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۹۴-۸۱ در بورس فعال نبوده‌اند.
(۹۲)	تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۸۱ در بورس پذیرفته شده‌اند.
(۳۳)	تعداد شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.
(۵۸)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.
(۱۴)	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن‌ها منفی بوده است.
(۲۹)	تعداد شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته‌اند.
۹۱	تعداد شرکت‌های نمونه

الگوها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول، الگوهای رگرسیونی اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) به شرح ذیل برآورد می‌شود.

$$\ln\left(\frac{OE_{it}}{OE_{it-1}}\right) = \alpha + \beta_1 \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \beta_2 REV_DES_{it} \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \varepsilon \quad (۱) \text{ الگوی}$$

$$\ln\left(\frac{OC_{it}}{OC_{it-1}}\right) = \alpha + \beta_1 \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \beta_2 REV_DES_{it} \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \varepsilon \quad (۲) \text{ الگوی}$$

برای آزمون فرضیه دوم، الگوهای رگرسیونی اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) به شرح ذیل برآورد می‌شود.

$$\ln\left(\frac{OE_{it}}{OE_{it-1}}\right) = \alpha + \beta_1 \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \beta_2 REV_DES_{it} \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \varepsilon \quad \text{الگوی (۳)}$$

$$\ln\left(\frac{OEBD_{it}}{OEBD_{it-1}}\right) = \alpha + \beta_1 \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \beta_2 REV_DES_{it} \ln\left(\frac{REV_{it}}{REV_{it-1}}\right) + \varepsilon \quad \text{الگوی (۴)}$$

در الگوهای فوق؛

لگاریتم طبیعی هزینه‌ها (OE، OC و OEBD) متغیرهای وابسته پژوهش می‌باشند.

OE هزینه‌های عملیاتی: درآمد فروش منهای سود عملیاتی.

OC هزینه‌های نقدی: فروش نقدی منهای جریان وجوه نقد عملیاتی.

OEBD هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک: درآمد فروش منهای سود عملیاتی قبل از کسر هزینه استهلاک.

متغیر مستقل پژوهش؛ لگاریتم طبیعی فروش (REV) است.

REV_DEC متغیر مجازی کاهش فروش: اگر فروش شرکت در سال t نسبت به سال t-1 کاهش داشته باشد، مقدار یک و در غیراینصورت، مقدار صفر می‌گیرد.

ضریب β_1 : درصد افزایش در هزینه‌ها را در اثر افزایش در فروش نشان می‌دهد.

ضریب β_2 : در زمان کاهش فروش، منفی و در غیراینصورت، برابر صفر است.

ضریب تأثیر β_2 ، نشان دهنده میزان چسبندگی هزینه‌ها به ازای ۱٪ کاهش در فروش است. مجموع $\beta_1 + \beta_2$ بیانگر میزان کاهش هزینه‌ها در اثر کاهش یک درصدی در فروش است. برای اثبات چسبندگی هزینه‌ها باید $\beta_1 + \beta_2$ کوچکتر از β_1 باشد. به عبارت دیگر، چسبندگی

هزینه‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که ضریب تأثیر β_1 مثبت و ضریب تأثیر β_2 منفی باشد ($\beta_1 > 0$ و $\beta_2 < 0$).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه گردید و در نگاره (۲) شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی ارائه می‌شود.

نگاره (۲): آمار توصیفی کل متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
OE	۰/۱۶	۰/۹۸	-۰/۶۶	۰/۲۲	-۰/۰۹	۵/۰۲
OC	۰/۱۵	۱/۹۷	-۱/۷۷	۰/۴۴	-۰/۳۷	۷/۲۹
OEBD	۰/۱۶	۰/۹۷	-۰/۶۸	۰/۲۳	-۰/۱۲	۴/۸۷
REV	۰/۱۵	۱/۴۹	-۲/۶۷	۰/۲۵	-۰/۶۲	۵/۲۱
REV_DEC	۰/۲۰	۱	۰	۰/۴۰	۱/۴۷	۰/۱۷

بر اساس نگاره (۲) هزینه‌های تعهدی، هزینه‌های نقدی، هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک و درآمد فروش شرکت‌های نمونه به‌طور میانگین به ترتیب ۱۶٪، ۱۵٪، ۱۶٪ و ۱۵٪ نسبت به سال ماقبل خود رشد داشته‌اند. متغیر مجازی کاهش فروش نیز نشان می‌دهد شرکت‌هایی که با کاهش فروش مواجه بوده‌اند ۲۰٪ از نمونه انتخابی را تشکیل می‌دهند.

آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

جهت پایایی متغیرهای الگوهای رگرسیون از آزمون لوین، لین و چو استفاده می‌شود که نتایج آن در نگاره (۳) به شرح زیر ارائه شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون لوین، لین و چو

متغیر	OE	OC	OEBD	REV
آماره آزمون	-۱۹/۷۶	-۲۹/۱۹	-۱۹/۱۵	-۱۹/۸۶
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
نتیجه	پایا	پایا	پایا	پایا

بر اساس آزمون ریشه واحد از نوع آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، هر متغیری که سطح معناداری آن کمتر از ۵٪ باشد، در سطح پایا است. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون در نگاره (۳) نشان دهنده این است که کلیه متغیرهای مستقل و وابسته در سطح پایا هستند.

ضرایب همبستگی

برای بیان رابطه خطی دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. ماتریس همبستگی کلیه متغیرهای پژوهش در نگاره (۴) ارائه شده است.

نگاره (۴): ضرایب همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	OE	OC	OEBD	REV
OE	۱/۰۰			
OC	*۰/۵۵	۱/۰۰		
OEBD	*۰/۹۱	*۰/۵۴	۱/۰۰	
REV	*۰/۸۵	*۰/۶۴	*۰/۸۴	۱/۰۰

* معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪

همان‌طور که در نگاره (۴) قابل مشاهده است، بین متغیرهای هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک همبستگی زیاد می‌باشد که می‌تواند باعث بروز هم‌خطی شود و نتایج را تحت تأثیر قرار دهد، اما از آنجا که این متغیرها جزء متغیرهای وابسته هستند و در الگوهای جداگانه به کار گرفته می‌شوند، همبستگی بین آن‌ها مهم نمی‌باشد و مشکلی برای انجام رگرسیون پیش نخواهد آمد.

آزمون فرضیه اول

قبل از برآزش الگوهای پژوهش، ابتدا باید آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوی داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره (۵) آورده شده است. نتایج برآزش الگو برای آزمون فرضیه اول در نگاره (۵) مشاهده می‌شود.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: هزینه‌های نقدی (OC)			متغیر وابسته: هزینه‌های عملیاتی (OE)			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۹۸	-۰/۰۴	-۰/۰۰۳	۰/۰۰	۲/۹۴	۰/۰۲	α
۰/۰۰	۶۳/۰۲	۱/۰۳	۰/۰۰	۳۰/۴۷	۰/۸۹	β_1
۰/۰۱	۲/۶۶	۰/۱۳	۰/۰۴	-۱/۹۹	-۰/۱۱	β_2
(۰/۹۹) ۰/۲۵			(۰/۹۹) ۰/۴۵			آماره F لیمر (سطح معناداری)
(۰/۰۰) ۹۲۲/۷۲۴۷			(۰/۰۰) ۳۳۲۰/۳۴۷			آماره F فیشر (سطح معناداری)
۲/۱۸			۲/۱۲			آماره دوربین واتسون
۰/۷۵			۰/۸۷			ضریب تعیین تعدیل شده

با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر در هر دو الگو، بیشتر از ۵٪ می‌باشد. بنابراین، برای تخمین الگوها از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، لذا معناداری کل رگرسیون‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

مقدار ضریب تعیین الگوها نشان می‌دهد که مجموعاً ۸۷٪ از تغییرات هزینه‌های تعهدی و ۷۵٪ از تغییرات هزینه‌های نقدی می‌تواند توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شود. همان‌گونه که

ملاحظه می‌شود، ضریب β_1 برآورد شده برای هزینه‌های تعهدی برابر $0/89$ و برای هزینه‌های نقدی برابر $1/03$ است و بیانگر آن است که با افزایش 1% در فروش، به ترتیب هزینه‌های تعهدی $0/89\%$ و هزینه‌های نقدی $1/03\%$ افزایش می‌یابد. همچنین، ضریب β_2 برآورد شده برای هزینه‌های تعهدی برابر $-0/11$ و برای هزینه‌های نقدی برابر $0/13$ است. منفی و معنادار بودن اندازه ضریب β_2 برای هزینه‌های تعهدی نشان دهنده رفتار چسبنده هزینه‌های عملیاتی است و این بدان معناست که با کاهش 1% در فروش، هزینه‌های تعهدی $0/13\%$ (یا $0/11\%$) کاهش می‌یابد. در مورد هزینه‌های نقدی رفتار ضد چسبندگی رخ داده است به این معنا که با کاهش 1% در فروش، هزینه‌های نقدی $1/16\%$ ($1/13\% + 0/03\%$) کاهش می‌یابد. بنابراین، در سطح اطمینان 95% دلیلی بر رد این فرضیه یافت نشده و این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، هزینه‌های تعهدی به طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های نقدی دارند.

آزمون فرضیه دوم

قبل از برآزش الگوهای پژوهش، ابتدا باید آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوی داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره (۶) آورده شده است. نتایج برآزش الگو برای آزمون فرضیه اول در نگاره (۶) مشاهده می‌شود.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	متغیر وابسته: هزینه‌های عملیاتی بعد از کسر استهلاك (OE)			متغیر وابسته: هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاك (OEBD)		
	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	ضرایب	آماره t	سطح معناداری
α	$0/02$	$2/94$	$0/00$	$0/02$	$2/69$	$0/01$
β_1	$0/89$	$30/47$	$0/00$	$0/91$	$32/74$	$0/00$
β_2	$-0/11$	$-1/99$	$0/04$	$-0/12$	$-2/23$	$0/03$
آماره F لیمر (سطح معناداری)	$(0/99) 0/45$			$(0/99) 0/44$		
آماره F فیشر (سطح معناداری)	$(0/00) 3320/347$			$(0/00) 3233/211$		
آماره دوربین واتسون	$2/12$			$2/13$		
ضریب تعیین تعدیل شده	$0/87$			$0/87$		

با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر در هر دو الگو، بیشتر از ۵٪ می باشد بنابراین، برای تخمین الگوها از روش داده های ترکیبی معمولی استفاده گردید. از آنجا که مقدار آماره دورین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوهای رگرسیونی را تأیید می کند. با توجه به اینکه سطح معنی داری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، لذا معناداری کل رگرسیون ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود.

مقدار ضریب تعیین الگوها نشان می دهد که مجموعاً ۸۷٪ از تغییرات هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک و ۸۷٪ از تغییرات هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک می تواند توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شود. همان گونه که ملاحظه می شود، ضریب β_1 برآورد شده برای هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک برابر ۰/۸۹ و برای هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک برابر ۰/۹۱ است و بیانگر آن است که با افزایش ۱٪ در فروش، به ترتیب هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک ۰/۸۹٪ و هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک ۰/۹۱٪ افزایش می یابد. همچنین، ضریب β_2 برآورد شده برای هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک برابر ۰/۱۱- و برای هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک برابر ۰/۱۲- است. منفی و معنادار بودن اندازه ضریب β_2 نشان دهنده رفتار چسبنده هزینه های عملیاتی بعد و قبل از کسر استهلاک است و این بدان معناست که با کاهش ۱٪ در فروش، هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک ۰/۷۸٪ (۰/۱۱-۰/۸۹٪) و هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک ۰/۷۹٪ (۰/۱۲-۰/۹۱٪) کاهش می یابد. مقایسه ضریب β_2 نشان می دهد که هزینه های عملیاتی بعد از کسر استهلاک چسبندگی کمتری نسبت به هزینه های عملیاتی قبل از کسر استهلاک دارند. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار نمی گیرد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می دهد که هزینه های عملیاتی قبل و بعد از کسر استهلاک دارای رفتار چسبنده می باشند. به بیان دیگر، افزایش هزینه ها در زمان افزایش فروش، بیشتر از کاهش همان مقدار هزینه در زمان کاهش فروش است. البته، شدت چسبندگی هزینه ها در سطوح مختلف هزینه ها متفاوت می باشد. بدین ترتیب، نتایج این پژوهش هم جهت با نتایج پژوهش هایی (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نمازی و همکاران، ۱۳۹۱؛ شات و ویس، ۲۰۱۴؛ پورپوراتو و وربین، ۲۰۱۰) است که رفتار چسبنده هزینه ها را تأیید کرده اند و با ادبیات سنتی

حسابداری مدیریت در خصوص رفتار هزینه‌ها که بیان می‌نماید هزینه‌ها تنها به میزان تغییرات در سطح فعالیت وابسته است و ارتباطی به جهت تغییرات در سطح فعالیت ندارد (هیلتون، ۱۹۹۷؛ اتکینسون، ۲۰۰۰؛ هورن گرن و همکاران، ۲۰۰۸)، در تضاد است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های تعهدی به‌طور معناداری چسبندگی بیشتری نسبت به هزینه‌های نقدی دارند. نتایج این پژوهش هم‌جهت با نتایج پژوهش‌های شات و ویس (۲۰۱۴) می‌باشد. به‌علاوه، نتایج نشان داد که استهلاک سطح چسبندگی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. به‌عبارت دیگر، هزینه‌های عملیاتی بعد از کسر استهلاک چسبندگی کمتری نسبت به هزینه‌های عملیاتی قبل از کسر استهلاک دارند. این نتیجه با شواهد شات و ویس (۲۰۱۴) در تناقض است.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌های تولیدی در امر برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی فعالیت‌های شرکت برای پیش‌بینی هزینه‌های آتی، ارتباط تغییرات هزینه‌ها با تغییرات درآمدها را مدنظر قرار دهند و بدین وسیله بودجه جامع‌تری را ارائه نمایند. همچنین، پیشنهاد می‌شود حسابرسان و مؤسسات حسابرسی میزان هزینه‌های ارائه شده در صورت‌های مالی شرکت را با توجه به ارتباط این هزینه‌ها با درآمد فروش و پیش‌بینی میزان این هزینه‌ها با میزان درآمد فروش، حسابرسی کنند تا بدین وسیله موارد اشتباه یا سوءاستفاده احتمالی در ارائه هزینه‌ها در صورت‌های مالی را کشف نمایند.

منابع

- Abu-Serdaneh, Jamal. (2014). The Asymmetrical Behavior of Cost: Evidence from Jordan. *International Business Research*, Vol. 7, No. 8, pp. 113-122.
- Alikhani, R. , Maranjory, M. , Seyed Zadeh, S. F. (2017). Upward Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness. *Journal of Accounting Research*, 7 (26): 61-80. (in Persian)
- Anderson, M. & Lee, J. H. & Mashruwala, R. (2015). Cost Stickiness and Cost Inertia: A Two-Driver Model of Asymmetric Cost Behavior. Available at SSRN.
- Anderson, M. , Banker R. , Janakiraman S. (2003). Are selling, general, and administrative costs 'sticky'? *Journal of Accounting Research*; 41 (1): 47-63.
- Anderson, M. C. , Banker, R. , Huang, R. , Janakiraman, S. (2007). Cost behavior and fundamental analysis of SG&A costs. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22 (1): 1-28.
- Atkinson, A. (2000). *Management Accounting*. São Paulo: Atlas.
- Baharmoghadam, M. , & Khademi, S. (2016). Investigate cost stickiness during periods of economic boom and recession. *Management accounting*, 9 (30): 67-86. (in Persian)

- Balakrishnan, R. , Labro, E. , Soderstrom, N. (2011). Cost structure and sticky costs. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1562726>.
- Balakrishnan, R. , Labro, E. , Soderstrom, N. (2014). Cost structure and sticky costs. *Journal of Management Accounting Research* 26 (2).
- Banker, R. D. , Byzalov, D. (2014). Asymmetric cost behavior. *Journal of Management Accounting Research* 26 (2).
- Bolo, Gh. , Moazez, E. , Khanhosseini, D. , & Nikoonesbati, M. (2012). Investigating the relationship between management perspective and cost stickiness in Tehran Stock Exchange. *The Journal of Planning and Budgeting*, 17 (3): 79-95. (in Persian)
- Esmailzadeh, A. , & Mehrnoosh, A. (2014). Relationship between cost-sticking and earnings quality and forecast error. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 6 (21): 37-61. (in Persian)
- Heydari, M. (2014). Investigating the effect of behavioral behavior self-excessive management on cost stickiness: Modulating role of economic factors and factors based on representation theory. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (2): 151-172. (in Persian)
- Hilton R. (1997). Managerial accounting. New York: McGraw-Hill.
- Horngern, C. T. , Foster, G. , Datar, S. M. (2008). Cost accounting: A managerial emphasis. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Namazi, M. , Ghafari, M. J. , & Fereydoni, M. (2012). The fundamental analysis of cost of gold sold and cost stickiness behavior with an emphasis on the range of changes in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 4 (2): 151-177. (in Persian)
- Namitha, C. , & Shijin, S. , (2016). Managerial discretion and agency cost in Indian market, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiac.2016.06.002>
- Nikkar, J. , & Heydarinezhad, GH. (2015). Asymmetry in cost behavior- cost stickiness: Evidence, Causes, and Effects. *Journal of Accounting Research*, 5 (18) ; 69-91. (in Persian)
- Porporato, M. , Werbin. (2010). Active cost management in banks: Evidence of sticky costs in Argentina. Brazil and Canada. Available at: <http://ssrn.com/abstract=1659228>.
- Safarzadeh, M. H. , & Beygpanah, B. (2014). Effect of cost stickiness on conditional conservative estimation. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (14): 39-59. (in Persian)
- Sajadi, S. H. , Hajizadeh, S. , & Nikkar, J. (2014). The effect of cost stickiness on time synchronization of profit by emphasizing the relationship between cost stickiness and conditional conservative. *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (16): 81-99. (in Persian)
- Sepasi, S. , & Taban, K. (2016). Modification of the cost, volume, and profit (CVP) analysis model using conditional conservative and cost stickiness. *Management accounting*, 9 (28): 67-82. (in Persian)
- Sepasi, S. , Fathi, Z. , & Sheybeh, S. (2014). Empirical test of cost stickiness: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 3 (12): 163-177. (in Persian)

- Shust, E. , Weiss, D. (2014). Asymmetric cost behavior-sticky costs: Expenses versus cash flows. *Journal of Management Accounting Research* 26 (2): 81-90.
- Xue, Shuang & Yun, Hong, (2015). Earnings management, corporate governance and expense stickiness. *China Journal of Accounting Research*, pp. 1-18.

Investigating the Sticky Accruals Costs versus Costs Paid in Cash

Majid Azarpour¹, Soraya Weysihsar²

Received : 2016/08/01

Approved: 2016/12/05

Abstract

Recent research of expense behavior showed that expenses increase more quickly with an increasing activity level than they decrease with a declining activity level. The term expense stickiness captures an asymmetric expense behavior. In this research, we test whether reported expenses and costs paid in cash may be used interchangeably for estimating cost stickiness. We further test whether a noteworthy reporting choice as depreciation influences the estimated level of stickiness. The main goal of this research is to compare sticky accruals costs, costs paid in cash and the effect of depreciation costs of emergence of costs stickiness phenomenon among firms accepted in Tehran Stock Exchange. For this purpose, two hypotheses were developed for this issue and data were analyzed for 91 members of Tehran stock exchange (selected by systematic elimination sampling method) for the period of 2004 to 2015. The regression model was tested and tested using conventional combination data. Results of this research indicated that accruals costs are significantly stickier than costs paid in cash. Moreover, operating costs after deducting depreciation are less sticky than operating costs before deducting depreciation.

Keywords: Accruals Costs, Costs Paid in Cash, Costs Stickiness, Depreciation Expenses.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2018.11088.1175

¹ MSc. of Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Majid.azarpour@gmail.com)

² MSc. of Accounting, Kar Higher Education Institute, Tehran, Iran. Corresponding Author
(soraiaweysihsar@yahoo.com)

بررسی تأثیر کیفیت کمیته حسابرسی بر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت زهره حاجیها، حسین رجب‌دزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۹

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین کیفیت کمیته حسابرسی و سطح افشای مسئولیت‌اجتماعی شرکت است. مسئولیت‌اجتماعی، شامل مجموعه وظایف و تعهدهایی است که شرکت باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد. در این پژوهش برای سنجش سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از الگوی میسرا و همکاران و برای سنجش تأثیر کیفیت کمیته حسابرسی در افشای اطلاعات از متغیرهای پیشنهادی پرسونز و روهانا و همکاران و هیشام و همکاران استفاده شده است. دوره زمانی مورد مطالعه شامل سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ و نمونه برگزیده متشکل از ۶۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از کنترل متغیرهای اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ریسک سیستماتیک، بین استقلال کمیته حسابرسی، تخصص اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی با سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه‌ای مثبت برقرار است که معنادار نیست. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان ادعا کرد با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، میزان سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، افزایش می‌یابد. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد که شرکت‌ها برای افزایش سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی که مقوله با اهمیتی است، به کیفیت کمیته حسابرسی توجه ویژه نمایند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کیفیت کمیته حسابرسی، افشای اطلاعات.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, M19

DOI: 10.22051/ijar.2017.12355.1213

^۱ دانشیار گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.
(Manuchehr.Roosta@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران، نویسنده مسئول.
(ira.dehghani@gmail.com)

مقدمه

هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، سلامت گزارشگری مالی، اثربخشی حسابرسی داخلی، استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و رعایت قوانین، مقررات و الزامات است (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱). در حیطه گزارشگری نیز این کمیته وظایف نظارت بر موضوعات با اهمیت گزارشگری مالی، قضاوت‌ها و برآوردهای عمده، رویه‌های حسابداری عمده، نحوه افشا و انتخاب و تغییر در هر یک از آن‌ها و افشای معاملات با اشخاص وابسته در گزارش‌های مالی شرکت را بر عهده دارد. همچنین کسب اطمینان معقول نسبت به سلامت، قابلیت اعتماد و به موقع بودن سایر گزارش‌های تهیه شده برای انتشار به خارج از شرکت بر عهده این کمیته است.

همچنین در سال‌های اخیر، مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک دیدگاه غالب در دنیای تجارت مطرح شده است. بسیاری از شرکت‌ها، تعهدهایی را در این حوزه مطرح کرده، طرح‌های مربوط به آن را آغاز کرده و کمیته‌های مربوط را شکل داده‌اند و گزارش‌هایی را در این راستا ارائه می‌کنند (کیم و سیگی لی، ۲۰۱۴). از آنجا که مسئولیت اجتماعی شرکتی به یکی از فعالیت‌های اصلی کسب و کار تبدیل شده است، می‌توان آن را به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی مدیریت در کنار حوزه‌هایی چون بازاریابی، حسابداری و یا مسایل مالی به‌شمار آورد (کراین و همکاران، ۲۰۰۸). پرسونز (۲۰۰۹) افشای اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران را با کیفیت کمیته حسابرسی مرتبط می‌داند. از نظر او، افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، موجب افزایش شفافیت در ارائه اطلاعات می‌شود و در نتیجه این انتظار وجود دارد که کیفیت کمیته حسابرسی (با افشای اطلاعات صحیح و کامل) بتواند با مسئولیت اجتماعی شرکت و افشای اطلاعات مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت مرتبط باشد. همچنین گلب و استراسر (۲۰۰۱) معتقدند که شرکت‌های مسئولیت‌پذیرتر از منظر اجتماعی، حجم بیشتری از اطلاعات و استانداردها را در گزارش‌های خود افشا می‌کنند؛ در نتیجه سطح شفافیت آن‌ها بالاتر است. بر اساس نظر کیم و سیگی لی (۲۰۱۴) نیز هنگامی که در فرهنگ سازمانی شرکت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح بالایی حفظ شود، مدیران و دست‌اندرکاران تمایل بیشتری به انتشار اخبار مرتبط با عملکردهای خود دارند. بدین ترتیب، چنین به نظر می‌رسد که کیفیت کمیته حسابرسی

تأثیر قابل توجهی بر مسئولیت اجتماعی شرکتی داشته باشد. از آنجا که کیفیت کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی از طریق استفاده از تخصص و کارایی اعضا باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵) و افزایش ارزش شرکت نیز به دلیل افزایش در اعتبار و شهرت واحد تجاری در بازار از طریق گزارشگری مسئولیت اجتماعی است (داگیلینه، ۲۰۱۳) بنابراین افزایش سطح مسئولیت اجتماعی با افزایش ارزش شرکت رابطه مستقیم دارد (شجاعی و خبرخوش، ۱۳۹۵). از این رو کمیته حسابرسی با توجه به وظایف خود می‌تواند بر کیفیت و میزان افشای اطلاعات مرتبط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی اثرگذار باشد. در نتیجه می‌توان ارتباط این دو موضوع را تبیین و مورد بررسی قرار داد.

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر کیفیت کمیته حسابرسی بر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. لذا سوال اصلی پژوهش را می‌توان به این صورت بیان کرد که آیا کیفیت کمیته حسابرسی رابطه‌ای با میزان افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت دارد؟ همچنین با توجه به عدم ورود پژوهشگران به موضوع ذکر شده و اینکه تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است، بررسی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان با استفاده از یافته‌ها تصمیم‌گیری‌های بهتری را در حوزه مدیران و سرمایه‌گذاران شاهد بود. در ادامه ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح می‌شود. سپس روش پژوهش و آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در انتها نیز بحث و نتیجه‌گیری و محدودیت‌های پژوهش بیان شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش داخلی

خواجوی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسولیت-های اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین مسولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

حجایی (۱۳۹۱) در پژوهشی دریافت که بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی با مالکیت نهادی، رابطه منفی وجود دارد.

حاجیها و سرفراز (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که مسئولیت-پذیری اجتماعی رابطه معکوس و معناداری با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد؛ بنابراین مدیران با افزایش افشاگری در زمینه عملکرد اجتماعی، باعث کاهش در نرخ بازده مورد انتظار سرمایه-گذاران (هزینه حقوق صاحبان سهام) می‌شوند و هزینه‌های تامین مالی کمتری برای شرکت به ارمغان می‌آورند. به عبارت دیگر، اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت برای سرمایه-گذاران دارای محتوای اطلاعاتی دارد.

رزمجویی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیئت مدیره بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها" دریافتند که از بین متغیرهای مستقل، رتبه تمرکز مالکیت و نسبت اعضای موظف بیشترین تأثیر را بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها دارند و از بین متغیرهای کنترلی تنها میزان تحصیلات بر روی متغیر وابسته که همان مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها می‌باشد تأثیر گذار است.

پورمحمد و سعدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی نقش مسئولیت‌های اجتماعی در فعالیت صنایع پتروشیمی" دریافتند که توجه وافر سازمان به مبحث مسولیت‌های اجتماعی، سبب افزایش درآمد و اعتبار شرکت می‌گردد.

پیشینه پژوهش خارجی

گلب و استراسر (۲۰۰۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های فعال از منظر مسئولیت‌اجتماعی، اظهارنامه‌های مالی بیشتری را ارائه می‌کنند. آنها معتقدند در صورتی که شرکت‌های با سطح مسئولیت‌اجتماعی بهتر بتوانند سطح بالاتری از استانداردهای اخلاقی را در گزارش‌های مالی خود لحاظ نمایند، سطح شفافیت افزایش می‌یابد و احتمال کمتری وجود دارد که چنین شرکت‌هایی اخبار بد را از سرمایه‌گذاران مخفی نمایند؛ در نتیجه، آن‌ها با خطر سقوط قیمت سهام پایین‌تری مواجه هستند.

کیم و همکاران (۲۰۱۲) هم در مطالعه‌ای دریافتند شرکت‌هایی که از مسئولیت‌های اجتماعی برخوردار هستند، رفتار مسئولانه‌ای را در قبال گزارش‌های مالی ارائه می‌دهند. آنان بر این باورند

که تعهد شرکت‌ها به استانداردهای اخلاقی بالاتر، تأثیر مثبتی بر کیفیت اطلاعات حسابداری دارد.

کیم و سیگی لی (۲۰۱۴) در پژوهشی ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت و خطر سقوط قیمت سهام را بررسی کردند. یافته‌های پژوهشی آنان حاکی از آن است که خطر سقوط قیمت سهام و مسئولیت اجتماعی شرکتی، رابطه معکوس و معناداری با یکدیگر دارند؛ به عبارتی با افزایش مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها، خطر سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد.

دیسانایاکه و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی در کشور سریلانکا دریافتند که رابطه مثبت و معناداری بین اندازه شرکت (با استفاده از معیار لوگاریتم دارایی‌ها)، سن، بازده حقوق صاحبان سهام و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت وجود دارد و با افزایش اندازه، سن شرکت و بازده حقوق صاحبان سهام، میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی افزایش می‌یابد.

استاکچرزینی (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافت که بین عملکرد مالی با استفاده از معیارهای سود هر سهم و بازده حقوق صاحبان سهام، استقلال هیئت مدیره و حساسیت زیست‌محیطی صنعت فعالیت شرکت و میزان گزارش توسعه پایدار رابطه مثبت و معناداری برقرار است. بدین معنا که با افزایش عملکرد مالی و بازده حقوق صاحبان سهام، میزان گزارش توسعه پایدار افزایش می‌یابد. همچنین میزان گزارش توسعه پایدار در صنایعی که از لحاظ زیست‌محیطی حساسیت بیشتری دارند، بیشتر است.

روش‌شناسی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

در خصوص دستیابی به اهداف پژوهش و براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه اول: بین استقلال کمیته حسابرسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین اندازه کمیته حسابرسی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که در آن از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده شده و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهشی از قبل تعیین شده، انجام شده است. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از روش‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲).

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش کیفیت کمیته حسابرسی به عنوان متغیر مستقل و مسئولیت‌اجتماعی شرکتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

کیفیت کمیته حسابرسی

در ادامه روش بررسی هر یک از مولفه‌های مرتبط با کیفیت کمیته حسابرسی و افشای اطلاعات تشریح می‌گردد:

- استقلال کمیته حسابرسی^۱: استقلال کمیته حسابرسی یک متغیر دو ارزشی صفر و یک است که اگر نسبت تعداد اعضای هیئت مدیره عضو کمیته حسابرسی (به جز اعضای غیرموظف) به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی کمتر از ۰/۵ باشد، بیانگر استقلال نسبی است و مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است (روهانا و همکاران، ۲۰۱۴). عضو مستقل کمیته حسابرسی عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم با سایرین است که بر تصمیم‌گیری مستقل فرد اثرگذار باشد و موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱).

- تخصص اعضای کمیته حسابرسی^۲: تخصص اعضای کمیته حسابرسی بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است که در زمینه حسابداری، حسابرسی و مالی فعالیت دارند و دارای علم و دانش تخصصی هستند (روهانا و همکاران، ۲۰۱۴). فرد متخصص، فردی است که مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی، حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی، همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی را دارد (منشور کمیته حسابرسی، ۱۳۹۱).
- تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی^۳: این متغیر بیانگر تعداد جلسات کمیته حسابرسی در طول سال است. در این پژوهش مطابق پژوهش رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) تعداد گزارش‌های کمیته حسابرسی که در طول سال منتشر شده است، به‌عنوان معیار تعداد جلسات رسمی کمیته در نظر گرفته شده است.
- اندازه کمیته حسابرسی^۴: اندازه کمیته حسابرسی با تعداد اعضای کمیته حسابرسی بررسی می‌شود (روهانا و همکاران، ۲۰۱۴).

مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR-s)

مسئولیت اجتماعی شرکتی در این پژوهش دارای چهار بعد است و با تفاضل نقاط قوت از نقاط ضعف مربوط، نمره آن محاسبه می‌شود. لازم به ذکر است که در صورت وجود هر نقطه ضعف یا نقطه قوت مربوط، عدد یک و در صورت نبود آن‌ها، عدد صفر در نظر گرفته شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکتی از الگوی میسرا و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده که به صورت زیر است:

$$CSR-s = CSR-COM-S + CSR-EMP-S + CSR-ENV-S + CSR-PRO-S$$

CSR-s: نمره مسئولیت اجتماعی

CSR-COM-S: نمره افشای مشارکت اجتماعی که از تفاضل نقاط قوت و نقاط ضعف

خاص خود به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$CSR-COM-S = \sum \text{Strengths} - \sum \text{Concerns}$$

CSR-EMP-S: نمره افشای روابط کارکنان

CSR-ENV-S: نمره افشای محیط زیست

CSR-PRO-S: نمره افشای ویژگی محصولات

نمونه‌هایی از نقاط قوت و ضعف ابعاد مسئولیت اجتماعی در نگاره (۱) آورده شده است. لازم به ذکر است که این موضوع با مطالعه یادداشت‌ها و صورت‌های شرکت‌های نمونه گردآوری شده است.

نگاره (۱): نقاط ضعف و قوت ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکتی (میشرا و همکاران، ۲۰۱۱)

متغیر	نقاط قوت	نقاط ضعف
مشارکت اجتماعی	۱- کمک‌های خیریه ۲- کمک‌های نوآورانه (کمک به سازمان‌های غیرانتفاعی و مشارکت در طرح‌های عمومی)	۱- اثر نامطلوب اقتصادی (اثر منفی بر کیفیت زندگی و تعطیلی کارخانه) ۲- عدم پرداخت مالیات
روابط کارکنان	۱- به اشتراک گذاشتن سود نقدی ۲- مزایای بازنشستگی	۱- ضعف بهداشت و ایمنی ۲- کاهش نیروی کار
محیط زیست	۱- انرژی پاک (استفاده از سوخت‌هایی با آلاینده‌گی کمتر) ۲- کنترل آلودگی هوا و کاهش گازهای گلخانه‌ای	۱- تولید زیاده‌های خطرناک ۲- پرداخت جریمه به دلیل نقض مقررات مدیریت زیاده
ویژگی محصولات	۱- کیفیت محصول ۲- ایمنی محصول	۱- پرداخت جریمه در مورد ایمنی محصول ۲- پرداخت جریمه برای تبلیغات منفی

متغیرهای کنترلی

با توجه به تحقیقاتی که هیل و لئوز همچنین دالیوال و همکاران در سال ۲۰۰۶ در ارتباط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام دادند، متغیرهای کنترلی زیر در نظر گرفته می‌شود (به نقل از میشرا و همکاران، ۲۰۱۱).

Size: اندازه شرکت که از طریق لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید،

BTM: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، و

ریسک سیستماتیک (BETA): بتا بیانگر میزان حساسیت بازده شرکت نسبت به بازده بازار است که با استفاده از نرم افزار رهاورد نوین مورد محاسبه قرار گرفته است.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

در این پژوهش برای اینکه نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، از روش حذف منظم استفاده شده است. برای این منظور، ۶ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را داشته باشد، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

- شرکت قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۴ در بورس فعال باشد.
 - به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تفاوت قابل ملاحظه ماهیت آن‌ها با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی، شرکت برگزیده از صنایع یاد شده نباشد.
 - به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی مورد مطالعه، تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداشته باشد.
 - صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در بازه زمانی مذکور به گونه‌ای کامل در وب‌گاه بورس اوراق بهادار موجود باشد.
 - معامله سهام آن‌ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 - اطلاعات مربوط به گزارش‌های مرتبط با گزارش هیئت مدیره و گزارش عملکرد اجتماعی آن‌ها در دسترس باشد.
- بر اساس معیارهای بالا، ۶۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

ابزار تجزیه و تحلیل

در این پژوهش ابتدا با استفاده از نرم‌افزار اکسل^۵ نسخه ۲۰۱۳ متغیرهای پژوهشی از روی داده‌های خام و نرم‌افزار رهاورد نوین^۳ آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزار استاتا^۶ نسخه ۱۱ و ای‌ویوز^۷ نسخه ۹، تجزیه و تحلیل نهایی انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در نگاره (۲)، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه نشان داده شده است. لازم به ذکر است که تعداد مشاهده‌های مورد بررسی برای محاسبه متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی ذکر شده، ۳۳۵ سال- شرکت است.

نگاره (۲): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	کمیته	بیشینه	میانگین	نام متغیر
۰/۵۲۳۶	۰	۱	۰/۶۱۲۷	استقلال کمیته حسابرسی
۱/۳۶۴۶	۲	۶	۲/۸۹۴۶	تخصص اعضای کمیته حسابرسی
۲/۰۶۷۵	۳	۱۰	۴/۶۸۷۵	تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی
۰/۸۳۵۳	۲	۵	۳/۷۱۲۷	اندازه کمیته حسابرسی
۳/۵۶۵۳	۱/۰۰۰۰	۱۴/۵۷۵۷	۹/۵۷۵۴	مسئولیت اجتماعی
۱۰/۴۵۵۲	۸/۲۴۶۴	۲۸/۴۶۵۰	۱۴/۴۵۴۶	اندازه شرکت
۱/۶۸۵۷	-۳/۲۷۸۲	۳/۸۹۶۷	۰/۴۱۳۶	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۰/۲۹۵۷	-۱/۴۷۸۵	۳/۱۲۶۴	۰/۳۹۵۷	ریسک سیستماتیک

در نگاره (۲)، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. در میان متغیرهای مستقل تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی بیشترین میانگین و انحراف معیار و استقلال کمیته حسابرسی کمترین میانگین و انحراف معیار را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین

در میان متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت بیشترین میانگین و انحراف معیار و ریسک سیستماتیک کمترین میانگین و انحراف معیار را به خود اختصاص داده است.

بررسی ایستایی (پایایی) متغیرهای پژوهش

بر اساس آزمون ریشه واحد از نوع آزمون هادری، چنانچه معناداری آماره آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی پژوهش طی دوره تحقیق پایا هستند. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از این آزمون در نگاره (۳) ارایه شده است.

نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون هادری

معناداری	آماره آزمون	نام متغیر
۰/۰۰۰۰	۱۳/۳۵۷۵	استقلال کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۱۰/۳۵۶۶	تخصص اعضای کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۱۳/۲۳۶۴	تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۳/۹۸۰۷	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۱۰/۴۷۵۸	مسئولیت اجتماعی
۰/۰۰۰۰	۱۴/۴۶۴۶	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	۱۵/۴۴۶	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۰/۰۰۰۰	۶/۴۵۳۵	ریسک سیستماتیک

با توجه به یافته‌های مندرج در نگاره (۳)، سطح معناداری در آزمون ریشه واحد هادری برای تمام متغیرها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد متغیرهای پژوهش پایا هستند. این بدان معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف، ثابت است. بنابراین شرکت‌های مورد بررسی تغییرهای ساختاری نداشته‌اند و استفاده از این متغیرها در الگو باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

آزمون فرضیه پژوهش

آزمون انتخاب الگو

با توجه به نتایج ارایه شده در نگاره (۴) و از آنجا که سطح معناداری آزمون چاو و بروش یاگان کمتر از ۰/۰۵ و سطح معناداری آزمون هاسمن نیز کمتر از ۰/۰۵ است. برای آزمون فرضیه

پژوهش می‌توان از الگوی اثرهای ثابت استفاده کرد. نتایج حاصل از برآورد الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی به‌روشنی اثرهای ثابت، در نگاره (۴) ارائه شده است.

نگاره (۴): نتایج مربوط به انتخاب الگوی مربوط به آزمون فرضیه‌ها

معتاداری	آماره آزمون	آزمون	فرضیه
۰/۰۰۰۰	۶/۵۶۵۷	آزمون چاو	فرضیه اول
۰/۰۰۰۰	۱۱۲/۲۴۵۶	آزمون بروش‌پاگان	
۰/۰۰۰۰	۵۷/۴۵۴۶	آزمون هاسمن	
۰/۰۰۰۰	۹/۴۶۵۶	آزمون چاو	فرضیه دوم
۰/۰۰۰۰	۲۵۴/۳۵۴۶	آزمون بروش‌پاگان	
۰/۰۰۰۰	۶۵/۳۵۶۴	آزمون هاسمن	
۰/۰۰۰۰	۵/۶۴۶۴	آزمون چاو	فرضیه سوم
۰/۰۰۰۰	۳۰۱/۳۵۳۵	آزمون بروش‌پاگان	
۰/۰۰۰۰	۸۵/۳۵۳۸	آزمون هاسمن	
۰/۰۰۰۰	۱۱/۴۶۵۹	آزمون چاو	فرضیه چهارم
۰/۰۰۰۰	۳۱۳/۷۲۰۰	آزمون بروش‌پاگان	
۰/۰۰۰۰	۲۹/۷۴۶۵	آزمون هاسمن	

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه اول تا چهارم، به بررسی رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی، تخصص اعضای کمیته حسابرسی، تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی شرکتی پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها در نگاره (۵) نشان داده شده است.

نگاره (۵): نتایج تخمین الگوهای رگرسیون مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر مستقل: استقلال کمیته حسابرسی				
		معناداری	آماره t	متغیرها
۰/۲۶۴۷	ضریب تعیین	۰/۰۰۰۱	۲/۴۸۵۷	مسئولیت اجتماعی
۰/۲۰۳۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۰۵	-۲/۶۸۵۸	اندازه شرکت
۲/۲۷۶۹	دوربین - واتسون	۰/۰۰۳۰	-۷/۵۹۶۳	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۱۳/۳۸۵۴	آماره F	۰/۰۰۳۵۴	۲/۳۶۰۵	ریسک سیستماتیک
۰/۰۰۰۰	معناداری آماره F	۰/۴۵۶۴	۱/۳۶۹۶	مقدار ثابت
متغیر مستقل: تخصص اعضای کمیته حسابرسی				
		معناداری	آماره t	متغیرها
۰/۵۱۲۶	ضریب تعیین	۰/۰۰۰۴	۳/۲۵۹۳	مسئولیت اجتماعی
۰/۳۱۳۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۰۰	-۳/۲۶۹۳	اندازه شرکت
۲/۱۶۸۵	دوربین - واتسون	۰/۰۰۰۱	-۷/۵۷۰۳	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۱۴/۳۵۸۱	آماره F	۰/۰۰۹۵۸	۱/۲۷۹۵	ریسک سیستماتیک
۰/۰۰۰۰	معناداری آماره F	۰/۲۵۷۴	۰/۹۹۸۶	مقدار ثابت
متغیر مستقل: تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی				
		معناداری	آماره t	متغیرها
۰/۳۲۱۵	ضریب تعیین	۰/۰۰۷۶۴	۴/۳۴۷۵	مسئولیت اجتماعی
۰/۲۸۷۱	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۱۲۲	-۳/۵۱۳۸	اندازه شرکت
۲/۲۱۷۴	دوربین - واتسون	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۳۷۵	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۲۷/۵۷۴۶	آماره F	۰/۰۰۰۸۹	۱/۲۴۶۵	ریسک سیستماتیک
۰/۰۰۰۰	معناداری آماره F	۰/۰۰۹۴۸	-۲/۲۹۵۸	مقدار ثابت
متغیر مستقل: اندازه کمیته حسابرسی				
		معناداری	آماره t	متغیرها
۰/۴۰۲۷	ضریب تعیین	۰/۰۰۰۰	۳/۱۶۹۵	مسئولیت اجتماعی
۰/۳۱۱۹	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۰۴۷	-۴/۲۵۸۱	اندازه شرکت
۱/۹۸۱۵	دوربین - واتسون	۰/۰۰۰۱	-۶/۵۶۷۰	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام
۲۶/۳۴۸۵	آماره F	۰/۲۶۹۱	۱/۲۵۰۴	ریسک سیستماتیک
۰/۰۰۰۰	معناداری آماره F	۰/۱۳۶۹	-۱/۲۶۹۵	مقدار ثابت

یافته‌های پژوهشی حاصل حاکی از آن است که بین استقلال کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همچنین بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر آن نتایج آزمون بیانگر آن است که میان تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد که معنادار نیست. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار میان اندازه کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی شرکتی است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در نتایج آزمون‌های مربوط به فرضیه پژوهش ملاحظه می‌شود، در آزمون‌های فرضیه‌های مربوط به بررسی استقلال کمیته حسابرسی، تخصص اعضای کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی با مسئولیت اجتماعی شرکت سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. این امر بیانگر وجود رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرهای مورد آزمون است، اما بررسی رابطه بین تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی و مسئولیت اجتماعی شرکت در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. افزون بر این، نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جمله‌های خطا با استفاده از آماره دوربین-واتسون نیز نشان‌دهنده نبود خطای خودهمبستگی در همه الگوها است. همچنین، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، در تمام آزمون‌های مربوط به فرضیه پژوهش بیانگر این است که فرضیه معنادار نبودن کل الگو (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود و الگوی رگرسیون برآورده شده در کل معنادار است. از سوی دیگر، بررسی ضرایب تعیین تعدیل شده برای معیارهای چهارگانه نیز نشان می‌دهد که حداکثر ۳۱ درصد (برای معیار تخصص اعضای کمیته حسابرسی) و حداقل ۲۸ درصد (برای معیار تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی) از تغییرهای مسئولیت اجتماعی شرکتی را می‌توان با استفاده از متغیر کیفیت کمیته حسابرسی تبیین کرد.

در مجموع، یافته‌های پژوهشی آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از هر چهار معیار برآورد کیفیت کمیته حسابرسی نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکتی دارای رابطه مثبتی با کیفیت کمیته حسابرسی است. این موضوع ناشی از توجه بیشتر کمیته حسابرسی به مسئولیت اجتماعی و موارد مرتبط با توسعه پایدار است. همچنین یافته‌ها نشان داد که کمیته حسابرسی با کیفیت می‌تواند موجب ترغیب شرکت به افشای بیشتر اطلاعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی گردد. این نتیجه

می‌تواند مقدمه‌ای بر تاکید بر اهمیت و لزوم پیاده‌سازی حسابرسی اجتماعی در شرکت‌های سهامی باشد. حسابرسی اجتماعی فرآیندی است که واحد تجاری را قادر می‌سازد تا منافع و محدودیت‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی را ارزیابی کرده و آن را توجیه کند. این روشی است که یک سازمان برای خلق ارزش و رسیدن به اهدافی که متعهد شده است انجام می‌دهد. حسابرسی اجتماعی یک ارزیابی از اثرات اهداف غیر مالی یک سازمان را نشان می‌دهد که به طور سیستماتیک و قانونی منعکس کننده عملکرد سازمان و دیدگاه ذی‌نفعان آن سازمان است. بنابراین کمیته حسابرسی مقتدر در شرکت می‌تواند مسیر رسیدن به این هدف سازمانی را تسهیل نماید.

یافته‌های پژوهش که نشان‌دهنده توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار است با پژوهش‌های حاجیها و سرفراز (۱۳۹۳)، پورمحمد و سعدی (۱۳۹۵)، کیم و همکاران (۲۰۱۲)، دیسانایاکه و همکاران (۲۰۱۶) و استاکچزینی (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است که محدود بودن تعداد نمونه بررسی و حذف شرکت‌های واسطه‌گری و هلدینگ از این دست عوامل است که در نتیجه قابلیت تعمیم یافته‌ها به کل شرکت‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند.

به مدیران نیز پیشنهاد می‌گردد که جهت جلب نظر سرمایه‌گذاران، همسویی با توسعه محیط زیست، افزایش ارزش شرکت و سایر موارد موثر، به کیفیت کمیته حسابرسی در جهت افزایش مسئولیت‌پذیری شرکت توجه نموده و آن را در برنامه خود قرار دهند. برای پژوهش‌های آتی نیز پیشنهاد می‌شود تا به منظور درک بهتر عوامل موثر بر افزایش سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مواردی مانند خطر سقوط قیمت سهام و بررسی پایداری به اخلاق شرکتی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پی نوشت

- | | |
|----------|-----------|
| ۱ INDAUD | ۲ AUDACC |
| ۳ AUDMET | ۴ AUDSIZE |
| ۵ Excel | ۶ Stata |
| ۷ Eviews | |

منابع

- Abbott, L. J. , Parker, S. , Peters, G. F. and Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22, 17-32.
- Blue Ribbon Committee (BRC) (1999). Report and Recommendations of Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. New York: New York Stock Exchange and National Association of Securities Dealers.
- Crane, A. , D. Matten, and L. Spence (2008). "Corporate Social Responsibility: In Global context. In: Corporate Social Responsibility: Readings and Cases in Global Context", Routledge, London, pp. 3–20.
- Dagilene, Lina. , (2013). The influence of corporate social reporting to company's value in a developing economy. *Procedia Economics and Finance*. Vol 5, pp 212 -221.
- Dalton, D. R. , Daily, C. M. , Johnson, J. L. and Ellstrand, A. E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis. *Academy of Management Journal*, 42, 674-86.
- Firms. *Journal of academic and business ethics*, 1-14.
- Fleming, M. (2002) , "What Is Safety Culture? Railway Safety Ever Green House", Available at: <http://www.google.com>.
- Foroughi, D. & MirShamsShahshahani, M. & PoorHosein, S. (2008). Social attitudes about disclosure of accounting information: companies listed on Tehran Stock Exchange. *Review of accounting and auditing*, 15 (52) , 70-55. (in persian)
- French, V. & Hbell, C. (2004). *Organizational change management*. Translation by Alwani, M. & Danaeefard, H. third edition, Tehran, Saffar Publications. (in persian)
- Gelb, D. , and J. A. Strawser (2001). "Corporate Social Responsibility and Financial Disclosures: An Alternative Explanation for Increased Disclosure", *Journal of Business Ethics*, 33 (1) , pp. 1–13.
- Hajiha, Z. & Sarfaraz, B. (2014). Survey The relationship between corporate social responsibility and cost of equity of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 4 (14) , 123-105. (in persian)
- Hejami, M. (2011). Investigating the Relationship between Disclosure of Social Responsibility and Institutional Ownership in the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. Graduate Student, Islamic Azad University, Guilan Science and Research Branch. (in persian)
- Hisham Kamel Madi, Zuaini Ishak and nor Aziah Abdul Manaf. (2014). the impact of audit committee characteristics on corporate voluntary disclosure. International conference on Accounting Studies, ICAS 2014, 18-19 August 2014, Kuala Lumpur, Malaysia.
- Jamei, R. , and Rostamian, A. (2016). EFFECT OF FINANCIAL EXPERIENCE OF THE COMMITTEE ON THE PROFITABLED PROPERTY, ACCOUNTING AND FINANCIAL ACCOUNTING RESEARCH, spring, Vol. 8, No. 29, pp. 1- 17. (in persian)

- Khajavi, SH. , Baizidi, A. , and Jabarzadeh-Kongarlouei, S. (2010). Investigating the relationship between earnings management and social responsibility of listed companies in Tehran Stock Exchange, accounting progress, spring and summer, Volume 3, Issue 1, Pages 29-54. (in persian)
- Kim, Y. , and H. Siqi Li (2014). “Corporate Social Responsibility and Stock Price Crash Risk”, *Journal of Banking & Finance*, 43, pp. 1–13.
- Mishra, D. R, S. El Ghouli. , O. Guedhami. , and C. C. Y. Kwok. (2011). “Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?”, *Journal of Banking & Finance*, 35 (9) , pp. 2388-2406.
- Persons, O. S. (2005). Relation between the new corporate governance rules and the likelihood of financial statement fraud. *Review of Accounting and Finance*, 4 (2) , 125-148.
- Persons, O. S. (2009). Audit committee characteristics and earlier voluntary ethics disclosure among fraud and no-fraud firms. *International Journal of Disclosure and Governance*, 6 (4) , 284-297.
- Persons, O. S. (2010). Could investors use voluntary ethics disclosure to assess the likelihood of fraudulent financial reporting? *International Journal of Disclosure and Governance*, 7 (2) , 153-166.
- Persons, O. S. (2011) Characteristics and financial performance of no ethics-code
- PourMohammadi, M. & Saadi, A. (2016). Investigating the Role of Social Responsibility Activities in the Petrochemical Industry (Case Study: Shazand Petrochemical Company). Conference on Companies' Social Responsibility - Social Responsibility in Oil Industry, Tehran, Energy Research Institute in Management and Planning, University of Tehran. (in persian)
- Public Oversight Board (POB, 1994). Strengthening the Professionalism of the Independent Auditor. Stamford, CT: POB.
- Razmjooiyi, P. , Ghahremani, A. , and Pourtoorollahi, S. (2015). Effect of ownership structure and board composition on corporate social responsibility, *International Management Conference and Humanities, UAE, Dubai, Institute of Idea Managers of Vieira Capital*. (in persian)
- Rohana, Othman, Farhana, Ishak. , Siti Maznah, Mohd Arif and Nooraslinda, Abdul Aris. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure. *Social and Behavioral Sciences*, 145 pp. 330 – 342.
- Royayi, R. , and Ebrahimi, M (2015). Investigating the Impact of Audit Committee Characteristics on the Level of Voluntary Disclosure of Ethics, *Financial Accounting, Seventh Year. No. 25. Spring. Pages 71- 88*. (in persian)
- Serafeim, G. , I. Ioannis, and C. Beiting (2011). “Corporate Social Responsibility and Access to Finance. Strategic Management”, *Journal*, 35 (1) , pp. 1-23.
- Shojaei, M. ,and Khabarkhosh, M.. (2016). The relationship between corporate social responsibility and the value of companies in Tehran Stock Exchange, *Fifth International Conference on Accounting and Management, and the 2nd Conference on Entrepreneurship and Innovations, Tehran, Isfah Symptoms*. (in persian)
- Stacchezzini R, Melloni G, Lai A, (2016). Sustainability management and reporting: The role of integrated reporting for communicating corporate sustainability management, *Journal of Cleaner Production* ,pp 1- 23

Xie, B. , Davidson, W. N. and Dadalt, P. J. (2003). Earnings management and corporate governance: The role of board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*, 9 (3) , 295-316.

The Effect of Audit Committee Quality on Disclosure Level of Corporate Social Responsibility

Zoherh Hajiha¹, Hossein Rajabdoory²

Received : 2016/10/26

Approved: 2016/12/19

Abstract

The aim of this study is to investigate the relationship between the quality of the audit committee and the corporate social responsibility disclosure level. Social responsibility is including a set of tasks and commitments that the company needs to do for maintaining, care and assistance to the community in which it acts. It has used from Mishra and colleagues to evaluate corporate social responsibility disclosure level in this study and from the proposed variables of Personz and Rouhana and co-workers and Hysham and colleagues to assess the impact on the quality of the audit committee disclosure. The period of study is from 2011 to 2015 and the sample is consists of 67 companies listed on the Tehran Stock Exchange. It was used from ordinary least squares regression method to test research hypotheses. The results of hypothesis testing showed there is a significant positive relationship after controlling for factors including size, ratio of book value to market value of equity and systemic risk, the audit committee independence, expertise of the members of the audit committee and the audit committee with the disclosure of corporate social responsibility; Also, there is a positive relationship between the number of members of the audit committee and the disclosure of corporate social responsibility which is not significant. According to the research findings, it is claimed to increase the quality of the audit committee, the corporate social responsibility disclosure level is increased. As a result, it is suggested that companies increase the level of social responsibility that is an important issue, pay special attention to the quality of the audit committee.

Keywords: Quality of the Audit Committee, Information Disclosure, Social Responsibility.

JEL classification: G11, M19

DOI: 10.22051/ijar.2017.12355.1213

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran.
(Manuchehr.Roosta@yahoo.com)

² Ph.D student of Accounting, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.
Corresponding Author (ira.deghani@gmail.com)

بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهرداد قنبری^۱، کاوه پرنندین^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۵

چکیده

امروزه، سرمایه فکری عامل اصلی سودآوری و حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها می‌باشد. در دنیای دانش محور کنونی، دارایی‌های دانشی و سرمایه فکری عامل اصلی سودآوری و حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها است. اهمیت سرمایه فکری و وجود شکاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌ها بر کسی پوشیده نیست. در تحقیق حاضر به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. برای سنجش سرمایه فکری از روش ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری (مدل پالیک) استفاده شده است. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۵ و نمونه انتخابی شامل ۵۹ شرکت دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارایی سرمایه انسانی نسبت به سایر اجزاء سرمایه فکری دارای بیشترین تأثیر بر ارزش بازار شرکت می‌باشد. همچنین، ضریب کارایی سرمایه بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فکری، ارزش بازار، عملکرد مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M49, O34

DOI: 10.22051/ijar.2017.12401.1216

^۱. گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (mehrdadghanbary@yahoo.com)

^۲. مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران، نویسنده مسؤول (Kparandin@gmail.com)

مقدمه

وجود مصرف کنندگان مطلع و تنوع طلب باعث شد که سرعت نوآوری بیشتر، و چرخه عمر محصولات کاهش یابد. به تدریج خلاقیت و نوآوری تبدیل به امری حیاتی گردید و عواملی مانند تحقیق و توسعه، نام تجاری و الگوها برای دستیابی به مزیت رقابتی از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. در اقتصادهای توسعه یافته، تغییر اساسی از اقتصاد صنعتی به سمت اقتصاد دانش محور، بر مبنای سرمایه فکری صورت گرفت (مار و همکاران، ۲۰۰۴). اصطلاح سرمایه فکری اولین بار توسط جان کنت گالبرایت (۱۹۶۹) مطرح شد. او معتقد بود که سرمایه فکری فرایندی ایدئولوژیک و شامل جریان فکری است. سرمایه فکری شامل دانش، مهارت، ارتباطات و سایر زیرمجموعه های تشکیک دهنده آن باشد که به عنوان یک عامل اصلی و کلیدی در برتری و حفظ مزیت رقابتی شرکت ها شناخته می شود و بسیاری از پژوهشگران معتقدند که نقش سرمایه فکری به عنوان منبع اصلی مزیت رقابتی شرکت ها روز به روز بیشتر می شود (ادویسون و همکاران، ۱۹۹۷). وجه مشترک تمام این تعاریف، معرفی سرمایه فکری به عنوان دانش، مهارت و توانایی می باشد که می تواند منجر به ایجاد ثروت یا خروجی های با ارزش و سودآوری برای شرکت شود.

قرن بیست و یکم به عنوان قرن اقتصاد دانش محور مبتنی بر سرمایه فکری شناخته می شود. در اقتصاد دانش محور شرکت ها تنها محصولات یا خدمات خود را تولید و یا ارایه نمی کنند، بلکه برای باقی ماندن در اقتصاد رقابتی اقدام به ارزش آفرینی و نوآوری می کنند. بسیاری از صاحب نظران اعتقاد دارند که سرمایه فکری مهمترین عامل در خلق ارزش و ایجاد ارزش افزوده در شرکت ها و عملکرد قابل قبول آنها می باشد. واقعیت، گویای اهمیت سرمایه فکری، شکاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت ها به ویژه از دهه ۸۰ میلادی به بعد است که به عقیده اکثر تحلیلگران مالی به افزایش سرمایه گذاری شرکت ها در سرمایه فکری مربوط می شود. قابل ذکر است که در خلال سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی سرمایه گذاری در دارایی های فکری دو برابر شده است (لیو و همکاران، ۱۹۹۹). توجه به موارد فوق، شناسایی، ارزش گذاری و مدیریت سرمایه فکری به امری بسیار مهم و حیاتی برای شرکت ها تبدیل شده است. مدیران باید از میزان سرمایه فکری موجود در شرکت آگاهی داشته باشند تا بتوانند سرمایه فکری شرکت را به نحو مطلوب مدیریت کنند و بدانند که دانش، عاملی اساسی در جهت

افزایش توانایی شرکت و باقی ماندن در بازار رقابتی محسوب می شود. استفاده کنندگان از صورت های مالی نیز باید از میزان سرمایه فکری شرکت آگاهی داشته باشند تا بتوانند آینده شرکت را پیش بینی و تصمیم های آگاهانه ای اتخاذ نمایند. در این پژوهش با توجه به افزایش اهمیت سرمایه فکری، به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های دولتی خصوصی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره زمانی ۹ ساله (۱۳۸۵-۱۳۹۳) پرداخته شده است. در ادامه ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح می شود. سپس روش پژوهش و آزمون فرضیه ها ارائه می گردد. در انتها نیز بحث و نتیجه گیری و محدودیت های پژوهش بیان شده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش های داخلی

رحمانی و عارف منش (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه سرمایه فکری با هزینه حقوق صاحبان سهام پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ارزش افزوده سرمایه فکری با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معنی دار دارد. همچنین ارزش افزوده سرمایه انسانی رابطه منفی و معنی داری با هزینه حقوق صاحبان سهام دارد، اما ارزش افزوده سرمایه فیزیکی به کار گرفته شده و ارزش افزوده سرمایه ساختاری با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنی دار نداشت.

طالب نیا و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های فعال در صنعت سیمان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین در بین عناصر تشکیل دهنده سرمایه فکری، کارایی سرمایه به کار گرفته شده، دارای بیشترین تأثیر بر ارزش بازار شرکت ها می باشد.

همتی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های غیرمالی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش نشان می دهد که بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های غیر مالی ارتباط معنی داری وجود دارد.

مجتهد زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق به بررسی رابطه سرمایه فکری (انسانی، مشتری و ساختاری) و عملکرد صنعت بیمه (از دیدگاه مدیران) پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه های فکری، انسانی، مشتری (رابطه ای) و ساختاری در بررسی جداگانه و مستقل از یکدیگر، با عملکرد رابطه معنادار دارند.

عباسی و صدقی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر کارایی عناصر سرمایه فکری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره زمانی ۴ ساله (۱۳۸۲-۱۳۷۹) پرداختند. سرمایه فکری با استفاده از مدل پالیک محاسبه شده بود. نتایج این پژوهش نشان داد که ضریب کارایی هر یک از عناصر سرمایه فکری بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. تأثیر ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و انسانی بر سود هر سهم مثبت، اما تأثیر ضریب کارایی سرمایه ساختاری منفی و معنادار است. ضریب کارایی سرمایه انسانی بر نرخ بازده سالانه تأثیر منفی و معناداری می‌گذارد، اما ضریب کارایی سرمایه فیزیکی و ساختاری بر آن تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد. همچنین شرکت‌هایی که سرمایه فکری بالاتری دارند، عملکرد مالی بهتری دارند و میانگین ضریب سرمایه فکری بین هفت صنعت تفاوت معناداری دارد.

نمازی و ابراهیمی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه فکری را بر عملکرد مالی جاری و آینده پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این بود که صرف نظر از اندازه شرکت، ساختار بدهی و عملکرد مالی گذشته، بین سرمایه فکری و عملکرد مالی جاری و آینده شرکت، هم در سطح کلیه شرکت‌ها و هم در سطح صنایع، رابطه مثبت وجود دارد. افزون بر این، در سطح کلیه شرکت‌ها و سطح کلیه صنایع، بین اندازه شرکت و عملکرد جاری و آتی رابطه منفی و معنادار و بین عملکرد گذشته و عملکرد جاری و عملکرد گذشته و عملکرد آتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

رابطه بین ساختار بدهی و عملکرد جاری و آتی در سطح کلیه شرکت‌ها مثبت و معنادار و در سطح صنایع، در صنعت شیمیایی و دارویی مثبت و معنادار و در صنعت خودرو و فلزات و کانی غیرفلزی مشخص نبود.

اکثر پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نیز بیانگر ارتباط معنی‌دار بین سرمایه فکری و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

پژوهش‌های خارجی

بهاراتی کامات (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی و ارزیابی بازار شرکت‌ها در هند از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ پرداخت. تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه خطی برای مطالعه اثر سرمایه فکری بر عملکرد مالی و ارزش بازار شرکت‌های انتخاب شده در نمونه مورد استفاده قرار گرفت. برای ارزیابی داده‌ها از روش Vaictm استفاده شده است و نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد مالی و ارزش بازار در واقع تحت تأثیر سرمایه فکری شرکت‌ها قرار دارد. این نتیجه برای مدیران شرکت و سیاست‌گذاران بسیار مهم است تا افشای اطلاعات و گزارشات اجباری را در گزارش‌های حسابداری شرکت‌ها اجباری کنند، زیرا شرکای ذینفع می‌توانند تصویر واقعی از ارزش شرکت را دریافت کنند.

قسمان و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی نقش تکنولوژی اطلاعات در مدیریت دارایی سرمایه ای پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌ها حداقل از یکی از ابزارهای تکنولوژی اطلاعات (ابزارهای پژوهش، ابزارهای اداری و ابزارهای ارزیابی) برای مدیریت دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده می‌کنند. همچنین شرکت‌هایی که از تکنولوژی اطلاعات برای فرایندهای دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده می‌کنند باعث افزایش زنجیره ارزش دارایی‌های سرمایه‌ای می‌شوند.

لو (۲۰۱۲) در تحقیقی رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد دانشگاه را مورد مطالعه قرار داده است. تجزیه و تحلیل رگرسیونی نشان داد که سرمایه فکری نقش اساسی در افزایش کارایی آموزش و پژوهش دارد.

چانگ و هسیه (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابط بین اجزای سرمایه فکری و سه عملکرد عملیاتی، مالی و بازار در بورس تایوان در صنعت الکترونیک پرداختند. برای اندازه‌گیری سرمایه فکری از مدل ضریب ارزش افزوده فکری تعدیل شده، استفاده شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه عملکرد عملیاتی با سرمایه بکار گرفته شده مثبت و با سرمایه‌ی ساختاری و انسانی رابطه‌ای ندارد. همچنین اجزای سرمایه فکری با عملکرد بازار و مالی رابطه منفی دارد. مخارج تحقیق و توسعه با سه عملکرد رابطه مثبت دارد و اموال فکری تنها با عملکرد عملیاتی رابطه مثبت دارد.

مادیتینس و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین اجزای سرمایه فکری با عملکرد مالی و بازار در بورس یونان پرداختند. برای محاسبه سرمایه فکری از روش ضریب ارزش افزوده فکری استفاده کرده اند. نتایج تحقیق نشان دهنده عدم رابطه معنادار بین سرمایه فکری و عملکرد مالی و بازار سهام است و تنها رابطه سرمایه انسانی با بازده حقوق صاحبان سهام تأیید شده است.

ژیگال و مالول (۲۰۱۰) در تحقیقی به سنجش سرمایه فکری با شاخص ارزش افزوده و بررسی نتایج آن بر عملکرد مالی، اقتصادی و ارزش بازار بر ۳۰۰ شرکت انگلیسی پرداختند. برای سنجش سرمایه فکری از مدل ضریب ارزش افزوده فکری استفاده شده است. نتایج ناشی از آزمون‌ها نشان می‌دهد که کارایی سرمایه فکری با عملکرد اقتصادی و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری دارد. در مورد عملکرد ارزش بازار تنها در صنعت تکنولوژی رابطه با اهمیت است و همچنین سرمایه به کار گرفته شده (فیزیکی و مالی) با عملکرد اقتصادی رابطه منفی دارد، اما با عملکرد ارزش بازار و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تان، پلومن و هانکوک (۲۰۰۷) در تحقیقی به بررسی ارتباط سرمایه فکری با بازده مالی شرکت‌ها پرداخت که نتایج آن حاکی از آن است که اولاً بین سرمایه فکری و بازده مالی فعلی و آتی شرکت‌ها رابطه مثبت معناداری وجود دارد، ثانیاً تأثیر سرمایه فکری در بازده مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف متفاوت می‌باشد.

چن و همکاران (۲۰۰۵) در تحقیقی مشابه به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس سهام تایوان در دوره زمانی (۲۰۰۲-۱۹۹۲) پرداختند. آنها سرمایه فکری را با استفاده از ضریب ارزش افزوده و عملکرد مالی را با استفاده از نسبت‌های ارزش بازار به ارزش دفتری، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، رشد درآمد و بهره‌وری کارکنان، اندازه‌گیری نمودند. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش، رگرسیون خطی چندگانه بود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که سرمایه فکری اثر مثبتی بر ارزش بازار و عملکرد مالی دارد و ممکن است معیاری برای عملکرد آتی محسوب گردد.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، فرضیه‌های پژوهشی به شرح زیر بیان می‌شوند:

۱. بین سرمایه فکری و ارزش بازار رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

هدف تحقیق، بررسی رابطه بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش آزمون تجربی می‌باشد. بنابراین، این تحقیق از نوع توصیفی و از حیث هدف، تحقیقی کاربردی می‌باشد. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری سرمایه فکری از مدل پالیک استفاده شده است. به این منظور ابتدا بر اساس روش پالیک، ارزش سرمایه‌های فکری هر یک از شرکت‌های موجود در نمونه برای دوره زمانی ۵ ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۲) محاسبه گردیده و همچنین برای بررسی عملکرد از شاخص سودآوری و بازده دارایی استفاده شده است. روش ضریب ارزش افزوده فکری که توسط پالیک ارائه شد برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت است. سپس در مرحله بعد، فرضیه‌های اصلی تحقیق را با استفاده از آزمون‌های آماری مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه حسابرسی شده سالانه شرکت‌های نمونه که توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران ارائه شده، گردآوری شده است.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش سرمایه فکری و زیرمجموعه‌های آن (کارآیی سرمایه انسانی، کارآیی سرمایه ساختاری و کارآیی سرمایه به کار گرفته شده) به عنوان متغیرهای مستقل و ارزش بازار (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری)، بازده دارایی‌ها و شاخص سودآوری به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است.

کارایی سرمایه انسانی: (HCE) این ضریب نشان دهنده ارزش افزوده ایجاد شده توسط کارکنان است و به آن معنی است که به ازاء یک ریال هزینه حقوق و دستمزد پرداختی چند ریال ارزش افزوده حاصل شده است.

$$HCE = \frac{VA}{HC}$$

VA: ارزش افزوده

HC: کل مبلغ سرمایه گذاری شده برای حقوق و دستمزد

کارایی سرمایه ساختاری (SCE): سرمایه ساختاری دربرگیرنده پایگاه های نمودارهای داده، سازمانی، دستورالعمل های اجرایی فرایندها، استراتژی ها، برنامه های اجرایی است (آنه هو و همکاران، ۲۰۰۳). این ضریب نشان دهنده ارزش افزوده ایجاد شده ناشی از فرآیندها و ساختارهای موجود در شرکت است. به عبارتی به آن معنی است که چند درصد از ارزش افزوده شرکت ناشی از سرمایه ساختاری است.

$$SCE = \frac{SC}{VA}$$

$$SC = VA - HC$$

SC: سرمایه ساختاری

کارایی سرمایه بکارگرفته شده (CEE): این ضریب نشان دهنده ارزش افزوده ایجاد شده ناشی از بکارگیری دارایی های فیزیکی مشهود است. یعنی به ازای یک ریال دارایی فیزیکی مشهود چند ریال ارزش افزوده حاصل می شود.

$$CEE = \frac{VA}{CE}$$

CE: سرمایه بکار گرفته شده

ارزش دفتری کل دارایی شرکت های به جز دارایی نامشهودهای =

ضریب ارزش افزوده فکری (مدل پالیک) از رابطه زیر بدست می آید.

$$VAIC = HCE + SCE + CEE$$

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: این نسبت به عنوان شاخصی جهت تعیین میزان سرمایه فکری استفاده شده و از تقسیم ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری شرکت محاسبه می شود.

$$\text{نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری} = \frac{\text{ارزش بازار شرکت}}{\text{ارزش دفتری شرکت}}$$

ارزش دفتری شرکت در واقع اختلاف بین دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت یا به عبارت دیگر، حقوق صاحبان سهام شرکت است. هر چقدر ارزش بازار یک شرکت نسبت به ارزش دفتری آن بیشتر باشد، نشانگر وجود دارایی‌های فکری است که در ترازنامه شرکت نشان داده نشده است. اگر چه تمام این اختلاف به سرمایه فکری شرکت مربوط نمی‌باشد، اما به اعتقاد بیشتر محققان بیشترین دلیل این اختلاف به سرمایه فکری مربوط است. ارزش بازار شرکت برابر با حاصل ضرب تعداد سهام شرکت در قیمت بازار سهام است. در این پژوهش برای محاسبه ارزش بازار شرکت از آخرین قیمت سهام شرکت در هر سال که سهام شرکت با آن قیمت مورد معامله قرار گرفته، استفاده شد و به این نکته توجه شد که میزان سهام معامله شده با قیمت مورد نظر بیشتر از حجم مینا باشد (همتی و همکاران، ۱۳۹۲).

بازده دارایی‌ها

این نسبت بیانگر کارایی استفاده از دارایی‌ها می‌باشد و همچنین عملکرد مالی با استفاده از شاخص بازده دارایی‌ها اندازه‌گیری شده است. معیار نرخ بازده دارایی‌ها، شاخص ارتباط بین سودآوری شرکت با جمع دارایی‌های آن است.

$$ROA = \frac{NI}{TAA}$$

ROA: بازده کل دارایی‌ها

NI: سود خالص

TAA: میانگین کل دارایی

شاخص سودآوری

این نسبت با حذف سود و زیان غیر عملیاتی، فقط خالص سود عملیاتی را نسبت به دارایی‌های شرکت می‌سنجد.

$$BEP = \frac{OI}{TAA}$$

BEP: شاخص سودآوری اصلی

OI: سود عملیاتی

TAA: میانگین کل دارایی

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های دولتی خصوصی سازی شده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از صنایع مختلف به جزء شرکت‌های سرمایه گذاری، بانک‌ها و واسطه‌گری مالی می‌باشد که از جانب بورس اوراق بهادار تهران و سازمان خصوصی سازی در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ اعلام شده‌اند. اسامی شرکت‌های دولتی خصوصی سازی شده از طریق سهام طبق لیست اعلامی از جانب سازمان خصوصی سازی قابل بررسی می‌باشد. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری اطلاعات در دسترس، ۷۳ شرکت تعیین گردیده و به علت محدودیت در دسترسی به اطلاعات، ۵۹ شرکت از شرکت‌های نمونه مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در اولین گام برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، آماره‌های توصیفی داده‌های تحت مطالعه محاسبه می‌گردد. نگاره آمار توصیفی که در نگاره شماره ۱ آمده بیانگر مقدار پارامترهای توصیفی برای هر متغیر می‌باشد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

نام متغیر	تعداد	بیشترین	کمترین	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سرمایه فکری	۵۳۱	۸	۴	۴	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۱۳	۰/۶۱
ارزش بازار	۵۳۱	۲۰۰	-۱۱۴	۳۱۴	-۳/۴۱	۳۱	۰/۷۵	۱/۰۹
بازده دارایی	۵۳۱	۱۲۱	-۶۷	۱۸۸	-۷/۲۰	۲۲	۰/۶۶	۰/۹۸
شاخص سودآوری	۵۳۱	۳۲۱	-۲۸۸	۶۰۹	-۴/۲۵	۷۶	۳/۴۵	-۰/۲۱

منبع: محاسبات پژوهشگر

تحلیل نتایج

فرضیه اول: بین سرمایه فکری و ارزش بازار (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) رابطه معناداری وجود دارد.

ابتدا به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و اجزای تشکیل دهنده آن و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری با استفاده از مدل زیر می پردازیم .

$$Mvit/Bvit = a_0 + a_1HCE + a_2SCE + a_3CEE + \mu it$$

فرضیه آزمون به صورت زیر و نتایج فرضیه اول در نگاره شماره ۱ آمده است:

فرض H_0 : بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ارتباط معنادار وجود ندارد.

فرض H_1 : بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ارتباط معنادار وجود

دارد.

نگاره (۲): نتایج آماری آزمون فرضیه اول

ضرایب مدل	آزمون T		ضریب تعیین	ضریب همبستگی	آزمون F		متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۹۱۶	۰/۲۱۳	۲/۸۷۵	۰/۰۸۵			۶/۴۲۵	مقدار ثابت
۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۲/۰۹۹					کارایی سرمایه انسانی (HCE)
۰/۰۸۹	۰/۴۱۱	۰/۶۶		۰/۲۹۱	۰/۰۰۰		کارایی سرمایه ساختاری (SCE)
۰/۲۹۱	۰/۰۰۳	۲/۰۵۹					کارایی سرمایه بکارگرفته شده (CEE)

با توجه به نگاره شماره ۱، هنگامی که زیرمجموعه‌های سرمایه فکری به صورت مجزا و هم زمان وارد مدل می‌شوند، مدل دارای قدرت تبیین بالاتری است و ارتباط بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت را به نحو مطلوب تری نشان می‌دهند. همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که در میان زیر مجموعه‌های سرمایه فکری، کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه بکارگرفته شده دارای رابطه مثبت و معنی داری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت‌ها است و میان کارایی سرمایه ساختاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت‌ها ارتباط معنی داری وجود ندارد. بنابراین بین سرمایه فکری و ارزش بازار ارتباط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، ۰/۰۸۵ می‌باشد). تقریباً ۸/۵٪ تغییرات نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری را می‌توان با متغیر سرمایه فکری توضیح داد. بنابراین، فرضیه اول در سطح اطمینان ۰/۹۵ در شرکت‌های مورد مطالعه رد نمی‌شود. کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه بکارگرفته شده با ضرایب ۰/۲۴۳ و ۰/۲۹۱ با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه مستقیم دارند. بین کارایی سرمایه ساختاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ارتباط معنی داری وجود ندارد.

فرضیه دوم: بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها رابطه معنی داری وجود دارد.

ابتدا به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و اجزای تشکیل دهنده آن با بازده دارایی‌ها با استفاده از مدل زیر می‌پردازیم.

$$ROA = b_0 + b_1HCE + b_2SCE + b_3CEE + \mu \quad it$$

فرضیه آزمون به صورت زیر و نتایج فرضیه دوم در نگاره شماره ۲ آمده است:

فرض H_0 : بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها ارتباط معنادار وجود ندارد.

فرض H_1 : بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها ارتباط معنادار وجود دارد.

نگاره (۳): نتایج آماری آزمون فرضیه دوم

ضرایب مدل	آزمون T		ضریب تعیین	ضریب همبستگی	آزمون F		متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			سطح معنی داری	آماره آزمون	
-۰/۸۲	۰/۰۰۰	-۳/۹۱	۰/۲۱۱۶	۰/۴۶۰	۰/۰۰۰	۴۱/۶۲۳	مقدار ثابت
۰/۳۴۴	۰/۰۰۰	۸/۰۹	کارایی سرمایه انسانی (HCE)				
۰/۲۳۲	۰/۰۰۰	۲/۳۵۷	کارایی سرمایه ساختاری (SCE)				
۰/۳۱۹	۰/۰۰۰	۷/۶۶	کارایی سرمایه بکارگرفته شده (CEE)				

با توجه به نگاره شماره ۳، هنگامی که زیرمجموعه‌های سرمایه فکری به صورت مجزا و همزمان وارد مدل می‌شوند، دارای قدرت تبیین بالاتری هستند و ارتباط بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها را به نحو مطلوب تری نشان می‌دهند.

سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که این بیانگر معنی دار بودن ارتباط بین تغییرات نرخ بازده دارایی‌ها و تغییرات متغیرهای مستقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بنابراین بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها ارتباط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، ۰/۲۱۱۶ می‌باشد). تقریباً ۲۱٪ تغییرات بازده دارایی‌ها را می‌توان با متغیر سرمایه فکری توضیح داد. بنابراین، فرضیه دوم در سطح اطمینان ۰/۹۵ در شرکت‌های مورد مطالعه تایید می‌گردد. با توجه به سطح معناداری آماره t نتیجه می‌گیریم سطح معناداری متغیر مستقل کارایی سرمایه انسانی (۰/۰۰۰)، متغیر مستقل کارایی سرمایه ساختاری (۰/۰۰۰) و متغیر مستقل کارایی سرمایه بکار

گرفته شده (۰/۰۰۰) و ضرایب برآورد شده آنها به ترتیب برابر (۰/۳۴۴)، (۰/۲۳۲) و (۰/۳۱۹) می‌باشد.

فرضیه سوم: بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری رابطه معناداری وجود دارد.
ابتدا به بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری (BEP) با استفاده از مدل زیر می‌پردازیم.

$$BEP_{it} = b_0 + b_1HCE_{it} + b_2SCE_{it} + b_3CEE_{it} + \mu_{it}$$

فرضیه آزمون به صورت زیر و نتایج فرضیه سوم در نگاره شماره ۳ آمده است:

فرض H_0 : بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری ارتباط معنادار وجود ندارد.

فرض H_1 : بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری ارتباط معنادار وجود دارد.

نگاره (۴): نتایج آماری آزمون فرضیه سوم

ضرایب مدل	آزمون T		ضریب تعیین	ضریب همبستگی	آزمون F		متغیر
	سطح معنی‌داری	آماره آزمون			سطح معنی‌داری	آماره آزمون	
-۰/۲۶۸	۰/۰۰۰	-۴/۴۵	۰/۵۶۲۵	۰/۷۵	۰/۰۰۰	۵۸/۵۹	مقدار ثابت
-۰/۱۲	۰/۰۰۰	-۲/۷۵					کارایی سرمایه انسانی (HCE)
۰/۴۱۳	۰/۰۰۰	۴/۰۸					کارایی سرمایه ساختاری (SCE)
۰/۴۸۹	۰/۰۰۰	۹/۲۵					کارایی سرمایه بکارگرفته شده (CEE)

سطح معناداری و آماره آزمون F در نگاره ۴، نشان می‌دهد که مدل از سطح معنی‌داری نسبتاً بالایی برخوردار است که بیانگر وجود رابطه بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. بنابراین بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلی ارتباط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، ۰/۵۶۲۵ می‌باشد). تقریباً ۵۶٪ تغییرات شاخص سودآوری

اصلی را می‌توان با متعیر سرمایه فکری توضیح داد. بنابراین، فرضیه سوم در سطح اطمینان ۰.۰۹۵ در شرکت‌های مورد مطالعه تایید می‌گردد. با توجه به ضرایب مدل، بین کارایی سرمایه بکارگرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری با شاخص اصلی سودآوری رابطه وجود دارد اما بین کارایی سرمایه انسانی و شاخص اصلی سودآوری رابطه وجود ندارد. با توجه به سطح معناداری آماره t نتیجه می‌گیریم سطح معناداری متعیر مستقل کارایی سرمایه انسانی (۰/۰۰۰)، متعیر مستقل کارایی سرمایه ساختاری (۰/۰۰۰) و متعیر مستقل کارایی سرمایه بکارگرفته شده (۰/۰۰۰) و ضرایب برآورد شده آنها به ترتیب برابر (۰/۱۲-)، (۰/۴۱۳) و (۰/۴۸۹) می‌باشد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج پژوهش بین سرمایه فکری و ارزش بازار شرکت ارتباط معنی داری وجود دارد و هنگامی که زیرمجموعه‌های سرمایه فکری (شامل کارایی سرمایه انسانی، کارایی سرمایه ساختاری و کارایی سرمایه به کارگرفته شده) به صورت مجزا و هم زمان وارد مدل می‌شوند، مدل دارای قدرت تبیین بالاتری می‌گردد و ارتباط بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت را به نحو مطلوب تری نشان می‌دهد. بنابراین بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری ارتباط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، ۰/۰۸۵ می‌باشد) و کارایی سرمایه انسانی و کارایی سرمایه بکارگرفته شده با ضرایب ۰/۲۴۳ و ۰/۲۹۱ با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه مستقیم دارند. در مورد مقایسه نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده خارجی و داخلی می‌توان گفت که در مورد فرضیه اول که در آن به بررسی رابطه بین سرمایه فکری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت پرداخته شد. نتایج با پژوهش طالب نیا و همکاران (۱۳۹۱)، همتی و همکاران (۱۳۸۹)، چن و همکاران (۲۰۰۵) و لو (۲۰۱۲) همسویی دارد، اما با پژوهش مادیتینس و همکاران (۲۰۱۱) که نتایج آن نشان دهنده عدم رابطه معناداری بین سرمایه فکری و عملکرد مالی و بازار سهام می‌باشد، همسویی ندارد.

در مورد ارتباط بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها، نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها ارتباط معنی داری وجود دارد و هنگامی که زیرمجموعه‌های سرمایه فکری به صورت مجزا و هم زمان وارد مدل می‌شوند، دارای قدرت تبیین بالاتری هستند و ارتباط بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها را به نحو مطلوب تری نشان می‌دهند. با توجه به

سطح معناداری آماره $F(0/000)$ که کمتر از $0/05$ می‌باشد این بیانگر معنی دار بودن ارتباط بین تغییرات نرخ بازده دارایی‌ها و تغییرات متغیرهای مستقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بنابراین بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها ارتباط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، $0/2116$ می‌باشد) و تقریباً 21% تغییرات بازده دارایی‌ها را می‌توان با متغیر سرمایه فکری توضیح داد. بنابراین، فرضیه دوم در سطح اطمینان $0/95$ در شرکت‌های مورد مطالعه تایید می‌گردد. در مورد مقایسه نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده خارجی و داخلی می‌توان گفت که در مورد فرضیه دوم که به ارتباط بین سرمایه فکری و بازده دارایی‌ها پرداخته شد، نتایج با پژوهش طالب نیا و همکاران (۱۳۹۱)، ژینگال و مالول (۲۰۱۰)، عباسی و صدقی (۱۳۸۹) و نمازی و ابراهیمی (۱۳۸۹) همسویی دارد، اما با نتایج پژوهش چانگک و هسیه (۲۰۱۱) و مادنی‌تس و همکاران (۲۰۱۱) همسویی ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم تأکید می‌کند که سرمایه فکری در بالابردن عملکرد و سودآوری شرکت‌ها مهم است و سرمایه‌گذاران ارزش سرمایه فکری را در تصمیمات خود درک کرده‌اند و برای عملکرد بهتر شرکت‌ها آن را ضروری می‌دانند. امروز به رغم افزایش اهمیت دارایی‌های نامشهود و به خصوص سرمایه معنوی و فکری در شرکت‌ها سیستم‌های حسابداری قادر به محاسبه شفاف و مناسب عملکرد شرکت متناسب با سرمایه فکری نیستند.

در مورد ارتباط بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلی، نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلی ارتباط معنی داری وجود دارد سطح معناداری و آماره آزمون F نشان داد که مدل از سطح معنی داری نسبتاً بالایی برخوردار بوده که بیانگر وجود رابطه بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد. بنابراین، بین سرمایه فکری و شاخص سودآوری اصلیاترابط معنادار وجود دارد (ضریب تعیین، $0/5625$ می‌باشد). به عبارتی تقریباً 56% تغییرات شاخص سودآوری اصلی را می‌توان با متغیر سرمایه فکری توضیح داد. بنابراین، فرضیه سوم در سطح اطمینان $0/95$ در شرکت‌های مورد مطالعه تایید می‌گردد. با توجه به ضرایب مدل، بین کارایی سرمایه بکارگرفته شده و کارایی سرمایه ساختاری با شاخص اصلی سودآوری رابطه وجود دارد، اما بین کارایی سرمایه انسانی و شاخص اصلی سودآوری رابطه‌ای وجود ندارد.

باتوجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده، اهمیت نقش سرمایه فکری، ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت‌ها آشکار گردید. بنابراین باتوجه به نتایج حاصله به سرمایه گذاران پیشنهاد می‌شود که در جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری و به منظور پیش بینی‌های مورد نیاز، علاوه بر استفاده نمودن از اطلاعات اساسی شرکت‌ها با دقت بیشتری به ارزیابی وضعیت سرمایه فکری و سنجش آن در شرکت‌ها و سازمان‌های مورد نظر پردازند.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

- سایر عناصر تاثیر گذار بر سرمایه فکری مانند هزینه های پژوهش و توسعه در تحقیقات بعدی اضافه گردد.
- از سایر روش های اندازه گیری سرمایه فکری و مقایسه نتایج حاصل با مدل پالیک و مدل تعدیل شده پالیک استفاده شود.
- روش های ارزیابی و سنجش سرمایه فکری به منظور ارایه مدلی ملی یا بومی سازی مدلی اقتباسی با توجه به شرایط موجود بررسی شود.
- روش های بهبود و افزایش سرمایه فکری در شرکت‌ها بررسی و ارزیابی شود.
- ارتباط بین سرمایه فکری با ارزش بازار و عملکرد مالی در بین صنایع مختلف با استفاده از مدل تعدیل شده پالیک مقایسه شود.
- برای اندازه گیری سرمایه فکری از روش های کارت ارزیابی مانند ارزیابی پویای سرمایه فکری و ارزیابی متوارن استفاده شود.
- تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد مالی با استفاده از معیارهای عملکرد مبتنی بر بازار مانند کیوتوین، بازده سهام و رشد درآمدها مورد بررسی قرار گیرد.
- رابطه سرمایه فکری و عملکرد غیر مالی مانند رضایت مشتریان و کارکنان نیز بررسی شود.

منابع

- Abbasi, Ebrahim, Sedghi, Aman Goldi. (2010). Investigating the Effect of Intellectual Capital on Financial Performance of Companies in Tehran Stock Exchange, Accounting and Auditing, No. 60, Summer 2010, pp. 63-62. (IN PERSIAN)
- Anne Ho, Carol and Williams ,S. Mitchell (2003) International comparative analysis of the association between board structure and the efficiency of value added by a firm from its physical capital and intellectual capital resources; The International Journal of Accounting 38 , p465-491 .
- Bontis,N. ,Dargonetti,N,C. , Jacobsen ,K. and Roos ,G. (1999) , “ The knowledge toolbox: A review of the tools available to measure and manage intangible resource ”, European Management Journal , Vol. 17 No. 4 ,pp. 391-402.
- Chang ,W, Hsieh,J, (2011) ,” The dynamics of intellectual capital in organizational development” African Journal of Business Management Vol. 5 (6) , pp. 2345-2355, 18 March 2011.
- Chang ,W, Hsieh,J, (2011) ,” The dynamics of intellectual capital in organizational development” African Journal of Business Management Vol. 5 (6) , pp. 2345-2355, 18 March 2011.
- Chen, M. C. , Cheng, S. J. and Hwang, Y. (2005) , “An empirical investigation of the relationship between intellectual capital and firms’ market value and financial performance”, Journal of Intellectual Capital, Vol. 6 No. 2, pp. 159-76.
- Edvinsson, L. , Malone M. S. (1997) , "Intellectual Capital: Realizing Your Company's True Value by Finding its Hidden Brainpower", New York: Harper Business.
- G. Bharathi Kamath,G. (2015). “Impact of Intellectual capital on Financial Performance and Market Valuation of Firms in India”. International Letters of Social and Humanistic Sciences, ISSN: 2300-2697, Vol. 48, pp 107-122.
- Gassmann O. , N. Ziegler, F. Ruether, M. A. Bader. (2012). “the role of IT for Managing Intellectual Property – An Empirical Analysis”. World Patent Information, In Press, Corrected Proof.
- Hemati, Hassan, Moeinuddin, Mahmoud, Mozaffari Shams, Maryam (2010) "The Investigation of the Relationship Between Intellectual Capital and Market Value and Financial Performance of Non-financial Companies" Journal of Financial Accounting, 2008 (Issue 7) , 48-23. (IN PERSIAN)
- Hemati, Hassan, Niko nesbati, Mohammad. (2013). "The study of the relationship between intellectual capital and market value of listed companies in Tehran Stock Exchange", Planning and Budget Quarterly, Eighth Year, No. 3, 87-108. (IN PERSIAN)
- Lev, B. , & Zarowin, P. (1999). The capitalization, amortization, and value-relevance of
- Lu W. M. (2012). “Intellectual Capital and University Performance in Taiwan”. Economic Modelling, Vol. 29, No. 4, PP. 1081-1089.
- Maditinos,D, Chatzoudes,D, Tsairidis,Ch, Theriou,T, (2011) ” The impact of intellectual capital on firms’ market value and financial performance”, Journal of Intellectual Capital Vol. 12 No. 1, 011pp. 132-151.

- Maditinos,D, Chatzoudes,D, Tsairidis,Ch, Theriou,T, (2011) ” The impact of intellectual capital on firms’ market value and financial performance”, Journal of Intellectual Capital Vol. 12 No. 1, 011pp. 132-151.
- Marr, B. (2004) “Measuring and Benchmarking Intellectual”, Benchmarking: an International Journal, Vol. 11, No. 6, pp. 559-570
- Mojtahed Zadeh, Vida, Alavi Tabari, Seyyed Hossein, Mehdi Zadeh, Mehrnaz. (2010). "The relationship between intellectual capital (human, customer and structural) and the performance of the insurance industry (from the viewpoint of managers) ". Accounting and Auditing Reviews, Volume 17, Number 60, 119-109. (IN PERSIAN)
- Namazi, Mohammad, Ebrahimi, Shahla. (2009). "The study of the effect of intellectual capital on current and future financial performance of listed companies in Tehran Stock Exchange", Financial Research Quarterly, Winter 2009. Fourth issue, p. 10. (IN PERSIAN)
- Rahmani, Ali, Aref Nia, Zohreh. (2012). "Identifying Intellectual capital and its relation to equity costs". Quarterly Journal of Empirical Accounting Research, Second Year, No. 6, 17-1. (IN PERSIAN)
- Roos, J. , Edvinsson, L. and Dragonetti, N. C. (1997) , Intellectual capital – Navigating in new Business landscape, New York university press, New York, NY.
- Talebnia, ghodrattollah, Khan Hosseini, Davood, Moazz, Elaheh, Niko Nesbati, Mohammad (2012). "Investigating the Influence of Intellectual Capital on Market Value and Financial Performance of Cement Industry Companies Accepted in Tehran Stock Exchange". Quarterly Journal of Empirical Accounting Research, Vol. 2, No. 5, 66-51. (IN PERSIAN)
- Tan, H. P. , Plowman, D. , & Hancock, P. (2007). Intellectual capital and financial returns of companies. The Graduate School of Management, University of Western Australia, Crawley, Australia. Journal of Intellectual Capital, 8 (1) , 76-95.
- Zéghal, Anis Maaloul, (2010) "Analysing value added as an indicator of intellectual capital and its consequences on company performance", Journal of Intellectual Capital, Vol. 11 Iss: 1, pp. 39 – 60

Examine the Relationship between Intellectual Capital and Market Value and the Financial Performance of Accepted Public Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Mehrdad Ghanbari¹, Kaveh Parandin²

Received : 2016/10/30

Approved: 2017/03/15

Abstract

Today, Intellectual capital is the main operating profitability and maintains corporate competitive advantage. In today's knowledge-based world, knowledge assets and intellectual capital is the company's profitability and maintain competitive advantage. The importance of intellectual capital and the difference between book value and market value of companies is obvious. Therefore, the present study examined the relationship between intellectual capital and market value and the financial performance of accepted public companies listed on the Stock Exchange of Tehran. For measuring intellectual capital Value added intellectual coefficient (Pulic model) is used. The study period of 1393-1385 and the selected sample consisted of 59 accepted public companies listed on the Tehran Stock Exchange. The results show that human capital performance relative to other components of intellectual capital has the greatest impact on the market value of the company. Also, capital efficiency coefficient is positive and significant impact on financial performance.

Keywords: Financial Performance, Intellectual Capital, Market Capitalization.

JEL classification: M41, M49, O34

DOI: 10.22051/ijar.2017.12401.1216

¹ Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Kermanshah, Iran. Corresponding Author (mehrdadghanbary@yahoo.com)

² Lecturer of Accounting, Payame Noor University, Tehran. Iran. (Kparandin@gmail.com)

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها: مفاهیم، ابعاد، نظریه‌ها و مروری بر مدل‌های آن

نظام‌الدین رحیمیان^۱؛ مرتضی کاظم‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۶

چکیده

در حال حاضر، نقش واحدهای تجاری تغییرات زیادی کرده است و انتظار می‌رود که این واحدها فقط به فکر افزایش سودآوری نباشند و در قبال کارهای خود، به اجتماع پاسخ‌گو نیز باشند. دلیل این امر، آن است که واحد تجاری نمی‌تواند بدون اجتماع، فعالیت داشته باشد و اجتماع نیز به واحد تجاری نیاز دارد. از این رو، رابطه‌ای دوطرفه بین این دو، شکل گرفته است. به همین منظور، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، هم برای آنها و هم برای اجتماع سودمند است. شکل اولیه مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دارای جنبه‌های قوی مذهبی، پدرسالاری و نوع‌دوستی است، اما مفهوم نوین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، به صورت مستقیم روی کارهای روزمره تجاری و تأثیر آنها بر طیف وسیع ذینفعان، متمرکز شده است. در دهه ۱۹۵۰، تنها تعهد به جامعه مطرح بود؛ به مرور در قرن ۲۱، دغدغه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، اقدامات داوطلبانه، رفتار اخلاقی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی شهروندان، حقوق بشر، حقوق کار، حفاظت از محیط‌زیست، مبارزه با فساد، تشویق ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی مناسب، حائز اهمیت شده است. در مقاله حاضر، پس از مرور مفاهیم، ابعاد، نظریه‌ها و پانزده مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌توان بیان نمود که بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال از این مفهوم، همچنان ارائه تعریفی واحد برای آن، کار دشواری است، اما نکته حائز اهمیت آن است که بیشتر تعاریف، شرکت‌ها را در برابر جامعه مسئول می‌دانند. از این رو، برای پاسخ‌گویی در برابر جامعه، نیاز است مباحث نظری مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به صورت دقیق در عمل هم اجرا شوند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مفاهیم، ابعاد، نظریه‌ها، مدل‌ها.

طبقه‌بندی موضوعی: Q01, M14

DOI: 10.22051/ijar.2017.13942.1263

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه خاتم تهران، تهران، ایران، (n.rahimian@khatam.ac.ir)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (M.kazempour@ut.ac.ir)

مقدمه

امروزه، سازمان‌ها در زمینه‌های گوناگون زیر فشار شدید برای جلب اعتماد عمومی و حفظ رقابت در بازارهای جهانی قرار دارند. رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی چون انرون و ورلداکام، همچنین، رسوایی‌های اخلاقی شرکت نفت بریتانیا به علت سرازیر شدن نفت به آب‌های اقیانوس آتلانتیک و چالش‌های زیست‌محیطی، موجب خدشه‌دار شدن وجهه عمومی سازمان‌ها و افزایش توقع پاسخ‌گویی به عموم، شفافیت و درستکاری شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). جامعه امروزی به لحاظ شرایط خاص خود بیش از هر زمان دیگری، مصرف‌گرا است؛ از این رو، سازمان‌ها باید مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و احترام به حقوق اعضای جامعه را در قالب برنامه‌های گسترده و راهبردی خود، مورد توجه قرار دهند. آنها در ازای بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی، زیستی و علمی محیط پیرامون، باید در برنامه‌های خود، مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان را به صورت شایسته لحاظ کنند (شیخ و بیس‌زی، ۲۰۱۱). شرکت‌هایی که وظایف اجتماعی خود را انجام می‌دهند و آثار مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محیطی خود را می‌پذیرند، منافع ویژه‌ای بدست می‌آورند که آنها را نمی‌توان در قالب مبالغ کمی ارائه کرد. از جمله می‌توان به استخدام و ابقای بهتر کارکنان، بهبود تصمیم‌گیری‌های درون‌سازمانی و صرفه‌جویی هزینه‌ها، بهبود وجهه شرکت و روابط آن با سهامداران و بهبود بازده مالی اشاره کرد. در واقع، مشخص شده است که بین ارزش شرکت و اخلاق تجاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و کارایی مالی رابطه مثبتی وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران همان‌گونه که به ارزش‌های شخصی خود وفادار هستند، تمایل دارند تا در مکان‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که آنها مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود را افشا کرده باشند (خواجوی و اعتمادی جوریابی، ۱۳۹۴).

در سال‌های گذشته، موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی به حدی با اهمیت شده است که سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و اتحادیه اروپا، استانداردهایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند و بنیاد مدیریت کیفیت اروپا، در مدل الگوی تعالی خود برای سازمان‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را به‌عنوان یکی از ارزش‌های هشت‌گانه خود معرفی کرده است (سیاسی و راهداری، ۱۳۹۲). اتحادیه اروپا، سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها در کشورهای اتحادیه اروپا نام‌گذاری کرد (برزگر، ۱۳۹۲). پس از آن نیز

اعضای اتحادیه، گام‌های بلندی در تأکید بر این موضوع و ترویج آن برداشته‌اند. برای نمونه، دولت فرانسه، شرکت‌ها را به درج پی‌آیند اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های خود در برنامه سالانه ملزم کرده است. دولت مردان کشور هلند نیز با حمایت از طرح‌های مالی برای شرکت‌های بزرگ، به دنبال ایجاد تطابق لازم با مقررات سازمان توسعه صنعتی ملل در آنها هستند. دولت دانمارک، نیز مرکز مطالعاتی را پایه‌گذاری کرد تا روی موضوع مسئولیت‌پذیری متمرکز شود (شافعی و احمدی، ۱۳۹۳). از این رو، با توجه به اهمیت بسیار زیاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در مطالعه حاضر، تلاش می‌شود تا برای درک هر چه بهتر مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مروری جامع بر این مفهوم و مدل‌های آن صورت گیرد.

مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در رابطه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، تاکنون تعاریف مختلفی ارائه شده است. به نظر می‌رسد که تعیین مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی در ادبیات پیشین و قضاوت در مورد مفاهیمی دشوار باشند که جزئی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند یا مواردی که جزئی از مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیستند (ویجینات، ۲۰۱۱). صرف نظر از این که ارائه تعاریف مختلف در این زمینه، باعث ظاهر شدن ابعاد بیشتری از مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی شده است؛ پیچیدگی این مفهوم نیز به انتزاعی بودن مفهوم بر می‌گردد. از سوی دیگر، گستردگی تعاریف می‌تواند نشان‌دهنده تکامل تدریجی این مفهوم از دیدگاه‌های عملیاتی تا دیدگاه‌های راهبردی در سطح جهانی باشد. براساس نظر سییا (۲۰۰۱)، تعاریف، دیدگاه‌ها و مفاهیم ارائه شده از ابتدا تاکنون را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست، تعاریفی هستند که سازمان‌ها و انتظارات جامعه را به هم مرتبط می‌سازند. به عبارتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف اجتماعی شرکت‌ها تعریف می‌کنند. دسته دوم شامل دیدگاه‌ها، تعاریف به‌طور کامل مادی و اقتصادی افرادی چون فریدمن (۱۹۶۲) است که تنها هدف غایی سازمان‌ها را کسب سود می‌داند و نگرانی در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی را شایسته اداره‌کنندگان کسب‌وکار نمی‌داند (قدرتی، ۱۳۸۹). دیویس (۱۹۶۰)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان آن نوع تصمیمات و اقدامات سازمان‌ها توصیف کرد که به دلایلی فراسوی منافع مستقیم اقتصادی یا فنی اتخاذ می‌شوند (دیویس، ۱۹۶۰). باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۹) بیان نمودند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، تعهد به بهبود سلامت جامعه از راه فعالیت‌ها و

کمک‌های تجاری داوطلبانه از محل منابع شرکت است (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۹). جانسون و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند مسئولیت پذیری اجتماعی به معنای آن است که شرکت‌ها نسبت به گروه‌های سازنده در جامعه غیر از سهامداران و فراتر از آن چیزی وظیفه دارند که به وسیله قانون و قرارداد اتحادیه توصیف شده است (جانسون و همکاران، ۲۰۱۰). به عقیده هارجوتو (۲۰۱۱) مسئولیت پذیری اجتماعی، مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور پیشرفت بعضی از اهداف اجتماعی انجام می‌گیرد که فراتر از اهداف مالی هستند (هارجوتو، ۲۰۱۱).

ابعاد مسئولیت پذیری شرکت‌ها

مسئولیت سازمان‌ها را می‌توان به چهار بُعد مسئولیت اقتصادی، مسئولیت قانونی، مسئولیت اجتماعی و مسئولیت اخلاقی تفکیک کرد.

نخستین بُعد مسئولیت سازمان‌ها، بُعد اقتصادی است که در آن فعالیت‌ها و اقدامات اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد و مسئولیت اولیه هر بنگاه اقتصادی کسب سود است. دومین بُعد مسئولیت سازمان‌ها، بُعد قانونی است که براساس آن سازمان‌ها، ملزم می‌شوند در چارچوب قانون و مقررات عمومی عمل کنند. جامعه این قوانین را تعیین می‌کند و تمام شهروندان و سازمان‌ها، موظف هستند به این مقررات به‌عنوان ارزش اجتماعی احترام بگذارند. بُعد قانونی مسئولیت اجتماعی را التزام اجتماعی می‌گویند. سومین بُعد مسئولیت سازمان‌ها، بُعد اجتماعی است و مجموعه وظایف و تعهداتی را در بر می‌گیرد که سازمان باید برای حفظ و کمک به جامعه با نگرش همه‌جانبه رعایت حفظ وحدت و مصالح عمومی کشور انجام دهد. چهارمین بُعد مسئولیت سازمان‌ها، بُعد اخلاقی است. در این مورد، از سازمان‌ها انتظار می‌رود چون سایر اعضای جامعه به ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات و باورهای مردم احترام گذاشته و شئون اخلاقی را در کارها و فعالیت‌های خود مورد توجه قرار دهند. بُعد اخلاقی مسئولیت اجتماعی را پاسخ‌گویی اجتماعی می‌نامند (آقایی و کاظم‌پور، ۱۳۹۵).

نظریه‌های مسئولیت پذیری اجتماعی

کاریگا و میله (۲۰۰۴)، نظریه‌های مسئولیت پذیری اجتماعی را به چهار گروه تقسیم کردند: الف) نظریه‌های ابزاری: فرض بر این است که شرکت، ابزاری برای ایجاد ثروت بوده و این تنها مسئولیت اجتماعی شرکت است. این گروه از نظریه‌ها، نظریه‌های ابزاری نامیده

می‌شوند، زیرا آنها مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را ابزاری راهبردی برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی و ایجاد ثروت تلقی می‌کنند (باقرپور و همکاران، ۱۳۹۳). دیدگاه معروف فریدمن در این زمینه بیان می‌کند که تنها مسئولیت شرکت نسبت به جامعه، پیشینه کردن سود سهامداران در چارچوب قانونی و رسوم اخلاقی کشور است (فریدمن، ۱۹۷۰).

ب) نظریه‌های سیاسی: شامل نظریه‌هایی است که واحد تجاری باید به تقاضای اجتماعی مبتنی بر نظریه‌های سیاسی عمل کند. این گروه از نظریه‌پردازان بر این نکته تأکید دارند که تقاضای اجتماعی از واحد تجاری برای بقا و تداوم فعالیت و رشد آن و حتی برای موجودیت خود آن ضروری است. در اصل، این گروه از نظریه‌ها روی تعامل و ارتباط بین واحدهای کسب‌وکار و جامعه تأکید دارند و دغدغه اصلی آن قدرت و جایگاه شرکت و مسئولیت ذاتی در قبال جامعه است. اگر چه رویکردهای مختلفی در این حوزه وجود دارد، اما دو رویکرد برجسته آن، شرکت قانون‌مدار و شهروند شرکتی است. شرکت قانون‌مدار بیان می‌کند که مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها، ناشی از میزان قدرت اجتماعی آنها است. شهروند شرکتی نیز، شرکت را به‌عنوان شهروندی در نظر می‌گیرد که ارتباطات و مشارکت‌های خاصی در اجتماع دارد (کاریگا و مله، ۲۰۰۴).

ج) نظریه‌های یکپارچه: این نظریه‌ها به چگونگی یکپارچه کردن نیازهای اجتماعی به وسیله کسب‌وکار می‌پردازند و ادعا دارند که کسب‌وکار برای پیدایش، دوام و رشد خود به جامعه وابسته است. نیازهای اجتماعی عموماً به‌عنوان عامل شکل‌گیری تعامل جامعه با کسب‌وکار و مشروعیت‌بخشی به آن در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، مدیریت شرکت باید نیازهای اجتماعی را در نظر گیرد و آنها را به‌گونه‌ای با هم یکپارچه کند (پرستون و پست، ۱۹۷۵).

د) نظریه‌های اخلاقی: این گروه از نظریه‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی از منظر اخلاقی توجه کرده است. بر این اساس شرکت‌ها باید مسئولیت اجتماعی را به‌عنوان تعهد اخلاقی بپذیرند. این نظریه‌ها، مبتنی بر اصول و کارهای درست برای دستیابی به جامعه خوب است (شاه‌حسینی و عربلویی مقدم، ۱۳۹۵). نظریه‌های اخلاقی شامل نظریه هنجاری ذینفعان، حقوق جهانی، توسعه پایدار و رویکرد نفع عمومی است.

مدل‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها

۱. مدل دیویس

دیویس (۱۹۷۵)، مسئولیت اجتماعی را نوعی احساس تعهد به وسیله مدیران سازمان‌های تجاری بخش خصوصی می‌داند و بر این باور است که آن‌ها به گونه‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند که در کنار کسب سود برای مؤسسه، سطح رفاه جامعه نیز بهبود یابد. او این مفهوم را مانند توجه سازمان‌ها به مسائلی فراتر از نیازمندی‌های محدود اقتصادی، فنی و حقوقی خویش و پاسخ‌گویی به این نیازمندی‌ها، توصیف کرد. مدل مسئولیت اجتماعی دیویس شامل پنج پیش فرض است:

پیش فرض اول: سازمان به‌طور کلی به خاطر تأثیر زیاد روی مسائل مختلف جامعه از جمله بیکاری، وضعیت محیط و کیفیت زندگی، در رفاه جامعه سهیم است. به عبارت دیگر، در این پیش فرض، دلیل آن را توضیح می‌دهد که سازمان یا مؤسسه باید مسئولیت اجتماعی فعالیت‌های خود را به عهده بگیرد و از سازمان‌ها انتظار نمی‌رود که بیش از توان خود اقدامی کنند، بلکه به همان اندازه که نظام حقوقی جامعه از هر یک از شهروندان انتظار دارد از سازمان‌ها نیز در حد توان خود انتظار می‌رود.

پیش فرض دوم: سازمان باید به عنوان سیستم باز دو طرفه عمل کند. آزادانه ورودی‌های خود را از جامعه دریافت و آزادانه نتیجه کار خود را به جامعه عرضه کنند. این پیش فرض، نحوه انجام مسئولیت اجتماعی را توضیح می‌دهد. دیویس معتقد است که باید ارتباطات باز و محترمانه‌ای بین سازمان و جامعه برقرار باشد. به عبارت دیگر سازمان باید مشتاقانه به نظرات شهروندان و نمایندگان آنها توجه و داوطلبانه گزارش‌های منظمی از اقدامات خود در خصوص تعهدات اجتماعی را ارائه کند.

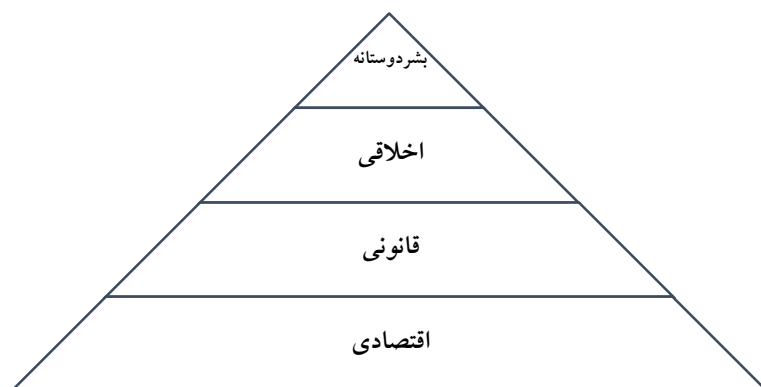
پیش فرض سوم: فایده اجتماعی هر کار، کالا یا خدمتی باید در کل محاسبه و به منظور تصمیم‌گیری در مورد این که آیا این کار انجام شود یا خیر؟ مورد توجه قرار گیرد. تأکید این پیش فرض روی این مفهوم بنیادی است که امکانات فنی و سودآوری اقتصادی تنها عواملی نیستند که می‌توانند روی تصمیم‌گیری‌های سازمان تأثیر داشته باشند. سازمان باید قبل از آن که کاری را متعهد شود؛ نتایج و عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت اجتماعی آن را در نظر بگیرد.

پیش فرض چهارم: هزینه‌های اجتماعی مربوط به هر کار، کالا یا خدمتی باید به مصرف کننده منتقل شود. پیش فرض چهارم، بیانگر این است که نمی‌توان از سازمان، انتظار داشت که هر فعالیتی را تأمین کند که هم زیان اقتصادی و هم نفع اجتماعی در بردارد. هزینه‌های پیش گفته، باید به وسیله بهای اضافه‌تر کالا یا خدمات مورد بحث، به مصرف کننده منتقل شوند.

پیش فرض پنجم: مؤسسات بازرگانی، مثل هر شهروندی، این مسئولیت را دارند که در خصوص حل مشکلات اجتماعی مشارکت داشته باشند که خارج از محدوده کاری‌شان است. پیش فرض آخر، این نکته را بیان می‌دارد که اگر سازمان یا مؤسسه‌ای از تخصصی برخوردار است که می‌تواند مشکل اجتماعی را به صورت مستقیم به آن مربوط نیست، حل کند، باید برای کمک به جامعه برای حل آن مشکل، خود را مسئول بداند (دیویس و بلومستروم، ۱۹۷۵).

۲. مدل کارول

براساس این مدل مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت از چهار قسمت اقتصادی (به دست آوردن سود)، قانونی (مطابقت با قوانین)، اخلاقی و بشردوستانه تشکیل شده است. در این مدل، مسئولیت‌های اقتصادی (سودآوری)، از مهمترین مسئولیت‌های سازمان است. مسئولیت‌های قانونی اشاره به این دارد که سازمان باید در چارچوب قوانین و مقررات، فعالیت اقتصادی خود را انجام دهد. سومین مسئولیت شرکت‌ها، مسئولیت اخلاقی است که براساس آن از شرکت‌ها انتظار می‌رود که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مدنظر داشته باشند و به آنها احترام بگذارند. در نهایت، مسئولیت‌های بشردوستانه اشاره به فعالیت‌های داوطلبانه شرکت دارند. بر اساس نظر کارول، استفاده از این هرم، مدل مفهومی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت را به تصویر می‌کشد و این مدل تمام حوزه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت را به طور متمایز و در این حال با یکدیگر نشان می‌دهد. مؤلفه‌های این مدل از نظر سلسله مراتبی اهمیت کاهشی دارند. بر این اساس، مسئولیت قانونی به عنوان پایه و اساس محسوب می‌شود و همه مسئولیت‌های دیگر دلالت بر مسئولیت اقتصادی دارند و از شرکت‌ها انتظار می‌رود که در چارچوب قانون عمل نمایند، بنابراین مسئولیت قانونی به عنوان لایه بعدی هرم است. در رأس این هرم مسئولیت بشر دوستانه قرار دارد که اختیاری است و کم‌ترین اهمیت را در هرم دارد (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳). شکل شماره ۱، هرم مسئولیت‌پذیری کارول را نشان می‌دهد.



شکل (۱): هرم مسئولیت پذیری کارول

۳. مدل سه مرحله‌ای عملکرد اجتماعی سازمان

در سال ۱۹۸۶، وارنیک و کوکران، مدل اجتماعی سازمان را بسط دادند. به عقیده آنها عملکرد اجتماعی سازمان از مسئولیت پذیری اجتماعی، پاسخ‌گویی اجتماعی و مدیریت مسائل عمومی است که این مراحل در نگاره شماره ۱ نشان داده شده است.

نگاره (۱): مدل سه مرحله‌ای عملکرد اجتماعی سازمان

گرایش	سه مرحله عملکرد اجتماعی سازمان	
گرایش‌های فلسفی: - تدوین قرارداد اجتماعی سازمان‌ها - سازمان به‌عنوان یک عامل اخلاقی	(۱) دیدگاه اقتصادی (۲) دیدگاه قانونی (۳) دیدگاه اخلاقی (۴) دیدگاه بشر دوستانه	(۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان
گرایش‌های نهادی: - ظرفیت‌سازی پاسخ به تغییر شرایط اجتماعی - توسعه پاسخ‌دهی رویکردهای مدیریتی	(۱) راهبرد انفعالی (۲) راهبرد تدافعی (۳) راهبرد تطابقی (۴) راهبرد پیشگیرانه	(۲) پاسخ‌گویی اجتماعی سازمان
گرایش‌های سازمانی: - تعیین خط‌مشی اجتماعی سازمان - کمیته‌سازی غافگیر شدن سازمان‌ها	(۱) تشخیص مسائل (۲) تحلیل مسائل	(۳) مدیریت مسائل عمومی

بر اساس نگاره شماره ۲ در مرحله نخست، مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان شامل دیدگاه‌های اقتصادی، قانونی، اخلاقی و صلاح دید یا بشردوستانه است که منجر به شکل‌گیری گرایش‌های فلسفی شامل تدوین قرارداد اجتماعی سازمان‌ها و سازمان به‌عنوان یک عامل اخلاقی می‌شود. در مرحله دوم، پاسخ‌گویی اجتماعی سازمان مطرح می‌شود که شامل راهبردهای انفعالی، تدافعی، تطابقی و پیشگیرانه است. در نتیجه، گرایش‌های نهادی مانند ظرفیت‌سازی پاسخ به تغییر شرایط اجتماعی و توسعه پاسخ‌دهی رویکردهای مدیریتی را مورد بحث قرار می‌دهند. در مرحله سوم، مدیریت مسائل عمومی شامل تشخیص مسائل و سپس تجزیه و تحلیل آنها، مطرح و منجر به ایجاد گرایش‌های سازمانی شامل تعیین خط‌مشی اجتماعی سازمان و کمیته‌سازی غافلگیر شدن سازمان‌ها می‌شود. بر اساس مدل وارنیک و کوکران، در وهله نخست، ماهیت و فلسفه وجودی و ضرورت مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس ابعاد مختلف آن در دیدگاه سازمان‌ها، مطرح می‌شود. در واقع، رسیدن به مراحل بعد و توجه عملی و اقدام در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، زمانی برای سازمان ممکن و نتیجه‌بخش خواهد بود که در ابتدا، به‌عنوان وظیفه‌ای اجتماعی در دیدگاه و نگرش سازمان مورد قبول واقع شده باشد. سازمان بر اساس نگرش در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، راهبردی متناسب با نگرش خود را برای پاسخ‌گویی اجتماعی انتخاب می‌کند و پس از آن به مدیریت مسائل عمومی می‌پردازد (احمدی کهنعلی و همکاران، ۱۳۹۴).

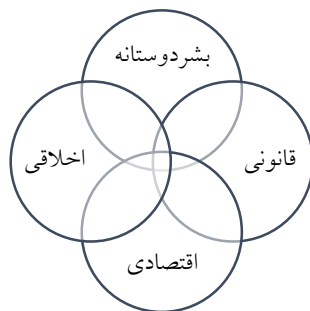
۴. مدل وود

در سال ۱۹۹۱، وود مدل عملکرد اجتماعی شرکت را فراسوی شناسایی انواع مختلف مسئولیت‌پذیری برای بررسی ابعاد مرتبط با اصول انگیزشی رفتار مسئولانه (شامل اصول نهادی، سازمانی و شخصی)، فرایند مسئولیت‌پذیری (شامل ارزیابی محیطی، ارزیابی ذی‌نفعان و ابعاد مدیریت) و نتایج عملکرد آن (شامل اثرات اجتماعی، برنامه‌های اجتماعی و رویه‌های اجتماعی) پالایش اساسی کرد. او عملکرد اجتماعی شرکت را به‌عنوان محصول رعایت اصول اساسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی معرفی کرد. این مدل پیشرفت بسیاری در پژوهش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دنبال داشت. مسئولیت‌پذیری، بر اساس مدل وود یک بعد عملی را تشکیل می‌دهد که به اجزای دستوری و انگیزشی مکمل برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیاز دارد. پیامدهای رفتار شرکت، منافع مستقیم و واضح در ارزیابی مسئولیت‌پذیری اجتماعی

شرکت است. براساس مدل وود، پیامدها به سه نوع تقسیم می‌شوند: اثرات اجتماعی، رفتار شرکت و برنامه‌ها و رویه‌های تدوین شده توسط شرکت برای ابعاد اجتماعی و منافع ذینفعان که شرکت‌ها برای اجرای مسئولیت‌پذیری به کار می‌برند. این که آیا رفتار شرکت اثرات مثبت و منفی دارد باید به طور عینی ارزیابی شود (وود، ۱۹۹۱).

۵. مدل دواير متقاطع

چارچوب مدل هرمی کارول نمی‌تواند طبیعت قلمروهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و ارتباط متقابل بین آنها را به‌طور کامل ارائه کند. قلمروهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در تعامل با هم قرار دارند. این امر، از ویژگی‌های جدائی‌ناپذیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت است. بر این اساس، مدل دواير متقاطع بیان می‌کند که مسئولیت‌های مختلف با یکدیگر روابط پویا و متقابل دارند و به‌طور خاص مسئولیت اقتصادی، اساسی‌ترین مسئولیت نیست. همچنین، اقدامات اقتصادی در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، اهمیت کم‌تری نسبت به سایرین ندارد. به عبارت دیگر، مسئولیت‌های قانونی، اخلاقی و بشر دوستانه به همان اندازه مسئولیت اقتصادی برای کسب‌وکار اهمیت دارد (جوا، ۲۰۰۸).

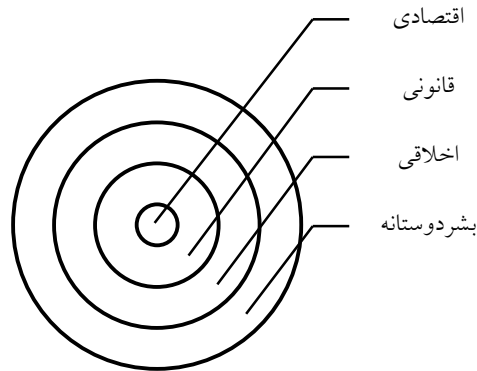


شکل (۲): مدل دواير متقاطع

۶. مدل دواير متحدالمرکز

این مدل شبیه مدل هرمی است که در یک نظر، نقش اقتصادی کسب‌وکار، هسته اصلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. همچنین، شبیه مدل دواير متقاطع است که به روابط متقابل بین قلمروهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت توجه می‌کند. به این ترتیب که مانند مدل هرمی کارول، مسئولیت‌های اقتصادی در مرکز مدل قرار دارند، اما نسبت به سایر قلمروها از

اهمیت بیش‌تری برخوردار نیست. در مقابل مسئولیت‌های بشر دوستانه بیش‌ترین اهمیت را دارند؛ این مسئولیت نیز باید با توجه به قلمرو اقتصادی انجام شود. در این مدل، هر عضو دایره داخلی، عضو دایره گسترده‌تر بیرونی است، اما این رابطه برعکس نیست (جوا، ۲۰۰۸).



شکل (۳): مدل دوایر متحد‌المركز

۲. مدل لانتوس

لانتوس (۲۰۰۱) بیان نمود که سه نوع منحصر به فرد از مشروعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی براساس طبیعت (لازم در برابر اختیاری) و هدف (مفید برای ذی‌نفعان، شرکت، یا هر دو) وجود دارد که کسب‌وکار می‌تواند به آن پردازد و برای تصمیم‌گیری در مورد عوامل و مشروعیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیاز است تا بین آنها تمایز قائل شد. این سه نوع اخلاقی، نوع دوستانه و راهبردی است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اخلاقی: حتی اگر شرکت از این نوع مسئولیت‌پذیری سودی نبرد، باز هم این مسئولیت، الزامی و فراتر از عمل به تعهدات اقتصادی و حقوقی شرکت و برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی ضروری است. شرکت‌ها باید از نظر اخلاقی به صورت مسئولانه رفتار و با این کار آسیب‌های وارده را کمینه کنند.

برای نمونه اگر شرکتی به دلیل کاهش و توقف فروش یا تغییر منبع مواد خام خود تصمیم بگیرد که مکان کارخانه خود را تغییر دهد باید به این موضوع فکر کند که این تغییر مکان به صورت موقت می‌تواند مشکلاتی را برای برخی از کارکنان به وجود آورد. در این حالت یکی

از مسئولیت‌های اخلاقی شرکت برای کاهش آسیب‌های احتمالی، اطلاع‌رسانی زودهنگام و به‌موقع یا در نظر گرفتن حق سنوات برای کارکنان است.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی نوع‌دوستانه: این نوع مسئولیت، اختیاری است و شامل فعالیت‌های نوع‌دوستانه و فراتر از بحث اخلاقیات است. در اجرای این مسئولیت شرکت‌ها به کسب سود فکر نمی‌کنند. به عقیده سیمون و همکاران (۱۹۸۳)، اصیل‌ترین نوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط شرکت‌ها، زمانی است که ادعای مسئولیت نوع‌دوستانه خود را برآورده سازند.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی راهبردی: در این سطح، مسئله برد-برد و رابطه دو طرفه، مطرح می‌شود. به این معنی که شرکت به گونه‌ای مسئولیت اجتماعی را انجام می‌دهد که هم منافع شرکت و هم منافع ذی‌نفعان (شامل افزایش سودآوری شرکت به دلیل اتخاذ سیاست‌های مثبت و نیکوکارانه) تأمین شود. در اصل، در سطح سوم، شرکت متعهد می‌شود تا فعالیت‌های خدمات اجتماعی معینی را انجام دهد که در راستای اهداف راهبردی کسب‌وکار است.

لانتوس (۲۰۰۱) اعتقاد دارد که بسیاری از سردرگمی‌ها و اختلافات در مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، ناشی از عدم موفقیت در تشخیص اشکال اخلاقی، نوع‌دوستانه و راهبردی است. لانتوس با فریدمن هم نظر است که مسئولیت‌پذیری نوع‌دوستانه را نقش اصلی کسب و کار نمی‌داند. او بیان می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اخلاقی براساس مفاهیم وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی، برای کسب و کار الزامی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی راهبردی برای شرکت مفید است و شرکت باید برای تحقق این دو مسئولیت‌پذیری تلاش بیشتری کند (لانتوس، ۲۰۰۱).

۸. مدل برین

مدل برین، مدل دیگری است که با وجود شایستگی‌های آن که دارد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مدل، چهارچوب مفهومی برای ارزیابی تأثیر عملکردهای تجاری شرکت روی ذینفعان با تجزیه و تحلیل یا ایجاد شایستگی‌های موردنظر جامعه ارائه می‌شود و می‌تواند هم به جامعه سود برسانند و هم سودآوری شرکت را افزایش دهند. شرکت‌ها، به‌وسیله یکپارچه‌سازی شایستگی‌های موردنظر جامعه با فعالیت‌های خود، می‌توانند محصولات و خدمات جدید یا توسعه‌یافته، فرایندهای تولید کاراتر، شهرت قوی و هویت برای نام تجاری

خود ایجاد کنند (ملو و دیگران، ۲۰۱۲). در واقع، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مفهومی در راستای تعریف تعهد ذکر شده در مطالب پیش‌گفته است که به نوعی بر عهده سازمان‌ها است. می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تعریف عام، روشی است که نگاه‌ها به‌وسیله آن رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را با ارزش‌ها، فرهنگ، راهبردها، ساختار تصمیم‌گیری و شیوه‌های عملیاتی خود به شکلی شفاف و قابل‌حسابرسی یکپارچه می‌کنند و در نتیجه فرآیندها و رویه‌های بهتری را در درون سازمان خود جاری می‌سازند و به این ترتیب، ثروت می‌آفرینند و وضعیت جامعه را بهبود می‌بخشند (کبیری و محمدزاده‌سالطه، ۱۳۹۴).

۹. مدل مولکولی

این مدل بر پایه پذیرش نقش راهبردی مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمانی استوار است و بر این نکته تأکید دارد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای سازمان نه تنها تهدید نیست، بلکه فرصتی ارزشمند است. این مدل براساس هفت فعالیت مهم تدوین شده است که به آن هسته می‌گویند.

هسته اول، ترمیم: این فعالیت شامل ترمیم آسیب‌ها و زیان‌های ناشی از اقدامات نادرست سازمانی بر سرمایه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی محیط پیرامون است که می‌تواند فرصت‌های راهبردی زیادی را برای سازمان به همراه آورد.

هسته دوم، پیشگیری: این هسته جامعه پیرامونی را از آسیب و زیان ناشی از فعالیت‌های سازمان محافظت می‌کند. برای نمونه، استفاده کمتر از منابع تجدیدناپذیر و کاهش فعالیت‌های آلوده‌کننده.

هسته سوم، گسترش: این فعالیت، شامل شناسایی اقداماتی است که توان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را افزایش داده و خلق و بسط موقعیت‌های جدید در سازمان تمرکز دارد.

هسته چهارم، یکپارچگی: این فرایند شامل توانایی مواجهه، ترکیب و ایجاد همگرایی بین دیدگاه‌ها، ایدئولوژی‌های مختلف، متکثر و حتی متعارض است.

هسته پنجم، احیا: این برنامه شامل مجموعه اقدامات و وظایفی است که با هدف تجدید و احیای فلسفه وجودی سازمان به معرفی مفاهیم، اصول و ارتباطات جدید سازمانی می‌پردازد که

به خلق هویتی نو از سازمان با ارزش‌های جدید می‌انجامد. ارزش‌هایی مانند نوع دوستی، دوست‌داری محیط‌زیست و توسعه جامعه محلی از این جمله‌اند.

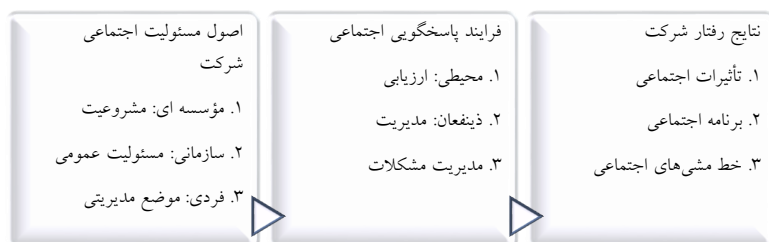
هسته ششم، خوشه‌بندی: این فعالیت، مجموعه اقداماتی برای خلق قابلیت‌های همکاری مطلوب سازمانی است؛ به طوری که شبکه همکاری هم در زنجیره ارزش عمودی (بین تأمین‌کنندگان-مشتریان) و هم در زنجیره ارزش افقی (بین سازمان‌هایی که محصولات یا خدماتی مشابه یا مکمل با سازمان ارائه می‌دهند) به وجود آید. این فعالیت می‌تواند فرصت‌های بسیاری ناشی از منابع و امکانات مشترک و ارتباطات خوشه‌ای خلق کند.

هسته هفتم، ارزش‌گذاری: این فعالیت ارزش‌گذاری را فراتر از حوزه مالی و پولی ارزیابی می‌کند. شاید سودآوری مهم باشد اما حوزه‌های مهم دیگری هم در سازمان وجود دارند که نیازمند توجه و ارزش‌دهی اند مثل پایداری سودآوری که اهمیت آن در گرو ممانعت از بروز نقصان در پایداری سازمانی است (شافعی و احمدی، ۱۳۹۲).

۱۰. مدل پهلو به پهلو

این مدل، اصول محرک رفتار مسئولانه، فرایندهای پاسخگویی و نتایج عملکرد اجتماعی را بررسی می‌کند. براساس این مدل، رویکرد مسئولیت‌پذیری مطلوب آن است که به سه بعد توجه کند. این سه بعد شامل: اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، فرایند پاسخ‌گویی اجتماعی و نتایج رفتار شرکت است.

طبق مدل پهلو به پهلو، شرکت باید به اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سه سطح مؤسسه‌ای، سازمانی و فردی توجه کند که توجه به این ابعاد سه نوع نتیجه را در بر خواهد داشت. برای نمونه، رعایت اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت در سطح مؤسسه‌ای، از سوی محیط شرکت ارزیابی خواهد شد و نتیجه ارزیابی، تأثیرگذاری بر جامعه اطراف شرکت خواهد بود و این اثرات می‌تواند منفی یا مثبت باشند (ما، ۲۰۱۲).



شکل ۴: مدل پهلوی به پهلوی مسئولیت پذیری اجتماعی

۱۱. مدل مقیاس رنگین کمان

این مدل به مثابه رویکرد راهبردی برای ارزیابی ارزش های چند بعدی؛ و نوعی نظام گزارش دهی در هفت محور مهم؛ حیاتی و کلیدی سازمان است. رنگ های مدل رنگین کمان به قرار زیر است:

رنگ قرمز، حوزه اقتصادی: این بعد که اولین جنبه هر سازمان و نشان دهنده سلامت آن نیز هست؛ مسائلی مثل سود و منفعت، حقوق و مزایا، هزینه ها و مصارف را شامل می شود.

رنگ نارنجی، سرمایه ارتباطی: این بعد، دومین جنبه از مدل و بیانگر ترکیب همه روابط واقعی و بالقوه سازمان است که می تواند شبکه ارتباطی با مشتریان یا شهروندان، تأمین کنندگان دیگر ذی نفعان را شامل شود.

رنگ زرد، فرهنگ سازمانی: این بعد، سومین جنبه از مدل و بیانگر مجموعه ای تعریف شده از مفروضات و اصول مشترک در سازمان است. فرهنگ سازمانی قابلیت هدایت، حمایت و ایجاد انگیزش در سازمان را دارد. در این بعد میزان سازگاری و انطباق تصمیمات راهبردی، رفتار مدیریت و روابط داخلی - خارجی در سازمان با فرهنگ، تعهدات اخلاقی و شفافیت مورد توجه است.

رنگ سبز، کیفیت زیست محیطی و اجتماعی: این بعد، چهارمین جنبه از مدل و بیانگر اقداماتی است که به وسیله آن سازمان به مؤلفه هایی مثل رفاه جامعه محلی، ارتباط بهتر با محیط زیست، بررسی آثار زیست محیطی و خلق سرمایه اجتماعی می پردازد.

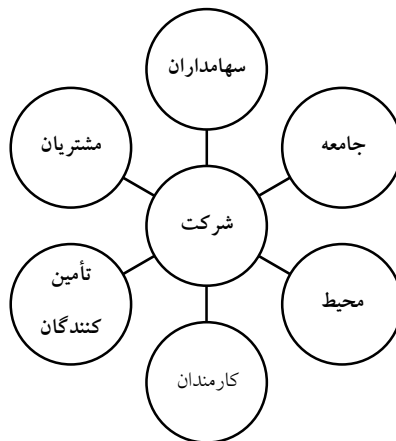
رنگ آبی، سرمایه انسانی و اجتماعات کاری: پنجمین جنبه از مدل و بیانگر هماهنگ‌سازی و تقویت سرمایه‌های انسانی و جوامع کاری است، به طوری که کیفیت تیم‌سازی و گروه‌های کاری را نشان می‌دهد. این امر نه تنها بر کارایی فرایندها، بلکه بر محتوای فرایندها هم مؤثر است.

رنگ نیلی، سرمایه فکری: ششمین جنبه از مدل و بیانگر میزان توجه، توسعه و بهبود فرایندهای تربیتی، آموزشی و نوآوری است. این بعد، رابطه زیادی با میزان بهره‌مندی از استعدادها و سازمانی دارد. همچنین، در برگزیده خلق و تسهیم دانش، شبکه‌های ارتباطی کاری همراه با آزادی عمل، آموزش و یادگیری است.

رنگ بنفش، ارتباطات: این بعد، هفتمین جنبه از مدل و بیانگر سطح و کیفیت ارتباطات داخلی و خارجی سازمان است و اشاره به نوع، میزان و فراوانی گفت‌وگوهای داخلی، ارتباطات خارجی و مشارکت کارکنان و دیگر ذینفعان در تداوم حیات سازمانی دارد (شافعی و احمدی، ۱۳۹۳).

۱۲. مدل ستاره‌ای

این مدل، دیدگاه نظری مفید دیگری را ارائه می‌کند و می‌تواند به روشن ساختن ویژگی‌های شرکت‌ها در ارتباط با مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمک کند. این چارچوب به درک مجدد ماهیت بنگاه، تشویق برای در نظر گرفتن ذینفعان خارجی جدید (به غیر از سهامداران سنتی، مشتریان، کارکنان و تأمین‌کنندگان) و مشروعیت‌بخشی به شکل‌های جدید درک مدیریتی کمک می‌کند. براساس این مدل، مدیریت باید همزمان به شش گروه از ذینفعان توجه کند. این گروه‌های شامل سهامداران، جامعه، محیط شرکت، کارمندان، تأمین‌کنندگان و مشتریان هستند (ما، ۲۰۱۲).



شکل (۵): مدل ستاره‌ای مسئولیت پذیری اجتماعی (ما، ۲۰۱۲)

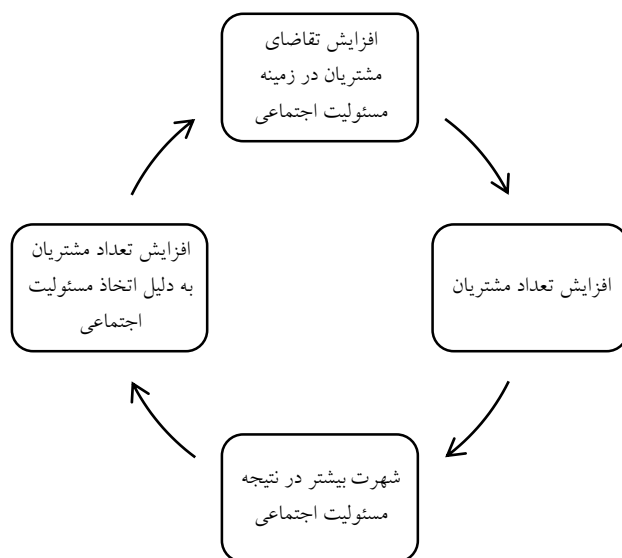
۱۳. مدل هماهنگی

در مدل هماهنگی، دو بُعد مرتبط برای تجزیه و تحلیل مسئولیت پذیری اجتماعی یعنی بُعد انگیزش (راهبردی در برابر نوع دوستانه) و کانون مسئولیت (شرکتی در برابر فردی) وجود دارد. بُعد انگیزش راهبردی، به دنبال تطبیق دادن منافع شرکت و منافع مدیریت شرکت با منافع جامعه است، در حالی که بُعد انگیزش نوع دوستانه، انسانی یا بشردوستانه است و شامل انجام اقدامات داوطلبانه صرف نظر از کسب منافع مالی یا غیرمالی توسط شرکت است. بُعد کانون شرکتی مسئولیت، مسئولیت را مربوط به اقدامات اجتماعی می‌داند و مسئولیت پذیری اجتماعی را به کل اعضای شرکت محول می‌کند. در حالی که بُعد کانون فردی مسئولیت توجه خود را به نقش مدیران فردی به عنوان قهرمانان مسئولیت پذیری اجتماعی معطوف و نظارت و نفوذ را به دنبال مداخلات اجتماعی خاص اعمال می‌کند. براساس این بُعد، مدیران شرکت مسئول انجام اقدامات اجتماعی و مسئولیت پذیری اجتماعی هستند نه کل اعضای شرکت (گالبریت، ۲۰۰۹).

۱۴. مدل مشتری محور کلایدون

در سال ۲۰۱۱، کلایدون، مدل جدیدی از مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی را مطرح نمود و آن را مسئولیت پذیری مشتری محور نامید. براساس این مدل برای این که اهداف سودآوری تحقق یابد، باید به تقاضای مصرف کنندگان در زمینه مسئولیت پذیری اجتماعی پاسخ داده شود. در این صورت، شرکت ضمن سودآوری، در رفتارهای مسئولانه اجتماعی و زیست محیطی

مشارکت می‌کند، به دلیل تعهد به مسئولیت پذیری اجتماعی، به شهرت و اعتبار بالایی در فضای عمومی دست می‌یابد و محدوده مشتریان خود را گسترش می‌دهد که به معنای افزایش تعداد متقاضیان مسئولیت پذیری اجتماعی است و بنابراین، پایبندی بیشتری به مسئولیت پذیری اجتماعی پیدا می‌کند. این امر به جذب مشتریان بیشتر و در پی آن، سودآوری افزون‌تر می‌انجامد و این چرخه به صورت پیوسته ادامه می‌یابد (کلایدون، ۲۰۱۱). شکل شماره ۶ این مدل را نشان می‌دهد.



شکل (۶): مدل مسئولیت مشتری محور (کلایدون، ۲۰۱۱)

۱۵. مدل دی.ان. ای مسئولیت پذیری اجتماعی و پایداری شرکتی ۲/۰

ویسر (۲۰۱۴)، مدل جدیدی را برای مسئولیت پذیری و پایداری شرکتی ۲/۰ (که آن را مسئولیت اجتماعی رادیکال، سیستمی یا کل‌گرا نیز می‌نامند) پیشنهاد داده است. این مدل با مدل‌های قبلی تفاوت چندانی ندارد، اما دانش موجود در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را یکپارچه می‌کند.

این مدل دارای چهار ستون مسئولیت و نشان‌دهنده چهار ستون نیتروژنی دی.ان. ای (آدنین، سیتوزین، گوانین و تیمین) است. براساس این مدل، چهار ستون مسئولیت، خلق ارزش، حاکمیت

خوب، مشارکت اجتماعی و درست کاری زیست محیطی هستند. هر یک از این پایه‌ها، دارای هدف اولیه و هر هدف به نوبه خود دارای شاخص‌هایی کلیدی است (شاه‌حسینی و عربلویی مقدم، ۱۳۹۵). اهداف و شاخص‌های کلیدی در نگاره شماره ۲ نشان داده شده است.

نگاره (۲): مدل دی.ان.ای مسئولیت و پایداری شرکتی ۲/۰

کد دن.ان.ای	اهداف راهبردی	شاخص‌های کلیدی
خلق ارزش	توسعه اقتصادی	سرمایه گذاری (سرمایه مالی، تولیدی، اجتماعی، انسانی و طبیعی) محصولات فایده‌مند (محصولات و خدمات پایدار و مسئولانه) کسب و کار فراگیر (توزیع ثروت، بازارهای مربوط به قاعده هرم)
حاکمیت خوب	اثربخشی نهادی	رهبری (تعهد راهبردی به مسئولیت و پایداری) شفافیت (گزارش در زمینه پایداری و مسئولیت، پرداخت‌های حکومتی) اقدامات اخلاقی (جلوگیری از فساد و احترام به ارزش‌ها در کسب و کار)
مشارکت اجتماعی	جهت‌گیری به سمت ذینفعان	نوع دوستی (کمک به امور خیریه، تأمین خدمات و محصولات عمومی) اقدامات منصفانه کاری (شرایط کار، حقوق کارکنان، سلامت و ایمنی) درست کاری در زنجیره تأمین (توانمندسازی کسب و کارهای کوچک و متوسط، استانداردهای کاری و زیست محیطی)
دست‌کاری زیست محیطی	زیست‌بوم‌های پایدار	حفاظت از محیط زیست (حفاظت از تنوع زیستی و احیای زیست‌بوم) منابع تجدیدپذیر (رسیدگی به تغییرات آب‌وهوایی، مواد و انرژی‌های تجدیدپذیر) عدم تولید پسماندها (حذف پسماندها)

هدف از خلق ارزش، توسعه اقتصادی است و تنها به معنای خلق سودآوری نیست. منظور از توسعه اقتصادی به معنای مشارکت در تولید ثروت برای سهامداران و مدیران اجرایی و همین طور ارتقای کلان اقتصادی است و شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی، توسعه مهارت‌ها و... می‌شود. حاکمیت خوب، حوزه دیگری است که هر چند جدید نیست، اما توجه مناسبی به آن نشده و در چرخه‌های مسئولیت اجتماعی مدنظر قرار نگرفته است. اثربخشی نهادی، هدفی است که به اندازه آرمان‌های زیست‌محیطی و اجتماعی بااهمیت و متعالی است، چون در صورت عدم موفقیت نهادها، یا عدم شفافیت و عدم انصاف آنها، تمام چیزهای دیگری که مسئولیت اجتماعی در پی دستیابی به آنهاست، از بین خواهد رفت. مشارکت اجتماعی، حوزه‌ای است که به صورت سنتی مورد توجه قرار گرفته است. همین امر موجب شده تا نوع‌دوستی، موقعیت مناسبی در مسئولیت اجتماعی شرکتی داشته باشد. در نهایت، درستکاری زیست‌محیطی از کاهش خسارت‌ها فراتر رفته و حفظ و ارتقای پایداری زیست‌محیطی را به عنوان هدف مورد توجه قرار می‌دهد (ویسر، ۲۰۱۴).

نتیجه‌گیری

امروزه موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به یکی از رایج‌ترین موضوعات دانشگاهی و دنیای کسب‌وکار تبدیل شده است و بسیاری از مدیران، به اختیار و یا به الزام، در تصمیم‌گیری‌های خود به آن توجه می‌کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی روشی موثر برای حفظ ارتباطات میان واحد تجاری و ذی‌نفعان است و اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند مزایای پنهان و آشکار زیادی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای جامعه و واحد تجاری به همراه داشته باشد. توجه به این مفهوم، بخش مهمی از راهکارهای شرکت در قسمت‌هایی است که ناسازگاری بین منافع شرکت و اهداف اجتماعی یا ناسازگاری در رعایت انصاف وجود دارد. پیاده‌سازی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌تواند آگاهی اجرائی از این ناسازگاری را بوجود آورد و می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی در واحدهای تجاری را بهبود بخشد. در کل می‌توان بیان نمود که اجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی واحدهای تجاری، باعث افزایش منافع جامعه می‌شود و نتیجه این امر آن است که خود شرکت هم از مزایای آن بهره‌مند خواهد شد. از این رو، برای آن که دید جامعی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارائه شود، ابتدا تعاریفی از آن بیان شد و مشخص گردید که برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاسیر متفاوتی وجود دارد،

اما تقریباً تمام آنها، شرکت‌ها را در برابر جامعه برای تصمیم‌گیری و فعالیت‌های آنها مسئول می‌دانند. سپس نظریه‌ها و ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفت و پانزده مدل آن به صورت کامل تشریح شدند. ذکر این نکته ضروری است که با وجود توجهات گسترده‌ای که در دهه‌های اخیر به مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی شده است؛ با این حال، دیدگاه‌های نه‌چندان خوشبینانه‌ای نیز می‌توان در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی مطرح نمود و به نظر می‌رسد که با وجود استفاده بی‌رویه از زیست‌بوم‌ها، تشدید فقر، افزایش نابرابری‌ها و فساد گسترده، ادامه حیات مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی به شکل فعلی با ابهام روبه‌رو است و بهتر است به جای توجه صرف به مباحث نظری، مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی در راستای پاسخ‌گویی مناسب‌تر و توجه بیشتر به اجتماع به صورت عملی در شرکت‌ها، اجرا و افشا شود.

منابع

- Aghaei, M, A. ; and Kazempour, M. (2016). "The effect of corporate social responsibility and product diversification on performance evaluation". *Iranian Journal of Value and behavioral accounting*, Vol, 1, No. 1, pp 99-122.. [In Persian].
- Ahmadi Kohanali, R. ; Abasnezhad, T. ; and Zendebody, M. (2015). Comparative Evaluation of Models of Corporate Social Responsibility (CSR). First international conference and second national conference on modern research in the humanities. Available at: http://www.civilica.com/Paper-MRHCONF02-MRHCONF02_425.html. [In Persian]
- Ahmadi, F. ; Alodari, H. ; Tavrah, N., and Moradi, M. (2016). "Relationship between Professional Ethics & Organizational Agility: Empowerment Cognitive as Mediator". *Journal of ethics in science and technology*, Vol. 11, No. 2, pp 85-94. [In Persian].
- Bagherpour Valashani, M. ; Jahanbani, M. ; and S. Zafarzadeh (2014). "Investigating the Attitudes of Financial Statements Users toward the Framework and Content of Social Reporting", *Journal of Health Accounting*, Vol. 3, No. 2, pp 16-40. [In Persian].
- Barzegar, Gh. (2013). "Model for disclosure of corporate social responsibility (CSR) and its relation to financial performance", *Phd thesis, Allame Tabatabaie university*. [In Persian]
- Bhattacharya, C. B. ; Korschun, D. ; and S. Sen (2009). "Strengthening Stakeholder-Company Relationships through Mutually Beneficial Corporate Social Responsibility Initiatives", *Journal of Business Ethics*, Vol. 85, No. 1, pp. 257-272.
- Carroll, A. B. (1979). "A Three-Dimensional Conceptual Model of Corporate Social Performance", *Academy of Management Review*, Vol. 4, pp. 496-505.

- Claydon, J. (2011). "A new direction for CSR: the shortcomings of previous CSR models and the rationale for a new model". *Social Responsibility Journal*, Vol. 7, No. 3, pp 405-420.
- Davis K. and Blomstrom R. L. (1975), "*Business and society: Environment and responsibility*", New York: McGraw-Hill.
- Davis, K. (1960) , "Can business afford to ignore its social responsibility?" *California Management Review*, Vol. 2, No. 3, pp. 70-76.
- Friedman, M. (1970). "The Social Responsibility of Business is to Increase It's Profits", *New York Times Magazine*, Vol. 32, No. 33, pp. 122-126.
- Galbreath, J. , (2009). "Building corporate social responsibility into strategy", *European Business Review*, Vol. 21, No. 2, pp. 109-127.
- Garriga, E. , & Melé, D. (2004). "Corporate Social Responsibility Theories: Mapping the Territory". *JOURNAL OF BUSINESS ETHICS*, VOL. 53, No. 1,2. Pp 51-71.
- Geva. A., (2008) , "Three Models of Corporate Social Responsibility: Interrelationships between Theory, Research, and Practice". *Business and Society Review*. Vol. 113, pp. 1-41.
- Ghodrati, A. (2012). "Evaluation of corporate social responsibility initiatives on responsible consumption". *MSc Thesis, University of Tehran, Aras College*. [In Persian]
- Harjoto, Maretno A. (2011). "Corporate governance and CSR nexus". *Journal of Business Ethics*, Vol. 100, No. 1, 45-67.
- Hasas Yeganeh, Y. ; and Barzegar, Gh. (2015). "Theoretical Foundations of Corporate Social Responsibility and Research Paradigms in Professional Accounting", *Management Accounting*, Vol. 7, No. 3, pp. 109-133. [In Persian]
- Johnson, B. , R. , Connolly, E. , Carter, T. , S. (2010). "Corporate social responsibility: The role of fortune 100 companies in domestic and international natural disasters". *Journal of Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, Vol. 18, No. 6, 352-369.
- Kabiri, H. ; and Mohammadzade salteh, H. (2015). "The relationship between social responsibility and financial reporting quality of listed companies in Tehran Stock Exchange from the perspective of financial experts Woman", *Woman and Family Studies*, No. 24, pp 67-83. [In Persian]
- Khajavi, Sh. ; & Etemadi Jouryabi, M. (2014). "Corporate social responsibility and reporting it", *Journal of Health Accounting*, Vol. 4, No. 2, pp. 104-123.. [In Persian].
- Kotler, P; and Lee, N. (2005) "Corporate Social Responsibility: Doing the Most Good for Your Company and Your Cause". *New Jersey: John Wiley and Sons, Inc.*
- Lantos, G. P. (2001). "The boundaries of strategic corporate social responsibility". *Journal of Consumer Marketing*, Vol. 18, No. 2, pp 595-630.
- Ma, J. , (2012) , "A Study on the Models for Corporate Social Responsibility of Small and Medium Enterprises", *Physics Procedia*, Vol. 25, pp. 435 – 442.
- Preston, L. E. and J. E. Post (1975). "Private Management and Public Policy: Principle of Public Responsibility", *1st Edition, New York: Prentice Hall Publications*.

- Sepasi, S. ; and Rahdari, A. M. (2013). "Islamic social responsibility disclosure framework for banking system". *Development of monetary and banking management Conference*, Available at: http://www.civilica.com/Paper-MBMCONF01_MBMCONF01_068.html. [In Persian]
- Shafei, R. ; and Ahmadi, K. (2013). "Corporate Social responsibility, Concepts, Theories", Models & Applications. *Samt Publication, Tehran*. [In Persian]
- Shahhoseini, M, A. ; and Arablooye Moghaddam, A. (2016). "Corporate social responsibility: A comprehensive approach". Vol. 1, *University of Tehran press*. [In Persian]
- Sheikh, S. R. ; and Beise-Zee, R. (2011). "Corporate social responsibility or cause-related marketing? The role of cause specificity of CSR". *Journal of Consumer Marketing*, Vol. 28, No. 1, pp. 27-39
- Visser, W. (2014). "CSR 2. 0: Transforming Corporate Social Responsibility". *Springer Briefs in Business*.
- Wijnants, T. A. M. (2011). "Influence of CSR Aspects on Organizational Commitment, (What influence do the different CSR aspects have on the organizational commitment of Douwe Egberts employees?)". *Master thesis of the department of Organization & Strategy, Tilburg School of Economics and Management, Tilburg University*.
- Wood, D. J. (1991). "Corporate social performance revisited". *Academy of Management Review*, Vol. 16, pp. 691-718

Corporate Social Responsibility: Concepts, Dimensions, Theories and Review of Models

Nezamodin Rahimian¹, Morteza Kazempour²

Received : 2017/01/31

Approved: 2017/06/06

Abstract

Nowadays, the role of company has changed a lot and it is expected that these units should not be only thinking about increasing profit-making and they should be responsible about their works to the society. The reason is that the company cannot operate without society and the society also needs the company. Therefore, a mutual relationship has been formed between these two. Therefore, corporate social responsibility is profitable for both themselves and the society. Primary form of social responsibility had strong religious, patriarchy, and philanthropic aspects, but the new concept of corporate social responsibility is directly focused on daily commercial works and their effects on the vast spectrum of the beneficiary. In the 1950s, only commitment to the society was introduced but gradually in the 21st century, environmental and social concerns, voluntary works, ethical behavior, economic development, development of citizens' life, human right, work right, protecting the environment, cleanup, encouraging development of transparency and appropriate responsibility have become important. By reviewing the concepts, dimensions, theories, and fifteen models of social responsibility, it can be claimed that after passage of fifty years of this concept, introducing a single definition for it, is still a difficult work. Yet, the important point is that almost all of the definitions consider the corporate responsible before the society. Therefore, to be responsible before the society, it is needed to carefully apply the theoretical subjects of social responsibility in practice too.

Keywords: Concepts, Dimensions, Corporate Social Responsibility, Models, Theories.

JEL Classification: Q01, M14

DOI: 10.22051/ijar.2017.13942.1263

¹ Assistant Professor of Accounting, Khatam University, Tehran, Iran. (n.rahimian@khatam.ac.ir)

² PhD Student of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran. Corresponding Author (M.kazempour@ut.ac.ir)

بررسی واکنش سود در شرکت هایی با راهبردهای کسب و کار ناهمگون

وحید بخردی نسب^۱، فاطمه ژولانژاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۷

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی واکنش سود در شرکت هایی با راهبردهای متفاوت و ناهمگون در کسب و کار می‌پردازد. بر این اساس ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز نسبت به اعلان سود مقایسه می‌گردد. بررسی اعلان سود با استفاده از معادلات شکست ساختاری صورت پذیرفته است. ضرورت استفاده از معادلات شکست ساختاری، رفع نقاط احتمالی شکست ساختاری بواسطه سیر نزولی واکنش سود می‌باشد. نمونه پژوهشی شامل ۴۳ شرکت با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و ۸۸ شرکت با راهبردهای کسب کار تمایز طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. نرم افزار مورد استفاده جهت بررسی فرضیه پژوهش Eviews می‌باشد. شواهد مطالعه حاضر حاکی از آن است که شرکت هایی که راهبردهای رهبری هزینه را دنبال می‌کنند، اعلان سود آن‌ها بطور عمومی نسبت به شرکت هایی که روش های تمایز را در پیش دارند، با تغییرات بهتری اعلان سود شرکت های خود را به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکت به نمایش می‌گذارند. در نتیجه شرکت هایی که راهبردهای تمایز را در پیش می‌گیرند با تفسیر ناهمگون تر و تغییرات کمتری در باورهای سرمایه گذاران همراه هستند. همچنین نتایج معادلات شکست ساختاری دال بر تداوم پذیری صعودی اعلان سود در شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اعلان سود، راهبرد رهبری هزینه، راهبرد تمایز.

طبقه‌بندی موضوعی: G10, M41, L1

DOI: 10.22051/ijar.2017.14920.1288

^۱ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه صنعتی اصفهان، (vahid.bekhradinasab@gmail.com)

^۲ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری، نویسنده مسئول مقاله، (jolanejad1022@gmail.com)

مقدمه

راهبردهای کسب و کار شرکت، از زمان مطرح شدن آن برای اولین بار در ادبیات مدیریت به صورت یک اصطلاح عام و معروف درآمده است. همانند سایر مفاهیم موجود در مدیریت مالی، راهبردهای کسب و کار شرکت، نیز به معانی مختلفی به کار رفته است. این اصطلاح غالباً به جای دو مفهوم سیاست و برنامه ریزی به کار می رود. به عبارتی راهبردهای کسب و کار شرکت، باید تصویری از آنچه که واحد تجاری در نظر دارد در آینده ای نه چندان دور به آن برسد را برای شرکت فراهم سازد. طبق تعریف، برنامه ریزی یک فرآیند مهم در اجرای راهبردهای کسب و کار شرکت، به شمار می رود. برنامه ریزی یک آرایش سیستماتیک از جزئیات است که برای اجرای راهبردهای کسب و کار شرکت، در ابتدای کار صورت می گیرد. می توان گفت که بودجه بندی نقدی و پیش بینی سود بخش هایی از یک برنامه مالی هستند. معمولاً مدیران در مواقعی که درباره راهبردهای کسب و کار شرکت صحبت می کنند، منظور آنها از راهبردهای کسب و کار شرکت، برنامه ای برای تخصیص منابع مالی است. چنین استراتژی هایی در حقیقت برنامه های عملیاتی برای رسیدن به اهداف مالی شرکت می باشند. به طور کلی راهبردهای کسب و کار شرکت، چارچوبی برای هدایت تصمیم هایی است که ماهیت و جهت امور مالی سازمان را تعیین می کنند. بنابراین راهبردهای کسب و کار شرکت، یک مجموعه پویا و مرتبط با هم از واکنش ها و پاسخ هایی است که براساس شرایط مختلف محیطی و عکس العمل های سایر سازمان های موجود در آن محیطها اتخاذ می شوند. در مقابل سرمایه گذاران و اعتباردهندگان جهت خرید، فروش، نگهداری سهام و اعطای اعتبار به شرکت ها، به اطلاعات نیاز دارند. مهمترین منبع اطلاعاتی جهت تصمیم گیری سرمایه گذاران و اعتباردهندگان، صورت های مالی است. هر تصمیم گیرنده عقلایی، سرمایه گذاری را جهت کسب سود و افزایش آن انجام می دهد. بنابراین سود عنصر اساسی است که تصمیم های استفاده کنندگان از صورت های مالی را تحت تأثیر قرار می دهد (عرب مازار یزدی و کرانی، ۱۳۹۰). واکنش های متفاوت سرمایه گذاران نسبت به اطلاعات سود، موجب واکنش های متفاوت بازار می گردد (قربان زاده، ۱۳۹۱)، زیرا سود نتایج عملکرد شرکت را طی دوره مالی مورد گزارش ارایه می نماید و مبنای بسیاری از تصمیم گیری ها است. برای نمونه استفاده کنندگان از صورت های مالی با استفاده از این رقم اقدام به تصمیم گیری می نمایند و مبنای بسیاری از دیگر تصمیم ها نظیر مدل های ارزشیابی و قیمت گذاری سهام است (عرب مازار

یزدی و کرانی، ۱۳۹۰). بسیاری از تحلیل گران مالی معتقدند که دلایل زیادی بر مبنای مجموعه ای از متغیرهای مالی اساسی وجود دارد که در ارزیابی اوراق بهادار مفید است (آسد میر و همکاران، ۲۰۱۴). محاسبه سود برای اندازه گیری عملکرد همواره مورد توجه استانداردار گزاران و تحلیل گران بوده است. برای مثال در بیانیه شماره یک هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمده است: "کانون توجه گزارشگری مالی، اطلاعات مربوط به عملکرد واحد انتفاعی است که توسط معیارهای سود و اجزای تشکیل دهنده آن تأمین می شود". بسیاری از تغییرات بازده و قیمت سهام در بازار سرمایه تحت تاثیر اطلاعات مختلف و متنوعی است که از سوی شرکتها به بازار ارائه می شود (قربان زاده، ۱۳۹۱). برخی از این اطلاعات منشاء پیش بینی و برآورد دارند. فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) پیش بینی تغییرات بازده و قیمت سهام را به عنوان عناصر مهم در واکنش بازار به سود می داند، زیرا از نظر بنتلی و همکاران (۲۰۱۴) شناخت و توضیح در مورد واکنش های مختلف بازار به اطلاعات سود است. این قبیل پژوهش ها، ضریب واکنش سود نامیده می شوند. ضریب واکنش سود، بازدهی غیرمنتظره ی بازار را در واکنش به اجزای غیرمنتظره ی سود، اندازه گیری می کند (عرب مازار یزدی و کرانی، ۱۳۹۰). فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) بیان می کنند راهبردهای کسب و کار شرکت، بر واکنش بازار نسبت به سود موثر است. پورتر (۱۹۸۸) معتقد است که بررسی استراتژی افزایش سود، اطلاعات مفیدی را در مورد روند سودآوری شرکتها ارائه می دهد، به طوری که شرکت هایی با استراتژی افزایش سود نسبت به شرکت هایی با استراتژی کاهش هزینه رشد سود پایدارتر و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند. همچنین فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) واکنش بازار به سود را در گرو بکارگیری راهبرد رهبری هزینه ها در شرکت و راهبرد تمایز می دانند. واکنش بازار به سود به صورت واکنش قیمت به سود از راهبرد رهبری هزینه و راهبرد تمایز تأثیر پذیرند (دیاموند و ورسچیا، ۱۹۹۱). این پژوهش در نظر دارد تا با واشکافی راهبردهای کسب و کار شرکت و پدیده واکنش بازار به اعلان سود به بررسی این سوال پردازد که آیا راهبردهای کسب و کار شرکت قادر به ایجاد واکنش بازار نسبت به اعلان سود است. این پژوهش همچنین با نشان دادن سودمندی گسترش ادبیات راهبرد حسابداری برای ارزیابی توصیفی در سطح شرکت های پذیرفته شده در بورس می پردازد. ادامه پژوهش بدین صورت سازماندهی شده است، که در بخش بعدی ادبیات تحقیق و مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش تشریح شود. سپس به توسعه فرضیه پژوهش، الگوی تحقق فرضیه پژوهش و سنجش متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. پس از آن نحوه تفکیک

شرکت ها بر اساس راهبردهای کسب کار تشریح شده و جامعه و نمونه آماری و در نهایت یافته های پژوهش و نتیجه فرضیه پژوهشی و در نهایت نتیجه گیری بیان شده است.

مروری بر مبانی نظری

راهبردهای کسب و کار شرکت در اصطلاح عام برنامه و دورنمایی از اهداف آینده شرکت است که یک موجودیت را در جهت نیل به اهداف شرکت تدوین و پیگیری می کند، اما در علم حسابداری، تدوین راهبرد همانا یکی از وظایف خطیر مدیریتی است که مبنای تصمیم گیری های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و تعالی آن می باشد. از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی راهبردهای کسب و کار شرکت و واکنش بازار به اعلان سود بپردازد.

واکنش بازار نسبت به اعلان سود

عموماً گفته می شود شرکت ها باید گزارش های مالی خود را به موقع منتشر کنند. بازار به اطلاعات به هنگام اهمیت بیشتری می دهد و از این اطلاعات به شکل اثربخش تری در تصمیم گیری استفاده می کند. هر چند اغلب شرکت ها، گزارش های مالی الزام شده از سوی نهادهای مسئول را در فاصله های زمانی مشخصی منتشر می کنند، اما در عین حال، می توان مدعی شد که میزان تأخیر در انتشار گزارش های مالی از یک شرکت به شرکت دیگر، تفاوت قابل ملاحظه ای دارد. پژوهش های پیشین گزارش کرده اند که بین سود کمتر از انتظار (خبر بد) و تأخیر در اعلام این خبر، رابطه ای وجود دارد (کولینان و همکاران، ۲۰۱۲؛ کوتاری و ویسوکی، ۲۰۰۹؛ روی چادهوری و سلتن، ۲۰۱۲؛ سنگوپتا، ۲۰۰۴) و این رابطه با عنوان الگوی خبر خوب، زود، خبر بد، دیر شناخته شده است. یکی از انگیزه های مدیران از تأخیر در اعلان سود به بازار، می تواند تلاش برای کاستن از واکنش منفی بازار باشد (کوتاری و ویسوکی، ۲۰۰۹)، چرا که بازار به اخبار دیر هنگام، واکنش کمتری نشان می دهد (باگنولی و همکاران، ۲۰۰۲). طبق دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار تهران، باید ظرف مهلت ۳۰ روز پس از پایان مقاطع سه ماهه اول، دوم و سوم سال مالی، پیش بینی خود از سود هر سهم پایان سال را اعلام کنند.

راهبردهای کسب کار

امروزه بیشتر سازمان‌ها به جای اتخاذ یک راهبرد جامع و واحد، از مجموعه‌ای از راهبردهای مرتبط استفاده می‌کنند که هر یک در سطوح مختلفی از شرکت طراحی می‌شوند. راهبردهای مورد استفاده در سازمان‌های بزرگ چند محصوله شامل راهبرد سازمان (بنگاه)، راهبرد کسب و کار (تجاری) و راهبرد وظیفه‌ای (کارکردی) است. سازمان‌های کوچک تر از بین راهبرد کسب و کار (تجاری)، گونه‌های مختلفی از آن را انتخاب و بسته به اهداف سازمان در سطح شرکت پیاده سازی می‌کنند (واکرو همکاران، ۱۹۸۷). راهبردهای کسب و کار معمولاً در سطح محصولات یا واحد تجاری راهبردی اجرا می‌شود و بر بهبود موقعیت رقابتی کالاها و خدمات شرکت در یک صنعت خاص یا یک بخشی از بازار خاص تأکید دارد (همبریک، ۲۰۰۳). مایلز و اسنو (۱۹۷۸) ضمن تحقیق در مورد انواع مختلف سازمان‌ها دریافتند که سازمان‌ها به منظور کاهش تأثیرپذیری منفی از محیط و افزایش بهره مندی از فرصت‌ها، عمدتاً از یکی از دو نوع راهبردهای رهبری هزینه و راهبرد تمایز استفاده می‌کنند. در ادامه این دو راهبرد تشریح می‌شود.

راهبردهای کسب کار رهبری هزینه

این استراتژی، کسب برتری در رقابت از طریق تولید محصولات را با کمترین هزینه ممکن نسبت به رقبای می‌دارد. در واقع هدف از این راهبرد برتری در رقابت از طریق تولید محصول با کمترین هزینه ممکن نسبت به رقبای می‌باشد. بدین منظور روش پیشنهادی برتر پورتر، تولید در حجم زیاد و با قیمت کم که اصطلاحاً آن را اقتصاد مقیاس^۱ می‌نامند، می‌باشد. در این راهبرد شرکت اقدام به تولید و عرضه محصولات استاندارد می‌کند که بهای تمام شده هر واحد برای مشتری کاهش می‌یابد. این موضوع در مورد شرکتی مصداق دارد که دارای نرخ برگشت بالاتر از متوسط نرخ برگشت صنعت بوده و مزیت‌های رقابتی قوی دارد. به‌رحال این استراتژی اغلب ارتباط زیادی با سهم بازار بزرگ یا سایر منافع ممتاز دارد، بطوری که دسترسی مناسب به مواد خام و پول کافی برای خرید دارایی‌ها و لوازم مناسب، جزو مشخصه‌های اصلی این استراتژی است (شهمیرزادی، ۱۳۹۲).

راهبردهای کسب کار تمایز

طبق این استراتژی، محصولات و خدماتی عرضه می‌شوند که در صنعت مورد نظر به عنوان محصول یا خدمتی منحصر بفرد تلقی می‌شوند. در واقع شرکت وارد ساخت و بازاریابی

محصولی واحد، برای بازاری بزرگ می شود. راه رسیدن به استراتژی تفاوت، شامل توسعه‌ی شکل واحدی از زمینه‌ی شغلی، استفاده از تکنولوژی واحد و سرویس واحد به مشتریان یا موارد مشابه می باشد. در این استراتژی، کسب برتری رقابتی، از طریق تولید محصولی که از دیدگاه مشتریان در مقایسه با محصولات مشابه، منحصر به فرد و دارای خصوصیات ویژه باشد، صورت می گیرد. ذکر این نکته الزامی است که این محصولات یا خدمات بایستی به مشتریانی عرضه گردد که نسبت به قیمت حساسیت چندان زیادی نشان نمی دهند. بهتر است بدانید که این استراتژی روشی برای دستیابی به سودهای بیشتر است (شهمیرزادی، ۱۳۹۲). کسب برتری رقابتی از طریق تولید محصولی که از دیدگاه مشتریان در مقایسه با محصولات مشابه منحصر بفرد و دارای خصوصیات ویژه می باشد. مقصود از راهبرد متمایز ساختن محصول این است که محصولات و خدماتی عرضه شود که در صنعت مورد نظر به عنوان محصول یا خدمتی منحصر بفرد تلقی شوند و به مشتریانی عرضه شود که نسبت به قیمت حساسیت چندان زیادی نشان نمی دهند.

نقش واکنش بازار نسبت به اعلان سود در راهبردهای کسب کار ناهمگون (رهبری

هزینه و تمایز)

راهبردهای کسب و کار منحصر به فرد، شرکت ها، شدت عملکرد شرکت ها و اطلاعات آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد. نتایج نشان می دهد که راهبردهای کسب و کار شرکت از عوامل مهم و تأثیرگذار در اعلان سود و تصمیمات سرمایه گذاران در راهبرد سرمایه گذاری و عامل رسیدن شرکت ها به مزیت رقابتی می باشد. راهبردهای کسب و کار منحصر به فرد، بر شرکت ها، عملکرد شرکت و اطلاعات محیط اطلاعاتی آن ها اثر گذار است. راهبردهای کسب و کار، کلیدی است برای شرکت هایی که بیشتر اجزای آن ها در طول زمان خیلی تغییر نمی کند (پورتر، ۱۹۸۰) و از این رو تبدیل به یک فاکتور مهم محیط اطلاعاتی شده است (همبریک، ۲۰۰۳؛ بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، این روش منجر به ارائه چارچوب مفیدی برای درک بهتر و مقطعی این موضوع می باشد. تغییر در محیط اطلاعاتی شرکت ها، تغییر در اعلان سود را به دنبال دارد. با توجه به مفهوم راهبرد عمومی (پورتر، ۱۹۸۰)، مفهوم راهبرد به عنوان یک فضای دو بعدی (رهبری هزینه و تمایز) و راهبرد خاص توسط یک شرکت است. بنابراین تا حدودی به دنبال هر یک از ابعاد راهبرد می باشد. تصمیمات سرمایه گذاری توسط شرکت در جهت پیگیری راهبرد خاص، قوانین حسابداری مالی، افشای

داوطلبانه اطلاعات واسطه‌ها و پوشش همه اثرات افتراقی در محیط اطلاعاتی شرکت‌ها بر اساس راهبرد موجود است. این امر ممکن است به نوبه خود، موجب تغییرات مقطعی در بازار و ایجاد اطلاعات جدید در اعلان‌های سود گردد (آسدمیر و همکاران، ۲۰۱۴). بررسی رابطه بین راهبرد شرکت و تحلیلگری اطلاعات نشان می‌دهد که از طریق کسب اطلاعات خصوصی در بخشی از تحلیلگری فردی میانگین خطای تحلیلگر کمتر شده است. تا به امروز، هیچ مطالعه‌ای مستقیماً بررسی تأثیر راهبرد شرکت در نقش سودهای حسابداری و بازبینی عقاید سرمایه‌گذاران نپرداخته است. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بازارها، واکنش به سود داشته‌اند، با وجود اینکه این واکنش به سود، مشروط بر اطلاعات محیطی و میانگین کیفیت اطلاعات قبلی می‌باشد. به عنوان نمونه بنتلی و همکاران (۲۰۱۴) تا کنون جنبه‌های مختلف این موضوع را بررسی کرده‌اند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که به طور قابل توجهی در تحقیق و توسعه و دیگر سرمایه‌گذاری‌ها نظیر دارایی‌های نامشهود شرکت می‌کنند، عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران کمتر و افشای داوطلبانه بیشتر انجام می‌شود. در پژوهش حاضر راهبرد شرکت، یک ساختار کلیدی است که تحت تأثیر عوامل دیگر است. سرمایه‌گذاری که محیط اطلاعاتی یک شرکت را تشکیل می‌دهد، تصمیم‌گیری، گزارشگری مالی، افشای داوطلبانه، واسطه‌های اطلاعاتی و تلاش سرمایه‌گذاران خصوصی برای جمع‌آوری اطلاعات را به دنبال دارد (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۴). انتظار می‌رود راهبردهای کسب و کار شرکت تأثیر و نقشی که اعلان‌های سود بازی می‌کند را در نظر سرمایه‌گذاران و اعتقادات آن‌ها هر دو به طور متوسط و به صورت جداگانه ایجاد نماید.

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی راهبردهای کسب و کار شرکت و واکنش بازار به سود پرداخته‌اند. این پژوهش راهبرد شرکتی را بر دو قسم، راهبرد رهبری هزینه و راهبرد تمایز دسته‌بندی و تأثیر هر کدام را بر واکنش بازار به سود، واکنش قیمت به سود و واکنش حجم معاملات به سود بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که راهبرد شرکتی توانایی اثرگذاری بر واکنش بازار را تا حد بالایی دارند.

بنتلی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی اینکه آیا راهبرد کسب و کار بر محیط اطلاعاتی شرکت ها تأثیر دارد؟ به این نتیجه رسیدند که راهبرد کسب و کار نشأت گرفته از هزینه های تحقیق و توسعه و سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود شرکت می باشد و به طور خاص توانایی اثر گذاری بر محیط اطلاعاتی را دارد. به عبارتی راهبرد کسب و کار منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه گذاران می شوند.

آسدمیر و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی راهبرد شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که افشای داوطلبانه و اختیاری اطلاعات توسط شرکت های که از راهبرد رهبری هزینه استفاده می کنند بیشتر از شرکت هایی است که راهبرد تمایز دارند و در نتیجه اعلان سود، عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار افزایش می دهد.

نور الحق و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی راهبردهای کسب و کار و کیفیت سود پرداخته اند. این پژوهش بیان می کند که شرکت های با راهبرد تدافعی با سطوح بالایی از مدیریت سود و شرکت های با راهبرد آینده نگر با سطوح بالایی از محافظه کاری حسابداری مرتبط هستند.

بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی دیگر به بررسی راهبرد کسب و کار، تخلفات در گزارشگری مالی و تلاش حسابرس پرداخته اند. آنان در این پژوهش به این نکته دست یافتند که شرکت هایی با راهبرد آینده نگر با سطوح پایین تری از عدم تقارن اطلاعاتی در مقایسه با شرکت هایی با راهبرد تدافعی مرتبط هستند. همچنین شرکت های با راهبرد آینده نگر بیشتر درگیر تخلفات گزارشگری مالی و به تبع آن مستلزم تلاش حسابرسی بیشتری هستند.

پیشینه داخلی

تنایی و محب خواه (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین راهبرد کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که میزان مدیریت سود در شرکت های تدافعی نسبت به شرکتهای تهاجمی (پیشگام) بیشتر است. همچنین، نتایج بیانگر آن است که محیط اقتصادی بر رابطه بین راهبردهای کسب و کار شرکت و کیفیت سود آن موثر می باشد. علاوه بر این، نتایج رابطه معناداری بین سطح محافظه کاری و

بازده سهام با نوع راهبرد شرکت‌ها را نشان نمی‌دهد. نتایج حاکی از آن است که محیط اقتصادی بر رابطه بین راهبردهای کسب و کار شرکت و بازده سهام آن موثر نیست.

قربان زاده (۱۳۹۳) به بررسی ضریب واکنش نسبت به سود و دلایل واکنش بازار پرداخته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که ضریب واکنش نسبت به سود با بتا، ساختار سرمایه، آگاهی دهندگی قیمت و ترکیب هیأت مدیره رابطه معکوس و با کیفیت سود، فرصت‌های رشد و شباهت در انتظارات سرمایه گزاران رابطه مستقیم و با اندازه شرکت و کیفیت حسابرسی رابطه قابل توجهی ندارد.

رضایی و عازم (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر شدت رقابتی و راهبرد تجاری بر ارتباط بین اهرم مالی و عملکرد شرکت‌ها می‌پردازند. نمونه این پژوهش شامل ۱۳۵ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۱ می‌باشد. با انجام تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، شرکت‌های مورد مطالعه از نظر نوع راهبرد تجاری به دو خوشه‌ی رهبر در هزینه و متمایز ساز محصول تفکیک شده‌اند. جهت تجزیه و تحلیل ارتباط بین متغیرهای پژوهش، از رویکرد داده‌های پانلی نامتوازن و روش گشتاورهای تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط منفی و معنی‌داری بین اهرم مالی و عملکرد شرکت‌ها وجود دارد. این یافته‌ها بر وجود اثرات متغیرهای تعدیلگر شدت رقابت در صنعت و راهبرد تجاری، بر رابطه بین اهرم مالی و عملکرد شرکت تأکید می‌نماید. این نتایج حاکی است، تأثیر اهرم مالی بر عملکرد، برای شرکت‌های پیرو راهبرد رهبری هزینه، نسبت به شرکت‌های متمایز ساز منفی‌تر است. از سوی دیگر، رابطه معنی‌دار و مثبتی نیز بین شدت رقابت و عملکرد شرکت‌ها مشاهده گردید.

عرب مازار یزدی و کرانی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین استراتژی افزایش سود و ضریب واکنش سود، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بین استراتژی افزایش سود و ضریب واکنش سود رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر شرکت‌های با استراتژی افزایش درآمد، نسبت به شرکت‌های با استراتژی کاهش هزینه، ضریب واکنش سود بزرگتری دارند.

احمدپور و احمدی (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و ضریب واکنش سود پرداخته‌اند. در این مطالعه از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی برای ارزیابی کیفیت سود استفاده شده

است. نتایج نشان داد، ضریب واکنش سود و همچنین قدرت توضیحی رگرسیون (قیمت-سود)، در پورتفوی شرکت های با کیفیت سود بالا نسبت به شرکت های با کیفیت سود پایین به طور معناداری بیشتر است. بنابراین فرضیه های پژوهش مورد قبول واقع شد.

تقفی و کردستانی (۱۳۸۳) به بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی پرداخته اند. هدف اصلی این تحقیق بررسی و تبیین رابطه بین کیفیت سود و بازده غیرعادی انباشته سهام در شرکت هایی است که سود نقدی آنها افزایش (کاهش) داشته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بر مبنای کیفیت سود مبتنی بر پایداری سود، واکنش بازار به افزایش سود نقدی شرکت ها بر خلاف پیش بینی مثبت است. همچنین بر مبنای کیفیت سود مبتنی بر رابطه سود و جریان نقدی عملیاتی، واکنش بازار به کاهش سود نقدی شرکت ها مطابق با پیش بینی مثبت است و بازده غیر عادی انباشته سهام با افزایش (کاهش) سود نقدی و سود غیر منتظره افزایش (کاهش) می یابد، یعنی واکنش بازار به تغییرات سود نقدی و تغییرات سود غیر منتظره مثبت و از نظر آماری معنی دار است. بنابراین ترتیب می توان گفت، سود نقدی، اطلاعاتی درباره ارزش شرکت فراهم می کند. تغییر قیمت سهام بر اثر تغییر سود حسابداری معیار قابل مشاهده ای از تغییر نظام مند باورهای سرمایه گذاران است که تحت تاثیر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری تغییر یافته است.

با توجه به پیشینه پژوهش شواهد نشان می دهد که تاکنون پژوهشی در ایران به صورت تطبیقی به بررسی ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز نسبت به اعلان سود نپرداخته و در مطالعه حاضر با استفاده چارچوب ارائه شده توسط پورتر (۱۹۸۰)، شرکت ها به دو گروه شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز تقسیم می شود. از ویژگی های راهبردی می توان به هزینه حاشیه فروش پایین با حجم فروش بالا، صرفه اقتصادی به نسبت مقیاس و سرمایه گذاری عمده در کارخانجات و دارایی های فیزیکی نام برد. این درحالیست که راهبرد تمایز با حاشیه فروش بالا همراه است و از کیفیت کالا و برندسازی تحقق یافته از طریق سرمایه گذاری در دارایی های نامشهود از قبیل سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه و تبلیغات بدست می آید. خصوصیات روش های فوق الذکر تأثیر دوگانه ای بر واکنش سرمایه گذار در قبال اطلاعات انتشار یافته درباره سود شرکت ها می گذارد.

در واقع مطالعه حاضر کیفیت تأثیرات راهبردی شرکت‌ها را به نسبت ضریب واکنش اعلان سود با استفاده از معادلات شکست ساختاری در اعلان سود بررسی می‌نماید. ضرورت استفاده از معادلات شکست ساختاری در این است که اگر طی سال‌های مورد بررسی اعلان سود در هر کدام از حجم نمونه سیر نزولی داشته باشد، نقاط شکست آن پیدا و نسبت به رفع آن اقدام شود. نتایج این سیستم دال بر تداوم پذیری صعودی اعلان سود در شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه می‌باشد. در نهایت با استفاده از آزمون والد به بررسی تفاوت در سطح دو گروه پرداخته شد و پس از آن با استفاده از ضریب تعیین برازش مدل در سطح شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز نسبت به فرضیه پژوهشی تصمیم‌گیری شده است. این پژوهش به ارتقاء سطح دانش در خصوص تغییرات مقطعی واکنش بازار به اعلان سود یاری می‌رساند. علاوه بر این در این پژوهش همگرایی واکنش بازار به اعلان سود از طریق تغییر در راهبردها در کسب و کار در قالب شرایطی قابل پیش‌بینی نشان داده شده است.

فرضیه پژوهشی

شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز نسبت به شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه واکنش کمتری از خود نسبت به اعلان سود نشان می‌دهند.

الگوی تحقق فرضیه پژوهشی

فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که متغیرهای بی‌شماری بر نقش راهبردهای کسب و کار در واکنش سود در بازار موثرند. این متغیرها عبارتند از متوسط گردش مالی، قیمت سهام، قدر مطلق بازده سهام، بازده انباشته سهام، انحراف معیار بازده سهام، اخبار بد، نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام، سود غیر منتظره، اهرم مالی، نسبت سود به قیمت و تعداد کارمندان که به پیروی از پژوهش فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) جهت بررسی آزمون فرضیه پژوهش، از مدل رگرسیونی چند متغیره و داده‌های ترکیبی به شرح رابطه (۱) استفاده می‌شود. فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) با استفاده از ضریب تعیین معادله واکنش سود^۲ به بررسی ارتباط بین ضریب واکنش سود و راهبردهای کسب و کار تجاری پرداخته‌اند.

رابطه (۱)

$$RtoE(-1 + 1)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MKTVOL_{it} + \alpha_2 LGPSRC_{it} + \alpha_3 ABSCAR_{it} \\ + \alpha_4 ABSRET_{it} + \alpha_5 RETVAR_{it} + \alpha_6 NEG CAR_{it} + \alpha_7 MTB_{it} \\ + \alpha_8 UE_{it} + \alpha_9 LEV_{it} + \alpha_{10} LOSS_{it} + \alpha_{11} EPRATIO_{it} \\ + \alpha_{12} NUMEST_{it} + \alpha_{13} LNMVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل فوق:

RtoE: اعلان سود.

MKTVOL: متوسط گردش مالی.

LGPRC: قیمت سهام.

ABSCAR: قدر مطلق بازده سالانه سهام.

ABSRET: قدر مطلق بازده انباشته سهام یک هفته و دو هفته قبل از اعلان سود.

RETVAR: انحراف معیار بازده سهام.

NEGCAR: اخبار بد.

MTB: ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام.

UE: سود غیر منتظره.

LEV: اهرم مالی.

LOSS: زیان.

EPRATIO: نسبت سود به قیمت.

NUMEST: لگاریتم تعداد کارمندان.

LNMVE: لگاریتم طبیعی یک هفته قبل از اعلان سود ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

£: خطای مدل.

سنجش متغیرهای پژوهش

مبتنی بر پژوهش فرناندو و همکاران (۲۰۱۵)، اندازه گیری متغیرهای بکار گرفته شده در رابطه (۱) به شرح زیر می باشد.

اعلان سود (Reaction to Earnings): در این پژوهش متغیر واکنش بازار نسبت به اعلان سود به پیروی از پژوهش فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) بر اساس ارزش سهام یک هفته قبل از اعلان سود که از طریق بازده انباشته سهام یک هفته قبل از اعلان سود منهای میانگین بازده انباشته سهام در خارج از تاریخهای اعلان سود سنجیده شده است.

متوسط گردش مالی (MKTVOL): متوسط گردش مالی که از میانگین حجم معاملات طی سال بدست می آید.

قیمت سهام (LGPRC): قیمت سهام که از لگاریتم طبیعی قیمت سهام در پایان دوره مالی بدست می آید.

قدر مطلق بازده سهام (ABSCAR): قدر مطلق بازده سهام از قدر مطلق بازده سالانه سهام بدست می آید.

بازده انباشته سهام (ABSRET): بازده انباشته سهام که از قدر مطلق بازده انباشته سهام یک هفته و دو هفته قبل از اعلان سود بدست می آید.

انحراف معیار بازده سهام (RETVAR): انحراف معیار اجزای باقیمانده مدل بازار از ۶۴ روز قبل تا ۲ روز قبل از اعلان سود.

اخبار بد (NEGCAR): متغیر مجازی، چنانچه بازده سهام منفی باشد، عدد یک تعلق می گیرد و در غیر اینصورت عدد صفر به خود اختصاص می دهد.

نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام (MTB) نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام از تقسیم ارزش بازار سهام بر ارزش دفتری سهام بدست می آید.

سود غیر منتظره (UE): سود غیر منتظره از تفاوت سود واقعی یک هفته قبل از اعلان سود و سود پیش بینی شده یک هفته قبل از اعلان سود بدست می آید.

اهرم مالی (LEV): اهرم مالی از بدهی بلندمدت تقسیم بر جمع دارایی ها بدست می آید.

زیان (LOSS): متغیر مجازی زیان، چنانچه طی دوره t زیان گزارش شود، عدد یک تعلق می گیرد و در غیر اینصورت عدد صفر به خود اختصاص می دهد.

نسبت سود به قیمت (EPRATIO): نسبت سود به قیمت از تقسیم سود خالص به قیمت سهام بدست می آید.

تعداد کارمندان (NUMEST): لگاریتم تعداد کارمندان هر شرکت که در پیوست صورت های مالی افشاء می شود.

ارزش بازار حقوق صاحبان سهام یک هفته قبل از اعلان سود (LNMVE): ارزش بازار حقوق صاحبان سهام لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام یک هفته قبل از اعلان سود.

در ادامه به نحوه تفکیک شرکت ها بر اساس راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و راهبردهای کسب و کار تمایز پرداخته می شود.

تفکیک شرکت ها بر اساس راهبردهای کسب کار

بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) از پنج متغیر حسابداری جهت تعیین راهبردهای کسب و کار شرکت ها استفاده نموده اند. شرکت هایی که دارای سطح بالایی از این متغیرها باشند دارای استراتژی متهورانه و سایر شرکت ها دارای استراتژی تدافعی هستند. این متغیرها عبارتند از نسبت فروش شرکت به تعداد کارکنان، درصد رشد فروش شرکت، نسبت هزینه عمومی، اداری و فروش به فروش شرکت، ارزش دفتری دارایی های ثابت به ارزش دفتری کل دارایی های شرکت و نسبت تغییرات کارکنان از سال صفر به سال پایه. در مقابل نوع شناسی^۳ (تایپولوژی) پورتر (۱۹۸۰) بر مشتریان و رقبا تمرکز دارد. با توجه به چارچوب ارائه شده توسط پورتر (۱۹۸۰)، یک شرکت می تواند با دستیابی به مزیت رقابتی با پیروی از راهبردهای کسب و کار، اعلان سود خود را در بازار افزایش دهد. مطابق با پژوهش فرناندو و همکاران (۲۰۱۵) راهبردهای کسب و کار به دو راهبرد رهبری هزینه و راهبرد تمایز تقسیم می شوند. بر این اساس شرکت های نمونه به دو دسته زیر تقسیم می شوند.

شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه (CL): نحوه تفکیک شرکت ها در راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه بر اساس تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی در رهبری

هزینه‌ها طی بازه زمانی ۵ ساله می‌باشد. بدین صورت که نخست متوسط نسبت فروش به هزینه‌های سرمایه و فروش به خالص ارزش دفتری دارایی‌ها و اموال و تجهیزات و لگاریتم تعداد کارمندان به خالص ارزش دفتری دارایی‌ها و اموال و تجهیزات از $t-1$ تا $t-5$ نسبت به سال پایه (t) برای کلیه شرکت‌های نمونه محاسبه خواهد شد. بعد از محاسبه میانگین، ابتدا اقدام به مرتب سازی شرکت‌ها از کوچک به بزرگ نموده و سپس بر اساس میانه مشاهده‌ها اقدام به اختصاص عدد یک و صفر خواهد شد. در صورتی که برای هر سه متغیر عدد اختصاص یافته یک باشد یا به عبارتی جمع نمره راهبری شرکتی برابر با ۳ باشد، به منزله اجرایی نمودن راهبردهای کسب و کار رهبری بها در آن شرکت می‌باشد. قدر مسلم تعلق نمره صفر به منزله اجرا نکردن راهبردهای کسب و کار رهبری در این شرکت‌ها می‌باشد. پس بر این اساس در این مرحله شرکت‌هایی که جمع نمره آن‌ها برابر با ۳ باشد، از دیگر شرکت‌ها جدا شده و به عنوان شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری شناسایی می‌شوند. این شرکت‌ها به عنوان یک نمونه پیوسته، از ساختار راهبری رهبری هزینه می‌باشد (فرناندو و همکاران، ۲۰۱۵).

در تکامل ادبیات مشروحه فوق، مدل ریاضی تفکیک شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری بدین صورت است که جهت جداسازی شرکت‌هایی با راهبری رهبری هزینه در سال مالی ۱۳۹۳، رابطه زیر برای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ محاسبه و ملاک کار در سال ۱۳۹۳ قرار داده می‌شود و برای کلیه سال‌های پژوهش، به شرح رابطه (۲) می‌باشد.

رابطه (۲)

$$CL = \text{Average of Rate Sales to Capital Costs} \\ + \text{Average of Rate Sales to ppe} \\ + \text{Average of log number of Employees to ppe}$$

شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز (DIFF): نحوه تفکیک شرکت‌ها در راهبردهای کسب و کار تمایز بر اساس تجزیه و تحلیل عوامل راهبرد تمایز طی بازه زمانی ۵ ساله می‌باشد. بدین صورت که نخست متوسط نسبت هزینه‌های عمومی و اداری (SG&A) به فروش و فروش به بهای تمام شده کالای فروش رفته از $t-1$ تا $t-5$ نسبت به سال پایه (t) برای کلیه شرکت‌های نمونه محاسبه خواهد شد. بعد از محاسبه میانگین ابتدا اقدام به مرتب سازی شرکت‌ها از کوچک به بزرگ نموده و سپس بر اساس میانه مشاهده‌ها اقدام به اختصاص عدد یک و صفر خواهد شد. در صورتی که برای هر دو متغیر عدد اختصاص یافته یک باشد، جمع

نمره راهبری شرکتی ۲ باشد، به منزله اجرایی نمودن راهبردهای تمایز در آن شرکت می‌باشد. قدر مسلم تعلق نمره صفر به منزله اجرا نکردن راهبردهای کسب و کار تمایز در این شرکت‌ها می‌باشد. پس بر این اساس در این مرحله شرکت هایی که جمع نمره آن‌ها برابر با ۲ باشد، از دیگر شرکت‌ها جدا شده و به عنوان شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز شناسایی می‌شوند. این شرکت‌ها به عنوان یک نمونه پیوسته، از ساختار راهبردهای تمایز می‌باشد (فرناندو و همکاران، ۲۰۱۵).

در تکامل ادبیات مشروحه فوق، مدل ریاضی تفکیک شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز بدین صورت است که جهت جداسازی شرکت هایی با راهبرد تمایز در سال مالی ۱۳۹۳، رابطه زیر برای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ محاسبه و ملاک کار در سال ۱۳۹۳ قرار داده می‌شود و برای کلیه سال‌های پژوهش، به شرح رابطه (۲) می‌باشد.

رابطه (۳)

$$DIFF = \text{Average of Rate SG\&A to Sales} \\ + \text{Average of Rate Sales to Costing}$$

در نهایت جهت تصمیم‌گیری در خصوص تایید یا رد فرضیه پژوهش از آزمون مقایسه ضرایب تغییرات در دو جامعه استفاده می‌شود. آزمون والد بهترین برازش‌کننده این آزمون می‌باشد. نحوه کار بدین صورت است که با استفاده از آزمون والد تفاوت در دو جامعه بررسی می‌شود. سپس با استفاده از ضریب تعیین معادله واکنش سود در برازش دو مدل اقدام به نتیجه‌گیری فرضیه پژوهشی می‌شود. انتظار می‌رود که ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز بیشتر باشد.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. همچنین از روش حذف سیستماتیک برای انتخاب نمونه استفاده می‌شود. کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ که دارای شرایط زیر باشند به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند:

۱. قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته شده باشند.
 ۲. سال مالی آن‌ها پایان اسفند بوده و در طول دوره تحقیق تغییر در سال مالی نداشته باشند.
 ۳. داده‌های مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد.
 ۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه‌ها و بانک‌ها نباشد.
 ۵. حداقل هر ۶ ماه یک بار سهام آن‌ها در بورس معامله شده باشد.
- با توجه به محدودیت‌های فوق‌الذکر شرکت‌های حائز شرایط ۱۴۷ شرکت می‌باشد، که با توجه به تفکیک بندی شرکت‌ها بر اساس راهبردهای کسب و کار، حجم نمونه برای شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه ۴۳ شرکت و حجم نمونه برای شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز ۸۸ شرکت می‌باشد. شایان ذکر است که تعداد ۱۷ شرکت هم‌عضو شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه بودند و هم‌عضو شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار بودند و همچنین ۱۶ شرکت در هر دو مرحله نمره صفر گرفتند. با مشخص شدن حجم نمونه، مدل پژوهشی برای هر دو جامعه برآورد می‌شود.

روش اجرای پژوهش

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش داده‌های تابلویی می‌باشد، زیرا به منظور بررسی رابطه بین متغیرها از دو جنبه متفاوت موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. از یک سو، این متغیرها در میان شرکت‌های مختلف و از سوی دیگر، در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۸ آزمون می‌شوند. در این مطالعه برای برآزش مدل‌ها از نرم افزار ایویوز بهره گرفته شده است و داوری در مورد رد یا پذیرش فرضیه‌ها با کمک آزمون شکست ساختاری انجام شده است. وجود شکست ساختاری در سری‌های زمانی اقتصادسنجی به علت وجود شوک‌ها از قبیل جنگ، تحریم‌ها، نوسانات آب و هوایی و ... بسیار رایج است. در این مطالعه از آزمون شکست ساختاری در جهت کشف کاهش یا افزایش اعلان طی سال‌های متوالی یا سیر نزولی در روند اعلان سود طی سال‌های مورد بررسی در هر دو حجم نمونه استفاده می‌شود. در صورت وجود شکست، نقاط شکست بازبینی و نسبت به رفع آن با استفاده از حذف آن شکست از حجم هر نمونه پژوهش و برآورد مقطعی اقدام می‌شود. اهمیت این آزمون در این پژوهش بر این است که مشخص شود، علی‌رغم استفاده از راهبردهای متفاوت در کدام سال و به چه دلیل اعلان

سود نسبت به دیگر سال‌های دوره بررسی پژوهش از ضریب واکنش کمتری به بازار برخوردار است. اگر با توجه به شرایط و مقتضیات حاکم بر متغیرهای مالی، تغییر در روند متغیرها همراه با تغییر در پارامترهای مدل صورت بگیرد، یا به عبارت دیگر اگر در پایداری پارامترهای یک مدل خللی حاصل شود، این تغییرات را شکست ساختاری گویند. به عبارتی چنانچه اعلان سود در سال ۱۳۹۰ از ضریب واکنش کمتری در بازار نسبت به دیگر سال‌های مورد بررسی (۱۳۸۸-۱۳۹۳-۱۳۹۲-۱۳۹۱-۱۳۸۹ و ۱۳۹۴) برخوردار باشد، اعلان سود دچار شکست ساختار در بازار بورس اوراق بهادار تهران گردیده است و علل این شکست باید بررسی گردد. آزمون شکست ساختار در مدل‌های رگرسیون خطی ابتدا توسط کوانت (۱۹۵۸) و چاو (۱۹۶۰)، سپس توسط براون، دوربین و ایوانز (۱۹۷۵) صورت گرفت. در این مطالعات آزمون شکست ساختار در یک نقطه از پیش تعیین شده، به طور برونزا انجام می‌گیرد؛ اما از دهه ۱۹۹۰ روش‌های دیگری برای آزمون شکست ساختاری مورد استفاده قرار گرفته است، که در این روش‌ها آزمون مورد نظر را در نقطه یا نقاط نامشخص یا از پیش تعیین نشده به صورت برونزا انجام می‌دهد. این روش‌ها توسط اندریوز (۱۹۹۳) و اندریوز و پلبرگر (۱۹۹۴) برای حالت یک شکستی و اندریوز، لی و پلبرگر (۱۹۹۶)، لیو، وو و زیدک (۱۹۹۷) و بای و پرون (۱۹۹۸ و ۲۰۰۳) در حالت چند شکستی، ارائه شده است. در تحقیق حاضر از روش بای و پرون (۲۰۰۳، ۱۹۹۸) تعداد و محل نقاط شکست به صورت برونزا با استفاده از مدل رگرسیون خطی برآورد شده است. ابتدا فرض می‌شود که تغییر در راهبردهای کسب و کار تجاری (M+1) وجود داشته باشد، که در نتیجه M تغییر ساختاری خواهد داشت. بنابراین رگرسیون خطی دارای M شکست و (M+1) دسته پارامتر خواهد داشت که نمایش آماری آن‌ها به شرح رابطه (۴) می‌باشد.

رابطه (۴)

$$Y_t = x_t b + z_t d_1 + u_t \quad t = 1, \dots, T_1$$

.

.

.

$$Y_t = x_t b + z_t d_m + u_t \quad t = T_1 + 1, \dots, T_2 \dots$$

$$Y_t = x_t b + z_t d_m + 1 + u_t \quad t = T_m + 1, \dots, T$$

(T_1, T_2, \dots, T_m) نقاط شکست ساختاری نامشخص (از پیش تعیین نشده)، Y_t متغیر وابسته در

زمان t به ابعاد $(q \times 1)$ ، بردار متغیرهای مستقل با ضرایب متغیر در رژیم‌های مختلف، با ابعاد

$(p \times 1)$ ، بردار متغیرهای مستقل با ضرایب ثابت، b بردار ضرایب ثابت، d_j ($j=1,2,\dots,m+1$) بردار ضرایب متغیر و u^t جزء خطا در زمان t می‌باشد. اگر $(p=0)$ مدل شکست ساختار خالص است، یعنی همه ضرایب با d_j ها تغییر می‌کنند. در غیر اینصورت $(p>0)$ مدل با شکست جزئی می‌باشد. چون فقط d_j ها تغییر می‌کنند. فرض بر این است که b ، ثابت و d_j با تغییر رژیم تغییر می‌کند. هدف اصلی این است که ضرایب و نقاط شکست نامشخص $(b, d_1, \dots, d_{m+1}, T_1, \dots, T_m)$ رگرسیون را وقتی که T مشاهده از (x_t, y_t, z_t) موجود است، برآورد نماییم^۴. آماره‌های پیشنهادی توسط بای و پرون به منظور شناسایی و برآورد نقاط شکست به شرح زیر است.

آزمون $\sup F_T(k)$ با فرض صفر، $(M=0)$ ، به معنی عدم تغییر ساختار و فرضیه مقابل $(M=K)$ ، به مفهوم وجود K شکست در مدل می‌باشد؛

آزمون‌های UD_{\max} و WD_{\max} که، WD_{\max} نوع وزنی UD_{\max} است. وزن بکار رفته در این آزمون‌ها بستگی به تعداد متغیرهای توضیحی و سطح معنی داری آزمون دارد. فرض صفر این دو آزمون، نبود شکست ساختار $(m=0)$ و فرضیه مقابل، تعداد نامعلومی شکست با حداکثر تعداد M است؛

آزمون شرطی F یا $\sup F_T(l+I/I)$ این آماره معیاری برای تخمین دقیق تعداد و محل نقاط شکست می‌باشد. با فرض صفر l شکست در برابر فرض مقابل $l+1$ شکست، این آزمون اجرا می‌شود. در صورتی $l+1$ شکست پذیرفته می‌شود که مجموع مربعات خطای مدل رگرسیون با یک شکست اضافی کمتر از مجموع مربعات خطا با l شکست باشد^۵.

یافته‌های پژوهش

تغییر در راهبردهای شرکت می‌تواند، موجب شکست ساختاری در پویایی اعلان سود شود. لوکاس (۱۹۷۶) معتقد است هر تحلیل مالی که این شکست‌ها را لحاظ نکند، طبیعتاً کاربردی نخواهد داشت. با ارائه و بیان این چالش، تاکنون تعداد زیادی از مطالعات تجربی در زمینه راهبردهای کسب و کار صورت گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مدل بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی مانده‌ها است، که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه

محسوب می‌شود. همچنین لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد، تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی یا تلفیقی است و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع اثرات آن مشخص گردد. برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت و جهت انتخاب نوع داده‌ها از آزمون لیمر و هاسمن استفاده شده که نتایج آن در نگاره (۱) ارائه شده است:

نگاره (۱): نتایج مفروضات رگرسیونی

آزمون هاسمن		آزمون F لیمر		آزمون ناهمسانی واریانس		مدل‌های پژوهشی
آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	
۲۵۷/۵۱	۰/۰۰۰۰	۳/۳۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵	۰/۳۲۳۸	شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار رهبری هزینه (۴۳ شرکت)
۲۴۱/۲۶	۰/۰۰۰۰	۲/۱۵	۰/۰۰۰۰	۰/۲۵	۰/۵۳۶۲	شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز (۸۸ شرکت)

نتایج مندرج در نگاره (۱) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر است که نشان از همسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل‌ها به صورت رگرسیون حداقل مربعات معمولی می‌باشد. در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، نتایج آزمون F لیمر برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد، که بر مبنای این نتایج فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد شده و داده‌ها به صورت تابلویی تخمین زده می‌شود. با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. همان‌طور که در نگاره (۱) مشاهده می‌شود، نتیجه آزمون هاسمن برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز نشان می‌دهد که مقدار احتمال مربوط به این آماره‌ها از ۵ درصد کمتر است. بنابراین مدل‌های پژوهشی بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت

تخمین زده می‌شود. قبل از تخمین مدل اصلی پژوهش به تعیین نقاط شکست درونزا با استفاده از آزمون بای و پرون پرداخته شده و سپس مدل پژوهشی برازش شده است.

تعیین نقاط شکست درونزا با استفاده از آزمون بای و پرون (۱۹۹۸) و

(۲۰۰۳)

تعیین نقاط شکست درونزا بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ برای اعلان سود در بین شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار از اهمیت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال چنانچه در سال ۱۳۹۴ ضریب واکنش اعلان سود کمتری نسبت به دیگر بازه‌های زمانی پژوهش در بین شرکت‌هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه وجود داشته باشد، این مقطع از زمان به دلیل وجود شکست ساختاری در سری زمانی اعلان سود و واکنش آن نسبت به بازار از بازه زمانی حذف و از تخمین مقطعی استفاده می‌شود. نگاره (۲) نتایج آزمون‌های بای-پرون را با در نظر گرفتن حداکثر ۳ شکست برای سری‌های زمانی مورد مطالعه نشان می‌دهد. برای دوره زمانی (۱۳۸۸-۱۳۹۴) آماره $F_T(k)$ برای تمامی مقادیر k بین ۱ تا ۵ معنادار است که به معنای وجود شکست ساختاری در سری زمانی می‌باشد. همچنین هر دو آماره UD_{max} و WD_{max} در سطح بالایی معنادار هستند که دلالت بر وجود حداقل یک شکست در سری زمانی دارند. با این وجود آماره $supF_t(l+1/l)$ فقط به ازای $l=1/2$ در سطح یک درصد معنادار است و برای مقادیر بیشتر از آن حتی در سطح ۱۰ درصد هم معنادار نیست. بنابراین بر مبنای روش ترتیبی می‌توان سه شکست را انتخاب کرد. همچنین انتخاب نقاط شکست بهینه بر مبنای معیارهای BIC و LWZ نیز به ترتیب ۳ و ۲ شکست را پیشنهاد می‌دهند. بنابراین برای بازه فوق ۳ شکست را انتخاب می‌شود. برای بازه زمانی (۱۳۸۸-۱۳۹۰) نیز آماره‌های UD_{max} و WD_{max} وجود حداقل یک شکست را در بازه مورد نظر نشان می‌دهند، با این وجود آماره $supF_t(l+1/l)$ فقط به ازای $l=1$ معنادار است، و به ازای مقادیر بیشتر از آن معنادار نیست، اما هنوز استفاده از آزمون ترتیبی شکست را نمی‌توان استفاده نمود، زیرا با استفاده از نتایج معیارهای BIC و LWZ می‌توان نسبت به آزمون ترتیبی شکست ساختاری تصمیم‌گیری نمود. معیارهای BIC و LWZ نیز هر دو دقیقاً صفر شکست را پیشنهاد می‌دهند. بنابراین در این بازه هیچ شکست ساختاری انتخاب نمی‌شود.

نگاره (۲): نتایج آزمون بای-پرون (۱۹۹۸ و ۲۰۰۳) بر سری زمانی اعلان سود در افق های زمانی

متفاوت

آماره	(۱۳۸۸-۱۳۹۰)	(۱۳۸۸-۱۳۹۲)	(۱۳۸۸-۱۳۹۴)
Sup F _t (1)	۱۲/۴۲	۱۲/۲۶	۱۲/۲۳
Sup F _t (2)	۲۸/۱۵	۳۰/۱۸	۱۴/۱۲
Sup F _t (3)	۲۰/۰۰۱	۲۱/۱۷	۱۳/۹۴
Sup F _t (4)	۱۷/۹۵	۱۶/۵۶	۱۰/۱۴
Sup F _t (5)	۱۲/۷۳	۱۱/۵۲	۸/۵۳
UD _{max}	۲۸/۱۵	۳۰/۴۸	۱۴/۱۲
WD _{max}	۲۸/۱۵	۳۰/۴۸	۱۴/۱۲
SupF _t (2 1)	۴۶/۸۸	۴۲/۱۰	۱۲/۳۳
SupF _t (3 2)	۱۴/۴۲	۲/۲۴	۱۵/۰۵
SupF _t (4 3)	۰/۰۵	۲/۲۴	۴۱/۴۵
SupF _t (5 4)	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰
BIC	۰	۰	۰
LWZ	۰	۰	۰
Sequential	۰	۰	۰

نقاط شکست برآورد شده به همراه فاصله اطمینان ۹۰ درصدی آنها برای هر کدام از بازه‌ها نیز در نگاره (۲) ارائه شده است. همچنین با استفاده از نقاط شکست تخمین زده شده، میانگین اعلان سودها به همراه انحراف معیار مربوطه برآورد شده است، که در بخش دوم همان نگاره ذکر شده است. بر مبنای نتایج به دست آمده میانگین های تخمینی اعلان سود برای تمام بازه‌ها معنادارند. نکته مهم دیگر در این نگاره، برابر بودن نقاط شکست برآورد شده در بازه های مشترک است، که این را می توان جدا از ویژگی های سری زمانی مورد مطالعه به توان بالای آزمون بای-پرون نسبت داد. پس با توجه به معنادار بودن ضرایب اعلان سود طی بازه زمانی متفاوت نمی تواند تحت تأثیر شکست های ساختاری قرار بگیرد. باید توجه داشت که اصل اساسی در به دست آوردن نتایج فوق، فرض کردن انطباق زمانی انتقال های میانگین اعلان سود با راهبردهای کسب و کار متفاوت است، اگر چه گاهی تغییر تعریف شاخص ها به عنوان

یک عامل درونی خود می تواند سبب انتقال میانگین و شکست واقعی در سری زمانی اعلان سود شود.

نگاره (۳): نتایج واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه

$RtoE(-1, +1)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MKTVOL_{it} + \alpha_2 LGPSRC_{it} + \alpha_3 ABSCAR_{it} + \alpha_4 ABSRET_{it} + \alpha_5 RETVAR_{it} + \alpha_6 NEG CAR_{it} + \alpha_7 MTB_{it} + \alpha_8 UE_{it} + \alpha_9 LEV_{it} + \alpha_{10} LOSS_{it} + \alpha_{11} EPRATIO_{it} + \alpha_{12} NUMEST_{it} + \alpha_{13} LNMVE_{it} + \varepsilon_{it}$				
p_Value	آماره t	ضریب برآورد شده	متغیر	
۰/۰۰۳۲	۲/۰۱	۷/۴۲	C	ضریب ثابت
۰/۰۰۶۸	۲/۱۸	۱/۱۵	MKTVOL	متوسط گردش مالی
۰/۰۰۹۰	۲/۱۷	۱/۰۰۱	LGPRC	قیمت سهام
۰/۰۰۴۰	۳/۵۶	۳/۹۵	ABSCAR	قدر مطلق بازده سالانه سهام
۰/۰۰۹۳	۲/۵۲	۱/۷۳	ABSRET	قدر مطلق بازده انباشته سهام
۰/۱۳۸۲	۱/۴۸	۰/۱۵	RETVAR	انحراف معیار بازده سهام
۰/۰۰۰۳	-۲/۷۸	-۱/۵۵	NEGCAR	اخبار بد
۰/۰۱۳۳	۰/۱۰	۰/۸۸	MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۳۲	-۲/۲۴	-۰/۴۲	UE	سود غیر منتظره
۰/۰۰۶۸	-۳/۸۷	-۲/۱۵	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۰۹	-۲/۶۵۵	-۱/۴۲	LOSS	زیان
۰/۰۰۳۴	-۳/۳۴	-۳/۱۱	EPRATIO	نسبت سود به قیمت
۰/۰۲۱۳	-۲/۵۲	-۱/۷۳	NUMEST	لگاریتم تعداد کارمندان
۰/۰۵۲۱	۱/۴۸	۰/۱۵	LNMVE	لگاریتم طبیعی ارزش بازار
ضریب تعیین ۰/۸۹ تعدیل شده:	ضریب تعیین: ۰/۹۱	سطح معناداری نیکویی برازش: ۰/۰۰۰۰	آزمون دوربین واتسون: ۲/۰۳	آماره نیکویی برازش: ۱۸/۳۹

همچنین برخی از مطالعات با مقایسه سری زمانی اصلی با سری زمانی تعدیل شده نسبت به شکست های ساختاری (تخمین زده شده به وسیله روش هایی همانند روش بای و پرون) به طور مستقیم صحت معناداری اعلان سود در بازه های متفاوت در سری زمانی مورد مطالعه را مورد ارزیابی قرار داده اند که از آن جمله می توان به مطالعه چوی و زیووت (۲۰۰۷) اشاره کرد. در حالت کلی با توجه به معناداری ضرایب، جهت تخمین زدن ضریب واکنش با اتخاذ راهبردهای متفاوت، هیچ محدودیتی وجود ندارد. در ادامه با در نظر گرفتن نتایج پیش آزمون های آماری به تخمین مدل پژوهشی برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز و برطرف نمودن شکست های ساختاری، به برازش مدل پژوهشی پرداخته می شود که نتایج آن در نگاره (۲) و (۳) نشان داده شده است.

بر اساس نتایج مفروضات رگرسیونی مدل های پژوهشی با اثرات ثابت و واریانس ناهمسان و بدون خودهمبستگی مرتبه اول تخمین زده شد. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است. برای هر دو مدل پژوهش، با احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ برابر است که می توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این دو مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس همین نتایج ملاحظه مقدار آماره دورین واتسون نیز برای مدل پژوهش برابر با ۲/۰۳ و ۲/۰۶ و حاکی از آن است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضریب تعیین برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه برابر با ۰/۹۵ است و برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز برابر با ۰/۷۵ است و بدین معناست که ۹۵ درصد تغییرات متغیر وابسته برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و ۷۵ درصد تغییرات متغیر وابسته برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز، توسط متغیرهای مستقل حاضر در هر مدل توضیح داده می شوند. آزمون F (نیکویی برازش) از لحاظ آماری معنادار است و معناداری کل رگرسیون را تایید می نماید. این آزمون بیان می دارد که تمامی ضرایب متغیرهای مستقل مدل نمی توانند همزمان صفر باشند.

نگاره (۴): نتایج واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز

$RtoE(-1, +1)_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MKTVOL_{it} + \alpha_2 LGPSRC_{it} + \alpha_3 ABSCAR_{it} + \alpha_4 ABSRET_{it} + \alpha_5 RETVAR_{it} + \alpha_6 NEG CAR_{it} + \alpha_7 MTB_{it} + \alpha_8 UE_{it} + \alpha_9 LEV_{it} + \alpha_{10} LOSS_{it} + \alpha_{11} EPRATIO_{it} + \alpha_{12} NUMEST_{it} + \alpha_{13} LNMVE_{it} + \varepsilon_{it}$				
p_Value	t	ضریب برآورد شده	متغیر	
۰/۰۰۴۵	۱/۹۶	۱/۵۳	C	ضریب ثابت
۰/۰۰۰۰	۱/۸۶	۲/۳۵	MKTVOL	متوسط گردش مالی
۰/۰۰۲۳	۲/۰۱۷	۱/۰۱۰	LGPRC	قیمت سهام
۰/۰۴۷۱	۱/۸۶	۳/۶۹	ABSCAR	قدر مطلق بازده سالانه سهام
۰/۰۰۰۴	۲/۰۲	۱/۶۹	ABSRET	قدر مطلق بازده انباشته سهام
۰/۰۰۴۲	۱/۹۶	۱/۱۶	RETVAR	انحراف معیار بازده سهام
۰/۰۰۰۸	-۲/۰۱	-۱/۶۸	NEG CAR	اخیار بد
۰/۰۰۷۵	۱/۸۹	۱/۶۹	MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۰۲	-۱/۹۶	-۱/۵۳	UE	سود غیر منتظره
۰/۰۷۰۸	-۲/۱۶	-۱/۷۳	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰۰۰	-۲/۲۳	-۰/۲۹	LOSS	زیان
۰/۰۵۲۴	-۱/۹۷	-۲/۵۹	EPRATIO	نسبت سود به قیمت
۰/۰۰۵۲	-۱/۹۱	-۱/۲۸	NUMEST	لگاریتم تعداد کارمندان
۰/۰۶۰۷	۲/۸۱	۱/۲۶	LNMVE	لگاریتم طبیعی ارزش بازار
ضریب تعیین ۰/۷۱ تعدیل شده:	ضریب تعیین: ۰/۷۵	سطح معناداری نیکویی برازش: ۰/۰۰۰۰	آزمون دوربین واتسون: ۲/۰۶	آماره نیکویی برازش: ۱۴/۵۶

نتیجه فرضیه پژوهشی

با توجه به مقایسه واکنش سود در شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز نخست از آزمون والد نسبت به تصمیم گیری فرضیه پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون در نگاره (۵) نشان داده شده است.

نگاره (۵): بررسی ضریب واکنش سود در شرکت هایی با راهبردهای متفاوت کسب و کار با استفاده

از آزمون والد

نتیجه آزمون	F نگاره	آماره F والد	تطبیق ضریب واکنش سود
ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز تفاوت معناداری دارد.	۲/۵۶	۵/۴۶	شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز

فرضیه پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز بیشتر است یا خیر؟ در نگاه اول نمی توان نسبت به بیشتری یا کمتری ضریب واکنش سود اظهار نظر نمود؛ زیرا نخست باید وجود تفاوت در بین شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز اثبات شود و در صورت اثبات سپس نسبت به بیشتر یا کمتر بودن ضریب واکنش در بین این شرکت ها قضاوت نمود. منطبق بر نگاره (۵) آماره F والد برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز (۵/۴۶)، شواهد گویای وجود تفاوت معنادار در بین این شرکت ها است. پس تایید تفاوت معنادار در بین این گروه شرکت ها، زمینه ای را برای اظهار نظر در خصوص قدرت تأثیر گذاری شرکت ها و تصمیم گیری نسبت به فرضیه پژوهشی ایجاد می نماید. پس برای بررسی فرضیه پژوهش هدف کوچک تر بودن ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار

رهبری هزینه نسبت به ضریب واکنش شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به عنوان فرضیه صفر انتخاب و بزرگتر بودن این ضریب (عکس فرضیه صفر) به عنوان فرضیه مقابل در نظر گرفته شد. جهت بررسی اثر گذاری شرکت ها، از مقایسه ضریب تعیین مدل برازش شده در سطح شرکت هایی با راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه و شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز استفاده شده است. همان طور که در نگاره (۳) مشاهده می شود، ضریب تعیین اعلان سود برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه برابر است با ۰/۹۱ و مطابق با نگاره (۴) ضریب تعیین اعلان سود برای شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار تمایز برابر است با ۰/۷۵ که با اطمینان می توان اذعان نمود که واکنش بازار نسبت به اعلان سود در شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب و کار رهبری هزینه نسبت به واکنش بازار نسبت به اعلان سود شرکت هایی با اتخاذ راهبردهای کسب کار تمایز بیشتر است. از این رو فرضیه پژوهش تایید می شود. نتیجه فرضیه پژوهش با پژوهش فرناندو و همکاران (۲۰۱۵)، بنتلی و همکاران (۲۰۱۴) و بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) و نور الحق و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

نتیجه گیری

امروزه بیشتر سازمان ها به جای اتخاذ یک راهبرد جامع و واحد، از مجموعه ای از راهبردهای مرتبط استفاده می کنند، که هر یک در سطوح مختلفی از شرکت طراحی می شوند. شواهد پژوهش نشان داد که اتخاذ راهبردهای راهبرد رهبری هزینه توسط مدیران، منجر به بهبود اعلان سود در بین این شرکت ها خواهد شد. البته در شرکت های پذیرفته شده در بورس دو سطح راهبرد تحت عنوان راهبرد رهبری هزینه و راهبردهای تمایز بیش از سایر راهبردها رواج دارد. هر راهبرد علاوه بر پاسخگویی به شرایط محیطی، با راهبردهای سطوح دیگر و نیز با نقاط قوت و شایستگی های رقابتی واحد تجاری مربوط و با سطح شرکت به عنوان یک مجموعه واحد هماهنگ می باشد. مدیران می توانند با استفاده از افزایش فروش به نسبت هزینه های سرمایه و ارزش دارایی ها و کوچک سازی تعداد کارمندان نسبت به خالص ارزش دفتری دارایی ها، اعلان سود شرکت های تحت مدیریت خود را بهبود بخشند. این راهبرد با اعلان سود تعامل نزدیک و هماهنگی دارد و اگر کل شرکت بخواهد موفق شود باید این راهبرد را بومی سازی کند. به عبارتی مدیران با اتخاذ بهنگام افزایش فروش در مواقعی که هزینه ها در حال افزایش

هستند و با کاهش تعداد کارمندان در هنگامی که ارزش دارایی ها کاهش می یابد، سود شرکت ها به صورت سیستماتیک بهنگام می شود. راهبرد کسب و کار معمولاً در سطح محصولات یا واحد تجاری استراتژیک اجرا می شود و بر بهبود موقعیت رقابتی کالاها و خدمات شرکت در یک صنعت خاص یا یک بخشی از بازار خاص تأکید دارد. البته برخی راهبردها تأثیر چشم گیری بر سود شرکت ها نمی گذارند.

به منظور بررسی فرضیه ها، تأثیر شرکت و بررسی راهبرد شرکت در پاسخ به اعلان سود به عنوان میانگینی از اقدامات تغییر در باور، در پاسخ به سود و اعلان سود بررسی گردید. نخست با استفاده از ارزش سهام یک هفته قبل از اعلان سود که از طریق بازده انباشته سهام یک هفته قبل از اعلان سود منهای میانگین بازده انباشته سهام در خارج از تاریخ های اعلان سود به عنوان یک اقدام تجدید نظر اعتقادی با توجه به اعلان سود، تأثیر راهبرد شرکت در میزان بررسی و بازنگری باورهای ناشی از اعلان سود بررسی می گردد. این پژوهش توجه منحصر به فردی به استفاده از واکنش بازار اعلان سود در درک محیط اطلاعاتی شرکت دارد. اطلاعات جدید در مورد اعلان سود نظیر ارزش سهام یک هفته قبل از اعلان سود منجر به تجدید نظر در اعتقادات فردی سرمایه گذاران در مورد ارزش شرکت است. اگر این تجدید نظر اعتقادات فردی بازار را تغییر دهد، میانگین این تغییرات در قیمت ها منعکس می شود. در قسمت دوم، با توجه به اطلاعات ارائه شده در مورد اعلان سود، اطلاعات محتوایی سود بیان شد. بر این اساس که بر مبنای آزمون قیمت به اعلان سود، در مورد برخی تحقیقات اخیر شک و تردید وجود داشت (بال و شیواکومار، ۲۰۰۸). سپس، با تکیه بر درجهی آزمون عوامل اثر گذار بر اعلان سود و با استفاده از ضریب تعیین این معادله، استدلال شد اهمیت دادن به اعلان های سود و اطلاعات جدید به سرمایه گذاران فردی به طور متوسط اثر فراوانی بر بازار دارد و در نتیجه، حل و فصل اختلاف سرمایه گذاران در طول زمان افزایش داشته است (کوپر، ۲۰۱۵). شواهد نشان داد که هر چقدر مدیریت از هزینه های تحقیق و توسعه و دارایی های نامشهود بکاهد، به لحاظ مقایسه ای توانایی بهبود اعلان سود را به نسبت متوسط فروش به هزینه های سرمایه و فروش به خالص ارزش دفتری دارایی ها و اموال و تجهیزات و لگاریتم تعداد کارمندان به خالص ارزش دفتری دارایی ها و اموال و تجهیزات ندارد. در واقع هر نوع تدابیر در راستای کاهش هزینه های تحقیق و توسعه و دارایی های نامشهود شاید بر ضریب واکنش اعلان سود اثر گذار باشد، اما قدرت اثر گذاری

راهبردهای رهبری هزینه‌ها بر ضریب واکنش اعلان سود واکنش بیشتری نشان می‌دهد. با تکیه بر ادبیات راهبردهای کسب و کار، شرکت‌ها قادر به پیش بینی و ارائه مدارک منحصر به فرد اطلاعاتی در خصوص اعلان سود حسابداری را فراهم می‌نمایند. این نتیجه در جهت تایید و درک نظری اثرات مفید به نظر می‌رسد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که به طور متوسط واکنش بازار، در راستای تغییرات قیمت، به اعلان سود حسابداری می‌باشد. همچنین این نتایج ممکن است پیامدهای عملی داشته باشد. به عنوان مثال تصمیم گیری در مورد سیاست‌های حسابداری به ارائه راهکارهای حسابداری مفیدتر منجر می‌گردد. همچنین سیاستگذاران ممکن است با در نظر گرفتن اطلاعات مختلف، نقش اعلان سود حسابداری را در انواع شرکت‌ها بررسی کنند.

پی نوشت

- ۱ Economy of Scale
- ۲ Earnings response coefficients
- ۳ Typologies
- ۴ جهت مطالعه بیشتر راجع به چگونگی برآورد مدل و تخمین نقاط شکست به بای و پرون (۱۹۹۸ و ۲۰۰۳) مراجعه شود.
- ۵ لازم به ذکر می‌باشد که در این آزمون‌ها اگر مقدار آماره محاسبه شده از مقدار بحرانی بیشتر باشد، فرض صفر رد می‌شود. به عنوان مثال اگر در آزمون‌های و آماره محاسباتی از مقدار بحرانی بیشتر باشد، در مدل مورد نظر حداقل یک نقطه شکست موجود است.

منابع

- Ahmadpour, Ahmad, Ahmadi, Ahmad (2008). Investigating the Effect of Total Corporate Risk on Profitability Coefficient, Journal of Accounting and Auditing. 1387; 52 (In Persian).
- Andrews, D. & Ploberger, W. (1994). "Optimal Change Point Tests Normal Linear Regression", *Econometrica*, Vol. 64, pp. 9-38.
- Andrews, D. W. K. (1991). "Heteroskedasticity and autocorrelation consistent covariance matrix estimation." *Econometrica*, vol. 59, number 3, pp. 817-858
- Andrews, D. W. K, Lee, I. & Ploberger, W. (1996). "Optimal Change Point Tests Normal Linear Regression", *Econometrica*, Vol. 64, pp. 9-38.
- Andrews, D. W. K. (1993). "Tests for Parameter Instability and Structural Change with Unknown Change Points", *Econometrica*, Vol. 61, pp. 821-856.
- Andrews, Donald, W. K. & Monahan, J. C. (1992). "An Improved Heteroskedasticity and Autocorrelation Consistent Covariance Matrix Estimator", *Econometrica*, Vol. 60, pp. 953-966.

- Arab Mazar Yazdi, Mohammad and Kerani, Kambiz. (2011). Investigating the Relationship between Increase Profit Strategy and Earnings Reaction Coefficient, Evidence from Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*. Article 18. No. 64. 128-113 (In Persian).
- Asdemir, O. , Fernando, G. D. , Schneible, R. A. , & Tripathy, A. (2014). Firm Strategy and Information Asymmetry. *Working Paper. Tacoma: University of Washington*.
- Bagnoli, M. , Clement, M. & Watts, S. G. (2006). Around-the-Clock Media Coverage and the Timing of Earnings Announcements. *McCombs Research Paper Series No. ACC-02-06, available at: <http://ssrn.com/abstract/570247>*.
- Bagnoli, M. , Kross, W. , & Watts, S. G. (2002). The Information in Management's Expected Earnings Report Date: A Day Late, a Penny Short. *Journal of Accounting Research*, 40 (5) , 1275–1296.
- Bai, J. and Perron, P. (2003a). "Computation and Analysis of Multiple Structural Change Models", *Journal of Applied Econometrics*, Vol. 18, pp. 1-22.
- Bai, J. and Perron, P. (2003b). "Critical Values for Multiple Structural Change Tests", *Econometrics Journal*, Vol. 6, pp. 72-78.
- Bai, J. Perron, P. (1998). "Estimating and Testing Linear Models with Multiple Structural Changes", *Econometrica*, Vol. 66, pp. 47-78.
- Ball, R. and Shivakumar, L. (2008) , "Earnings Quality in U. K. Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness", *Journal of Accounting and Economics*, PP. 83–128.
- Bentley, K A. , Omer, T. C. and Sharp, N. Y. (2012). Business Strategy, Financial Reporting Irregularities, and Audit Effort. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1705726>.
- Bentley, K. , Omer, T. , & Twedt, B. (2014). Does business strategy impact a firm's information environment? *Working paper. University of New South Wales*.
- Choi, K. , and Zivot, E. (2007). Long Memory and Structural Changes in the Forward Discount: An Empirical Investigation, *Journal of International Money and Finance*, 26: 342-363
- Chow, G. C. (1960). "Tests for Inequality between Sets of Coefficients in Two Linear Regression", *Econometrica*, Vol. 28, pp. 591-605.
- Cooper, M. J. (2015). Voluntary Disclosure and Investor Sentiment. *Working paper, University of Utah*.
- Cullinan, C. P. , Wang, F. , Yang, B. , & Zhang, J. (2012). Audit opinion improvement and the timing of disclosure. *Advances in Accounting*, 28 (2) , 333–343
- Diamond, D. , & Verrecchia R. (1991). Disclosure, liquidity and the cost of equity capital. *The journal of finance*, September, PP. 1335-1360.
- Fernando. Guy. D., Richard. A., Schneible. Jr. , Arindam. Tripathy. (2015). Firm strategy and market reaction to earnings. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*. ADIAC-00296; No of Pages 15.
- Ghorbanzadeh, Alireza (2012). Reaction Rate for Profit and Reasons for Market Reaction. *Monthly Scientific Educational Management Specialist*. Volume 23. Number 249. 56-60 (In Persian).

- Hambrick ,a, (2003). On the staying power of defenders, analyzers, and prospectors. *Working paper*, Pennsylvania State University.
- Kothari, S. P. , Shu, S. , & Wysocki, P. D. (2009). Do Managers Withhold Bad News? *Journal of Accounting Research*, 47 (1) , 241–276.
- Liu, J. , Wu, S. and Zidek, J. V. (1997). "On Segmented Multivariate Regressions", *Statistica Sinica*. Vol. 7, pp. 497-525.
- Lucas, R. E. , Jr. (1976). "Econometric Policy Evaluation: A Critique", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, Vol. 1, pp. 19-46.
- Miles R, Snow C. (1978). *Organizational Strategy, Structure, and Process*. McGraw-Hill: New York.
- Nurul Houqe, M. , Kerr, M. and Monem, M. (2013). Business Strategy and Earnings Quality. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2198626>.
- Porter, M. E. , (1988). *Competitive Strategy: Techniques for Analyzing Industries and Competitors*. Free Press, New York.
- Roychowdhury, s. & Sletten, E. (2012). Voluntary Disclosure Incentives and Earnings Informativeness. *The Accounting Review*, 87 (5) , 1679-1708.
- Saghafi, Ali and Kordestani, Gholamreza. (2004). Exploring and explaining the relationship between earnings quality and market reaction to changes in cash profit. *Accounting and Auditing*, Volume 11, Number 37, 51-72 (In Persian).
- Sengupta, P. (2004). Disclosure timing: Determinants of quarterly earnings release dates. *Journal of Accounting and Public Policy*, 23, 457-482.
- Shahmirzadi, Hossein Esmaili (2013) , Investigating the Impact of Cost Leadership Strategy on Increasing the Export of Petrochemical Products (Case Study: National Iranian Petrochemical Industries Co. , *Journal of Management Accounting Knowledge and Audit*, Second Year, No. 8) (In Persian).
- Tania, Mohsen and Mahbakhsh, Mohammad. (2014). Investigating the relationship between business strategy and earnings quality and stock return in companies listed on the stock exchange. *Journal of Experimental Accounting Research*. forth year. No. 13 105-127 (In Persian).
- Walker, O. C. & Ruekert, R. W. (1987). Marketing's role in the implementation of business strategies: A critical Review and conceptual framework; *Journal of Marketing*; V. 51, July: pp. 15-33.

Evaluating the Profits Response in Companies with Heterogeneous Business Strategies

Vahid Bekhradinasab¹, Fatemeh Zholanezhad²

Received : 2017/04/10

Approved: 2017/08/08

Abstract

This study examines the reaction of profits in companies with different and heterogeneous strategies in business. Accordingly, the company's response rate is compared with adopting cost-management business strategies and companies that adopt business differentiation strategies versus profit declarations. The profit declaration survey has been performed using structural failure equations. The necessity of using structural failure equations is to solve the probable structural failure points due to the downside of the reaction of profit. The research sample includes 43 companies adopting cost leadership strategies and 88 companies with differentiated business acquisition strategies during the period from 2009 to 2015. The Eviews is used to investigate research hypothesis. Evidence from the present study suggests that companies pursuing cost leadership strategies, declare their profits publicly than companies that have differentiated methods, with better changes in corporate earnings declarations to users of financial information. As a result, companies that pursue differentiation strategies are subject to heterogeneous interpretations and fewer changes in investor beliefs. Also, the results of structural failure equations indicate a bullish profitability continuity in companies by adopting business leadership strategies.

Keywords: Cost Leadership Strategy, Differentiation Strategy, Profit Declaration.

JEL classification: G10, M41, L1

DOI: 10.22051/ijar.2017.14920.1288

¹ MSc. of Accounting, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran.
(vahid.bekhradinasab@gmail.com)

² MSc. of Accounting, Corresponding Author, (jolanejad1022@gmail.com)

Table of content

What are the Important and Affection of Implementing International Accounting Standards?	1
Gholamreza Soleimani Amiri, Mandana Taheri, Yasin Amini	
A Review on Auditing Quality Proxies: Applications and Weak and Strong Points	33
Bahman Banimahd, Mehdi Arabi, Shiva Hassanpour, Shahrokh Bozorgmehrian	
The Survey of the Managerial Overconfidence on the Improper Adjustment Costs	65
Kaveh Ghaderi, Salhodin Ghaderi	
Investigating the Sticky Accruals Costs versus Costs Paid in Cash..	85
Majid Azarpour, Soraya Weysihsar	
The Effect of Audit Committee Quality on Disclosure Level of Corporate Social Responsibility	105
Zoherh Hajiha, Hossein Rajabdoory	
Examine the Relationship between Intellectual Capital and Market Value and the Financial Performance of Accepted Public Companies Listed on the Tehran Stock Exchange	123
Mehrdad Ghanbari, Kaveh Parandin	
Corporate Social Responsibility: Concepts, Dimensions, Theories and Review of Models	143
Nezamodin Rahimian, Morteza Kazempour	
Evaluating the Profits Response in Companies with Heterogeneous Business Strategies	167
Vahid Bekhradinasab, Fatemeh Zholanezhad	

IN THE NAME OF GOD

Quarterly Journal of Accounting Research
Winter 2018, Volume 8, Issue number 4
Number 31

Jornal of

Accounting research

Licence Holder: Alzahra University
Director: Rahmani. Ali, Prof. Alzahra University
Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University
Executive Manager: Behbahaninia. Parisa saadaat, Assistant Prof. Alzahra University
Editorial Board:
Behbahaninia, Parisa saadaat, Assistant Prof. of Alzahra University
Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University
Hoseini, Seyed Ali, Assistant Prof. of Alzahra University
Haghighat, Hamid, Associate Prof. of Imam Khomeini International University
Khodadadi, Vali, Associate Prof. of Chamran University
Khalifesoltani, seyed Ahmad, Associate Prof. of Alzahra University
Kashanipour, Mohamad, Associate Prof. of Tehran University
Kordestani, Gholamreza, Associate Prof. of Imam Khomeini International University
Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University
Mashayekhi, Bita, Associate prof. of Tehran university
Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University
Mehrani, Kaveh, Associate Prof. of Tehran university
Valizadeh Larijani, Azam, Assistant Prof. of Alzahra University
Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa saadaat
Literally editor: Taheri, Mandana
English Editor: Mostafaie, Parasto
Cover Designer: Samadian, Maryam
Lay out editor: Esfandi, Khadijeh
Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh
Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973
Tel: (+9821) 85692421- 85692745
Fax: 88252178
Website: <http://ijar.alzahra.ac.ir/>
Email: jar@alzahra.ac.ir